



فصلنامه علمی - پژوهشی

مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

شماره ۳۵. بهار ۱۳۹۶

شاپا: ۱۷۳۵-۲۲۴x

صاحب امتیاز: وزارت ورزش و جوانان

مدیرمسئول: محمد رضا فضلی

سر دبیر: سید نصراله سجادی

مدیر داخلی و ویراستار: زهرا کمالیان

صفحه آرا: پردیس واهب زاده

چاپ و صحافی: نشر دانشگاه هنر

مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی

بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان

تلفن: ۲۲۶۶۲۳۶۹، دورنگار: ۲۲۶۶۲۲۶۰

رایانامه: strategic.studies@msy.gov.ir

سامانه ارسال مقاله: <http://faslname.msy.gov.ir>

اقتباس و درج مطالب با ذکر ماخذ آزاد است.

فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان دارای

اعتبار علمی - پژوهشی $\frac{۳/۱۸/۸۰۳۳}{۱۳۹۳/۱/۲۵}$ از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است
و در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می شود.

هیئت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

کیومرث اشتریان

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمدجواد پور

استادیار گروه روش ها و برنامه های آموزشی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

سید نصراله سجادی

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران و معاون توسعه ورزش قهرمانی و حرفه ای وزارت

ورزش و جوانان

مهدی طالب پور

دانشیار گروه رفتار حرکتی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد

محمدحسین عبدالهی

دانشیار گروه روانشناسی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی

فرزاد غفوری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی

محمد کشتی دار

دانشیار گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند

محمود گلزاری

دانشیار گروه روانشناسی بالینی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی و معاون ساماندهی امور

جوانان وزارت ورزش و جوانان

امیر ملکی

دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

حبیب هنری

دانشیار دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی و عضو کمیته علمی - پژوهشی مرکز مطالعات و

پژوهش های راهبردی وزارت ورزش و جوانان

مشاوران علمی این شماره:

امیر حسین واعظی، حسن کلاشلو، سید محسن بنی جمالی، حمیدرضا نیکخواه، شهرام فرج زاده موالو، لطیف سعادت‌ی سیدگللو، مهدی شکرانی، ذبیح اله صدفی، ابوالقاسم حیدرآبادی، محمد مهدی شمسایی، مسعود دارابی، حسین اسکندری، برزو مروت، لقمان کشاورز، مهدی نادری نسب، محمد رسول خدادادی، فرزاد نوبخت، مهدی سلیمی، سید محمد حسین رضوی، علی ناصحی، رضا شجاعی، حسن قره خانی، سید صلاح الدین نقش بندی، محمد هادی توکلی، عالیہ شکرپیگی، طاهره جعفری، لاله سامع سیاهکلودی، طاهره موسوی راد، فهیمه مومنی فر، طیبہ زرگر، فریده عقیلی و لیلا میرآقاسی.

اهداف فصلنامه:

۱. ارتقای دانش علمی و بررسی نقادانه سیاست ها و برنامه های موجود
۲. کمک به سیاست گذاری و برنامه ریزی در حوزه ورزش و جوانان
۳. بررسی مسائل و چالش های فراروی جوانان و ورزش کشور با ارائه راهکارهای نوین و مفید در این زمینه ها
۴. انعکاس جدیدترین یافته های جوان پژوهی و ورزشی در داخل و خارج کشور

شرایط چاپ مقالات:

۱. مقالات ارسالی نباید برای هیچ نشریه داخلی یا خارجی ارسال یا در آنها چاپ شده باشد.
۲. مقالات ارسالی، به هیچ وجه مسترد نخواهد شد و پس از طی مراحل ارزیابی و تأیید علمی داوران به چاپ خواهد رسید.
۳. فصلنامه در رد یا پذیرش مقالات و ویرایش مطالب و تغییر عناوین، آزاد است.
۴. مسئولیت مطالب، با نویسندگان است.

راهنمای تنظیم مقاله های فصلنامه

۱- مقاله های قابل پذیرش در فصلنامه عبارت اند از گزارش های علمی از مطالعات تحقیقی که شامل چکیده فارسی و انگلیسی، مقدمه، روش، یافته ها، بحث و تفسیر، نتیجه گیری و منابع باشند.

۲- حجم مقاله ها باید بین ۱۵ تا ۲۵ صفحه A۴ (هر صفحه حدود ۴۰۰ واژه) و در فرمت word 2007 تایپ شده باشد.

۳- ساختار مقاله ها باید شامل اجزای زیر باشد:

صفحه عنوان: ضروری است که عنوان کامل مقاله در کوتاه ترین و زیباترین شکل، نام کامل نویسندگان، بالاترین مدرک، مقطع و رشته تحصیلی، دانشگاه یا سازمان متبوع و رتبه علمی یا پست سازمانی هر یک از نویسندگان (به فارسی و انگلیسی)، نشانی پستی، تلفن ثابت، تلفن همراه، نمابر و نشانی الکترونیکی نویسنده مسئول درج شود.

چکیده فارسی و انگلیسی: لازم است که چکیده ای سازمان یافته حداکثر در ۲۵۰ واژه، به زبان فارسی و انگلیسی در بر گیرنده بخش های هدف، روش، یافته ها و نتیجه گیری به صورت فشرده و منعکس کننده اهم مطالب مقاله به همراه ۳ تا ۶ کلمه به عنوان واژگان کلیدی (به گونه ای که مقاله بر مبنای آن نمایه سازی شود) ارائه گردد.

مقدمه: شامل طرح مسئله، پیشینه تحقیق، خلاصه ای از تعاریف، اصول، تئوری ها، مجهولات بجا مانده از تحقیقات قبلی چارچوب نظری، فرضیه ها یا پرسش ها، و نتایج، بحث و و منابع به صورت کامل ارائه گردد.

روش: شامل تبیین روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری و ابزارهای پژوهش است.
یافته ها: یافته های حاصل از روش های آماری می تواند به صورت متن، جدول (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودار (شماره و عنوان در زیر آن) ارائه شود- تعداد جدول ها و نمودارها نباید بیشتر از ۶ عدد باشد.
بحث و نتیجه گیری: ضمن مقایسه یافته های حاصل از این تحقیق با تحقیقات قبلی از منظر شباهت ها و تفاوت ها، به درستی یا نادرستی فرضیه ها و هدف تحقیق اشاره گردد.

منابع: تمامی مقاله ها باید دارای منابع مستند، صحیح و مرتبط باشند و از آنجا که بررسی صحت و سقم تمامی منابع برای اعضای هیئت تحریریه و داوران ممکن نیست، مسئولیت این امر بر عهده نویسنده مسئول می باشد. همچنین، لازم است که منابع مورد استفاده، جدید و از سال ۲۰۰۵ به بعد باشند.

۴- ارجاعات به منابع فارسی و انگلیسی باید به شیوه درون متنی (APA) در داخل پراکنش و به شیوه زیر باشد: (نام خانوادگی مولف، سال انتشارمنبع: شماره صفحه یا صفحات)- چنانچه از نویسنده ای در یک سال، بیش از یک اثر منتشر شده باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۵- معادل غیر فارسی واژه های تخصصی، اسامی افراد یا مکان ها، کومه نوشت ها و سر واژه ها، در پاورقی هر صفحه با شماره گذاری مستقل ذکر شود.

۶- هر گونه توضیح اضافی ضروری به ترتیب شماره، در پی نوشت انتهای مقاله، پیش از فهرست منابع بیاید.

۷- فهرست منابع (فارسی یا غیر فارسی) در انتهای مقاله به ترتیب الفبایی نام خانوادگی مولف به شکل زیر تنظیم شود:

- الف. کتاب:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). محل انتشار: ناشر.
- ب. مقاله:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). نام مجله. سال یا دوره، شماره.
- ج. مجموعه مقالات:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال انتشار). "عنوان مقاله". نام و نام خانوادگی مترجم (در صورت لزوم). در (in) نام و نام خانوادگی ویراستار مجموعه. عنوان مجموعه. محل انتشار: ناشر.
- د. رساله تحصیلی:** نام خانوادگی مولف، نام. (سال تدوین). "عنوان رساله". مقطع تحصیلی، دانشکده و دانشگاه محل تحصیل.
- ه. پایگاه اینترنتی:** نام خانوادگی مولف، نام. (آخرین زمان به روز نمودن سایت). "عنوان مقاله". نشانی پایگاه اینترنتی (تاریخ مراجعه به پایگاه).

فهرست

- زمینه های جامعه شناختی شکل گیری و گسترش شهروند جهانی در بین جوانان
آذر رشتیانی، سیف اله سیف اللهی، غلامعباس توسلی، محمدرضا جوادی یگانه
۹.....
- خانواده دیجیتال، هویت دینی و ارزش های خانوادگی: پیمایشی در شهر اصفهان
علی قنبری برزبان، علی سیف زاده، اصغر محمدی
۲۹.....
- نسبت جهانی شدن و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر آبدانان)
جابر مولایی، یارمحمد قاسمی، مهری مرادخانی
۵۱.....
- موانع و محدودیت های ساختاری تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال
سمیرا وکیل ها، سید یعقوب موسوی، فرح ترکمان
۷۱.....
- مطالعه رابطه استفاده از شبکه اجتماعی فیس بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی (مورد مطالعه:
جوانان شهر تبریز)
صمد رسول زاده اقدم، حامد اکبرپور
۹۳.....
- مطالعه رابطه حمایت اجتماعی با سلامت اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه خوارزمی)
امید مظلومی مقدم، سید علیرضا افشانی
۱۱۱.....
- تدوین برنامه استراتژیک وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰
مهدی نادری نسب
۱۳۱.....
- مدل سازی عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران
مریم منظمی، سید نصراله سجادی، حسین رجبی، مجید جلالی فراهانی
۱۵۵.....
- تبیین جامعه شناختی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت ورزشی جانبازان (مورد مطالعه: جانبازان ورزشکار استان
تهران در سال ۱۳۹۵)
بهرام قدیمی، محمد رحیمی، آزاده اسدی
۱۷۹.....
- ضرورت تاسیس فدراسیون حقوق ورزشی و نقش آن در پیشگیری از جرایم ورزشی
حمید باقرنیا، مهدی ساقیان
۱۹۷.....
- مقایسه ویژگی شخصیتی، تصویر بدنی و میزان اضطراب در ورزشکاران ورزش های تیمی و انفرادی
حسن نوروزی، شهناز محمدی
۲۱۱.....
- اثر تمرینات استقامتی، قدرتی و موازی بر مقادیر اینترلوکین-۶ و کورتیزول پلاسمای مردان تمرین نکرده
علی گریزی، امید مهرابی، حمید آقاعلی نژاد، احمد رحمانی، آقاعلی قاسمنیان
۲۲۵.....

زمینه های جامعه شناختی شکل گیری و گسترش شهروند جهانی در بین جوانان

آذر رشتیانی^۱

سیف اله سیف اللهی^۲

غلامعباس توسلی^۳

محمدرضا جوادی یگانه^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۳۰

مقاله حاضر برگرفته از تحقیقی است که به منظور بررسی جامعه شناختی زمینه های شکل گیری و گسترش شهروند جهانی در جوانان صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران می باشد که از آن میان، ۲۸۰ نفر به عنوان نمونه آماری تعیین شدند. در مبانی نظری از نظریه های مرتبط با این حوزه استفاده شد و در پایان مدل نظری تحقیق، طراحی گردید. این تحقیق با استفاده از مطالعات میدانی و روش پیمایشی انجام گرفت. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بود که بعد از برآورد اعتبار و پایایی، در بین پاسخ گویان توزیع گردید. پس از گردآوری داده ها، براساس آمارهای استنباطی و با استفاده از نرم افزار های spss و مدل یابی معادلات ساختاری با نرم افزار Lisrel، داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتیجه نشان داد که بین تجربه جهانی شدن، گردشگری، مشارکت های مدنی، مهارت های اجتماعی و فضای آموزشی و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی به عنوان متغیرهای وابسته رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه های آنان تایید شد؛ اما بین رسانه های جمعی ملی و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی رابطه معناداری وجود ندارد. با استفاده از مدل معادلات ساختاری لیزرل مشخص شد که از بین همه این عوامل، سه عامل مهارت های اجتماعی، مشارکت های مدنی و تجربه جهانی شدن بیشترین

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی (گروه های اجتماعی)، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mali: Dr.seyfolahi@rped-almizan.ir

۳. استاد، گروه جامعه شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه جامعه شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاثیر را دارند و از این میان، مشارکت های مدنی بیش از همه عوامل در شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان تاثیرگذار است.

واژگان کلیدی: رسانه های جمعی ملی، تجربه جهانی شدن، مشارکت های مدنی، مهارت های اجتماعی و فضای آموزشی

مقدمه

تاریخ دگرگونی و تحولات زندگی بشر نشان می دهد که روابط و مناسبات اجتماعی در نتیجه و پیامد تعامل انسان و محیط شکل گرفته و در روند و فرآیند پرفراز و نشیب تاریخ در حال تغییر و تحول است. یکی از این پدیده های اجتماعی - فارغ از مرزهای محلی، شهری و ملی - روابط و مناسبات شهروندی و همچنین هویت های شهروندی در مفهوم حقوقی، سیاسی و اجتماعی می باشد. امروزه به علت گسترش و تعمیق روند و فرآیند "جهانی شدن"، سرنوشت همه انسان های ساکن در کره زمین بیش از پیش به هم گره خورده است و در یک تعامل دیالکتیکی قرار گرفته اند. در جهان امروز، مفهوم شهروندی^۱ در قالب حوزه عمومی و شهروندی از جذابیت عام برخوردار است و بسیاری از موضوع ها، مسائل و رویکردها در حوزه امور و مسائل اجتماعی بر این واقعیت اذعان دارند. موضوع ها و مسائلی نظیر دموکراسی، مشارکت، نابرابری ها، فقر، زنان، گروه های قومی، جوانان، فرقه گرایی و تروریسم و حتی محیط زیست نیز از منظر روابط و مناسبات شهروندی مورد تحلیل قرار می گیرند.

"همانطور که جوامع بشری به طور فزاینده به هم نزدیک می شوند و در معرض فرهنگ جهانی، فرصت توسعه هویت جهانی برای افراد فراهم می شود، پدیده جهانی شدن به صورت یک واقعیت حیاتی و مبنایی خود را نشان می دهد". (Reysen and Miller, 2013) در این روند، عرصه مواجهه با پدیده جهانی شدن و شهروند جهانی، عرصه علم، مدیریت و سیاست گذاری در قالب و محتوای ویژه ای خودنمایی می کند؛ چنان که این روند در برخی جوامع بطئی و کند و در برخی دیگر پیشرونده و شتابان است. پی آمد چنین تحولات و دگرگونی ها در برخی جوامع متعادل و متناسب با نیازهای داخلی و در بعضی دیگر نامتعادل است.

مفهوم شهروند جهانی، مفهوم تازه ای نیست؛ ردپای این موضوع را می توان در یونان باستان هم پیدا کرد؛ چنان که سقراط می گوید: "من نه یک شهروند آتن یا یونان، بلکه شهروند جهان هستم". (شاتل، ۲۰۰۹) "مفهوم شهروند جهانی به جای ایجاد شکاف، ارتباطاتی مفهومی و عملی خلق می کند. مشترکات بین آنچه در خانه اتفاق می افتد و آنچه در جامعه اتفاق می افتد، در آنجا ظاهر می شود. ویژگی های مشترک بشر متعادل اند برخلاف تفاوت ها که بسیار انگشت شمار هستند. در سطح کاربردی شهروندی جهانی مفهومی ارائه می کند که می تواند پلی باشد بین جهانی شدن و آموزش چندفرهنگی. با اینکه این اقدامات پیشینه های متفاوتی دارند، اما اهداف مهم مشترکی از همدلی فرهنگی صلاحیت بین فرهنگی دارند". (Olson et al, 2007)

شهروندان جهانی کسانی هستند که در مناسبات جهانی و بین المللی اثرگذار و به خرد جمعی جهانی کمک می کنند و در برقراری ارتباط دقیق و موثر بسیار تعیین کننده اند. کمیت و کیفیت عملکرد شهروند جهانی با توجه به بسترهای موجود آن در جوامع مختلف متفاوت است، زیرا ارکان و مولفه های تشکیل دهنده هر جامعه در ترکیب ساختاری خود و ترکیب آنها با همدیگر، نوع و ماهیت نظام اجتماعی را تعیین می کنند. ناموزونی ها و پیامدهای آن با توجه به میزان، نوع ناموزونی ها و ماهیت ترکیب ساختاری آنها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه متفاوت است. "پذیرش سریع و مداوم نوآوری ها و تغییر و تحول از خصوصیات جوامع پیشرفته است. تغییر و تحول در این جوامع زاده تراکم جمعیت، تنوع مشاغل، توسعه سازمان های رسمی، گسترش تخصص ها و تنوع گروه های اجتماعی است. از خصوصیات برجسته جوامع پیشرفته، گسترش فرهنگی جامعه و تمایل به دست اندازی بر قلمرو فرهنگ های منطقه ای و خرده فرهنگ های نظام اجتماعی سنتی خودی و غیر خودی است. نتیجه این نفوذ و دست اندازی، از بین رفتن لهجه ها، سنت ها

1. Globalization
2. Citizenship
3. Schattle, Hans.

و رسم های اجتماعی منطقه ای و محلی و شکل گیری خرده فرهنگ ها بر اساس گروه ها، طبقات و زندگی اجتماعی نوین است". (سیف الهی، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۷۱)

براساس نتایج پژوهش های متعدد نظیر پژوهش ربانی و دیگران (۱۳۸۵)، شبانی و فاطمی نیا (۱۳۸۸)، شبانی و داوند (۱۳۸۹)، رفیعی و دیگران (۱۳۸۷) در مورد حقوق و وظایف شهروندی، پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۸۹) در مورد هویت شهروندی، پژوهش فاطمی نیا و حیدری (۱۳۸۹) در مورد احساس شهروندی، پژوهش لطف آبادی (۱۳۸۵) در مورد آموزش شهروندی و پژوهش گنجی و هاشمیان فر (۱۳۸۷) در مورد فرهنگ شهروندی می توان گفت که شهروندی و عدم رعایت اصول شهروندی از جمله مسائل اصلی جامعه ایران است. به علاوه، جوانان ایرانی نسبت به حقوق شهروندی و مسئولیت های آن از آگاهی اندکی برخوردارند و از نظر رعایت فرهنگ شهروندی در سطح پایینی قرار دارند؛ به طوری که بر اساس یافته های تحقیق شبانی و فاطمی نیا (۱۳۸۸)، میانگین آگاهی شهروندان مستخرج از طرح تحقیقاتی "بررسی میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی" عدد منفی (۱-) بوده است- یعنی، سطح آگاهی شهروندان از حقوق و تعهدات شهروندی در جامعه ایران بسیار پایین است.

شهروند جهانی برآیندی از توسعه، به ویژه توسعه روابط و مناسبات شهروندی است و این ایده، از آن منظر که حاکی از رابطه متقابل میان فرد و اجتماع است، پیوندی اساسی بین فرد و جامعه را نمایان می سازد. علاوه بر حقوق، بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد و از این رو، یک ایده دو جانبه و اجتماعی تلقی می شود (فالکس، ۱۴: ۱۳۹۰).

از آنجایی که صفات یک ملت ذاتی نیست، بلکه ناشی از زندگی جمعی است و با تغییر اوضاع در سطوح مختلف، بهتر یا بدتر می شود، لذا نمی توان یک یا چند منش را به همه ایرانیان تعمیم داد، زیرا خرده فرهنگ هایی هم از درون لایه های اجتماعی بر می خیزد که از منش پایدار و مسلط تبعیت کامل نمی کند (فراسخو، ۲۷: ۱۳۹۴). این امر نشان دهنده آن است که ساختار یک جامعه با تغییرات ناشی از مدرنیته در چالش های قابل ملاحظه ای قرار می گیرد که می تواند توجیه کننده زمینه ها و موانع شکل گیری شهروند جهانی باشد. در جامعه توسعه یافته، روابط و مناسبات اجتماعی عادلانه است؛ به طوری که احزاب، گروه ها و سندیکاها و NGO ها در جامعه مجالی برای ایجاد و رشد پیدا می کنند. فضای رقابت و سبقت در بین گروه ها مهیا می شود و نبرد اندیشه ها باعث افزایش روزافزون توسعه جامعه می شود.

مرتفع شدن نیازهای شهروندان در داخل یک کشور، احساس مسئولیت در جامعه بین الملل را نیز در آنها ایجاد و تقویت می نماید. این شرایط، خاص جوامع مدنی و توسعه یافته است. آموزش شهروندی به طور غیر رسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه های آموزشی و یا به طور رسمی به صورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی و یا به صورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت پذیر باشند. در واقع مبنای این آموزش ها، پرورش یک شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست، بلکه به آنان می آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند. حال این اجتماع می تواند محله، شهر، کشور و یا در سطح جهان باشد که در این صورت شهروند جهانی محسوب می شوند. با توجه به موضوع زمینه های شکل گیری یک پدیده اجتماعی همچون شهروندی جهانی بین جوانان، سوالی که مطرح می شود مهمترین زمینه های جامعه شناختی برای بسترسازی به منظور نیل جوانان جامعه به شهروند جهانی بودن شامل چه مواردی است؟

مبانی و چهارچوب نظری پژوهش

وسعت و پیچیدگی دنیای انسانی، انبوهی اطلاعات در جهان کنونی، آدمی را با واقعیت های متفاوتی رو به رو می نمایند که شناخت بخشی از این پدیده های خاص، نیازمند چارچوب نظری مشخصی می باشد تا محقق از زاویه ای خاص به شناخت و تبیین واقعیت ها بپردازد و از سردرگمی رهایی یابد. ارزش یک چارچوب نظری در این است که محقق با استفاده از آن، فرضیه ها و سوال تحقیق را در ذهن خود ساختار بندی می کند، زیرا که نتایج تحقیق وقتی آسانتر سازماندهی، تحلیل و توصیف می شوند که با یک چارچوب نظری سازگاری داشته باشند. به همین جهت از آنجا که این پژوهش نیز از جمله تحقیقات توصیفی-تحلیلی است، نیاز به یک چارچوب تئوریک خاص دارد که فرضیات تحقیق بر مبنای آن طراحی شوند؛ یعنی، وضعیتی از حقوق و تکالیف شهروندی که در میان شهروند ملی و جهانی قرار دارد. اولین نظر را مارتینیلو مطرح کرده که درعین تعریف حقوق و وظایف شهروندی بر مبنای چارچوب منطقه ای، بر موجودیت و هویت شهروندی دول عضو نیز تأیید می کند. (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

در دوره پسامدرن، مقوله شهروندی، به خصوص در غرب، به عنوان جنبه ای از دولت-ملت تک فرهنگی، زیر سوال رفته و به واسطه فرایند جهانی شدن، شهروندی در جامعه معاصر به فراسوی دولت-ملت بسط یافته است. (وکیل ها، ۱۳۹۶: ۲۵) اگر به هر جهت، درباره شهروندی جهانی بحث شود، لازم است امکان جهان وطن گرایی پساکلاسیک بررسی شود. شهروند جهانی بودن به معنی داشتن مشربتی فرهنگی است که به علایق بی واسطه محدود نمی شود، بلکه تعلق - دخالت و مسئولیت جهانی را به رسمیت می شناسد و می تواند این علایق گسترده تر را در راه و رسم های زندگی روزمره ادغام کند. نظریه شهروند جهانی بر این امر تأکید دارد که می توان برای افراد به عنوان شهروندان جهانی حقوق و تعهداتی در سطح بین الملل و جهانی به رسمیت شناخت. این انگاره را باید به نام دیوید میلر (۱۹۹۵) نام گذاری کرد.

او در یکی از مقالات خود به نام "شهروندی تعهد زا" امکان تحقق شهروندی توأم با تکلیف را در سطح جهانی مورد بررسی قرار داد. نوعی از شهروندی که مستلزم به رسمیت شناختن تعهدات اخلاقی در خارج از حدود ملی است. میلر در مقاله دیگری با عنوان "تعیین سرنوشت خود در سطح ملی و عدالت جهانی" معتقد است که این امر جز با تعریف معیارهای استاندارد برای عدالت جهانی، قابل تحقق نیست. وی برای رسیدن به عدالت جهانی سه تعهد را به عنوان مبنای بر می شمارد:

تعهد و احترام به حقوق بشر از مبانی اساسی آن در میان تمام ملل است؛

اشخاص و اجتماعات باید از اعمالی که برای تشخیص آنها زیان آورند پرهیز کنند؛

باید تضمین حاصل شود که تمام اجتماعات سیاسی فرصت تعیین آینده و سرنوشت خویش و اجرایی کردن عدالت مورد نظرشان را در میان اعضای خود دارا هستند. بنابراین، میلر ایده جهان میهنی را انکار و به را انداختن نوعی عدالت جهانی را توصیه می کند.

انواع گوناگونی از جوامع وجود دارند، از جوامع محلی گرفته تا جوامع جهان، از گروه های مذهبی تا سیاسی. شهروندان جهانی با جوامع خودشان (هرطور که آنها را تعریف می کنند) احساس ارتباط دارند و این حس ارتباط را به مشارکت تبدیل می کنند. مشارکت می تواند شکل انتخاب های شخصی مسئولانه را به خود بگیرد؛ مثل محدود کردن مصرف سوخت های فسیلی، رأی دادن، فعالیت های داوطلبانه، وکالت و فعالیت های سیاسی. این موضوع می تواند شامل محیط زیست، فقر، تجارت، سلامت و حقوق بشر باشد. مشارکت بعد عملی شهروندی جهانی است. (Madelein F. Green, 2012)

میلر، ایده جهان‌میهنی را انکار و پرداختن به عدالت جهانی را توصیه می‌کند. بر او چنین خرده گرفته‌اند که زمینه تفوق ایده‌های سرمایه‌داری را فراهم می‌سازد و در دیدگاه او هیچ تضمینی برای تأثیر عقاید- هرچند درست و عادلانه‌تر از جوامع ضعیف- وجود ندارد (White, 2003: 226). همچنین، نمی‌توان تفسیر مفهوم عدالت را به اراده دولت‌ها واگذار کرد و آن را در شرایط یکسان دارای مفاهیم متعدد دانست. بنابراین، باید مبنای دقیق و مشترکی برای عدالت در مفهوم جهانی ارائه شود تا این عنوان موجب سوء استفاده صاحبان قدرت نشود که تاکنون این مبنا ارائه نشده است؛ البته تاحدی می‌توان این مشترکات را از اصول کلی اسناد و مقررات بین‌المللی استنباط کرد. اصل برابری، آزادی، حمایت، برائت و... از جمله اصولی هستند که رعایت آنها در مورد شهروندان جهانی (اتباع داخلی و خارجی‌ها) پذیرفته شده است. لذا اکنون باید به دنبال اشتراک‌های دیگر و مهم‌تر از آن، "اجرایی کردن عدالت" بود.

شهروندی در معنای کامل کلمه، از نظر پارسونز نتیجه ظهور سرمایه داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است که بستر مناسبی برای رشد آن فراهم آوردند. از دید پارسونز، شهروندی مدرن نیازمند یک عامل سیاسی است که دیگر با خاص گرای های تولد، قدمت و جنسیت محدود و مقید نشود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۹). پارسونز کنش اجتماعی را برآیند سه نظام شخصیت، فرهنگ و نظام اجتماعی می‌داند (روشه، ۱۳۸۸: ۸۱) که پس از آن ارگانیزم زیستی را به عنوان نظام چهارمی در تحلیل ابعاد کارکردی نظام کنش وارد می‌کند و در تحلیل کارکردهای چهارگانه ی کنش (AGIL) کارکرد نظام فرهنگی را حفظ الگوهای فرهنگی بیان می‌نماید.

هویت های ملی تنها در صورتی می‌توانند ادامه حیات بدهند که هویت جهانی جدیدی بیابند. ملت ها همگی چند نژادی اند و هویت های ملی آنان بر اساس پذیرش نژادها و هویت های خردتر شکل گرفته است. بنابراین خود آنها نیز می‌توانند جهان وطن بوده و اساس شهروندی جهانی شدن باشند. شهروندی جهانی، تقابلی با شهروندی یک ملت ندارد و سازگار کردن این دو از اصول سیاست راه سوم است. البته این امر نیازمند پذیرش کثرت گرایی فرهنگی در عرصه جهانی است. نمی‌توان جهان - میهن بود و هویت ها و ارزش های ملل و اقوام دیگر را به رسمیت نشناخت و نباید برای حاکم کردن یک فرهنگ خاص کوشید. بر این پایه گیدنز، مفهوم "ملت جهانی" را مطرح می‌کند که ملتی فعال است و کثرت قومی، فرهنگی در درون آن وجود دارد. ملت ها در گذشته بر مبنای خصومت و تخاصم با دیگران ساخته می‌شدند، اما هویت های ملی کنونی باید بر اساس همکاری و همسازی با دیگر ملت ها و در درون چهارچوب ملت جهانی معنا بگیرد. بنابراین، هویت های ملی جدید باید به گونه ای مورد بازسازی قرار گیرند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۴۶ و ۱۵۱). تجربه جهانی شدن روابط اجتماعی در چند دهه اخیر در ایران نشان می‌دهد که برخی گروه های اجتماعی از قبیل جوانان، طبقات متوسط، روشنفکران و گروه های اجتماعی شهری آگاهی فزاینده ای نسبت به رخدادها و جریان های زندگی اقصی نقاط جهان پیدا کرده اند. افزایش آگاهی منجر به افزایش سطح توقعات و انتظارات آنها شده است. جهانی شدن روابط اجتماعی و استفاده روزافزون از برخی رسانه های نوظهور که خاصیت شبکه ای داشته است، سطح توقعات گروه های اجتماعی از زندگی بویژه زندگی شهری را پیش از پیش افزایش داده است و بر این اساس، توقعات اجتماعی در کنار توجه به کیفیت زندگی - و نه الزاما تلاش برای دستیابی به ارزش ها و نیازهای مادی- بر اثر همین تجربه بالا رفته است. (گیدنز، ۱۳۸۴: ۷۶) در شکل گیری ویژگی شهروند جهانی مهارت های ارتباط اجتماعی، نقش اساسی دارند، زیرا که راه های برقراری رفتار موثر و شیوه های تفکر که نحوه سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند و تلاشی است که فرد را در فعالیت های فرهنگی برای "همانندبودن"، "همانندسازی" و "جهت دهی به جمع" موفق تر می‌کند.

در نظر هابرماس (به طور خاص) و در اندیشه سیاسی اجتماعی معاصر به طور عام این حوزه نوپدید به

عنوان "حوزه عمومی" و "جامعه مدنی" مطرح شده است. از نظر وی در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد نقش شهروندی پیدا می کنند. در نقش شهروندی فرد، به عنوان عضو تمام جامعه خود می گردد و شأن حقوقی ویژه ای دارد. حوزه عمومی، عرصه ای است که در آن فرد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می آیند. در چنین حوزه ای اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیرقابل حذف هستند. حوزه عمومی برخلاف نهادهایی که تحت سلطه خارجی قرار دارند یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظام دموکراتیک نوید می دهد. در چنین حوزه ای نتیجه و پیامد گفتگو مهم نیست، بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک باشد. بر همین مبنا، وی مشارکت مدنی را معرف اصلی شهروندی می داند و آن را به گونه های مختلف تحلیل کرده است و دسترسی برابر به حقوق مشارکتی را مورد توجه بیشتر قرار می دهد. اعضای جامعه با توجه به توانایی تغییر حیات اجتماعی خود، در بافت حوزه عمومی به ایفای نقش شهروندی خواهند پرداخت که پیش شرط ظهور آن تعدد و تکثر در اشکال زندگی، ارتباطات عمومی و مسئولیت حقوق شهروندی است (شیانی، ۱۳۸۴: ۱۶۷). اساسا مشارکت های مدنی در ایجاد و نهادینه کردن ویژگی های شهروند مدرن نقش به سزایی دارند و نیز مشارکت واقعی مردم به تقویت جامعه مدنی منجر می گردد. ویژگی های داوطلبانه، آگاهانه و ارادی بودن مشارکت اجتماعی بستری مناسب برای ارتقا و گسترش شهروندی جهانی فراهم می کنند. اتحادیه های صنفی، احزاب سیاسی، بنگاه های اقتصادی، خصوصی، شرکت های تعاونی، گروه های هنری، مطبوعات، موسسات خیریه و حتی اجتماعات مثال هایی از نهادهای مدنی باشند. تشکلهای مشارکتی از یک طرف با جلب همکاری افراد، زمینه اتصال هرچه بیشتر آنها به جامعه را فراهم می آورند و مشارکت فردی در امور اجتماعی را افزایش می دهند و از سویی دیگر، با بسط شبکه های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه و تفکر جهان وطنی کمک می کنند.

از دید والرشتاين، هر کس را می توان به سه طریق توصیف کرد: مشخصه های جهانی گونه؛ مجموعه مشخصه هایی که شخص را در حکم عضوی از مجموعه گروه ها تعریف می کند و مشخصه های فردی شخص. هنگامی که از خصلت هایی صحبت می کنیم که نه جهانی اند و نه فردی، اغلب از اصطلاح "فرهنگ" برای توصیف مجموعه خصلت ها، رفتارها، ارزش ها یا اعتقادات استفاده می کنیم. شکی نیست که در این کاربرد، هر گروهی فرهنگ خاص خود را دارد... در این کاربرد، فرهنگ روشی برای خلاصه کردن روش هایی است که به موجب آن ها گروه ها خود را از گروه های دیگر متمایز می دارند. حال، گروهی هایی که گمان می رود "فرهنگ ها"ی دارند، وجه اشتراک شان این است که گویا نوعی خودآگاهی (و بنابراین نوعی حس مرزبندی)، نوعی الگوی مشترک اجتماعی شدن همراه نظامی برای تقویت ارزش های شان و نیز نظامی از رفتارهای تجویز شده و نوعی سازمان دارند. سازمان ممکن است کاملاً غیرمستقیم باشد مانند روزنامه ها، مجله ها و احتمالا انجمن های داوطلبانه ی مشترک که شبکه های ارتباطی بین روشنفکران شهری هستند.» (ریتزر، ۱۳۹۰: ۲۲۷-۲۳۰)

سیف الهی برای ترسیم الگوی مورد نظر خود در این باره، بیشتر از نظام فکری و فرهنگی گذشته جامعه استمداد می طلبد. این رویکرد اقتصادی- اجتماعی و الگوی برخاسته از آن، نظریه ها و الگوهای اقتصادی- اجتماعی موجود و مطرح شده را نقد می کند و اظهار می دارد که جامعه انسانی روابط و مناسبات اجتماعی و کنش های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برخاسته از آن در طول تاریخ حیات خود به شدت تحت تأثیر عوامل پنج گانه بالا قرار گرفته است. با مطالعه و شناخت واقع بینانه جایگاه و پایگاه ساختاری و کارکردی هر کدام از این عناصر و مؤلفه ها می توان به ابهام های موجود در تحلیل و تبیین فرآیند توسعه اقتصادی- اجتماعی جامعه پایان داد. بنابر این روند و فرآیند شکل گیری توسعه اقتصادی - اجتماعی برآیند دو نیروی تعیین کننده

یعنی عوامل درون جامعه ای با ترکیب ویژه عناصر و مؤلفه های تشکیل دهنده آن و عوامل برون جامعه ای بوده است. (سیف الهی، ۱۳۹۰: ۴۷)

در جوامع پیشین خانواده نقش آموزش را برعهده داشت، اما در جوامع امروزی فرآیند جهانی شدن (یا مجموعه ای از فرایندها) که مستوجب تحول در سازمان فضای روابط و کنش های متقابل اجتماعی (این تحول بر حسب قابلیت گسترش، شدت، سرعت و تأثیر سنجیده می شود) و مستلزم ایجاد جریان های فراقاره ای یا بین منطقه ای و متضمن شبکه های فعالیت، کنش متقابل، و اعمال قدرت است. (آلن کراکر، ۲۰۱۰) فرآیند جهانی شدن به روش های مختلف، شکل گیری پدیده هایی چون شهروندی و شهروندی جهانی را تحت تأثیر قرار می دهد. به دلیل تحولات اجتماعی ارزش ها، هنجارها و انتقال آن ها از نسلی به نسل دیگر توسط نهادهای مختلف صورت می گیرد که اساس این تحولات بنیادی در انقلاب صنعتی و رنسانس قرن هفده میلادی در اروپا قابل توجیه است که جوامع انسانی امروزی را به طور کامل با جوامع ما قبل خود متفاوت کرده است. با ورود رادیو، تلویزیون، کامپیوتر، اینترنت و... زندگی مردم دستخوش تغییراتی شد که افراد ویژگی های رفتاری خود را از رسانه ها فرا می گیرند. از آنجا که رسانه های جمعی حضور زیادی در زندگی روزمره جوانان دارند، لذا از تأثیر زیادی در اجتماعی کردن و جامعه پذیری کردن آنان برخوردارند و می توانند شکل گیری ویژگی های شهروندی را در آنها تقویت کنند.

انتقال ارزش ها، گرایش ها، هنجارها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی به منظور اجتماعی کردن نسل های جدید جامعه در فضای آموزشی صورت می گیرد. در فراگرد آموزش، جوانان به واسطه آن در وضعیت های اجتماعی سازمان یافته، در معرض آموزش منظم دانش ها، مهارت ها، رفتارها و گرایش های معین قرار می گیرند. در هر جامعه، این وضعیت ها در قالب نظام آموزش و پرورش، دانشگاه ها و سازمان های رسمی آن تشکیل می یابند. نیازهای گوناگون زندگی، انواع نوین آموزش را طلب می کنند. شیوه های زندگی نوین همواره با تجارب بیشتر و انگاره های پیچیده تری همراه است. با پیچیده تر شدن جامعه، آموزش به طور روزافزونی، به صورت ابزار بازسازی فرد و جامعه در می آید. (وخشویی، ۱۳۹۵: ۶۵)

از زمان های قدیم مشخص شده است که گردشگری اثر زیادی بر جوامع مقصد و فرهنگ ها می گذارد. اغلب دیده می شود که چنین اثراتی بیشتر در مقاصد گردشگری در کشورهای در حال توسعه رخ می دهد و در کشورهای در حال توسعه اختلاف زیادی بین خصوصیت های فرهنگی و اقتصادی جامعه محلی و گردشگران وجود دارد. از طرفی، گردشگری به عنوان وسیله ای برای دست یابی به هارمونی و درک گسترده تر بین المللی می باشد. به نظر می رسد گردشگران تجسم مادیت و مادی گرایی و یک جورسازی فرهنگ ها هستند و امروزه گردشگری باعث همگرایی فرهنگ های جهانی می شود. (Macnaught, 2012: 14: به نقل از صباغیان، ۱۳۹۶) گردشگری نیز یکی از زمینه های انتقال ویژگی شهروند جهانی می تواند باشد. گردشگری، انسان را با فضاهای جغرافیایی، انسان ها و فرهنگ های دیگر آشنا می سازد. این آشنایی مقدمه ای برای شناخت بیشتر انسان از خویش است. این در حالی است که فرهنگ خود به عنوان جاذبه اصلی گردشگری محسوب می شود. بدون فرهنگ که تفاوت ها را ایجاد می کند، همه جا شبیه هم خواهد بود و گردشگری دیگر عینیت نخواهد داشت. (بونی فیس، ۱۳۸۰: ۱۲) گردشگری به عنوان یک امر فرهنگی در دوسوی جریان گردشگری در یک مکان، تعامل ها و تبادل ها را سبب می شود و با انسان ها، انگیزه ها، خواسته ها، نیازها و آرزوهای آنها که منبعث از فرهنگ جامعه است در ارتباط است. توسعه گردشگری به عنوان یک پدیده فرهنگی موجب می شود که فرصت کافی برای تبادل فرهنگی بین گردشگر و جامعه میزبان به وجود آید. بر این مبنا آنان می توانند یکدیگر را بهتر درک کنند و به فرهنگ هم بیشتر احترام بگذارند. فرهنگ به عنوان نظام نمادهایی تلقی می شود که یک جامعه می آفریند و به کار می برد تا خود را سامان دهد

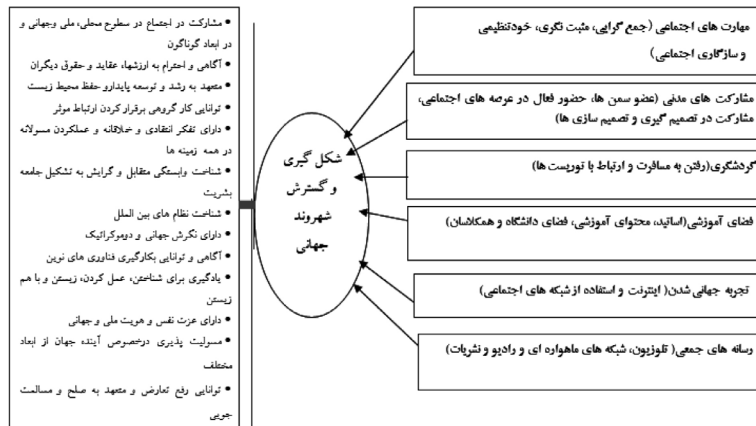
و به واسطه آن کنش متقابل را تسهیل نماید و رفتارها را قاعده مند سازد. (ترنر، ۱۳۷۸: ۷۸)

گردشگری را می توان از زاویه برخورد سه فرهنگ دید: فرهنگ موجود در مقصد، فرهنگ بازدیدکنندگان اصلی و فرهنگ گردشگری. گرچه فرهنگ گردشگران دارای زمینه های متفاوتی از یکدیگر است، ولی آنان از در اغلب موارد از تسهیلات یکسان استفاده می کنند و از جاهای مشابه بازدید دارند و رفتار نسبتاً مشابهی را بروز می دهند. این سه نوع فرهنگ باهم مشابه نیستند و به روش های مختلفی با هم ارتباط برقرار می کنند. گردشگری باعث ارتباط فرهنگ های مختلف با یکدیگر می شود. تاکنون مطالعات زیادی درباره رابطه جامعه میزبان و گردشگران انجام گرفته است. در ادبیات گردشگری، سه مفهوم در مورد تأثیر گردشگری بر فرهنگ بیان شده است: همانندی^۱، فرهنگ پذیری^۲، انفعال (وانهادگی) فرهنگی^۳.

با توجه چهارچوب نظری که تلفیقی از نظریات مرتبط این حوزه است، به نظر می رسد مهمترین عوامل تأثیرگذار بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی بین جوانان، گردشگری (رفتن به مسافرت و ارتباط با توریست ها)، مهارت های اجتماعی (جمع گرا، مثبت نگری، خودتنظیمی و سازگاری اجتماعی)، فضای آموزشی (اساتید، محتوای آموزشی، فضای دانشگاه و همکلاسان)، تجربه جهانی شدن (اینترنت و استفاده از شبکه های اجتماعی)، مشارکت های مدنی (عضو سمن ها، حضور فعال در عرصه های اجتماعی، مشارکت در تصمیم گیری و تصمیم سازی ها) و میزان و نحوه استفاده از رسانه های گروهی (رادیو، تلویزیون و نشریات) می باشند.

عوامل و عناصر فوق، زمینه ساز کنشگری های مختلف شده است که در این تحقیق تأثیر این مجموعه عوامل به عنوان زمینه های شکل گیری و گسترش فرآیند شهروندی جهانی در بین جوانان دانشجوی مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین الگوی نظری و تحلیلی تحقیق اینگونه ارائه شده است:

نمودار ۱: الگوی نظری و تحلیلی تحقیق



ابعاد و شاخص های متغیرهای مستقل

ابعاد و شاخص های متغیر وابسته

1. Assimilation
2. Acculturation
3. Cultural drift

فرضیه های پژوهش

- تجربه جهانی شدن از زمینه های تاثیرگذار در شکل گیری شهروند جهانی در بین دانشجویان است.
- رسانه های جمعی ملی از زمینه های تاثیرگذار در شکل گیری شهروند جهانی در بین دانشجویان می باشد.
- گردشگری از زمینه های تاثیرگذار در شکل گیری شهروند جهانی در بین دانشجویان است.
- مشارکت های مدنی از زمینه های تاثیرگذار در شکل گیری شهروند جهانی در بین دانشجویان می باشد.
- مهارت های ارتباط اجتماعی از زمینه های تاثیرگذار در شکل گیری شهروند جهانی در بین دانشجویان است.
- فضای آموزش از زمینه های تاثیرگذار در شکل گیری شهروند جهانی در بین دانشجویان می باشد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق با استفاده از مطالعات میدانی و از روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بوده که توسط محقق طراحی و بعد از برآورد اعتبار و پایایی در بین پاسخگویان توزیع گردیده است. این تحقیق از نظر زمانی در فاصله زمانی سال های ۱۳۹۴-۱۳۹۶ هجری شمسی به اجرا درآمده و محدوده زمانی آن، دو دهه اخیر است. از نظر مکانی و موقعیت جغرافیایی، این تحقیق "زمینه های شکل گیری و گسترش پدیده شهروند جهانی در بین جوانان" را مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه در بخش پیمایش این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی و واحد علوم و تحقیقات تهران در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بود که بر اساس آمار، ۳۰۰۰۰ دانشجو بودند. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، ۳۷۹ نفر به دست آمد.

به دلیل گستردگی حجم جامعه آماری، از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده گردید که نمونه ای احتمالی است که در آن هر واحد نمونه گیری مجموعه ای یا گروهی از اعضاست. با توجه به اینکه این دانشگاه ۲۰ دانشکده دارد، از هر یک از گروه های اصلی، یک دانشکده انتخاب شد:

دانشکده فنی و مهندسی

دانشکده فیزیک

دانشکده علوم پزشکی

دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی

دانشکده هنر و معماری

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

سپس از هر دانشکده، سه رشته تحصیلی انتخاب و با توجه به حجم و تناسب دانشجویان و اساتید زن و مرد پرسشنامه بین آنها توزیع شد. بنابراین پس از انتخاب دانشکده، از نمونه گیری تصادفی طبقه ای نسبی استفاده شد.

در بخش مطالعات میدانی به روش توصیفی و اطلاعات به دست آمده در بخش مطالعات پیمایشی به روش استنباطی ارائه شده است که با در نظر گرفتن فرضیه های تحقیق از آزمون متناسب با آنها استفاده گردید. تمامی مراحل استخراج و تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده از پیمایش در این پژوهش با استفاده از بسته نرم افزاری spss و لیزرل انجام شد. برای اطمینان از روایی محتوا، در موقع ساختن ابزار سعی شد که سوال های تشکیل دهنده ابزار، معرف قسمت های محتوای انتخاب شده باشد و به افرادی متخصص در موضوع مورد

مطالعه داده شد، زیرا که اعتبار محتوا به قضاوت داوران بستگی دارد. طبق نتایج حاصل از ارزیابی سوالات پرسشنامه، در مرحله اول ۹ سوال مورد تایید کارشناسان قرار نگرفت که پس از حذف سوالات رد شده توسط کارشناسان و لحاظ آن در پرسشنامه همه سوالات مورد تایید کارشناسان قرار گرفت. ۶۶ سوال پرسشنامه با اعتبار بالا یعنی ۰/۹، ۰/۸ و ۰/۷ مورد تایید قرار گرفت. برای پاییی ابتدا پرسشنامه تهیه شده روی یک نمونه ۳۰ نفری از جمعیت نمونه اجرا گردید و آلفای کرونباخ همه مؤلفه های آن بالای ۰/۷ به دست آمد.

متغیر	مشارکت های مدنی	تجربه جهانی شدن	فضای آموزشی	گردشگری	مهارت های اجتماعی	رسانه های جمعی ملی
میزان آلفا	۰/۷۲	۰/۹۲	۰/۷۹	۰/۸۱	۰/۸۷	۰/۷۳

پس از گردآوری داده‌ها، براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار های spss و مدل یابی معادلات ساختاری با نرم افزار Lisrel، داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته های پژوهش نتایج آمار توصیفی

پرسشنامه در میان ۳۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران از دانشکده های فنی و مهندسی، فیزیک، علوم پزشکی، کشاورزی و منابع طبیعی، هنر و معماری و علوم انسانی و اجتماعی توزیع شد. بیشتر پاسخگویان مرد بودند که ۵۶/۱ درصد از پاسخگویان را تشکیل می دادند- ۴۳/۹ درصد از پاسخگویان زن بودند. همچنین، میانگین سنی پاسخگویان ۲۶ سال بود- کم سن ترین پاسخگو ۱۸ و مسن ترین آنها ۳۵ سال داشتند. بیشتر پاسخگویان مجرد بودند که ۶۷/۹ درصد از پاسخگویان را تشکیل می دادند- ۳۲/۱ درصد از پاسخگویان متاهل بودند.

۲۴/۱ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه، دانشجوی لیسانس، ۵۳/۷ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد، ۱۷/۹ درصد دانشجوی دکتری و ۴/۳ درصد هم به این سوال پاسخ ندادند. بنابراین بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه، دانشجوی کارشناسی ارشد بودند.

یافته های پژوهش

برای بررسی رابطه متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون پیرسون استفاده شد، زیرا سطح متغیرها شبه فاصله است. در جدول زیر نتیجه آزمون فرضیه ها به اختصار آمده است:

جدول ۱: نتیجه آزمون فرضیه ها

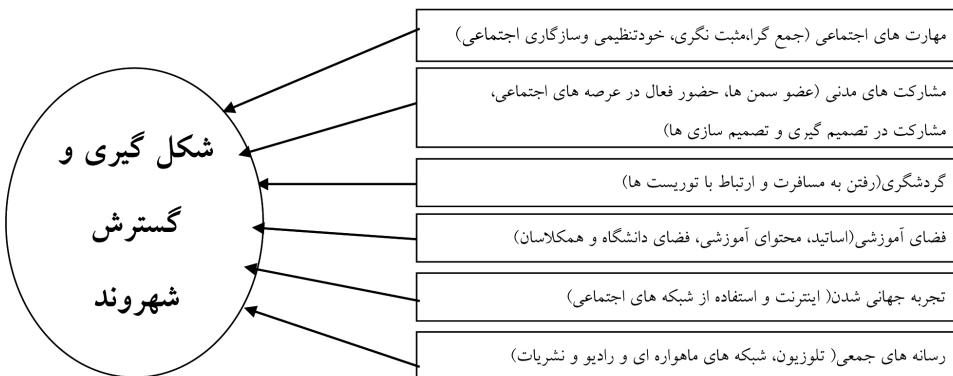
ردیف	فرضیه	نوع آزمون	سطح معناداری	ضریب پیرسون	قبولی یا ردی
۱	مشارکت های مدنی و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۳۷	تایید

۲	تجربه جهانی شدن و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۴۳	تایید
۳	فضای آموزشی و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۰۹	تایید
۴	گردشگری و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۱۶۵	تایید
۵	رسانه های جمعی ملی و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی	آزمون پیرسون	۰/۵۹۸	۰/۰۲۰	رد
۶	مهارت های اجتماعی و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی	آزمون پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۱۳	تایید

طبق نتیجه آزمون های آماری بین تجربه جهانی شدن، گردشگری، مشارکت های مدنی، مهارت های اجتماعی و فضای آموزشی با شکل گیری و گسترش شهروند جهانی رابطه معناداری وجود دارد و فرضیه های آنان تایید شد، اما بین استفاده از رسانه های جمعی ملی و شکل گیری و گسترش شهروند جهانی رابطه معناداری وجود ندارد.

۲۰

نمودار ۲: بررسی مدل پژوهش (آمار استنباطی)



با توجه به بررسی نتیجه فرضیه های پژوهش، بنابراین مدل پژوهش به مدل بالا تغییر می یابد. در واقع، میان مدل نظری و مدل تجربی پژوهش تفاوت وجود دارد. ابتدا با تکیه بر ادبیات نظری، مدلی ارائه شد و هنگامی که این مدل با داده های آماری مورد بررسی و آزمون قرار گرفت، مدل به صورت بالا تغییر یافته است. آزمون رگرسیون میزان سهم ریاضی تاثیر هر یک از متغیرهای وابسته بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی در بین جوانان را بیان می کند:

جدول ۲: ضرایب رگرسیون میان عوامل موثر بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی

عدد ثابت	ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد	سطح معناداری	(ضریب R Square تبیین به توان دو)	متغیرهای مستقل
۷/۴۸۷	۰/۳۷۹	۰/۱۰۵	۰/۰۲۳	۰/۷۰	مشارکت های مدنی
	۰/۵۰۰	۰/۳۷۰	۰/۰۲۵	۰/۷۰	مهارت های اجتماعی
	۰/۴۸۳	۰/۲۰۶	۰/۰۱۹	۰/۷۰	تجربه جهانی شدن

جدول ۲، به بررسی ضرایب رگرسیون میان شکل گیری و گسترش شهروند جهانی و متغیرهای مستقل آن می پردازد. برای گرفتن رگرسیون از روش Inter استفاده شد. ابتدا تمام متغیرهای مستقل که در آزمون پیرسون تایید شدند، وارد مدل کردیم. با توجه به سطح معناداری به دست آمده، متغیرهایی که سطح معناداری آن ها بیشتر از ۰/۰۵ بود حذف نمودیم که در نتیجه گردشگری و فضای آموزشی حذف شدند و متغیرهای مشارکت های مدنی، مهارت های اجتماعی و تجربه جهانی شدن در مدل ماندند. ضریب تبیین بیان می کند که مدل مورد آزمون تا چه میزان توانایی تبیین تاثیر متغیرهای مهارت های اجتماعی، مشارکت های مدنی و تجربه جهانی شدن را بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی را دارد. با توجه به عدد به دست آمده، مدل استخراج شده توانایی تبیین ۷۰ درصد را دارد. حال می توان به نوشتن معادله ریاضی حاصل از جدول پرداخت:

۷/۴۸۷ + (مشارکت های مدنی) ۰/۴۸۳ + (مهارت های اجتماعی) ۰/۵۰۰ + (تجربه جهانی شدن) ۰/۳۷۹ =
 شکل گیری و گسترش شهروند جهانی

در واقع با ضریب تاثیر ۷۰ درصد می توان پیش بینی کرد که با هر نمره تجربه جهانی شدن، مهارت های اجتماعی و مشارکت های مدنی شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان به چه میزان است. اگر عدد ثابت، حذف شود معادله خط به صورت زیر در می آید:

(مشارکت های مدنی) ۰/۲۰۶ + (مهارت های اجتماعی) ۰/۳۷۰ + (تجربه جهانی شدن) ۰/۱۰۵ = شکل گیری و گسترش شهروند جهانی

پردازش مدل

در بخش پیش مشخص شد که مدل حاصل از تئوری ها و حاصل از آزمون های آماری یکسان نیستند. اکنون با استفاده از نرم افزار لیزرل و معادلات ساختاری دست به اکتشاف زدیم تا بهترین مدل به دست آید.

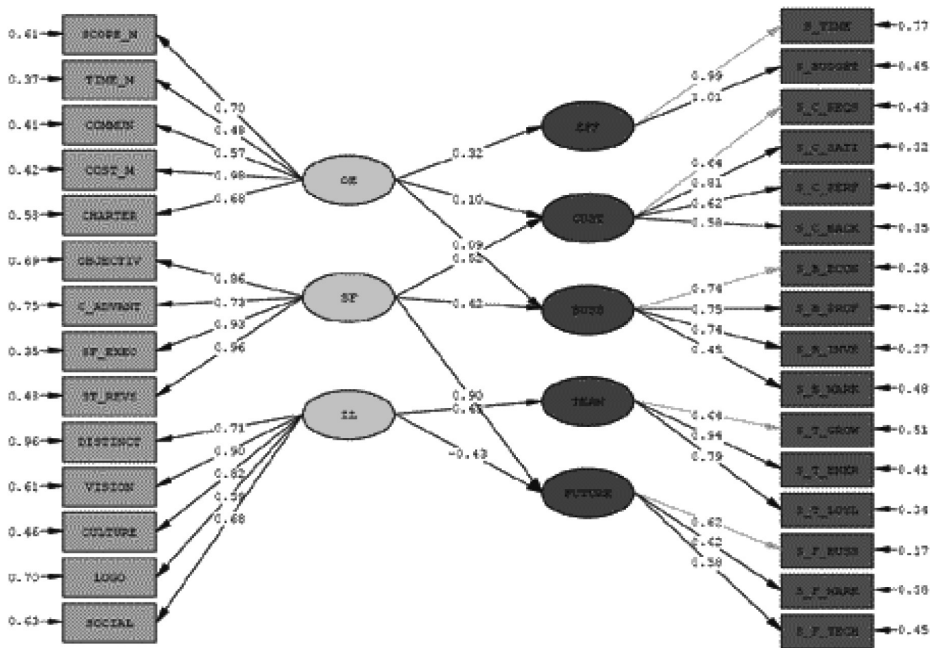
جدول ۳: بررسی آزمون های مختلف برای مدل های گوناگون

مدل	خی دو	RMR	GFI	AGFI	RMSEA	NFI
تجربه جهانی شدن بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان تاثیر می گذارد.	۰/۰۶	۰/۰۲۱۴	۰/۹۰۷	۰/۸۶۰	۰/۰۷	۰/۹۸
مهارت های اجتماعی بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان تاثیر می گذارد.	۰/۰۸	۰/۰۲۹	۰/۹۰۱	۰/۷۴۱	۰/۰۸	۰/۳۵

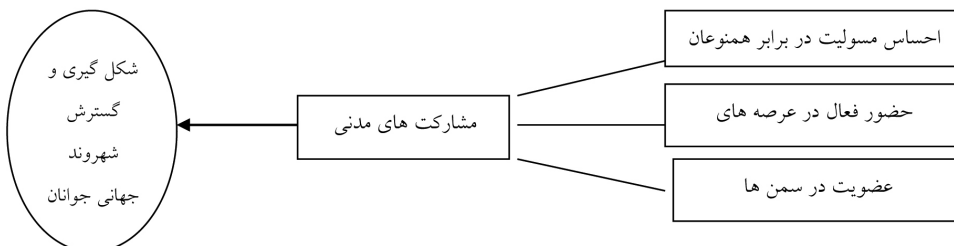
۰/۹۲	۰/۰۵	۰/۹۶۳	۰/۹۸۱	۰/۰۲۴	۰/۰۳	مشارکت های مدنی بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان تاثیر می گذارد.
------	------	-------	-------	-------	------	---

با توجه به جدول بالا می توان نتیجه گرفت که تجربه جهانی شدن بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان تاثیر می گذارد. در واقع، مدل مورد بررسی به شکل زیر در آمد. در اینجا به بررسی ضرایب و میزان تاثیر گذاری متغیرها و شاخص ها پرداخته می شود.

با توجه به ضریب t ، مسیرهایی که اندازه ضریب آن ها کمتر از ۲ است، حذف می شود.



نمودار ۳: مدل تاییدی عوامل موثر بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان



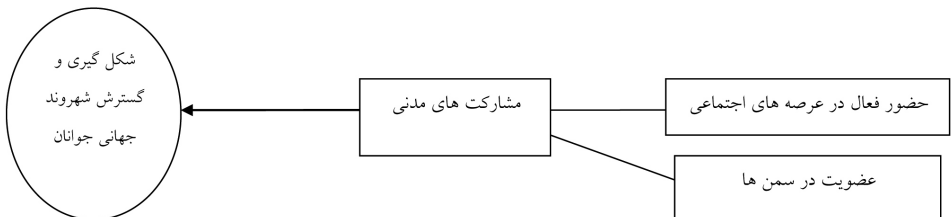
جدول ۵: مسیرهای متغیرهای تاثیر گذار بر متغیر وابسته

مسیرها	مقدار ضریب t
احساس مسئولیت در برابر هموعان < مشارکت های مدنی < شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان	۱/۰۸
حضور فعال در عرصه های اجتماعی < مشارکت های مدنی < شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان	۲/۹۸
عضویت در سمن ها < مشارکت های مدنی < شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان	۲/۰۹

با توجه میزان ضریب t، جدول به شکل زیر در می آید.

مسیرها	مقدار ضریب t
حضور فعال در عرصه های اجتماعی < مشارکت های مدنی < شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان	۲/۹۸
عضویت در سمن ها < مشارکت های مدنی < شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان	۲/۰۹

با توجه میزان ضریب t، جدول به شکل زیر در می آید.



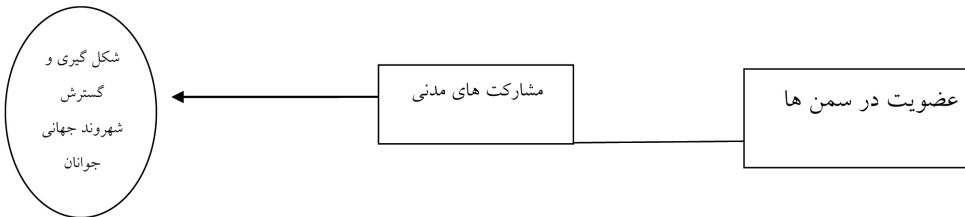
بدین ترتیب، بهینه ترین و تاثیرگذارترین مسیر مشخص شد؛ چنان که ضرایب آلفا و بتا هر مسیر را در هم ضرب کردیم و مسیری که کمترین حاصل ضرب را داشت، به عنوان تاثیرگذارترین مسیر بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی برگزیدیم.

مسیرها	حاصل ضرب، ضرایب آلفا و بتا
حضور فعال در عرصه های اجتماعی < مشارکت های مدنی < شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان	۰/۶۰
عضویت در سمن ها < مشارکت های مدنی < شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان	۰/۵۷

با توجه به جدول بالا می توان نتیجه گرفت که مسیر عضویت در شبکه های اجتماعی < مشارکت های

مدنی < شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان، بهینه ترین مسیر است. بنابراین مدل زیر را می توان ارائه داد.

عضویت در سمن ها، حضور فعال در عرصه های اجتماعی و احساس مسئولیت در برابر هموعان را در پی دارد.



بحث و نتیجه گیری

فرایند جهانی شدن مجموعه گسترده ای از تحولات در برخی از جوامع، فرهنگ ها و انسان های معاصر را به وجود آورده است. در این بستر جهانی شده، پدیده "جهان وطنی" و "شهروند جهانی" شکل می گیرد که منجر به نوعی باز بودن به سوی دیگری و پذیرش الگوهای غنی فرهنگ های جهانی است. این امر موجب شده است اگر تا دیروز مردم یک کشور به صورت محلی اندیشیده اند و به نحوه عمل دموکراتیک در درون خود می اندیشیده اند، امروز به اقدام دموکراتیک در سطح جهانی و بین ملت ها بیندیشند. فن آوری اطلاعات باعث شده است تا مردم جهان در عرصه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به یکدیگر وابسته گردند که این وابستگی، اندیشه و عمل جهانی را در پی داشته است. در قالب جهانی باید به صورت دموکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه و عمل دموکراتیک، فن آوری اطلاعات است. شهروندی جهانی زمینه های بسیاری را پوشش می دهد.

نظریه عمومی زمینه های شکل گیری و گسترش شهروند جهانی در بین جوانان و فهم این عوامل را تسهیل می نماید. تا زمانی که در واکاوی روند و فرآیند عقب ماندگی و پیشرفت یک پدیده مرتبط با توسعه در فرآیند جهانی شدن، به درستی شناخته نشود و طرح نظریه تحول عمومی و تاریخی کشور پر از ابهام و اغماض باشد، هر گونه گام عملی بی فایده است و اهمیت عملی موضوع در این است که با شناخت نسبتاً دقیق پروژه شکل گیری شهروند جهانی در ابعاد مختلف و با طراحی فرآیندهای مناسب و سازگار با شرایط تاریخی و فرهنگی و از طرفی در تعامل با موج مدرنیته جهانی و جهانی شدن، می توان زمینه های شکل گیری و گسترش شهروند جهانی را تا حدی شناخت. با توجه به یافته های این تحقیق می توان ادعا کرد زمینه هایی در جامعه وجود دارد. بنابراین با بررسی مولفه های قابل سنجش این پدیده، در بین جوانان دانشجو مورد بررسی قرار گرفت. طبق یافته های این تحقیق تجربه جهانی شدن، گردشگری، مشارکت های مدنی، مهارت های اجتماعی و فضای آموزشی با شکل گیری و گسترش شهروند جهانی رابطه معناداری دارد. دانشگاه نیز با وجود اساتید، فضای فوق برنامه ای دانشگاه و نگرش مسئولان اداره کننده دانشگاه ها بر نگرش و محتوای آموزشی، بر شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان موثر است و از ارکان و عمده ترین سازمان هایی است که توانمند سازی های اجتماعی را در انسان ها به وجود می آورد. دانشگاه به عنوان سازمانی که امر آموزش و پرورش مدرسان، مدیران و سیاست گذاران کشور را تامین می کند در راستای نیازهای آموزشی فراگیران به نیازهای پرورشی و اجتماعی نمودن آنها در مسیر شهروندی جهانی نیز کمک نماید. اگر چه امروز نقش ابزارهای ارتباطات الکترونیکی که بر نگرش و عقاید مردم نقش بسزایی دارند را نمی توان نادیده گرفت، اما جهت دادن

و سو بخشیدن به آن به سود همه افراد جامعه جهانی است.

از سوی دیگر، داشتن مهارت های ارتباط اجتماعی که با التزام درونی به ایفای هر چه بهتر نقش اجتماعی همراه است، با مصادیقی همچون: جمع گرایی، مثبت نگری، خودتنظیمی و سازگاری اجتماعی همراه است. جوانانی که در جهت پرورش حساسیت نسبت به خویشان، دیگران، موجودات انسانی و خدا تلاش می کنند یا در کندوکاو در راستای آنچه برای انسان شدن مورد نیاز است- در واقع در جستجو برای رسیدن به انسانیت کامل هستند- به سر می برند، با وجود چنین روحیه انسانی، به ارزش های شهروند اجتماعی- فرهنگی پایبندی پیدا می کنند.

با استفاده از مدل ساختاری لیزرل مشخص شد که از بین همه این عوامل، سه عامل بیشترین تاثیر را دارد؛ به این معنا که تجربه جهانی شدن ظاهر می شود و به وسیله مهارت های اجتماعی الگو می گیرد و به وسیله مشارکت های مدنی تغذیه می شود.

تجربه جهانی شدن از عواملی است که در شکل گیری و گسترش شهروند جهانی جوانان تاثیرگذار است و هرچه تجربه جهانی شدن در بین جوانان بیشتر باشد، پایبندی به شکل گیری و گسترش ویژگی های شهروند جهانی در آنها بیشتر است. بنابراین می توان نتیجه گرفت الگوی ساختاری سنتی تاثیر گذار بر شکل گیری ویژگی های اجتماعی در حال تغییر است و تجربه جهانی شدن با شاخص هایی چون: اینترنت، حضور فعال در سطح شبکه های اجتماعی به عنوان یک فضای جدید و فراگیر شکل گیری ارتباطات، به سرعت در حال رشد و گسترش است. سایت ها و وبلاگ ها هر لحظه بیشتر می شوند و کاربران جوان پا به پای دیگر کاربران، به استفاده از آنها علاقه نشان می دهند. رشد فناوری های اطلاعات و ارتباطات، از یک سو موجب آسانی ارتباطات، از میان برداشتن موانع جغرافیایی و دسترسی به اطلاعات شده و از دیگر سو، زمینه های تاثیرگذاری بیشتر بر ویژگی های شهروند جهانی را فراهم کرده است. نیاز به آموزش و فرهنگ سازی در مورد نحوه صحیح استفاده از اینترنت، چه برای جوانان و چه برای سایر افراد جامعه، لازم است. در حال حاضر اینترنت ارتباط از طریق فضای مجازی و ابزاری مناسب برای توسعه افکار و اندیشه های بشری محسوب می شود به شرط آن که در راه صحیح استفاده شود. شبکه های اجتماعی در ابعاد مختلف زندگی افراد (فردی و اجتماعی) تاثیر گذارند. در شکل دمی به هویت آنها نقش دارند و بر ارزش های اخلاقی شان تاثیر دارند.

یکی از مسائلی که بنا به ضرورت اقتضایی جوانان جامعه، حوزه مشارکت نهادمند جوانان ایرانی در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه است، تاثیر آن در شکل گیری و گسترش شهروند جهانی در پژوهش حاضر نشان داده شد. جوانان برای مشارکت پذیر شدن به آموزش و آگاهی نیاز دارند و این گونه تصور می شود که اگر آگاهی ها را افزایش یابد و آموزش شهروندی و مشارکت پذیری در جامعه زیاد شود، به دنبال آن مشارکت اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت- چنانچه طبق دیدگاه هابرماس، روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک باشد که بر همین مبنا، مشارکت مدنی معرف اصلی شهروندی خواهد بود. جوانان برای مشارکت از آگاهی های حداقلی برخوردارند و زیرساخت ها و فضاهای مشارکت ساز مطلوب نیست. از سوی دیگر، مشارکت پذیر شدن جوانان صرفاً از راه آموزش ممکن نمی شود، چراکه مشارکت امری عملی و تمرینی است نه نظری و نگرشی. بر همین اساس زمینه های مشارکت داوطلبانه و یا به تعبیر دقیق تر نهادمند سازی مشارکت برای تاثیر در ویژگی شهروند جهانی شدن اهمیت بسیاری پیدا می کند.

منابع

- بونی فیس، پ. (۱۳۸۰). مدیریت گردشگری فرهنگی. محمود عبدالله زاده. دفتر پژوهش های فرهنگی
- ترنر، ج.اچ. (۱۳۷۸). مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی. محمد فولادی و محمد عزیز بختیاری.
- انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- دستنامه مشارکت جوانان. (۱۳۹۵). معاونت ساماندهی امور جوانان، اداره کل طرح های ملی جوانان، انتشارات کار و دانشگاه
- ربانی، رسول؛ حقیقتیان، منصور و اسماعیلی، محمد. (۱۳۸۵). "بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی. (شهر اصفهان در سال ۱۳۸۴)". فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شوشتر، سال اول، پیش شماره اول.
- رفیعی، حسن؛ مدنی، سعید و وامقی، مروثه. (۱۳۸۷). "مشکلات اجتماعی در اولویت ایران". مجله جامعه شناسی ایران. دوره ۹ شماره ۱ و ۲.
- روشه، گی. (۱۳۸۸). جامعه شناسی تالکوت پارسونز. عبدالحسین نیک گهر. تهران: نشر تبیان
- ریتز، جورج. (۱۳۹۰). "نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر". محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- سیف اللهی، سیف اله. (۱۳۸۸). مبانی جامعه شناسی. چاپ دوم، تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا
- سیف اللهی، سیف اله. (۱۳۹۰). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران. چاپ سوم، تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا
- فالکس، کیت. (۱۳۹۰). شهروندی. م، دل فروز. چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر
- شبانی، ملیحه. (۱۳۸۴). "شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه اجتماعی". فصلنامه رفاه اجتماعی. سال سوم، شماره هجدهم: ص ۲۴-۹.
- شبانی، ملیحه و فاطمی نیا، سیاوش. (۱۳۸۸). "میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی". راهبرد یاس. شماره هجدهم: ص ۱۲۹-۱۰۴.
- فاطمی نیا، سیاوش. (۱۳۸۶). "عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی". پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۴). ما ایرانیان تهران. تهران: نشر نی
- کاستلز، استفن و آلیستر، دیویدسون. (۱۳۸۲). مهاجرت و شهروندی. فرامرز تقی لو. پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخص در عصر جدید. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۵). "آموزش شهروندی ملی و جهانی با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش آموزان". فصلنامه نوآوری های آموزشی. شماره ۱۷.
- محمد مهدی، صباغیان. (۱۳۹۶). "شناسایی و اولویت بندی کانال های ارتباطی در جذب گردشگران". دانشکده مدیریت و حسابداری، رشته ارتباطات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز.
- محمدی، جمال و تبریزی، نازنین. (۱۳۸۹). "سنجش میزان آگاهی عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری". مجله تخصصی. سال اول، شماره اول ص ۱۷۶.
- نجاتی حسینی، محمود. (۱۳۸۹). "شهروندی شهری: از نظریه تا سیاست شهری و تجربه فرهنگی". دانشنامه علوم اجتماعی. دوره اول، شماره سوم: ص ۱۶۰-۱۳۶.

- وخشوزی، سیده طیبه. (۱۳۹۵). "بررسی جامعه شناختی علل و عوامل موثر بر پابندی به ارزش های اخلاقی". رساله دکتری رشته جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- وکیل ها، سمیرا. (۱۳۹۶). "موانع و محدودیت های ساختاری در تعهد به اخلاق شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی در سال ۹۵-۱۳۹۴)". دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه جامعه شناسی.
- هاشمیان فر، سید علی و گنجی، محمد. (۱۳۸۸). "تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان". جامعه شناسی کاربردی. سال بیستم، شماره ۱، صص ۴۴-۲۵.
- Madeleine F. Green. (2012). **"Global Citizenship - What Are We Talking About and Why Does It Matter?"**. NAFSA, This is the fourth article in the Trends & Insights series.
- Carter, Allen. (2010). **The political Theory of Global Citizenship**. London: Routledge.
- Olson GM, et al. (2007). **"Role of protein O-mannosyltransferase Pmt4 in the morphogenesis and virulence of Cryptococcus neoformans"**. Eukaryot Cell 6(2):222-34
- Reysen S1, Katzarska-Miller I. (2013). **"A model of global citizenship: antecedents and outcomes"**. Epub 2012 Jul 17, Int J Psychol. 2013;48(5):858-70.
- Schattle, Hans.(2009). **"Global Citizenship in Theory and Practice."** In The Handbook of Practice and Research in Study Abroad: Higher Education and the Quest for Global Citizenship. ed. R. Lewin. New York: Routledge.

خانواده دیجیتال، هویت دینی و ارزش های خانوادگی: پیمایشی در شهر اصفهان

علی قنبری برزیان^۱

علی سیف زاده^۲

اصغر محمدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱/۱۹

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر مصرف رسانه بر دین داری و ارزش های خانواده در شهر اصفهان است. با توجه به پژوهش های پیشین و بحث وجدل هایی که در سال های اخیر پیرامون تأثیر فضای مجازی از جمله ماهواره و اینترنت بر ارزش های خانواده ایرانی وجود داشته، این دو متغیر به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر ارزش های خانواده انتخاب شدند. روش پژوهش پیمایشی و جامعه آماری، شهروندان شهر اصفهان بودند که تعداد ۸۰۰ نفر از آن ها به صورت نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای برای تکمیل پرسشنامه ها انتخاب شدند. نتایج به دست آمده با استفاده از آزمون های مختلف و مدل معادلات ساختاری (SEM) حاکی از رابطه معکوس بین مصرف رسانه (اینترنت و ماهواره) و ارزش های خانواده است. همچنین مشخص شد که مصرف رسانه رابطه معکوسی با میزان دین داری افراد دارد. از سوی دیگر نتایج نشان می دهد که رابطه مستقیمی بین دین داری و پایبندی به ارزش های خانواده وجود دارد. تعبیر قلب های اجاره ای و سفره های تک نفره، انعکاس دهنده میزان تأثیر مصرف رسانه بر ارزش های خانواده اند. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که مصرف رسانه با ضریب بتای ۰/۳۶ سهم معناداری در ارزش های خانوادگی دارد. در پایان پیشنهادهایی نیز در راستای سیاست گذاری مناسب در این مورد ارائه شده است.

واژگان کلیدی: خانواده دیجیتال، هویت دینی، سواد رسانه ای، ارزش های خانوادگی و اصفهان

مقدمه

ارزش ها، بنیانی ترین و شالوده عناصر هر نظام اجتماعی و عامل همگرایی و ادغام اجتماعی است که ضمن تأثیرگذاری برکنش ها و ارزیابی مردم از رویدادها، گرانگاه و محور کانونی فرهنگ هر قوم و ملتی با نسل آینده نیز می باشند و تداوم هر جامعه ای درگرو تداوم ارزش های اساسی آن است. این تداوم ارزشی و انتقال آن در طول نسل ها، منطق ذاتی فرایند جامعه پذیری^۱ را روشن می سازد که از خانواده و از اولین سال های زندگی شروع می شود. ارتباط خانواده و ارزش ها ارتباطی دوسویه است؛ به طوری که خانواده به منزله مهم ترین نهاد تربیتی در ایجاد، تقویت و انتقال باورها و ارزش ها به افراد اساسی ترین نقش را ایفا می کند. همچنین، ارزش های مشترک در زمره مهم ترین عوامل همبستگی اجتماعی اند و عنصر مهم وحدت روانی افراد به شمار می روند (جاکوبسن و دیگران، ۱۹۷۵).

در نگاهی کلی به روند تحول خانواده از گذشته تاکنون می توان ادعا نمود که امروزه تحول و استحاله ارزش های خانواده، بنیان آن را دچار تحولات جدی کرده و در برخی موارد آن را به مرز بحران رسانیده است. البته تغییر در نظام ارزشی خانواده به دلیل تفاوت نسلی و پابندی هر نسل به ارزش های متفاوت به ویژه در دنیای جدید، همواره از مسائل مهم خانواده بوده است (اینگلهارت). رابین^۲ (۱۹۹۴)، ویلکینسن^۳ (۱۹۹۴) و یلکینسن و مورگان^۴ (۱۹۹۵) نیز تضاد و تعارض ارزش ها و ایستارهای خانوادگی در میان نسل های مختلف را در درون خانواده نشان داده اند (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶: ۲۷۲).

استدلال های مختلفی را می توان درباره تغییر و تحول در نظام ارزشی خانواده اقامه نمود. برای مثال، می توان این تغییرات را از یکسو به تضاد ارزشی مرتبط دانست که خانواده مدرن همواره در درون خود می پرورد- آن چنان که بک و بک گرنشام در بررسی ماهیت پرتلاطم روابط شخصی، ازدواج ها و الگوهای خانوادگی از این تعارض ارزشی سخن می گویند (همان، ۲۶۰)- و از سوی دیگر، این استحاله ارزشی و حتی تضاد ارزشی^۵ نشأت گرفته از آن را مولود زندگی در دنیایی نامأنوس دانست که این بیش از هر چیز به سبب تازگی، آگاهی و اطلاع یابی فزاینده ای است که رسانه ها برای ما به ارمغان آورده اند- به صورتی که تغییر و تحول به یکی از خصیصه های روزمره زندگی ما بدل شده است. امروزه، بیشتر مردم جهان مجموعه وسیعی از زندگی های نوینی را که قبلاً هرگز ندیده اند و منبع آن رسانه جمعی است را تجربه می کنند و زندگی شان را از طریق زندگی های جدیدی که توسط رسانه ها ارائه می شود، شکل می دهند (آپادورای، ۱۹۹۶: ۵۳). نماد بارز عصر اطلاعات، شبکه ای از رایانه های به هم پیوسته در سراسر جهان، یعنی اینترنت است. اینترنت، رشد یافته ترین ابزار ارتباطی جهان است که به همه زوایای زندگی انسان امروز نفوذ کرده است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۱). با ظهور اینترنت و دسترسی آسان به آن، ارزش های اجتماعی خانواده ها تحت تأثیر قرار گرفته و موجب تغییراتی در رفتار و گفتار نسل جوان شده است (اسلوین، ۱۳۸۰: ۸۳). در گذشته خانواده های سنتی به دلایل گوناگون روابط درونی و بیرونی گسترده ای داشتند، اما استفاده از اینترنت کم و کیف این روابط را تغییر داده و هر چه تعامل و گفتگوی خانوادگی کاهش می یابد، تحول بیشتری در ارزش های سنتی خانواده روی می دهد (لبیسی، ۱۳۹۲).

در کنار اینترنت، شبکه های ماهواره ای نیز قادرند ضمن شکل دهی به ادراک افراد از واقعیت های پیرامون

1. Socialization
2. Rubin
3. Wilkinson
4. Wilkinson & Mulgan
5. Value Conflict

خود با تأثیرگذاری بر افکار و روان مخاطبان، نوع دیدگاه، سلاقی و حتی توقعات مردم را تغییر دهند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۶: ۳۹). این شبکه‌ها نقش مهمی در دگرگونی ارزش‌ها و باورها دارند و قادرند با برنامه‌ریزی‌های دقیق و کنترل‌شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل دهند و رفتار آنان را به‌صورت دلخواه سمت‌وسو دهند (محمدی سیف، ۱۳۹۲). برای مثال، برنامه‌های ماهواره‌ای در شکل دهی به ارزش‌های مدرن همچون: مادی‌گرایی، فردگرایی و آزادی‌های نامحدود، اثرگذار است و باعث تغییر ارزش‌های سنتی و گاه ایجاد تضاد ارزشی در خانواده‌ها می‌شود و احتمال ناهنجاری‌های مختلف نظیر طلاق را افزایش می‌دهد (نعیمی، ۱۳۹۰: ۱۹۲). همچنین این واقعیت را نباید نادیده گرفت که ارزش‌های غیراخلاقی می‌تواند با مصرف برنامه‌های ماهواره‌ای در قالب قواعد و هنجارها و نمادها وارد محیط خانواده شود. فارغ از فضای نمادینی که هر رسانه‌ای حتی تلویزیون ملی ایجاد می‌کند و بر نظام ارزشی خانواده تأثیر می‌گذارد، بستر و ایدئولوژی متفاوت شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان اثرگذاری آن را تشدید می‌کند، زیرا با ایدئولوژی و بستری که ارزش‌های خانواده ایرانی در آن تکوین یافته متفاوت و حتی متضاد است.

با ورود فناوری وسایل ارتباط جمعی یادشده به خانواده‌ها و به سبب نظم اطلاعاتی که رسانه‌ها ایجاد کرده‌اند، مجاری سنتی تعریف نظام ارزشی خانواده همچون دین دیگر قادر نیستند در فرایند بازآفرینی ارزش‌ها و ایستارهای اجتماعی و یا حفظ و قوام بخشیدن به آن‌ها نقش آفرینی کنند. اگرچه گسترش رسانه‌های نوین بعد از دوره‌ای از عرفی شدن زندگی، نویدبخش طریقه‌ای نوین برای اشاعه ادیان است و روف^۱ (۱۹۹۲) نیز به نقش تعیین‌کننده رسانه‌ها، در تجدید حیات دینی اشاره دارد (جوادی یگانه و همکاران، ۱۳۸۸)، اما به نظر می‌رسد در کنار این تعامل باید تقابل رسانه و دین را نیز در نظر داشت (حسن خانی، ۱۳۸۷-). همان‌طور که می‌توان از تقابل بین خانواده و رسانه نیز سخن گفت. شاید سرمنشأ اصلی چنین تقابلی را باید در اساس شکل‌گیری هر یک از این نهادها دانست، چراکه دین و خانواده نهاد‌های ماقبل مدرن و به عبارتی همزاد با اولین اجتماعات بشری هستند، درحالی‌که رسانه‌های جمعی به‌ویژه اینترنت و ماهواره همزاد مدرنیته متأخرند. نیل پستمن^۲ با تأکید بر ماهیت مدرن و سکولار تلویزیون و تضاد و تقابل آن با دین معتقد است نه تنها تلویزیون نمی‌تواند اثرات مثبت دینی داشته باشد، بلکه باید منتظر آسیب‌های آن بود (راودراد، ۱۳۸۸: ۵۱). اصفهان به‌عنوان شهری صنعتی و درعین‌حال مذهبی و سنتی و گردشگری شاهد تغییرات شتابانی بوده که لایه‌های مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار داده است. تنوع فرهنگی و قومی و مذهبی، خشک‌سالی‌های اخیر، مهاجرت‌های زیاد و آسیب‌های اجتماعی گوناگون و بالا و دامنه بالای استفاده از برنامه‌های ماهواره‌ای، سخن از این واقعیت دارد که تغییرات وسیع و فراگیر بوده است. در چرخه این تحول، خانواده خود از آسیب دیدگان عصر جهانی شده رسانه‌ای است. افزایش آمار اختلافات خانوادگی، طلاق، خیانت زناشویی، تغییر روش‌های فرزند پروری و افزایش بزه کاری و انحرافات اجتماعی می‌تواند نشان‌دهنده تغییر تدریجی نظام ارزشی در جامعه ایران و به خصوص خانواده‌ها باشد. تا زمانی که خانواده نقش خود را به‌عنوان ابتدایی‌ترین و درعین‌حال مهم‌ترین مرکز تربیتی به‌درستی به انجام نرساند، دیگر مراکز تربیتی و آموزشی در ادامه فرآیند تربیت نسل آینده، نخواهند توانست به هدف خود نائل آیند. لذا توجه به رسانه و دین به‌عنوان دو عامل اثرگذار بر ارزش‌های خانواده، با توجه به حضور و نفوذ دین در تمام ارکان و لایه‌های جامعه ایرانی و نیز گسترش رسانه‌های نوین همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای وب و به خصوص شبکه‌های اجتماعی اهمیت اساسی دارد. با این توضیحات، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا مصرف برنامه‌های رسانه (ماهواره و اینترنت) سبب می‌شود که نظام ارزشی خانواده در اصفهان دیجیتالی شود و سواد رسانه‌ای

1. Roof, W.C

2. Postman, N

و شبکه‌های رسانه‌ای مهم‌ترین مرجع برای پذیرش ارزش های خانواده و دین‌داری در میان خانواده‌های اصفهانی شوند؟

پیشینه تجربی پژوهش

در مورد تأثیر مصرف برنامه‌های ماهواره‌ای و ارزش های خانواده پژوهش های چندی در داخل و خارج از کشور انجام شده که در اینجا به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می شود. موسوی و همکارانش (۱۳۹۰) با استفاده از تحلیل محتوا و تحقیق پیمایشی به بررسی تأثیر شبکه های مد بر روی ۳۰۰ دانشجوی دختر دانشگاه تهران پرداختند. نتایج نشان می دهد که تأثیرات شبکه های مد بیشتر آگاهی-مدارانه اند تا رفتارگرایانه و مخاطب تحصیل کرده ایرانی، شبکه مد را به عنوان یک منبع اطلاعاتی و یک امکان دسترسی در کنار دیگر منابع در نظر می گیرد و به جای رفتار منفعلانه در مقابل باورهای تبلیغاتی فضای دسترسی خود را افزایش می دهد. سلطانی فر و ملکیان (۱۳۸۹) در تحلیل محتوای ۵۰ فیلم شبکه ماهواره ای ام.بی. سی فارسی به این نتیجه رسیدند که در این فیلم‌ها بر مواردی چون تأکید بر فروپاشی خانواده، تصویر منفی از ارتباط بین نسلی، تأکید مثبت بر ازدواج، روابط مثبت با همسر، معیارهای مادی در انتخاب همسر، گذران اوقات فراغت به سبک غربی (در کاباره، کلپ، کازینو و قمار)، اشاعه خشونت فیزیکی و کلامی، توجه به جاذبه‌های جنسی و توجه به زن به عنوان یک سوژه جنسی تأکید شده است. ذوالقدر و قاسم زاده (۱۳۹۱) نیز با مصاحبه عمیق با ۴۰ نفر از مخاطبان شبکه‌های ماهواره‌ای به این نتیجه رسیدند که شخصیت سریال‌ها، تأثیر عمیقی بر نحوه نگرش آن‌ها به مفهوم سبک زندگی، تجمل طلبی، نحوه پوشش، چگونگی انتخاب همسر و همچنین اعتقادات مذهبی و دینی داشته است. خیانت، بی هویتی، بدبینی، پیدایش روابط مثلی، یاس و خودکم بینی، مصرف زدگی و تجمل گرایی و همچنین عادی شدن و رواج چندهمسری از جمله پیامدهای منفی این سریال‌ها می باشد.

داتا و آلو^۱ (۱۹۹۹) با بررسی تأثیر تلویزیون ماهواره ای بر الگوی تعامل خانواده ها با بچه های ۱۰ تا ۱۲ ساله و والدین آن‌ها در بمبئی به رابطه معنی داری بین استفاده از تلویزیون ماهواره ای و الگوی تعامل خانوادگی دست نیافتند؛ باین حال پژوهش آن‌ها نشان داد که روند رو به گسترشی از کاهش تعامل خانوادگی در حال ظهور است. الاوفی^۲ (۱۹۹۲: ۸۶ و ۱۷۸) در بررسی رابطه بین رویارویی با کانال های یک و دو تلویزیون عربستان و گرایش های اجتماعی افراد، اصول تحلیل کاشت گربتر را به کار بست. نتایج نشان داد بینندگان کانال های ماهواره ای نگرش بسیار مطلوب و مناسبی به سبک زندگی غربی، تولیدات رسانه های غربی، مسافرت به خارج و تصور مثبت از غرب داشتند و بیشتر بینندگان کانال های داخلی بیشتر مستعد و متمایل به حفظ فرهنگ آگاهی ورزشی و سلامتی هستند، در مقابل بینندگان کانال های داخلی بیشتر مستعد و متمایل به حفظ فرهنگ بومی بودند. زهاراپولوس^۳ (۲۰۰۳) در پیمایشی بر روی ۵۰۸ دانش آموز دبیرستانی به بررسی تأثیر تلویزیون آمریکا بر فرهنگ یونانیان و مصرف کالاهای آمریکایی پرداخت. بخشی از نتایج پژوهش نشان می دهد که دانش آموزان پرمصرف برنامه‌های تلویزیون به خصوص برنامه های تلویزیون آمریکا، نگرش مطلوب تری نسبت به لباس های مارک دار دارند. شامشر و نعیم عبدالله^۴ (۲۰۱۲) نیز در بررسی تأثیرات تلویزیون ماهواره ای بر فرهنگ بنگلادش به این نتیجه رسیدند که از نظر پاسخگویان استفاده از تلویزیون ماهواره ای تأثیر زیادی در افزایش آگاهی از مد، ترجیح برند و مارک و پیروی از آداب و رسوم غربی و کاهش تعلق

1. Datta and Alwe

2. Al-ofy A

3. Zaharopoulos, T

4. Shamsher R & Abdullah MN

اجتماعی، سرگرمی خانگی، علاقه به موسیقی و فیلم خارجی دارد. از طرف دیگر، استفاده از تلویزیون کابلی موجب افزایش آگاهی از ترجیح کیفیت، برابری جنسی و جامعه دانایی-محور و کاهش علاقه به موسیقی و فیلم بنگلادشی شده است. حوزه هایی که تلویزیون تأثیر اندکی داشته شامل افزایش خوردن غذا بیرون از منزل، مشارکت بچه ها در تصمیم گیری و کاهش پیوندهای مذهبی بود.

لبیبی (۱۳۹۲) نشان می دهد که جامعه ایرانی ارزش های خانوادگی در شش جنبه شامل معنای سنتی زندگی خانوادگی، باور به تمایزات جنسیتی، غلبه الگوهای جدید همسرگزینی، تضعیف فضای گفتگو و تعامل، تضعیف باورهای دینی و اعتقادات مذهبی و غلبه تفکر فردگرایی در کنار ضعف باورهای اخلاقی دچار تحول شده است. زنجانی زاده و محمدجواد (۱۳۸۴) با بررسی متغیرهای اینترنتی و غیر اینترنتی نشان دادند سهم متغیر اینترنت در تبیین ارزش های خانواده ۱۰ درصد است و استفاده از اینترنت بر ارزش های خانواده تأثیر منفی دارد. در خصوص تأثیرات و پیامدهای اینترنت، پژوهش زی هو و هی^۱ (۲۰۰۲) نشان داد که استفاده از اینترنت موجب کاهش فعالیت، مشارکت و روابط افراد در درون خانواده می شود. کفاشی (۱۳۸۸) به رابطه آماری معکوس بین استفاده از اینترنت و ارزش های خانواده دست پیدا کرد و در پژوهشی دیگر (۱۳۸۹) این رابطه معکوس را با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری^۲ تأیید نمود. کشتی آرای و اکبریان (۱۳۸۹) نیز نشان دادند که دانشجویان در تعامل با اینترنت تجارب زیادی کسب می کنند که این کسب تجربه در هنجارها، باورها، عقاید، اخلاق و نمادهای کلامی آن ها تأثیر دارد. این تجارب را می توان تحت سه مفهوم، یادگیری ارزش های جدید، هنجارهای جدید و نمادهای کلامی جدید دسته بندی کرد. کاشانی (۱۳۹۰) نشان می دهد که رسانه ها آن قدر که در دین گریزی افراد نقش دارند، در دین داری آن ها نقشی ایفا نمی کنند. پژوهش های صورت گرفته در داخل و خارج کشور نشان می دهد که فضای مجازی نقش مهمی در الگوسازی ها و تغییر نظام ارزشی خانواده دارد.

مبانی نظری پژوهش

دیدگاه های اولیه در مورد رسانه های جمعی (چه مثبت و چه منفی) صرفاً بر نقش آن ها در جایگزینی ارزش ها و نگرش های سنتی با مدرن تأکید دارد. پارادایم مسلط در حوزه ارتباطات و توسعه در دهه ۶۰ تا ۷۰ میلادی به رسانه ها به عنوان موتور دگرگونی و تغییر ارزش های جوامع تأکید دارد. چنانکه لرنر^۳ به تأثیر رسانه ها در فروپاشی سنت گرایی اشاره دارد (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). لیکن تامپسون (۱۳۸۰: ۲۳۹) معتقد است در خود مواجهه با رسانه ها هیچ موضع رویارویی با سنت نیست. رسانه ها در کنار به چالش کشیدن و تضعیف ارزش ها و باورهای سنتی در گسترش و تحکیم سنت ها نیز نقش آفرینند. رابرتسون (۱۳۷۷: ۱۲۷) در کنار خانواده، آموزش و پرورش و گروه همسالان، رسانه ها را اصلی ترین نهادهای جامعه پذیری افراد در جوامع نوین می داند. منطق درونی که کار رسانه ها را جامعه پذیری یا جامعه ستیزی می داند این است که رسانه ها به طور مستمر و پیشاپیش تجربه واقعی، تصاویری از زندگی و مدل هایی از رفتار را عرضه می کنند (مک کوئل، ۱۳۸۲: ۳۹۵-۳۹۴). زندگی در دنیای کنونی وضعیتی را پدید آورده که حاکی از قدرت مضاعف رسانه ها نسبت به سایر عوامل اجتماعی شدن است. امروزه رسانه ها یکی از ارکان جامعه پذیری محسوب می شوند و این رکن در بسیاری از موارد، نقش والدین را از حیث انتخاب تجارب و

1. Zhu, J

2. Structural Equation Modeling (SEM)

3. Lerner, D

نقش گروه همسالان را از حیث تحریک تخیل و نقش نهادهای آموزشی را از حیث آموزش و پرورش به عهده گرفته اند. رسانه، حتی اگر تلاشی سازمان یافته و علمی برای جذب و جلب مخاطب به کار نگیرد، در بسیاری از مواقع، بر زندگی افراد تحمیل می شود (موسی پور و درتاج، ۱۳۸۷).

مک لوهان که اصطلاح سواد رسانه ای را مطرح کرده است و از صاحب نظران وسایل ارتباط جمعی می باشد، در نظریه منطق موزاییکی خود به تاثیر مصرف رسانه ای در تغییرات فرهنگی گروه های اجتماعی کوچک اشاره نموده و اثر آن را به بوم رنگ تشبیه نموده است. بر اساس این نظریه، موضوع مصرف و الگوهای آن در خانواده مستقیماً تحت تاثیر استفاده از رسانه های جمعی است. دی فلور و بال روکیچ در الگوی خویش درباره وابستگی به رسانه ها بر این باورند که شرط مهم برای بروز اثرات، میزان وابستگی به بعضی رسانه های ارتباطی است؛ مجرایی که مردم برای به دست آوردن اطلاعات مهم نسبت به آن احساس وابستگی می کنند، توان بیشتری برای ایجاد اثرات دارد، تا مجرایی که تفاوتی با مجاری دیگر ندارد و اطلاعاتی که فراهم می کند فاقد اهمیت است (به نقل از ویندال و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۷۰). هابر ماس نیز فناوری های ماهواره ای و اطلاعات دیجیتال (اینترنت) را سبب به وجود آمدن نوعی همسانی در عرصه فرهنگی و تبدیل فرهنگ طلایی شده آمریکایی به عنوان فرهنگ جهان گستر می داند.

بر اساس نظریه کاستلز، فضای مجازی در فرایند هویت سازی، مراجعه اجتماعی را متعدد و متنوع نموده است، هویت سازی سنتی را دشوار ساخته و تداوم "زمان" را از آن ستانده، "وحدت" موضوع را مخدوش کرده و احساسی از موقتی و متغیر بودن را بر ذهن انسان چیره گردانیده است. ضمن اینکه تردید و عدم قطعیت را به همه حوزه های زندگی فرهنگی و حتی حوزه شناخت علمی رسوخ داده و ترس و ناامنی فراگیری را به ارمان آورده است. همچنان که قلمرو روابط زندگی اجتماعی را گسترش داده و دنیای اجتماعی افراد را بسیار بزرگ تر از گذشته ساخته و احساس کنترل ناپذیرتر شدن چنین دنیایی را در ضمیر یکایک آنان زنده کرده است. تبدیل، تغییرپذیری و سرعت به مهم ترین عوامل ویژگی بخش زندگی اجتماعی بازیگران فضای مجازی مبدل شده و امنیت هستی شناختی بازیگران فضای مجازی را تهدید می کند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۵).

اینگلهارت تغییر ارزش در جوامع غرب را پیامد غیر ارادی کامیابی اجتماعی - اقتصادی افزایش یافته می داند. اینگلهارت می گوید: کامیابی اقتصادی افزایش یافته منجر به برآورده شدن بهتر نیازهای بنیانی در سال های شکل گیری افراد می شود (سال های آخر نوجوانی) که به نوبه خود منجر به ارزش های ماتریالیست کمتر از نسلی به نسل دیگر می شود. بر این مبنا، اینگلهارت به تأثیر قشر بندی اجتماعی توجه می کند. اینگلهارت، با اعتقاد به این استدلال که تفاوت میان اجتماعی شدن تکوینی جوانان اروپایی با بزرگسالان نشان موجب شده تا جوان ترها اولویت نسبتاً بیشتری برای آزادی و ابراز عقیده قائل شوند، اظهار داشت که با جایگزینی نسل جدید در آینده، نوعی جابجایی به سوی اولویت های ارزشی فرامادی روی خواهد داد. اینگلهارت به منظور تبیین این تحول، دو فرضیه پیش بینی کننده دگرگونی ارزشی را مطرح می کند: ۱- فرضیه کمیایی، که در آن اولویت های فرد بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی است؛ به نحوی که شخص بیشترین ارزش ذهنی را به آن چیزهایی می دهد که عرضه آن نسبتاً کم است. ۲- فرضیه اجتماعی شدن، که در آن ارزش های اصلی شخص تا حد زیادی بازتاب اوضاع حاکم بر سال های قبل از بلوغ وی است. (آزاد ارملی، ۱۳۸۳، ۲۲) در بررسی اینگلهارت ارزش ها به دو دسته تقسیم شده اند. نخست، ارزش های مادی که مبتنی بر نیازهای زیستی و امنیتی فرد است که مستقیماً به حیات طبیعی ارتباط دارد و در مقابل، ارزش های فرامادی هستند که در جهت ارضای نیازهای فرا زیستی انسان می باشند. جهت سنجش اولویت ارزشی پاسخگویان از منظر خواسته های مادی و فرامادی با شاخص سازی اینگلهارت، دوازده سنجه ارزشی در نظر گرفته شده است؛ بطوری که شش گویه متعلق به ارزش های مادی هستند و باقیمانده ارزش های فرامادی را می سنجدند.

استوارت هال سه مرحله تاریخی متفاوت برای سوژه (هویت) ارائه می‌کند: الف) سوژه روشنگری ب) سوژه جامعه‌شناختی و ج) سوژه پست مدرن (هال و دیگران، ۱۳۸۴: ۹۱).

سوژه روشنگری: طبق نظریه هال، سوژه روشنگری بر مفهومی از انسان به عنوان فردی تمام و کمال و یکپارچه استوار بود که ظرفیت‌هایی مبنی بر تعقل، آگاهی و عمل داشت. «مرکز» سوژه روشنگری شامل یک هسته درونی بود که با تولد فرد برای اولین بار ظاهر و همراه آن شکوفا می‌شد؛ گو اینکه در سراسر زندگی فرد ذاتاً همان (همواره یا عیناً مانند خودش) باقی می‌ماند و مرکز ذاتی خود، هویت فرد بود (تاجیک، ۱۳۸۴: ۹۳). سوژه جامعه‌شناختی: همان طور که جوامع مدرن پیچیده‌تر شدند، اشکال اجتماعی‌تر و جمعی‌تری به دست آوردند و مفهوم اجتماعی‌تری از سوژه ظهور کرد که طبق آن فرد باید در درون صورت‌بندی‌ها و ساختارهای بزرگ حمایت‌کننده جامعه مدرن، مکان یافته‌تر دیده می‌شد. بر طبق این رویکرد، هویت در «کنش متقابل» بین خود و جامعه شکل می‌گیرد. سوژه هنوز یک هسته و یا ماهیت درونی دارد که «من واقعی» است، اما من واقعی در گفتگوهای مستمر با جهان‌های فرهنگی «بیرون» و هویت‌هایی که ارائه می‌دهد شکل می‌گیرد و تعدیل می‌یابد.

سوژه پست‌مدرن: مدل جامعه‌شناختی تعاملی مذکور با رابطه پایداریش میان «درون» و «بیرون» دستاورد مهمی برای نیمه اول قرن بیستم بود. با این همه، در همین دوره، تصویر آشفته‌کننده‌تر و آشفته‌شده‌ای از سوژه و هویت در جنبش‌های زیبایی‌شناختی و روشنفکری شروع به نمایان شدن می‌کرد. این بینش‌ها چیزهایی را که باید برای سوژه‌های دکارتی و جامعه‌شناختی در مدرنیته متأخر روی می‌داد، پیش‌بینی کردند. (تاجیک، ۱۳۸۴: ۹۴).

با توجه به چارچوب نظری برگزیده و همکارانش، مرکزیت برنامه ریزی زندگی فرد، در معنایی است که او به زندگی‌نامه خویش (و نیز معانی فراگیر جامعه) نسبت می‌دهد که همگی به بروز پیامدهای بسیار مهم هویتی برای فرد در جامعه مدرن دامن می‌زنند. منظور آن‌ها از هویت، چیزی نیست که در روان‌شناسی علمی توصیف می‌شود، بلکه بیشتر تجربه واقعی فرد درباره خود در یک موقعیت اجتماعی خاص منظور است. به سخن دیگر، منظور آن‌ها از هویت، "طریقی است که در آن افراد به تعریف خود می‌پردازند. هویت به این معنا، بخشی از یک ساختار معین آگاهی است و از این رو تابع توصیفی پدیدارشناسانه (فارغ از هرگونه داوری معرفت‌شناختی یا روان‌شناسانه) است". (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۸۴)

گیدنز با تأکید بر مسئله شناسایی هویت و آگاهی به آن، معتقد است که هویت شخصی، به عنوان پدیده‌ای منظم، مستلزم روایت معینی است: روایت «خود» باید صریح و بی‌اُمّا و اگر باشد. برای ایجاد و استوار داشتن مفهوم جامعی از «خود»، ترتیب دادن یادداشت‌های منظم روزانه و تدوین زندگینامه شخصی از توصیه‌های عمده است (همان: ۱۱۳). در زندگی اجتماعی مدرن، زندگی‌نامه هسته اصلی هویت شخصی را تشکیل می‌دهد. چنین زندگینامه‌هایی، مانند دیگر متن‌های روایت‌گرانه، چیزی است که باید روی آن کار کرد و در تدوین و تنظیم آن‌ها ابتکار و خلاقیت به خرج داد. در زمینه نقش ساختارهای اجتماعی، گیدنز بر آن است که انتخاب شیوه زندگی و برنامه ریزی زندگی دقیقاً در بطن زندگی روزمره، عامل‌های اجتماعی یا از عناصر تشکیل‌دهنده آن زندگی نیستند، بلکه مرتبط با موقعیت‌های نهادینی هستند که به افراد کمک می‌کنند تا به کنش‌های خود شکل دهند (همان). همچنین می‌توان گفت که گیدنز هویت را امری غیرقطعی و متغیر می‌داند. بنابراین «محتوای» هویت شخصی یا به عبارت دیگر، ویژگی‌هایی که زندگینامه شخص از آن‌ها ساخته می‌شود، مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است. به نظر گیدنز در نظم پسا سستی، هویت شخصی بازاندیشی می‌شود و انسان‌ها دائماً هویت خود را خلق و تصحیح می‌کنند. معنای بازاندیشی در یک جمله بدین معناست: بازاندیشی، فرآیند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده

و بازتاب اطلاعات روانشناختی و اجتماعی درباره مسیرهای ممکن زندگی است. حتی سنت ها هم در جهان مدرن بازاندیشی می شوند و دوباره در جریان زندگی فرد قرار می گیرند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۶). به قول گیدنز، همه چیز در معرض بازاندیشی است، حتی خود بازاندیشی. بازاندیشی گرایش به تغییر این جهان دارد و آن را از خصائص اصلی زندگی اجتماعی می داند. حتی بدن هم در معرض انواع رژیم ها (رژیم های غذایی و برنامه ورزشی) است (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۷۱). به نظر گیدنز، نوگرایی تبعات مثبت و منفی را با هم دارد و تهدید بی معنایی شخصی بر آن مسلط شده و بسیاری از پدیده های معنی دار از زندگی جدا شده اند و سرکوب گردیده اند، اما این بازاندیشی روزافزون احتمال بازگشت به معناهای سرکوب شده را فراهم می کند. گیدنز به برکت بازاندیشی پیش بینی می کند که دوباره قضایای اخلاقی نمود پیدا خواهند کرد (ریترز، ۱۳۷۷: ۷۷۲). اوکلین (۲۰۰۹) در نظریه خود در مورد مصرف رسانه و تخریب سرمایه اجتماعی بیان می کند که اینترنت دارای پتانسیل قابل توجهی برای ارائه کودکان و نوجوانان به دسترسی به اطلاعات آموزشی است و می تواند با یک کتابخانه خانه بزرگ مقایسه شود. با این حال، عدم وجود استانداردهای سرمقاله اعتبار اینترنت را به عنوان یک منبع اطلاعات محدود می کند و البته نگرانی هایی نیز دارد. والدین ممکن است با توانایی های رایانه و اینترنت کودکان خود احساس برتری یا ناراحتی کنند یا ممکن است این نکته را درک نکنند که «رسانه جدید» یکی از اجزای اساسی سواد آموزی جدید است، چیزی که فرزندان آنها باید به صورت روان شناخته شوند. خطرات ذاتی این دنیای «سیمانی» نسبتاً کنترل نشده بسیار متفاوت، اما اغلب پنهان هستند. این خطرات باید تشخیص داده شود و والدین عاقل یاد می گیرند چگونه با محافظت از فرزندان خود در محیط زیست محافظت کنند و از منابع زیادی که برای محافظت از کودکان در نظر گرفته شده است و نیز از مزایای غنی در محیط امن استفاده کنند (اوکلین، ۲۰۰۹: ۲۴).

شری ترکل در نظریه خود دوم که در کتاب «خود دوم، رایانه و روح انسانی» تشریح شده است، به این مهم اشاره کرده است که مصرف رسانه فقط یک بازی نیست، بلکه تاثیر زیادی بر رشد اجتماعی و زندگی عاطفی و هیجانی بر جای می گذارد. فضای رسانه ای درک از خود را تغییر می دهد^۴ (ترکل، ۲۰۰۵: ۳۳). بر اساس این نظریه، بازیگران واقعیت های جهان را زیر سوال می برند (همان، ۳۶).

ترلو در نظریه پنجره جوهری خود بر این نکته تاکید دارد که تمرکز بر جنبه های مهم مصرف رسانه، ارتباطات میان فردی موثر که شامل ادراک و گشودگی است را تضعیف می کند. پنجره جوهری دو بعد اصلی را آشکار می کند که از طریق آن ما به روشنی خود را برای دیگران مفهوم می بخشیم و آن را سازماندهی می کنیم؛ یعنی آن جنبه از رفتار و شیوه ای که از آن آگاهی داریم و آن جنبه از رفتار که برای دیگران آشکار است. ترلو اشاره دارد به این معنا که پنجره جوهری برای ما یادآور تصمیماتی سخت درباره خودگشودگی در بازی های آن لاین یا آف لاین است (ترلو، ۱۳۸۹: ۱۷).

برندا دانت در کتاب جامعه سایبری در تشریح نظریه ماسک های هویتی، ضمن بررسی مسئله جنسیت، بازی و اجرا در اینترنت، از متن به عنوان ماسک یاد می کند و تحلیل خود را بر این اساس ارایه می دهد. او به این نکته اشاره می کند که اینترنت، فرصتی را در اختیار بازیگران قرار می دهد تا بتواند هیجانات خود را به صورت متنوع بروز دهند. بر اساس این نظریه، در بازی اینترنتی این فرصت فراهم می شود تا افراد بتوانند براحتی با جنس مخالف و به جای جنس مخالف خود بازی کنند. این افراد درصددند تا به عنوان منبعی برای لذت یا شیوه تجربه ای جدید در روابط جنسی از آن بهره گیرند. دانت معتقد است که فرهنگ مجازی، شبیه سازی شده ای از تصاویر است که لزوماً واقعیت فیزیکی نیست^۵ (دانت، ۲۰۱۱: ۴۴).

در این نوشتار برای تبیین مصرف رسانه بر هویت دینی و ارزش های خانوادگی افزون بر نظریه کاستلز و نظریه های گیدنز و استوارت هال و پیتز برگر، از نظریه خود دوم شری «ترکل»، نظریه پنجره جوهری

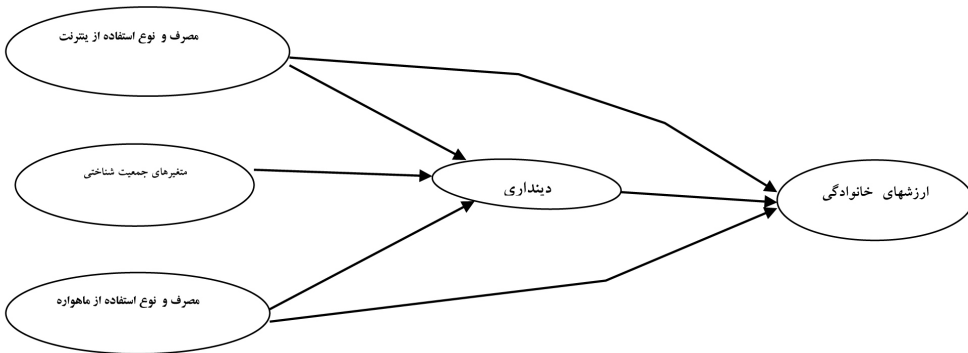
"ترلو" و نظریه ماسک های هویتی "برندا دانت" استفاده شده است. همچنین، با توجه به اهمیتی که اینترنت و ماهواره به عنوان جدیدترین فناوری های رسانه ای و اطلاعاتی در تبیین تغییرات اجتماعی دارند، با در نظر داشتن نظریه های فوق به بررسی تأثیر آن ها بر ارزش های خانواده پرداخته می شود. دلیل انتخاب این دو متغیر بیش از هر چیز ویژگی های خاص هر یک از این رسانه هاست. اینترنت دارای خاصیت برقراری ارتباط دوطرفه است (در محیط های تعاملی مثل چت)، درحالی که در مورد ماهواره، ماهیت ارتباط اساساً یک سویه می باشد.

در مورد رابطه ارزش های دینی و ارزش های خانواده نیز دیدگاه های متعددی مطرح شده است. آلپر^۱ یکی از کارکردهای دین از نظر دورکیم را نقش آن در پایداری هنجارها و ارزش ها بیان می کند (کوزر، ۱۳۷۷: ۲۰۰). از نظر پروان (۱۹۹۷) نیز در بیشتر جوامع ضمانت های قانونی رسمی، منبع اولیه کنترل اجتماعی نیستند، بلکه شعار دینی در جهت حفظ ساختار اعتقادی، ارزش ها و هنجارهای جامعه عمل می کنند. همچنین، نیاز به انسجام اجتماعی و ثبات، نیروی راهبرنده در پشت اکثر نهادها از جمله نهاد دین است (مهدوی و رحمانی، ۱۳۸۷: ۱۳). به زعم برگر و لاکمن (۱۹۶۷) نیز دین داری به عنوان نمود بیرونی اعتقاد و پایبندی دینی از اساسی ترین چارچوب های ارزشی و هنجاری جامعه است و متأثر از آن خانواده از طریق فرایندهای مشروع، عینیت بخشیدن و نهادمند کردن ارزش ها و هنجارها، جامعه سالم را با تمام عناصر سازنده اش بازتولید می کند (حاجی زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵). رویکیچ (۱۳۸۵) با تأکید بر اینکه ارزش های هر یک از نهادهای اجتماعی می توانند با یکدیگر همپوشانی داشته باشند، بر رابطه ارزشی دو نهاد دین و خانواده تأکید دارد. به زعم وی با یک طبقه بندی نظام مند می توان ارزش های انسانی را به دو دسته ارزش های نهادی و ارزش های فردی تقسیم کرد. همه ارزش های انسانی، محصولی اجتماعی هستند که نسل به نسل از طریق یک یا چند نهاد به آیندگان منتقل شده اند. ارزش هایی که یک نهاد در آن ها تخصص دارد، لزوماً به طور کامل با ارزش های دیگر نهادها تفاوت ندارند. ممکن است در این نهادها، ارزش های معینی همپوشانی کنند و ارزش های مشترکی داشته باشند و در نتیجه ارزش های یکدیگر را تقویت کنند که نمونه آن را در دو نهاد خانواده و مذهب می توان دید. این نهادها به اندازه ای که باهم همپوشانی نداشته باشند، رقیب هم خواهند بود که نمونه آن را می توان در نهادهای مذهبی و نهادهای سکولار در درون جامعه دید (رویکیچ، ۱۳۸۵: ۲۷).

چنین بحث هایی از دل اقتضائات و ضرورت های قابل درکی بیرون آمده که نتیجه نقشی است که دین و نظام های دینی در تحولات اجتماعی به طور اعم و تحولات ارزشی به طور اخص داشته اند. این موضوع در مطالعه جامعه ایرانی اهمیت دوچندانی می یابد، زیرا که دین همواره از مهم ترین عوامل تغییر و دگرگونی و یا ثبات و همبستگی در جامعه ایرانی بوده و متأثر از همین نقش بی بدیل است که در مورد رابطه دین داری و ارزش های خانواده در جامعه ایرانی می توان به نظریه الگوی ایرانی - اسلامی خانواده اشاره کرد. این الگو در غالب گفتمان تمدن ایرانی - اسلامی و همچنین سبک زندگی ایرانی - اسلامی معرفی شده است. طبق این رویکرد، یکی از ویژگی های خانواده در ایران تأثیرپذیری از ارزش های مذهبی است و در همین راستا توجه به خانواده مبتنی بر ارزش های دینی راهگشا می باشد. این الگو مدعی است که با عنایت به آموزه های دینی و توجه هم زمان به مقتضیات خانواده در ابعاد اجتماعی و فرهنگی ایران، می توان به خانواده ای سالم و اخلاقی و ارزش مدار دست یافت (صادقی و عرفان منش، ۱۳۹۱: ۲۳-۲۲). مروجین این الگو معتقدند با توجه به وجود مشکلاتی که بخش اعظم آن ناشی از تهاجم فرهنگی و رسانه ای تمدن

غربی است و خطر نفوذ این ارزش ها و هنجارها در لایه های فرهنگی و ارزشی جامعه وجود دارد، لازم است تا ضمن مقابله با ابعاد تهدید کننده هنجارها و ارزش های موجود در گفتمان غربی، به بازسازی سبک زندگی ایرانی اسلامی اقدام کرد (همان، ۳۵-۳۴). به توجه به این مبانی نظری و پیشینه پژوهش های مرور شده می توان مدل نظری پژوهش حاضر را به صورت زیر ترسیم کرد. در این مدل، مصرف رسانه می تواند هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم از طریق دین داری بر ارزش های خانواده تأثیر بگذارد.

مدل نظری پژوهش



فرضیه های پژوهش

- بین نوع و میزان استفاده از اینترنت و ماهواره و میزان دین داری رابطه وجود دارد.
- بین نوع استفاده از اینترنت و میزان پایبندی به ارزش های خانواده رابطه وجود دارد.
- بین نوع استفاده از ماهواره و میزان پایبندی به ارزش های خانواده رابطه وجود دارد.
- بین مصرف اینترنت و پایبندی به ارزش های خانواده رابطه وجود دارد.
- بین مصرف ماهواره و پایبندی به ارزش های خانواده رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای جمعیت شناختی و میزان پایبندی به ارزش های خانواده رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش بکار رفته در مطالعه حاضر، روش پیمایشی مقطعی توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری داده ها از ابزار پرسشنامه با گویه های بسته استفاده شده است. واحد تحلیل، واحدی است که اطلاعات از آن گردآوری می شود؛ واحدی که خصوصیات آن را توصیف می کنیم. این واحد در پژوهش حاضر فرد می باشد، زیرا داده های از تک تک افراد گردآوری شده است. واحد مشاهده نیز پاسخگویان اصفهانی می باشند. جمعیت آماری شامل شهروندان بالای ۱۸ سال شهر اصفهان^۱ می باشد که بنا بر سرشماری سال ۱۳۹۰ حدود ۱۴۲۰۱۵۸

۱. بر اساس منابع رسمی، افراد در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال به عنوان قشر جوان در نظر گرفته می شوند، ولی در این پژوهش سن ۱۸ سال و بالاتر مد نظر قرار گرفته اند.

نفر گزارش شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۶۸۷ نفر برآورد شد که برای اطمینان بیشتر، تعداد ۸۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. نمونه‌گیری نیز به صورت خوشه ای چندمرحله ای انجام شده است. بدین ترتیب که اصفهان به ۱۵ منطقه شهرداری تقسیم و سپس متناسب با حجم جمعیت هر یک از مناطق انتخابی، تعداد پرسشنامه ها مشخص شده است. لذا خوشه اول، مناطق شهرداری اصفهان بوده است. در داخل خوشه‌های انتخاب شده (مناطق)، خوشه‌های دیگری (بلوک‌ها) انتخاب و در مرحله بعدی تعداد پرسشنامه‌ها به تعداد بلوک‌های واقع در هر منطقه تقسیم و یک خانه در هر بلوک به صورت تصادفی ساده انتخاب و سپس سایر منازل واقع در آن بلوک به روش سیستماتیک با تعیین عدد فاصله انتخاب و نمونه‌گیری در هر منزل به صورت تصادفی ساده از یکی از افراد بالای ۱۸ سال در آن منزل به انجام رسید. بنابراین نمونه‌گیری در این پژوهش حالت سه مرحله‌ای بوده است.

جدول حجم نمونه به تفکیک مناطق پانزده‌گانه

مناطق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	حجم نمونه
۱	۴۴	۵۵	۴۴	۴۴	۴۴	۶۵	۳۲	۴۷	۴۲	۶۲	۴۴	۳۹	۴۴	۳۳	۳۳	۸۰۰

اندازه‌گیری متغیرها

ارزش‌های خانواده^۱: ارزش‌های خانواده، ارزش‌های فرهنگی و سنتی مرتبط با ساختار، کارکردها، نقش‌ها، باورها، نگرش‌ها و ایده‌های خانواده می‌باشد که از نسلی به نسل دیگر از طریق خانواده‌ها انتقال می‌یابد (پاناسنکو، ۲۰۱۳). برای سنجش این متغیر، از ۱۰ گویه در مورد احترام به بزرگ‌ترها، علاقه به حجاب و پوشش، نوع روابط اعضای خانواده باهم و با دیگران، پایبندی به اخلاقیات و ... بر اساس طیف لیکرت استفاده شده است. این گویه‌ها حاصل مبانی نظری و مأخوذ از نظریه باکاک و تیموتی (درویشی، ۱۳۹۵: ۷۸) و خزایی (۱۳۹۴: ۶۴) و همچنین تحقیقات و پیمایش‌های مربوط به ارزش‌های خانوادگی و جوانان (سازمان ملی جوانان ۱۳۸۶ و ...) می‌باشد.

دین‌داری^۲: دین‌داری یا تدین عبارت است از التزام افراد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او دور می‌زند، سامان می‌یابد (طالبان، ۱۳۸۰). متغیر دین‌داری با توجه به مطالعات خدایاری فرد و همکاران (۱۳۹۰) با ۳۲ گویه و در سه بعد باور (۶ گویه)، عواطف دینی (۹ گویه) و التزام و عمل به وظایف دینی (۱۷ گویه) و با استفاده از طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است.

مصرف رسانه^۳: مصرف رسانه‌ها مجموع اطلاعات و سرگرمی‌های رسانه‌ای یک فرد و یا گروه است که شامل فعالیت‌هایی چون: تعامل با رسانه‌های جدید، خواندن کتاب‌ها و مجلات، تماشای تلویزیون و فیلم، گوش دادن به رادیو و غیره می‌شود (لوپیس، ۲۰۰۲). منظور از مصرف رسانه در پژوهش حاضر، اینترنت

1. Family values /Familial values
2. Religiosity
3. Media consumption

و ماهواره و نحوه کاربری آن می باشد که برای سنجش مصرف اینترنت، مدت زمان استفاده از اینترنت در شبانه روز و همچنین نوع استفاده (خبری، اجتماعی، علمی، تفریحی و ...) مدنظر قرار گرفته است. سنجش مصرف ماهواره نیز با توجه به دو بعد مدت زمان استفاده از ماهواره در شبانه روز و همچنین نوع استفاده (فیلم و سریال فارسی و غیرفارسی زبان، برنامه مستند، گفتگوی تلویزیونی، اخبار و ...) صورت گرفته است.

متغیرهای سنجش ارزش های خانوادگی و آماره آن ها

صمیمیت	دین داری	اعتماد	تقسیم کار	پذیرش اقتدار پدر	برابری
۳/۵۲	۲/۵۰	۳/۷۲	۳/۱۰	۱/۱۰	۲/۶۲
۰/۴۶	۰/۲۶	۰/۴۳	۰/۵۷	۰/۵۷	۰/۲۱
۳/۰۵	۲/۰۵	۳/۰۵	۳/۲۲	۱/۱۴	۲
۳/۰۵	۲/۵۷	۳/۰۵	۳/۱۱	۳/۷۱	۲/۰۹
۰/۹۰	۰/۲۲	۳/۹۰	۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۵۴
۰/۷۳	۰/۶۲	۰/۷۳	۰/۹۳	۰/۲۳	۰/۲۷

۴۰

اعتبار و پایایی مقیاس ها

اعتبار مقیاس های مورد استفاده در پژوهش از طریق اعتبار محتوا ارزیابی شد که صحت و ربط منطقی گویه ها با شاخص ها از سوی متخصصان این حوزه مورد تایید قرار گرفت. برای تعیین پایایی مقیاس اندازه گیری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن به این صورت بود: ارزش های خانواده ۰/۸۲، مصرف رسانه ۰/۸۸، دین داری ۰/۹۵ (باورهای دینی ۰/۷۸؛ عواطف دینی ۰/۸۸؛ و عمل به وظایف دینی ۰/۹۵).

یافته های پژوهش

سیمای توصیفی نمونه تحقیق نشان می دهد که ۴۷/۵ درصد پاسخگویان زن و ۵۲/۵ درصد مرد هستند. از لحاظ جنسیت، ۴۸/۶ درصد پاسخگویان مجرد، ۵۱/۴ درصد متأهل هستند. پاسخگویان دارای مشاغل آزاد ۳۱/۴ درصد و افراد شاغل به تحصیل ۲۶/۹ درصد می باشند. به لحاظ میزان تحصیلات بیشترین فراوانی مربوط به پاسخگویانی است که دارای مدرک کارشناسی (۳۳ درصد) و سپس دیپلم (۳۹/۹ درصد) هستند. نتایج آمارهای توصیفی این گویه ها و میانگین شاخص ترکیبی نشان می دهد که بیشتر پاسخگویان به ارزش های مطرح شده در مورد خانواده پایبند هستند. با این حال این مطلب در مورد گویه آرایش خانم ها و مدگرایی صادق نیست. میانگین توزیع پاسخگویان نشان می دهد که پایبندی ارزشی در مورد این دو گویه در حد متوسط است. شواهد در مورد مدگرایی نیز گویای آن است که به اندازه سایر گویه ها در این مورد اجماع و توافق بین پاسخگویان وجود ندارد؛ به صورتی که فراوانی پاسخگویان در سه سطح موافق، مخالف و بینابین تقریباً به طور مساوی توزیع شده است.

جدول ۱: توزیع نمونه آماری برحسب ارزش های خانواده

گویه ها	موافقم	بینابین	مخالفم	میانگین
خانواده‌ام به حجاب و پوشش اسلامی پایبندند	۷۷/۱	۲۲/۷	۲/۵	۲/۷۴
در خانواده ما، احترام به یکدیگر به‌ویژه به بزرگ ترها همیشه وجود داشته است	۸۰/۳	۱۹/۵	۰/۲	۲/۸
آرایش کردن در زنان خانواده ما عادی است	۲۸/۷	۳۰/۹	۳۹	۱/۸
اعضای خانواده ما خیلی مد روز استفاده می‌کنند	۳۱/۸	۳۴/۲	۳۳/۹	۱/۸
در خانواده به همدیگر اعتماد کامل وجود دارد	۶۴/۳	۲۱/۷	۱۴	۲/۵۸
آرامش روانی مناسبی در خانواده ما وجود دارد.	۷۱/۸	۲۰/۲	۷۸	۲/۷
خانواده من با محتوای پیام های اخلاقی تلویزیون ملی، مدرسه و دانشگاه موافق هستند.	۵۸/۴	۳۱/۴	۱۰/۲	۲/۴۵
داشتن دوست دختر یا دوست پسر برای خانواده من قابل پذیرش نیست	۵۷/۹	۲۸/۴	۱۳/۷	۲/۴۴
شرکت در عروسی ها و مجالس رقص مختلط در خانواده ما مخالفی ندارند.	۵۱/۱	۲۸/۷	۲۰/۲	۲/۳۴
شاخص کل	۵۸/۶	۴۱/۴	۲	۲/۲۷

نتایج به دست آمده در مورد میزان مصرف رسانه نشان می دهد بیشترین میزان مصرف اینترنت در میان پاسخگویان بین ۲ تا ۴ ساعت بوده است (۳۳/۷ درصد) و پس از آن در حدود ۳۲/۳ درصد پاسخگویان تا ۲ ساعت از اینترنت استفاده کرده اند، در حالی که میزان مصرف بیش از ۴ ساعت در میان پاسخگویان بسیار کم و تنها ۱۲/۲ درصد گزارش شده است. همچنین، ۱۹/۸ درصد نیز اذعان داشته اند که اصلاً از اینترنت استفاده نمی کنند.

بر اساس نتایج به دست آمده، میزان مصرف ماهواره با توجه به نتایج حاصل از اینترنت بیشتر است؛ به طوری که ۸۳/۲ درصد پاسخگویان از ماهواره استفاده می کنند و ۳۹/۵ درصد از آنان تا حداقل ۵ ساعت ماهواره تماشا می کنند.

توصیف نتایج متغیر دین داری نشان می دهد که بیش از ۷۱ درصد پاسخگویان به میزان زیادی در بعد باور، عواطف دینی و التزام دین دار هستند.

افرادی که دارای تحصیلات کمتر از دیپلم هستند نسبت به کسانی که تحصیلات دیپلم و کارشناسی دارند، میزان پایبندی ارزشی بیشتری دارند، ولی تفاوت آن ها با کسانی که تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر دارند، معنی دار نیست. تفاوت معنی داری بین سه گروه متأهل، مجرد و مطلقه در مورد پایبندی به ارزش های خانواده وجود دارد. همچنین، نتایج نشان می دهد تفاوت معنی داری بین گروه های مختلف درآمدی و پایبندی به ارزش های خانواده مشاهده می شود؛ به طوری که خانواده های پردرآمد پایبندی کمتری به ارزش های خانواده دارند و برعکس. در مورد تحصیلات نیز تفاوت معنی داری بین پاسخگویان دارای مدارک تحصیلی زیر دیپلم، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر وجود دارد و بالاترین میزان پایبندی به ارزش های خانواده در میان

افرادی مشاهده می شود که تحصیلات زیر دیپلم دارند و کمترین میزان پابندی در میان پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی می باشد. در مورد مشاغل نیز تفاوت معنی داری بین گروه های شغلی دانشجویان، کارمندان، مشاغل آزاد، خانه دار، بیکاران و بازنشسته ها مشاهده می شود. در این مورد کمترین میزان پابندی به ارزش های خانواده در میان بیکاران و دانشجویان و بیشترین میزان پابندی در میان بازنشسته ها و زنان خانه دار مشاهده می شود. به لحاظ جنسیت نیز نتایج نشان می دهد که پابندی مردان به ارزش های خانواده بیشتر از زنان می باشد و تفاوت بین آن ها معنی دار است. بین سن و پابندی به ارزش های خانواده نیز همبستگی مثبت معنی داری مشاهده شد؛ به طوری که با افزایش سن، پابندی به ارزش های خانواده بیشتر می شود.

نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین ها نشان دهنده وجود تفاوت معنی دار بین مصرف کنندگان و عدم مصرف کنندگان رسانه با دین داری و پابندی به ارزش های خانواده است؛ چنان که کسانی که از اینترنت و ماهواره استفاده نمی کنند نسبت به کسانی که از آن استفاده می کنند پابندی بیشتری به دین دارند. نتایج به دست آمده از آزمون رابطه دین داری و مصرف ماهواره نیز بر تفاوت معنی دار میزان دین داری با توجه به استفاده یا عدم استفاده از ماهواره اشاره دارد. همچنین یافته ها حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین مصرف کنندگان رسانه و کسانی که از رسانه ها استفاده نمی کنند به لحاظ پابندی به ارزش های خانواده وجود دارد. کسانی که از رسانه استفاده نمی کنند میانگین پابندی به ارزش های خانواده در آن ها بیشتر از کسانی است که از آن ها استفاده می کنند (اینترنت ۴/۲ در مقایسه با ۳/۶ و ماهواره ۴/۱ در مقایسه با ۳/۵).

جدول ۲: رابطه استفاده یا عدم استفاده از اینترنت و ماهواره با دین داری و ارزش های خانواده

متغیرها	ابعاد	میانگین	T آزمون	سطح معنا داری
دین داری	اینترنت	استفاده می کند	۳/۶	۰/۰۰۰
		استفاده نمی کند		
	ماهواره	استفاده می کند	۳/۵	۰/۰۰۰
		استفاده نمی کند		
ارزش های خانواده	اینترنت	استفاده می کند	۳/۸	۰/۰۰۰
		استفاده نمی کند		
	ماهواره	استفاده می کند	۳/۶	۰/۰۰۰
		استفاده نمی کند		

نتایج آزمون های تحلیلی در مورد رابطه بین نوع استفاده از اینترنت و ارزش های خانواده حاکی از معناداری بین آن هاست (به استثنای استفاده از سایت های ثبت نامی). همچنین یافته ها نشان می دهد که رابطه مثبتی بین استفاده از سایت های خبری و سایت های علمی با دین داری و ارزش های خانواده وجود دارد، در حالی که رابطه معکوسی بین استفاده از شبکه های اجتماعی و سایت های تفریحی، سرگرمی با دین داری و ارزش های خانواده مشاهده می شود. در مورد همبستگی بین نوع استفاده از ماهواره و دین داری نتایج جدول زیر نشان می دهد تنها رابطه تماشای سریال ها و فیلم های فارسی زبان و استفاده از شبکه های مخصوص بزرگسالان با دین داری معنی دار (البته به صورت معکوس) است و در سایر موارد روابط معناداری مشاهده نمی شود. در

مورد همبستگی بین نوع استفاده از ماهواره و ارزش های خانواده به جز استفاده از شبکه های خبری و شبکه های بزرگسالان در سایر موارد ضرایب به دست آمده گویای همبستگی معنی دار بین نوع استفاده و پایداری به ارزش های خانواده است.

جدول ۳: وزن های خالص و ناخالص متغیرهای مستقل در معادله رگرسیونی ارزش های خانواده

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	ضرایب غیر استاندارد		t	معناداری	ضریب تعیین تعدیل شده
		b	خطای استاندارد			
عدد ثابت	ارزش های خانواده	۲/۶۲	۰/۷۱۱		۳/۶۸	۰/۰۰۰
اینترنت		-۰/۳۳۱	۰/۰۲	-۰/۴۱۹	-۱۶/۵۵	۰/۰۰۰
ماهواره		-۰/۱۴۱	۰/۰۲۱	-۰/۲۰۵	-۶/۷۱	۰/۰۰۰
دین داری		۰/۳۲۱	۰/۰۴۱	۰/۳۶۲	۷/۸۳	۰/۰۰۰
عدد ثابت	دین داری	۴/۱۱	۰/۰۵۴		۷۶/۴۲	۰/۰۰۰
اینترنت		-۰/۰۳۵	۰/۰۲۶	-۰/۰۶۴	-۱/۳۵	۰/۱۹۱
ماهواره		-۰/۱۶۱	۰/۰۲۸	-۰/۳۲۲	-۵/۷۵	۰/۰۰۰

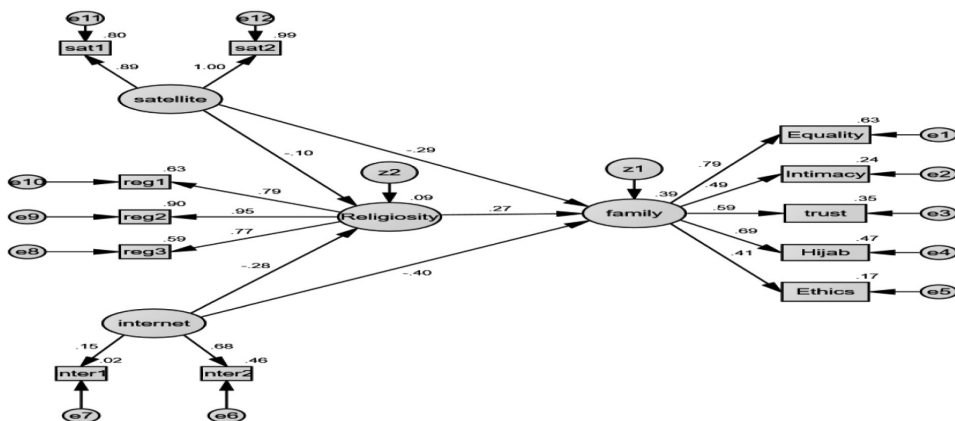
در پژوهش حاضر برای مشخص ساختن اثر مصرف رسانه بر دین داری و ارزش های خانواده دو مدل تدوین شده است: در مدل اول، تأثیر مصرف رسانه به صورت تفکیکی بین اینترنت و ماهواره و در مدل دوم، مصرف رسانه به صورت یک شاخص ترکیبی تعریف شده است. ضرایب به دست آمده برای روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته در اینجا یافته های مربوط به معادلات رگرسیونی فوق را تایید می کند. با این تفاوت که در مدل دوم که مصرف رسانه به عنوان یک شاخص ترکیبی تعریف شده، رابطه معنی داری با میزان دین داری نشان می دهد. همچنین ضریب مسیر به دست آمده در مورد رابطه دین داری و ارزش های خانواده در مدل دوم (۰/۳۰۲-) نسبت به مدل اول (۰/۳۸۵-) اندکی کاهش یافته است. با این حال مدل دوم واریانس بیشتری از ارزش های خانواده را نسبت به مدل اول تبیین کرده است و در مجموع نسبت به مدل اول قدرت تبیینی بیشتری دارد.

برای رسم مدل نهایی، از رویکرد یک مرحله ای استفاده گردید. در بخش اندازه گیری-همچنان که از مدل برمی آید- بیشتر معرف های متغیرهای مکنون به طور نسبتاً مناسب روی آنها بار شده و البته متغیرهایی که بار گویه پایینی داشته از معادله خارج شده اند. بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که تمامی مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم مدل تایید شده است. بالاترین تأثیر را اینترنت بر ارزش های خانواده با ضریب (۰/۴-) داشته است. تنها متغیر دین داری بر ارزش های خانواده اثر مثبت (۰/۲۷) داشته است و سایر مسیرهای مدل اثر منفی داشته است. شاخص های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده های مشاهده شده و اعتبار سازه ای وسیله اندازه گیری مورد بحث را نشان می دهد. اغلب شاخص های تطبیقی مدل نیز مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ را نشان می دهند که به معنای توان مدل از فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده برای آنهاست. از آنجا که معیارهای $GFI=0.89$ ، $TLI=0.92$ و $IFI=0.91$ نزدیک به یک می باشند، حاکی از برازش زیاد مدل و معیار $RMSEA=0.07$ ، حاکی از عملکرد ضعیف باقیمانده ها در مدل است. (البته از آنجا که آماره χ^2 کاملاً تحت تأثیر حجم نمونه

مورد مطالعه می باشد و حجم نمونه در این تحقیق زیاد است، معناداری یا عدم معناداری χ^2 ملاک مناسبی برای قضاوت در مورد مدل نمی باشد).

جدول ۴: شاخص های برازش کلی مدل معادلات ساختاری

CMIN/DF	TLI	NFI	IFI	GFI	RMSEA	AGFI	Chi-square	P	DF
۳/۹	۰/۹۲	۰/۹	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۰۷	۰/۸۸	۴۳۰/۵۴	۰/۰۰۰	۷۳



بحث و نتیجه گیری

انسان امروزی در سیالیت زمان و مکان تجربیات زیستی متعددی دارد و ذهن را بی خانمان می سازد. در چنین اوضاعی فرد دیگر نمی تواند به ارزش ها و نظام نمادین معینی در تمام عمر خود وفادار بماند (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۸). این امر بیش از هر چیز، نتیجه جهان گستری جامعه ارتباطی و اطلاعاتی است، زیرا که این نظم نوین اجتماعی اذهان را در معرض ارزش های متفاوتی قرار می دهد. فناوری های نوین ارتباطی و اطلاعاتی نه تنها قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسان ها، بلکه ارزش ها و ایستارهای ما را نیز تغییر داده اند (دوران، ۱۳۸۹: ۱۵۹). جابجایی هایی که در نظام های ارزشی اتفاق می افتد، همه عناصر اجتماعی از جمله نهادها را نیز دستخوش دگرگونی می کند و در این میان همان طور که پژوهش های متعدد نشان می دهد (افروز، ۱۳۸۶؛ نصیری، ۱۳۸۶؛ حسین، ۱۳۹۱؛ زاهدی و خضرنژاد، ۱۳۹۲؛ لیبی، ۱۳۹۲) خانواده به عنوان حلقه اصلی جوامع و سنگر پاسداری از فرهنگ و ارزش ها نیز از این بی ثباتی نظام ارزشی مصون نمانده است. افزایش استفاده از رسانه هایی نظیر اینترنت و ماهواره در خانواده علاوه بر کاهش ارتباطات عاطفی، تأثیر مهم و عمده ای بر افکار، عقاید، نگرش ها و ارزش های افراد خانواده داشته است. از سوی دیگر، با چندان شدن زیست جهان های اجتماعی، وظیفه قدیمی دین به طور جدی تهدید می شود (برگر و همکاران، ۷۸). تا پیش از دوره مدرن، دین به عنوان مهم ترین نهادی بود که بیش از هر چیز با کار ویژه خود در ایجاد و حفظ نظام ارزشی جامعه شناخته می شد و آن طور که کنت می گوید: "دین اصل وحدت بخش و سنگ بنای سامان اجتماعی و یکی از مؤلفه های اجماع اجتماعی بود" (هاشمیان فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۷)، اما با توسعه فناوری نوین و

ظهور جامعه اطلاعاتی، نهاد دین نیز با هجمه فرهنگی که رسانه ها بر جوامع وارد می آورند آسیب پذیرتر از همیشه شده است. با وجود این، همان طور که پژوهش های گوناگون نشان می دهد، دین هنوز هم یکی از مهم ترین عناصر حمایتی در برابر آسیب هایی است که هر نظام اجتماعی با آن مواجه است. به عبارت دیگر، یکی از مهم ترین مؤلفه هایی است که به عنوان عامل مؤثر در فرایندهای اجتماعی نقش آفرینی مثبت دارد. با این توضیحات، سه متغیر اصلی در پژوهش حاضر یعنی ارزش های خانواده، دین داری و مصرف رسانه مشخص می شود. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی تأثیر مصرف رسانه و دین داری بر ارزش های خانواده است و با این پیش فرض آغاز می شود که مصرف رسانه و میزان دین داری در عین تأثیرگذاری بر ارزش های خانواده در یک ارتباط دوسویه با یکدیگر قرار دارد. این مسئله ای غریب و دور از ذهن نیست، چراکه آنچه رسانه ها به نمایش می گذارند هم برگرفته از فرهنگ جامعه است و هم تأثیرگذار بر آن. رسانه ها و دین به دلیل نقششان در آفرینش معنا، از وجه مشترک بسیار زیادی برخوردارند و به نوعی درهم تنیده اند (جعفری، ۱۳۸۸: ۳۱)، اما آنچه بیشتر نمایان است تأثیری است که رسانه بر دین دارد؛ چنان که هوور^۱ معتقد است رسانه ها برای افراد، نمادها، افکار و محتوایی معنوی و مذهبی فراهم می کنند تا آن ها خودشان را فردی مذهبی ببینند. بنابراین رسانه می تواند بر میزان مذهبی بودن ما تأثیر بگذارد (سیفی دیوکلانی، ۱۳۸۸: ۴). در این مقاله، بررسی میزان پایبندی به ارزش های خانواده، تأثیر دین به عنوان یک نهاد پیشامدرن و رسانه به عنوان نهادی مدرن بر پایبندی به ارزش های خانواده و تأثیر رسانه بر میزان دین داری مدنظر است.

بر طبق نتایج پژوهش، میزان دین داری پاسخگویان در هر سه بعد عواطف، التزام و باور زیاد است، اما در مورد متغیر مستقل یعنی مصرف رسانه نتایج حاکی از درصد پایین مصرف رسانه در میان پاسخگویان است؛ به صورتی که هم در مورد ماهواره و هم اینترنت بیش از ۵۰ درصد پاسخگویان کمتر از ۲ ساعت از آن ها استفاده کرده اند. همچنین، یافته ها بر میزان نسبتاً زیاد پایبندی به ارزش های خانواده (در ابعاد عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و ...) دلالت دارد؛ به صورتی که بیشتر پاسخگویان در مورد آن ها موضعی موافق یا نسبتاً موافق داشتند و تنها درصد ناچیزی از ایشان با این ارزش ها مخالف بودند- البته این مسئله در مورد آرایش خانم ها و مدگرایی صادق نیست. از سوی دیگر، میزان پایبندی ارزشی با توجه به متغیرهای زمینه ای و جمعیت شناختی پژوهش متفاوت است. یافته ها نشان می دهد در مردان نسبت به زنان، متأهل ها نسبت به مجردها و مطلقه ها، خانواده های پردرآمد نسبت به کم درآمد، افرادی با سطح تحصیلی کمتر از دیپلم نسبت افرادی دارای مدرک دیپلم و کارشناسی، میزان پایبندی به ارزش های خانواده بیشتر است. همچنین، بازنشسته ها و زنان خانه دار بیشترین میزان و بیکاران و دانشجویان کمترین میزان پایبندی به ارزش های خانواده را نشان می دهند. علاوه بر این مشخص شد که با افزایش سن میزان پایبندی به ارزش های خانواده بیشتر می شود.

یافته های حاصل از آزمون فرضیه های تحقیق نشان می دهد که بین مصرف رسانه و میزان دین داری و نیز ارزش های خانواده رابطه معنی داری وجود دارد؛ به طوری که پاسخگویانی که از ارزش های دینی و خانوادگی پایین تری برخوردارند بیشتر سراغ این رسانه ها می روند.

مدل رگرسیونی در مورد تأثیر مصرف رسانه بر دین داری نشان می دهد اگرچه استفاده از اینترنت نمی تواند بر میزان دین داری تأثیر داشته باشد، اما استفاده از ماهواره باعث کاهش میزان دین داری افراد می گردد. در مورد میزان پایبندی به ارزش های خانواده نتایج حاکی از کاهش میزان پایبندی به ارزش های خانواده در صورت افزایش میزان استفاده از ماهواره و اینترنت است و با کاهش میزان استفاده از این رسانه ها پایبندی به ارزش های خانواده بیشتر خواهد بود. همچنین، یافته های پژوهش بر نقش مثبت دین داری بر پایبندی به ارزش های

خانواده صحنه می گذارد. هر چه میزان دین داری افراد بیشتر باشد، میزان پابندی ارزشی آن ها بیشتر و هر چه میزان دین داری کمتر باشد پابندی ارزشی هم کمتر خواهد بود.

در نهایت آزمون مدل پژوهشی نشان می دهد که روابطی که بین میزان مصرف رسانه، میزان دین داری و میزان پابندی به ارزش های خانواده فرض گرفته شده، به صورت تجربی منطقی و معنی دار است. آنچه از این نتایج استنباط می گردد این است که در قالب رویکردهای نظری همچون کاشت، نظریه تزریقی و ... می توان تأثیرگذاری رسانه در عرصه های زندگی اجتماعی را نشان داد؛ چنان که نتایج حاصل به تطبیق و عملیاتی شدن آن ها در جامعه ایرانی اشاره دارد.

می توان از نزدیکی یافته های این پژوهش با پژوهش های سطلانی فر و ملکیان (۱۳۸۹) و ذوالقدر و قاسم زاده (۱۳۹۱) که تأثیر منفی استفاده از ماهواره بر ارزش ها و کارکرد خانواده را نشان می دهند، زی هو و هی (۲۰۰۲)، زنجانی زاده و محمدجوادی (۱۳۸۴) و کفاشی (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹) که بر تأثیر استفاده از اینترنت بر کارکرد و ارزش های خانواده تأکید دارند، سخن گفت. در مورد رابطه دین داری و مصرف رسانه یافته های این پژوهش با آنچه کاشانی (۱۳۹۰) در مطالعه خود در مورد تأثیر رسانه در دین گرایی افراد به آن اشاره دارد، همسوست. در مورد رابطه دین داری و ارزش های خانواده همچون لیبی (۱۳۹۲) که نشان می دهد باورهای دینی و اعتقادات مذهبی بر تحولات ارزشی خانواده تأثیر دارد و نیز حضور کامل ارزش های دینی را در ساختارها و بن مایه های زندگی خانواده می توان مشاهده کرد، پژوهش حاضر نیز رابطه دین داری و ارزش های خانواده و میزان دین داری زیاد افراد خانواده را تایید می کند.

بر طبق یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت سه حوزه مورد بحث در اینجا یعنی خانواده، دین و رسانه در عمل و حتی در تحلیل نظری درهم تنیده و مرتبط اند؛ به صورتی که تغییرات در هر یک را می توان با توجه به تغییرات دیگری ردیابی کرد، اما متغیر اصلی در اینجا رسانه است، زیرا که به واسطه خاصیت گستردگی، تازگی، سرعت و قدرتی که در عرصه اجتماعی دارد توانسته روند کلی تغییرات اجتماعی را مشخص و سازمان دهی کند. آنچه در ارتباط رسانه و خانواده و دین لزوم مسئله یابی را مطرح می سازد به ویژه تأثیری است که رسانه در مرحله کانالیزه کردن فرهنگ و ارزش ها دارد. اگرچه پژوهش حاضر نشان دهنده مصرف کم رسانه ای است، اما در عین حال تأثیر معنی دار آن بر کاهش پابندی به ارزش های خانواده بر اهمیت آن تأکید دارد. حال با افزایش میزان مصرف رسانه - که نتیجه ناگزیر توسعه هر چه بیشتر جوامع اطلاعاتی است - این تأثیرگذاری منفی بیشتر خواهد بود. بنابراین به عنوان یک راهکار پیشگیرانه برای جلوگیری از پیامدهای منفی رسانه ها بهتر است به خانواده ها آموزش لازم برای تعامل و نحوه استفاده درست از رسانه ها داده شود. به عنوان مثال، همان طور که نتایج این پژوهش در مورد اینترنت نشان می دهد، شبکه های اجتماعی، سایت های تفریحی و سرگرمی تأثیر منفی بر دین داری و پابندی ارزشی افراد دارند. بنابراین لزوم آگاه ساختن خانواده ها و افزایش سواد رسانه ای^۱ برای مقاومت در برابر ارزش های ناهمساز در تعاملات اینترنتی شان از طریق این گونه سایت ها با آموزش های درست باید مورد توجه قرار گیرد.

نهاد خانواده در جهان معاصر دچار چالش های فراوانی شده است که از جمله آنها می توان به نظام تربیتی خانواده اشاره کرد. کاهش اقتدار والدین، کنترل ناپذیری جوانان، تفاوت و یا شکاف نسلی، تغییر نگرش جوانان نسبت به زندگی و گسترش الگوهای تربیتی خارج از نهاد خانواده از جمله مسائلی است که خانواده امروزی با آن مواجه است.

آسیب شناسی تربیتی خانواده را می توان در زمینه ها و حوزه های آموزش، اقتصاد و فرهنگ مورد بررسی

قرار داد:

الف: رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از اجزای نظام فرهنگی و آموزشی کشور، امروزه رقیب کارکرد تربیتی خانواده و یکی از بزرگ‌ترین منابع اطلاع‌رسانی و آموزشی به شمار می‌روند. استفاده از فن‌آوری‌های نوین رسانه‌ای به دلیل شتابی که به زندگی می‌دهند و شرایطی که برای شیوه ارتباط نوجوانان ایجاد می‌کنند، آثار عمیقی در روابط خانوادگی و اجتماعی افراد دارند. رسانه‌های جمعی باید ضمن توجه به منابع درون دینی و تعامل خود با کارشناسان دینی حوزه و دانشگاه، پاسخ‌گوی مطالبات نسل جدید باشند و متناسب با نیازهای آنان برنامه‌ریزی و فعالیت کنند و زمینه را برای نقش بیشتر والدین با فرزندان و گسترش روابط چهره به چهره باز کنند.

ب: نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور که عمده‌تأهمانگ با آموزه‌های مدرن و وارداتی است، در صورتی که از استعدادها و ظرفیت‌های فکری و بومی جامعه غفلت کند، می‌تواند موجبات سبک زندگی جدیدی را فراهم سازد که خواسته و ناخواسته نهاد خانواده را به حاشیه رانده و در فرایند تعارض و تضاد بین فرزندان و والدین شکاف بیشتری ایجاد کند. لذا در این زمینه موضوع تعامل و هماهنگی بین نهاد خانواده و نهاد آموزش و پرورش دارای اهمیت است.

ج: نظام اقتصادی، حوزه اقتصادی در جامعه در بحث سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری آن چنانکه باید جهت حمایت از خانواده عمل نمی‌کند. در خانواده متعادل اسلامی، اشتغال زنان با همه اهمیتی که دارد، در برابر وظایف اصلی آن‌ها به عنوان مادر و همسر و محور عاطفی خانواده، نقشی فرعی به شمار می‌رود. نظام اقتصادی باید متناسب با شرایط آن‌ها فرصت شغلی ویژه‌ای را فراهم کند و برای مردان نیز تسهیلاتی را فراهم سازد تا آنان بتوانند بدون اضطراب و نگرانی، اوقات بیشتری را در خانواده و در کنار فرزندان سپری کنند. بنابراین رسانه‌های جمعی، نهادهای آموزشی، همچنین برنامه ریزان اجتماعی و اقتصادی باید اولاً، والدین را نسبت به اهمیت و نقشی که آنان در خانواده و تربیت فرزندان خود دارند آگاه سازند؛ ثانیاً، در ترویج الگوی تربیت منطقی و در مقابل توجه آنان به آسیب‌های ناشی از الگوی تربیتی استبدادی تلاش بیشتری از خود نشان دهند و در نهایت با شیوه‌های تبلیغی جذاب و منعطف‌تر فضای عاطفی، عشق و محبت را به خانه و خانواده برگردانند.

آنچه می‌تواند در جهت رفع محدودیت‌ها و نواقص این پژوهش انجام گیرد، مطالعه رابطه مصرف رسانه، دین‌داری و ارزش‌های خانواده به صورت کیفی و عمیق است. به عنوان مثال، طبق یافته‌های تحقیق حاضر مطلقه‌ها کمترین و متأهل‌ها بیشترین میزان پایبندی ارزشی را نشان می‌دهند. انجام پژوهشی کیفی به منظور مقایسه وضعیت این دو گروه در مواجهه با رسانه‌ها می‌تواند نشان دهد که چگونه آسیب‌های وارد بر خانواده (مثل طلاق) بر کارکرد و ارزش‌های آن تأثیر می‌گذارد. همچنین، از آنجا که جوانان و نوجوانان بیشترین استفاده را از رسانه‌ها دارند و در معرض تغییرات شدید نگرشی و ارزشی قرار دارند، چنین اقتضا می‌کند که مطالعاتی در این زمینه بر روی این افراد متمرکز باشد.

منابع

- احمدزاده کرمانی، روح اله. (۱۳۹۰). *بازاندیشی در فرهنگ و رسانه*. چاپ اول، تهران: چاپار
- اسلوین، ج. (۱۳۸۰). *اینترنت و جامعه*. ع، گلیگوری. تهران: نشر کتابدار
- امام جمعه زاده، جواد؛ مرندی، زهره؛ رهبرقاضی، محمودرضا و سعیدی ابواسحق، لیلا. (۱۳۹۲). *"بررسی رابطه مصرف رسانه و سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان"*. فصلنامه پژوهش ارتباطی. سال بیستم، شماره ۲، صص ۱۲۰-۱۰۱.
- برگر، پیترو؛ برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید. (۱۳۸۱). *ذهن بی خانمان نویسی و آگاهی*. محمد ساوجی. تهران: نشرنی
- تامپسون، جان. ب. (۱۳۸۰). *رسانه ها و مدرنیته، نظریه اجتماعی رسانه*. مسعود اوحدی، تهران: سروش
- جواد ییگانه، محمدرضا؛ کلاتتری، عبدالحسین و عزیزی، جلیل. (۱۳۸۸). *"رسانه دینی، مخاطب دیندار و رضایت نسبی؛ بررسی رابطه دینداری مخاطبین و برآورده شدن انتظارات دینی رسانه ای آنان"*. رسانه جهانی، سال اول، شماره ۷.
- حسن خانی، محمد. (۱۳۸۷). *"تعامل و تقابل رسانه و مذهب در خاورمیانه (با تأکید بر ایران)"*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره اول، شماره ۳، صص ۲۳۳-۲۱۵.
- حسین، اکرم. (۱۳۹۱). *"تحول ارزش های خانواده در ایران"*. ماهنامه صدای جمهوری اسلامی ایران، سال دهم، شماره ۶۲، صص ۱۸۷-۱۸۳.
- ذوالقدر و قاسم زاده. (۱۳۹۱). *"آسیب شناسی اجتماعی سریال های شبکه های ماهواره ای بر نگرش مخاطب ایرانی"*.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۷). *درآمدی بر جامعه*. حسین بهروان. چاپ سوم، تهران: آستان قدس رضوی
- راوودراد، اعظم. (۱۳۸۸). *"نقش برنامه های دینی و غیردینی تلوزیون در افزایش یا کاهش دینداری"*. فصلنامه تحقیقات فرهنگی. دوره دوم، شماره ۶، صص ۷۷-۴۹
- روکیچ، میلتن. (۱۳۸۵). *ماهیت ارزش های انسانی و نظام های ارزشی*. فیروز امیری. رشد آموزش علوم اجتماعی. دوره نهم، صص ۲۷-۲۰.
- زنجان زاده، هما و محمدجواد، علی. (۱۳۸۴). *"بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده در بین دانش آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد (در سال ۸۲-۸۳)"*. مجله جامعه شناسی ایران. دوره ششم، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۲۱.
- سیفی دیوکلانی، معصومه. (۱۳۸۸). *"دین و رسانه های غربی: تعامل و تقابل"*. رسانه جهانی. سال اول، شماره ۷، صص ۱۲-۱.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰). *"تعهد مذهبی و تعلق سیاسی"*. نامه پژوهش. سال پنجم، شماره ۲۱-۲۰.
- کاشانی، مجید. (۱۳۹۰). *نقش رسانه ها بر دین گرایی و دین پذیری در جوامع مختلف*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- کشتی آرا، نرگس و اکبریان، اکرم. (۱۳۸۹). *"یادگیری های پنهان دانشجویان در تعامل با اینترنت"*. دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی. سال ۱، شماره ۲، صص ۲۶-۹.
- کفاشی، مجید. (۱۳۸۸). *"بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده"*. فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال دوم، شماره سوم، صص ۷۶-۵۵.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۲). *"تحلیل جامعه شناختی تاثیرات مدرن شدن بر*

خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی". زن در فرهنگ و هنر. دوره ۵، شماره ۱؛ صص ۸۲-۶۱.

- گیدنز، آتونی و بردسال، کار. (۱۳۸۶). جامعه شناسی. تهران: نشر نی
- لیبی، محمد مهدی. (۱۳۹۲). "نگرشی نوین به تحول ارزش های خانوادگی در ایران". علوم اجتماعی. شماره ۶۴، صص ۳۷-۳۲.
- محمدی سیف، معصومه. (۱۳۹۲). "شبکه های ماهواره ای و تغییر در کارکردهای خانواده". رسانه و خانواده، شماره ۷.
- مک کوئل، دنیس. (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. پرویز اجالالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها
- موسوی و همکارانش. (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر شبکه های مد روی دانشجویان دختر: مطالعه موردی دانشگاه تهران". تحقیقات فرهنگی ایران. پاییز، ۴، ۳.
- موسی پور، نعمت الله و درتاج، فریبا. (۱۳۸۷). "ارزشیابی پویانمایی های دینی تلوزیون جمهوری اسلامی ایران". فصلنامه تحقیقات فرهنگی. سال اول، شماره ۳، صص ۱۸۲-۱۵۷.
- مهدوی، محمدصادق و رحمانی خلیلی، احسان. (۱۳۸۷). "بررسی تأثیر دینداری بر مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی". پژوهش نامه علوم اجتماعی. سال دوم، شماره ۴، صص ۲۸-۵.
- نصیری، محمد. (۱۳۸۶). "جهانی شدن و تغییر ارزش های خانواده". پیوند. شماره ۳۳۰ و ۳۳۱، صص ۳۲-۳۰.
- نعیمی، محمدرضا. (۱۳۹۰). "تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق". مجله تخصصی جامعه شناسی. اول. سال (۱). ۱۹۱ - ۲۱۱.
- Al-ofy, A. (1999). "The Saudi TV and the realization of social attitudes according to the cultural cultivation theory". Bohooth Al-ettisul. 3, 8: 157-190.
- Appadurai, A. (1996). **Modernity at Large: Cultural Dimensions of Globalization**. University of Minnesota Press
- Gerbner, G. Gross, L. Morgan, M. Signorielli, N. & Shanahan, J. (2002). "Growing up with television: Cultivation process". In J. Bryant & D. Zillman (Eds.), Media effects: Advances in theory and research (pp. 43-67). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum
- Jacobsen, R. B. & Berry, K.J. et al. (1975). "An empirical test of the generation gap: A comparative interfamily study". Journal of marriage and family, Vol 37, 841-850.
- Panasenکو, N. (2013). "Czech and Slovak Family Patterns and Family Values in Historical, Social, and Cultural Context". Journal of Comparative Family Studies, 44 (1): 79-98.
- Sagone, E. & De Caroli, M. E. (2014). "The portrait of values in family: A cross-age study in Sicilian context". Procedia-Social and Behavioral Sciences, N 127, pp 194- 198.
- Schwartz, SH. & Bilsky, W. (1987). "Toward a universal psychological structure of human values". Journal of Personality and Social Psychology, Vol 53, pp 550-562.
- Shamsher, R. & Nayeem, A. M. (2012). "Effect of Satellite Television on the Culture of Bangladesh: The Viewers Perception". European Journal of Business

and Management. 4, 9,

- Zaharopoulos, T. (2003). **“Perceived Foreign Influence and Television Viewing in Greece”**. In Michael G. Elasmr (ed), *The Impact of International Television A Paradigm Shift*. Chapter 4, Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

نسبت جهانی شدن و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر آبدانان)

جابر مولایی^۱

یارمحمد قاسمی^۲

مهری مرادخانی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۲۹

جهانی شدن، پدیده‌ای است که در چند دهه گذشته جامعه جهانی را با شدت و ضعفی متفاوت تحت تأثیر خود قرار داده است. تأثیر این فرآیند می‌تواند موجب دگرگونی در فرآیند تولید و بازتولید هویت اجتماعی جوانان شود. بنابراین، هدف از این پژوهش، بررسی تأثیر ابعاد جهانی شدن بر هویت اجتماعی جوانان شهر آبدانان است. جهت تبیین این مسئله، نظریه گیدنز مورد استفاده قرار گرفته است. پژوهش حاضر یک مطالعه مقطعی به شیوه پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر آبدانان است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. نمونه آماری بالغ بر ۴۰۰ نفر است. داده‌ها بر اساس پرسش‌نامه جمع‌آوری شدند و به کمک نرم‌افزارهای آماری *spss* و *pls-smart* مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان داد که هویت اجتماعی در بین پسران و دختران متفاوت است و بین میزان بازاندیشی، ازجاکندگی، استفاده از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نوین، نحوه مدیریت بدن و میزان تغییر شکل صمیمیت با هویت اجتماعی جوانان رابطه معنادار وجود دارد. علاوه بر این، نتایج مدل ساختاری نیز نشان داد که رابطه معناداری بین ابعاد جهانی شدن و هویت اجتماعی جوانان وجود دارد. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که امواج مدرنیته و به تبع آن، جهانی شدن ساختار فرهنگی - اجتماعی جامعه آبدانان را هم تحت تأثیر خود قرار داده است.

واژگان کلیدی: ابعاد جهانی شدن، هویت اجتماعی و آبدانان

E-mail: jabermolaii@gmail.com

۱. مربی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۳. کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

مقدمه

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، جهان با یکسری از تحولات و حوادث گوناگون مواجه شده است. همه جا جدالی سخت در گرفته است، همه در این مورد گفتگو می کنند، روشنفکران در مورد آن به بحث می پردازند، برخی مردم از موجودی خطرناک صحبت می کنند و عده ای از منجی اسطوره ای که بشر سال ها منتظر آن بوده است، سخن می گویند. حقیقت آن است که ما در مواجهه میان نظام قدیم و جدید که در شکل تازه ای جریان دارد، واقع شده ایم. حوادث ناشی از تحول با سرعتی زیاد یکی پس از دیگری فرا می رسد و تحولات در زمینه هایی گوناگون به خانه های ما راه یافته است و حتی اندیشه های ما را نیز تسخیر کرده است. خلاصه آن که این گفتگوها و مجادلات همگی بر سر جهانی شدن است (بهاء الدین، ۱۳۸۴: ۷). تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع که نتیجه جهانی شدن است باعث تحولات وسیعی در مفهوم هویت سازی افراد جامعه شده است. منشأ این تحولات را باید در گسترش رسانه های جدید، توسعه آموزش، دسترسی به فناوری ارتباطات و اطلاعات، رشد فردگرایی و پیدایش ارزش نو جستجو کرد و نتیجه این تحولات را باید در تغییر هویت اجتماعی افراد مشاهده نمود (معیدفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸). به عقیده گیدنز، جهانی شدن را می توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی تعریف کرد؛ همان روابطی که موقعیت های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها از آن فاصله دارند، شکل می گیرد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۷۷). در واقع، این فرایند به دنبال یکسان سازی در عرصه های اقتصادی، سیاسی و آموزشی بوده و حتی قصد تسخیر حوزه های فرهنگی را دارد (تاملینسون^۱، ۱۳۸۱). با گسترش فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی نظیر ماهواره و اینترنت و گسترش سایر شبکه های ارتباطی جدید، فرهنگ مدرن در جهان گسترش پیدا کرده که می تواند به فرآیند یکسان سازی فرهنگی جهان یاری رساند (خواجه نوری، ۱۳۸۶: ۶). جهانی شدن، پدیده ای است که در چند دهه گذشته جامعه جهانی را با شدت و ضعفی متفاوت تحت تأثیر خود قرار داده و ایران به عنوان یکی از اعضای این جامعه در دهه های پیشین اندک اندک تحت تأثیر آن قرار گرفته است. با گذر زمان، تأثیر این فرایند بیش تر شده است و هیچ بعدی از ابعاد زندگی نیست که به گونه ای درگیر این فرآیند فراگیر نباشد یا از آن مصون باقی مانده باشد (مقدسی و خواجه نوری، ۱۳۸۴: ۵). هویت اجتماعی، مجموعه ای از هویت های فردی و دربرگیرنده هویت های جنسی، گروهی، قومی، ملی، دینی و شغلی است. این هویت، امروزه تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن و اجزای آن قرار دارد (مقدس و خواجه نوری، ۱۳۸۴: ۱۳). نتایج پژوهش های متعدد، بیانگر تأثیرپذیری جامعه ایران از جریان جهانی شدن در ابعاد مختلف است (خواجه نوری پرنیان و همت، ۱۳۹۲؛ خواجه نوری و ریاحی، ۱۳۹۲؛ خواجه نوری و دلاور، ۱۳۹۱؛ سفیری و نعمت الهی، ۱۳۹۱). چگونگی شکل گیری هویت اجتماعی جوانان مبتنی بر عوامل مختلفی است که هر یک به نوعی می توانند تأثیرات متفاوتی در برداشته باشند. از جمله عواملی که تأثیر گسترده ای بر شکل گیری هویت دارند مؤلفه های جهانی شدن شامل بازاندیشی، ازجاکنندگی، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نوین، نحوه مدیریت بدن و تغییر شکل صمیمیت هستند. استان ایلام از لحاظ جمعیت جوان کشور رتبه نخست را دارد. میزان رشد مطلق جمعیت جوانان استان ایلام ۳/۹۶ درصد بوده که ۰/۲۲ درصد از متوسط کشوری بیش تر بوده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۴). آبدانان به عنوان یکی از شهرستان های استان ایلام است که با افزایش جمعیت جوانان و با رشد حضور جوانان در عرصه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی به ویژه در مراکز علمی، به نظر می رسد تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن قرار گرفته است. تأثیر این فرآیند بر جوانان می تواند موجب دگرگونی در فرآیند تولید و بازتولید هویت اجتماعی آن ها شود. پس بررسی هویت جوانان شهر آبدانان بدون

توجه به فرآیند جهانی شدن می تواند ناقص و کم ارزش باشد. هم چنین با توجه به این که مطالعات پیشین نشان می دهد که پژوهش هایی در زمینه تأثیر جهانی شدن بر هویت اجتماعی در این جامعه آماری انجام نشده است، چنین امری ضرورت پژوهش در خصوص تأثیر ابعاد جهانی شدن بر هویت اجتماعی را در میان جوانان شهر آبدانان دو چندان ساخته است. بنابراین توجه به تحولات سریع و گسترده در نظام جهانی، طرح سوالات و مباحثی در باب هویت و ابعاد مختلف آن، ضروری و اساسی به نظر می رسد. در واقع، با تغییر بافت اجتماعی از حالت سنتی به شکل مدرن و یا شبه مدرن و در اثر تحولات ناشی از جهانی شدن، شاهد تغییرات ماهیت انسان و تغییر هویت فردی و اجتماعی او هستیم. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال این پرسش است که آیا ابعاد جهانی شدن در تغییر هویت اجتماعی جوانان شهر آبدانان نقشی داشته است؟

پیشینه تحقیق

رفعت جاه و وفادار (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "سبک زندگی و نسبت آن با هویت دینی" که در بین زنان تنکابنی انجام دادند، به این نتیجه دست یافتند که بین دینداری و سبک زندگی این زنان رابطه وجود دارد؛ یعنی هر چه میزان دینداری افراد بیش تر بوده، کمتر از سبک های مدرن زندگی پیروی کرده اند. حسین زاده و شجراوی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر میزان و نوع استفاده از ماهواره بر هویت اجتماعی، دینی و ملی نوجوانان" که جامعه آماری آن کلیه دانش آموزان دختر و پسر مقطع سوم دبیرستان های دولتی و عادی شهر اهواز بوده است، نشان دادند که بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می دهد که تنها سه متغیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان علاقه مندی نسبت به نوع برنامه های ماهواره ای و میزان استفاده از ماهواره معنادار بوده اند که در مجموع ۱۶ درصد از تغییرات مربوط به هویت اجتماعی، دینی و ملی را این دو متغیر تبیین می کنند. احمدی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی رابطه وسایل ارتباطی نوین با هویت جنسیتی جوانان شهر شیراز" به دنبال بررسی تأثیر وسایل ارتباطی نوین مانند اینترنت بر هویت جنسی دختر و پسر جوان بوده اند. نتایج این پژوهش نشان می دهد که استفاده از اینترنت بر هویت جنسیتی پسران تأثیری افزایشی گذاشته است و با افزایش کاربرد اینترنت، تعریف و بازتعریف هویت جنسیتی پسران مشخص تر از دختران است.

ربانی و شیرینی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران"، هدف خود را بررسی هویت اجتماعی در چارچوب تحلیلی مفهوم اوقات فراغت به عنوان بخشی از مفهوم عام سبک زندگی بیان کرده اند. این تحقیق که به دو شیوه مصاحبه عمیق و پرسش نامه در بین ۳۸۳ نفر از جوانان دختر و پسر شهر تهران اجرا شده است، نشان می دهد که شیوه گذران اوقات فراغت جوانان هنوز تحت تأثیر عواملی مانند طبقه اجتماعی است و عاملی مانند جنسیت افراد نیز بر شیوه گذران اوقات تأثیر می گذارد. هم چنین نتایج این پژوهش نشان می دهد که هویت اجتماعی با دو عامل مذکور همبستگی شدیدی دارد.

ادیبی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه شان با عنوان "جهانی شدن فرهنگ با تأکید بر هویت اجتماعی جوانان شهر اصفهان" طی یک مطالعه پیمایشی نمونه ۳۸۴ نفری، هویت اجتماعی نوجوانان و جوانان شهر اصفهان را بررسی کردند. نتایج نشان دهنده همبستگی بالا میان ابعاد متفاوت هویت و کاربرد فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی است.

مقدس و خواجه نوری (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان "جهانی شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان؛ بررسی

موردی در دو شهر شیراز و استهبان" به انجام پیمایش بر روی زنان دو شهر شیراز و استهبان پرداختند. نتایج تأیید کننده تأثیر فرآیند جهانی شدن بر هویت اجتماعی زنان بوده و در این میان، هویت اجتماعی زنان شهر شیراز بیش تر دگرگون شده است.

توسلی و قاسمی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان "هویت های جمعی و جهانی شدن" به تحلیل یکی از مباحث مربوط به گفتمان هویت های جمعی خرد و کلان و ارتباط آن با جهانی شدن پرداخته اند و دیدگاه های کلاسیک جامعه شناسی و گفتمان پست مدرنیسم و نیز نظریه اندیشمندان متأخر و نقایص نظری و روش شناختی کار آن ها بررسی شده است. نتایج این مقاله تأیید کننده این ادعاست که از یک سو، جهانی شدن فرآیندی واقعی و غیر قابل اجتناب است و جامعه بشری به سوی برخی الگوهای فرهنگی و سیاسی جهان شمول به مثابه یک هویت عام حرکت می کند و از سوی دیگر، در کنار آن هویت های خرد و محلی نیز در حال احیای و بازسازی هستند.

ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان "بدن به مثابه هویت" به بررسی مفهوم هویت به توجه سبک زندگی افراد پرداخته اند. روش این تحقیق پیمایشی و جامعه آماری آن ۸۲۵ نفر از ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر تهران بوده است. نتایج نشان می داد که نقش انتخاب ها و تفسیرهای کنش گران در شکل گیری هویت جمعی و فردی مهم تر از موقعیت های ساختاری است. در واقع، شکل گیری هویت فردی و اجتماعی کنش گران بیش تر از طریق اهمیت دادن به حوزه مصرف، اهمیت بدن و کنترل آن شکل می گیرد.

مشادی^۱ (۲۰۱۱) در تحقیق خود نشان داده که بین استفاده از اینترنت و هویت اجتماعی رابطه وجود دارد و این رابطه با متغیرهای کلیشه های جنسی، اوقات فراغت و مدیریت بدن تأیید شده است. هم چنین نتایج پژوهش ددوایل و استوندای^۲ (۲۰۱۱) نشان می دهد شبکه های اجتماعی در اینترنت را نمی توان محیط های رسانه ای ساده در نظر گرفت؛ آن ها محیط های گفتمانی هستند که افراد فعالانه در آن حضور دارند و هویت خود را در آن ها می سازند.

هلسپر^۳ (۲۰۱۰) در مطالعه خود با عنوان "استفاده ی اینترنتی جنسیتی در طول نسل ها و مراحل زندگی" بر این باور است که نابرابری استفاده از اینترنت در میان جوانان کم تر از دیگر گروه های سنی است. یافته ها از ۱۵۷۸ جوان بریتانیایی، حاکی از آن است که نسل ها، سطوح استفاده از اینترنت را مشخص می کنند و مراحل زندگی، تفاوت های جنسیتی در استفاده از اینترنت را نشان می دهند.

جوادی^۴ (۲۰۰۸) در تحقیقی با عنوان "هویت ملی و جهانی شدن" با هدف بررسی تغییرات هویت ملی متأثر از جهانی شدن، به پیمایشی بر روی جامعه آماری ۱۶۵ نفری از دانشجویان شهرهای اسلام آباد و گیلان غرب پرداخته است. نتایج نشان می دهد که متغیرهای میزان استفاده از اینترنت، میزان استفاده از برنامه های ماهواره ای و مانند آن، VCD و برنامه های مربوط به آن، اثر منفی بر هویت ملی دارند و متغیرهای رضایت از کار، امکانات رفاهی، صمیمت با خانواده، رضایت و داشتن تسهیلات در موقعیت کار نیز از اثر مثبت بر هویت ملی برخوردارند.

لیبر و ویسبرگ^۵ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان "جهانی شدن، فرهنگ و بحران هویت" که به روش پیمایشی انجام دادند، دریافتند که فرهنگ در عصر جدید در شکل های متنوع به عنوان یک ناقل اصلی جهانی شدن

1. Mashadi

2. Dedeoyle and Ustunday

3. Helsper

4. Javadi

5. Liber & Weisberg

و ارزش های مدرن عمل می کند و عرصه مهم رقابتی را برای هویت های محلی، ملی و مذهبی به وجود آورده است.

بدین ترتیب، می توان گفت:

پیشینه های داخلی و خارجی، اطلاعات توصیفی نسبتاً خوبی در مورد هویت اجتماعی، جهانی شدن و سبک زندگی ارائه می دهند.

پیشینه های داخلی و خارجی به آشنایی با دیدگاه های نظری متنوع مانند نظریه گیدنز که در این پژوهش از آن استفاده شده است، کمک شایانی می کند.

بسیاری از این پیشینه ها از روش تحقیق کمی و ابزار پرسش نامه استفاده کرده اند که می توانند الگوهای مناسبی برای این پژوهش باشند.

همان طور که در تحقیقات ملاحظه شده، بین جهانی شدن و هویت اجتماعی رابطه وجود دارد و این مسئله در مناطق مختلف با بسترهای تاریخی مختلف، تأثیرات متفاوتی دارد. در نتیجه لازم است تحقیقات بیش تری با توجه به بسترهای مختلف تاریخی و فرهنگی انجام پذیرد.

مطالعات پیشین نشان می دهد که رابطه بین متغیرهایی مانند بازاریابی، ازجاکندگی، نحوه مدیریت بدن و میزان تغییر شکل صمیمیت با هویت اجتماعی مورد بررسی قرار نگرفته است که همین اهمیت این تحقیق را دو چندان می کند.

مطالعه تحقیقات داخلی و خارجی نشان می دهد که این پژوهش ها از نظر انتخاب موضوع محدود و خاص شده اند. در واقع، در این دسته از تحقیقات غالباً مسئله هویت از یک بعد بررسی شده است. بنابراین انجام تحقیقی که بتواند تأثیر ابعاد جهانی شدن را بر تمام جنبه های هویت اجتماعی بررسی کند، لازم و ضروری است.

در یک جمع بندی کلی، تا آن جا که جستجو در میان پایگاه های علمی معتبر داخلی و خارجی نشان می دهد، می توان گفت این پژوهش جدید و تقریباً جامع است.

چارچوب نظری

چارچوب نظری تحقیق، اصلی ترین مرحله فرآیند تحقیق علمی است و پلی بین مبانی نظری تحقیق و قسمت عملیاتی آن است (توماس^۱، ۲۰۰۶: ۲۵). پس ما برآنیم نظریه ای را که به بهترین وجه ممکن می تواند موضوع تحقیق یعنی جهانی شدن و هویت اجتماعی را توضیح دهد، به عنوان چارچوب خود انتخاب کنیم و از طریق آن، ابعاد اصلی مسئله تحقیق، عوامل و متغیرها و احتمال رابطه درونی بین آن ها را شناسایی نماییم. سخن گفتن از خصوصیات اجتماعی، عقاید، ارزش ها، رفتارها و نگرش های متمایز گروه های اجتماعی، به معنای سخن گفتن از "هویت اجتماعی" آن هاست. هویت اجتماعی، به ساده ترین بیان، تعریفی است که فرد، بر مبنای عضویت در گروه های اجتماعی، از خویش دارد (براون^۲، ۱۹۸۵: ۷۷۱). هم چنین، هویت اجتماعی یک فرد به خصوصیات، مشخصات و تفکراتی اشاره می کند که فرد آن ها را از طریق اشتراک های اجتماعی، عضویت در گروه ها و مقوله های اجتماعی کسب می کند. این گروه ها و مقوله ها شامل نژاد، مذهب، قومیت، ملیت، جنسیت و احزاب سیاسی می شود. زمانی که یک فرد عضو یک گروه می شود، یک سری خصوصیات و ویژگی هایی را از آن به دست می آورد که در بین گروه یا مقوله مورد نظر مشترک است. با درونی نمودن

1. Thomas

2. Brown

این خصوصیات، فرد نسبت به آن گروه احساس تعلق پیدا می کند. هویت اجتماعی یک فرد باعث ایجاد "ما" در برابر "آن ها" می شود (مهرمند و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۵). در واقع، همه هویت ها به نوعی هویت اجتماعی محسوب می شوند (جنکینز^۱، ۱۹۹۶/ ۱۳۸۱) و هیچ هویتی، جدا از فضای اجتماعی معنی ندارد و شکل گیری هویت در فرآیندهای اجتماعی شدن ریشه دارد، اما نباید تصور کرد که هویت اجتماعی یک بار برای همیشه شکل می گیرد. تغییر و دگرگونی هم چنان که در ذات جامعه و تاریخ است، در هویت اجتماعی نیز رایج است. بنابراین، هویت امری اکتسابی است که در جریان تعاملات فرد و در درون فضای زندگی شخصی شکل می گیرد. هویت اجتماعی، شناخت و دانش شخص از جایگاهش در جامعه است؛ شناختی که وی از تعلق به مقولات اجتماعی یا گروه های اجتماعی دارد (هاگ و أبرامز^۲، ۱۹۸۸). امروزه با تغییر بافت اجتماعی از حالت سنتی به شکل مدرن و یا شبه مدرن و در اثر تحولات ناشی از جهانی شدن، شاهد تغییرات ماهیت انسان و تغییر هویت اجتماعی و فردی او هستیم که این امر ناشی از آثار و عوارض تمدن جدید صنعتی، آسیب زایی شهرنشینی، زوال هم بستگی های اجتماعی و افزایش انگیزه های فرد طلبانه و غیر اجتماعی و در مجموعه هویت زدایی اجتماعی بوده است (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۵۷).

گیدنز^۳ معتقد است که جهانی شدن را می توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی تعریف کرد؛ همان روابطی که موقعیت های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارند، شکل می گیرد (گیدنز، ۱۳۸۷: ۷۷). تمامی مؤلفه های جهانی شدن مانند اقتصاد جهانی، فناوری ارتباطات، تساوی گرایی جنسیتی و حتی قوانین و استاندارد های جهانی بر توانایی افراد برای دست یابی به هویت تثبیت شده و هم چنین تبدیل شدن به عضو کارآمد جامعه تأثیر می گذارند. امروزه جهانی شدن یکی از بحث های مهم روز در همه کشور ها و در همه زمینه هاست؛ چنان که در همه کشورها به بررسی رابطه مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و آموزشی شان با عنایت به فرایند جهانی شدن می پردازند. (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۲۸)

برخی از شواهد تعیین کننده ادعای جهانی شدن عبارت اند از: گسترش سلطه نظام اقتصادی سرمایه داری جهانی، جابه جایی تفوق دولت-ملت ها با سازمان های بین المللی و فرسایش یا تقویت فرهنگ ها و سنت های محلی از راه فرهنگ جهانی. (خواجه نوری، ۱۳۸۵: ۲)

به عقیده گیدنز، سه فرآیند مهم را می توان برای جهانی شدن بازشناخت: تمایز زمان و مکان، از جاکنده شدگی یا مکان زدایی و بازاندیشی. در اینجا جدایی زمان و مکان از نظر گیدنز برای پویایی شدید مدرنیت اهمیت دارد، زیرا همین جدایی، شرط وقوع فراگردهای از جاکنده شدگی است. جدایی زمان و مکان و شکل گیری آن ها در ابعاد یکنواخت و "تهی"، پیوندهای میان فعالیت اجتماعی و "جای گیری" آن در زمینه های خاص حضور را قطع می کند (همان: ۲۵). منظور گیدنز از اصطلاح "از جاکنده شدگی"، "کنده شدن" روابط اجتماعی از محیط های محلی هم کنش و تجدید ساختار این محیط ها در راستای پهنه های نامحدود زمانی-مکانی است (همان: ۲۶). فرآیند سوم، تخصیص بازاندیشانه دانش می باشد. بر این اساس، تولید دانش با نظام درباره زندگی اجتماعی، به بخش جدایی ناپذیر بازتولید نظام تبدیل می شود و زندگی اجتماعی را از قطعیت های سنت رها می سازد. این سه ویژگی نهادهای مدرن در ترکیب با هم، این قضیه را روشن می کنند که چرا زندگی در جهان مدرن بیش تر شبیه به سوار شدن بر گردونه ای بی مهار است و نه سوار شدن در اتومبیلی که کاملاً تحت نظارت و مهار راننده است (همان: ۶۴).

1. Jenkins
2. Hogg and Abrama
3. Giddens

گیدنز معتقد است هویت اجتماعی افراد براساس خودآگاهی و تحت تأثیر شرایط و موقعیت های اجتماعی در زمان و مکان شکل می گیرد. هم چنین عملکرد های اجتماعی، روند بازتابی بودن آن، عقلانیت و خودآگاهی فرد و بازاندیشی آن، هویت فرد را همیشه در فرایند ساخت یابی قرار می دهد- به خصوص در عصر جدید که نهادهای امروزی هم در آن دخالت دارند. به زعم وی، هر چیزی در زندگی اجتماعی، از نظام های جهانی گرفته تا آن چه وضعیت فکری فرد محسوب می شود، در یک کردار و راه و رسم اجتماعی به وجود می آید. از این رو، گیدنز معتقد است که هویت اجتماعی هم مانند هویت شخصی در روند ساخت یابی و با توجه به موقعیت ها، شرایط و احوال و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و نیز خود آگاهی شکل می گیرد. آگاهی به هویت شخصی و اعتماد، اطمینان و کنش متقابل اشخاص نقش مهمی در هویت اجتماعی بر عهده دارند. البته در هویت اجتماعی و باز تولید آن قراردادهای و رسوم اجتماعی نیز مهم اند (گیدنز، ۱۳۸۷). در واقع، وی معتقد است هویت را باید خلق نمود و به طور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره، شیوه های زندگی و هم چنین گرایش های تطمیع کننده نهادهای امروزی مورد تنظیم و تجربه قرار داد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۲۶۱).

در فرآیند جهانی شدن، برخی مفاهیم فرهنگی به مفاهیمی فراجوانی و همه گیر بدل شده است که از مرزهای یک کشور یا تمدن، به ملل و تمدن های دیگر راه یافته است؛ مفاهیمی چون: حقوق کودکان، دموکراسی، لیبرالیسم و حقوق بشر. یکی از این نگرش ها و ایده های جهانی، برابری بین دو جنس می باشد که باعث تغییر نگرش نقش جنسیتی در جوامع مختلف شده است. دگرگونی در این مؤلفه های فرهنگی بر اثر تماس های مستقیم و یا با واسطه فرهنگ های مختلف، در جریان جهانی شدن فرهنگی رخ می دهد. این فرآیند انتقال و تغییر فرهنگی توسط رسانه ها انجام می شود. از دیدگاه گیدنز، یکی از مهم ترین تأثیرات صنعت گرای، دگرگونی در فناوری های نوین ارتباطات و رسانه هاست. این رسانه ها از نظر وی نقشی عمده در تکمیل و جداسازی زمان و مکان بازی می کنند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۴۷). رسانه های جمعی، انتقال و هدایت دامنه گسترده ای از نمادها، هنجارها، ارزش ها، عقاید، پیام ها و افکار امروزه درون جوامع را به عهده گرفته اند تا جایی که برخی صاحب نظران معتقدند که رسانه های گروهی کل زندگی فرهنگی و اجتماعی را دگرگون می کنند (تاملینسون^۱، ۲۰۰۳: ۴۵). از جمله سازه های مهم اجتماعی، مبحث هویت است که امروزه بشدت تحت تأثیر وسایل ارتباط جمعی قرار دارد. رسانه ها با پاسخ دهی به حواس انسان ها، در رشد و اعتلای فرهنگی و هویت جمعی آنان نقش اساسی دارند و بر شناخت و درک از جهان تأثیر می گذارند، به این معنا که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان، بستگی به محتوایی دارد که از رسانه ها دریافت می کنند، زیرا رسانه ها واسطه و میانجی بین آگاهی های فردی و ساختارهای گسترده تر اجتماعی و سازنده معنا هستند. رسانه ها علاوه بر هویت سازی، موجب تغییر هویتی نیز می شوند (جمعه زاده و واعظی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). گیدنز بر نقش رسانه ها در فرایند تکمیل هویت تأکید می کند و وسایل ارتباط جمعی مدرن فراملی را ابزار بسط و گسترش مدرنیته به تمام دنیا در نظر می گیرد که توانسته اند با تسهیل و رواج روز افزون ارتباطات فردی و گروهی، فضای جهانی را متحول کنند و مرزهای زمانی و مکانی را در عصر مدرن در نوردند- اما شکسته شدن این حصار های زمانی و مکانی هویت را در ابعاد فردی و جمعی به چالش کشیده است. (عنایت و موحد، ۱۳۸۳: ۱۵۵)

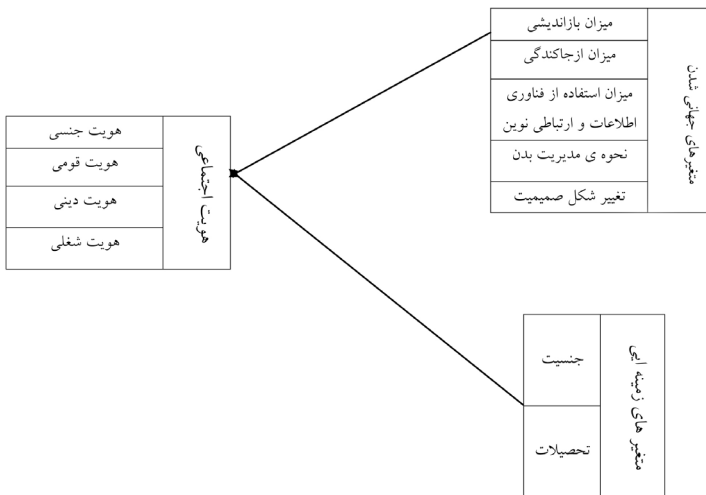
گیدنز بدن را در ارتباط با دو مفهوم "هویت" و "خود" قرار می دهد. به باور وی، نیاز امنیت وجودی و حس امنیت هستی شناختی، چیزی است که در نهایت به شکل گیری یک هویت شخصی در ارتباط با محیط پیرامون منجر می شود و در این راستا، بدن به عنوان یک ابزار استفاده می شود. به نظر وی، همه موجودات

انسانی به طور مداوم بر فعالیت های خویش نظارت دارند. در روابط اجتماعی، انسان ها یک حس امنیت وجودی به دست می آورند که وی ریشه آن را در مفهوم اعتماد تعمیم یافته در می یابد. این اعتماد تشکیل دهنده رابطه ای است که جهت گیری های عاطفی و شناختی به سوی دیگران دنیای عینی و هویت شخصی از آن نشأت می گیرد. (گیدنز، ۱۳۹۳: ۶۷)

به عقیده گیدنز، مدرنیته و دگرگونی های جهانی فقط مربوط به تغییرات بزرگ نیست، بلکه این تغییرات، عواطف و زندگی خصوصی افراد را نیز در بر می گیرد و "دنیای متجدد به طرز عمیقی در قلب هویت و احساسات شخصی نیز نفوذ می کند.... و حوزه ای که امروز با اصطلاح "روابط شخصی" از آن یاد می کنیم، فرصت هایی برای ابراز صمیمیت و بیان خویشتن در اختیار ما می نهد که در بافت اجتماعی بسیاری از جوامع سنتی وجود ندارد". (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۰) از نگاه او، مدرنیته موجبات "تغییر شکل صمیمیت" و شکل جدیدی از روابط شخصی و دوستی را فراهم آورده است؛ به نحوی که می گوید: "در حوزه زندگی شخصی، هر چه جامعه پساسنتی توسعه بیش تری می یابد، حرکت به سوی آنچه که می توان آن را رابطه ناب در روابط جنسی، زناشویی و خانواده نامید، سرعت بیش تری می گیرد". (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۸۹) او رابطه ناب را نوعی رابطه اجتماعی برابر و خود مرجع می داند که منحصرآ وابسته به احساس رضایت و پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می شود (گیدنز، ۱۳۸۵: ۳۲۵). در واقع دوستی، صمیمیت و هم چنین، روابط جنسی، بخشی از روابط شخصی افراد به شمار می روند. این روابط در دوران سنتی بر اساس ارزش های خاص آن دوران، همچون: اخلاص، شرف و مانند آن ها استوار بوده است، اما در دروان ما بعد سنت، تحت تأثیر فرآیند مدرنیته و شکل متأخر آن تحت تأثیر ارزش های فراستنی همچون وفاداری و دوستی هستند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۴۱ - ۱۴۲). در چنین وضعیتی، "رابطه" به عنوان ابزاری برای توسعه "خود" در نظر گرفته می شود (گروس^۱، ۲۰۰۲). این پژوهش با توجه به نظریه گیدنز، فرضیه هایی پیرامون ابعاد جهانی شدن شامل بازانديشي، ازجاکندگی، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نوین، مدیریت بدن و تغییر شکل صمیمیت مطرح می کند.

مدل نظری پژوهش

نمودار ۱: مدل نظری تأثیر ابعاد جهانی شدن بر هویت اجتماعی



فرضیه های پژوهش

- هویت اجتماعی در بین پسران و دختران متفاوت است.
- بین میزان تحصیلات و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین میزان بازانديشي و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین میزان ازجاکندگی و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین میزان استفاده از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نوین و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین نحوه مدیریت بدن و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین میزان تغییر شکل صمیمیت و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.
- بین ابعاد جهانی شدن (بازانديشي، ازجاکندگی، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نوین، مدیریت بدن و تغییر شکل صمیمیت) و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.

۵۹

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه این پژوهش، شامل جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر آبدانان است که تعداد آن ها ۸۳۰۰ نفر می باشد. با توجه به تعداد جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر آبدانان بر اساس نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، شیوه نمونه گیری به صورت خوشه ای چند مرحله ای است؛ به طوری که با استفاده از نقشه جغرافیایی، شهر آبدانان به پنج منطقه شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکز تقسیم بندی شده است و هر منطقه به چند خیابان و هر خیابان به چند کوچه و سپس از هر خانواده، هر چند نفر که جوان بوده، به صورت تصادفی نمونه گیری انجام شده است و با استفاده از فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵ درصد تعداد ۳۶۷ نفر به عنوان حجم نمونه (افراد) تعیین شده است. بنابراین به منظور جلوگیری از افت و قدرت تعمیم دهی بالا، حجم نمونه ۴۰۰ نفر انتخاب شده است. در این تحقیق از پرسش نامه به عنوان ابزار سنجش و جهت گردآوری داده ها و اطلاعات مورد نظر استفاده گردیده است. پرسش نامه این تحقیق به صورت کتبی ساختماندا به سوالات بسته تشکیل یافت. در بخش اول، متغیر وابسته (هویت اجتماعی) توسط پرسش نامه (۲۰ سوال) با سوالات بسته مورد پرسش قرار گرفته است. در بخش دوم، متغیرهای مستقل فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، میزان بازانديشي، میزان ازجاکندگی، نحوه مدیریت بدن و مفهوم تغییر شکل صمیمیت با پرسش نامه محقق ساخته و با استفاده از طیف پنج گزینه ای لیکرت مورد پرسش قرار گرفت. شایان ذکر است که اعتبار پرسش نامه با نظرخواهی از افراد متخصص (اعتبار صوری) تعیین گردید. پایایی سوال های پرسش نامه نیز از طریق ۳۰ پرسش نامه در مرحله پیش آزمون توزیع و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مشخص شده است - مقادیر آلفا در جدول ۱ آورده شده است. در این بخش، یافته های تحقیق در دو قسمت آورده می شود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها ابتدا یافته های توصیفی با استفاده از نرم افزار اس پی اس اس^۱ پردازش و در ادامه، یافته استنباطی با نرم افزار مدلسازی معادلات ساختاری واریانس محور اسمارت پی ال اس^۲ پردازش شده است.

$$n = \frac{\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/05^2}}{1 + 1 \div 8300 \left[\left(\frac{1/96^2 \times 0/5 \times 0/5}{0/0025} \right) - 1 \right]} = \frac{384}{1/046} = 367$$

1. Spss

2. Smart-pls

جدول ۱: مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده در مرحله پیش آزمون

ردیف	متغیر	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ
۱	هویت اجتماعی	۲۰	۰/۸۲
۲	بازاندیشی	۶	۰/۹۰
۳	ازجاکندگی	۶	۰/۷۱
۴	فناوری اطلاعاتی و ارتباطی	۱۳	۰/۸۳
۵	مدیریت بدن	۶	۰/۷۴
۶	تغییر شکل صمیمیت	۵	۰/۶۸

تعریف متغیرهای پژوهش

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی، به ساده ترین بیان، تعریفی است که فرد بر مبنای عضویت در گروه های اجتماعی، از خویش دارد (پراون، ۱۹۸۵: ۷۷۱). متغیر هویت اجتماعی از طریق هویت جنسی، قومی، دینی و شغلی سنجیده شده است.

بازاندیشی

فرآیندی است که طی آن، تغییراتی بر هویت واقعی افراد و گروه های اجتماعی اعمال می شود. نظریه بازاندیشی توضیح می دهد که چگونه مردم از طریق بازاندیشی اجتماعی، زندگی خود را تفسیر می کنند و به آن معنا می بخشند (راودراد^۱ و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸) برای سنجش عملیاتی این متغیر، از ترکیب شاخص هایی مانند من این آزادی را دارم که بدن خود را با عمل جراحی به شکل دلخواه در آورم، دوست دارم خودم سرنوشت و صفات خودم را تعیین کنم..... شامل ۶ شاخص و با مقیاس رتبه ای سنجیده شده است.

ازجاکندگی

منظور از "از جا کندگی"، (کنده شدن) روابط اجتماعی از محیط های محلی هم کنش و تجدید ساختار این محیط ها در راستای پهنه های نامحدود زمانی - مکانی است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۳ - ۸۸). این متغیر از طریق تغییر مرزهای زمانی و مکانی در ارتباطات، کار، خرید شامل ۶ شاخص و با مقیاس رتبه ای سنجیده شده است..

فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی^۲

تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی (ICT) مجموعه ای وسیع و متنوع از فناوری هاست (اینترنت، ماهواره، موبایل، رادیوهای خارجی و...) که برای برقراری ارتباط میان انسان ها به کار می روند. صنایع جهانی ICT با اتصال دستگاه های ارسال و دریافت به یکدیگر، جوامع و کل جهان را به شبکه های فرامرزی و در هم تنیده از تولیدکنندگان، توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اطلاعات و محتوای ارتباطی تبدیل می کند (قائم و نورایی

1. Ravdrad

2. New information and communication technologies

نژاد، ۱۳۸۹: ۳۳). این متغیر از طریق میزان استفاده از فناوری‌های نوین مانند چت یا تویتر، اینترنت، پیام کوتاه، ایمیل و... شامل ۱۳ شاخص و با مقیاس رتبه ای سنجیده شده است.

مدیریت بدن

تصور از بدن، یک تصور ذهنی از بدن توسط فرد است و به دریافت و احساس افراد از بدن خویش اشاره دارد (گروگن^۱، ۱۹۹۹: ۱، هارگریوز و تیگمن^۲، ۲۰۰۶).

تغییر شکل صمیمیت

ناظر بر نوعی روابط شخصی برابر است که در آن عوامل بیرونی کم رنگ می گردد و رابطه ای برای خود رابطه شکل می گیرد (گرامیان نیک و جلائی پور، ۱۳۸۸). این متغیر، از طریق شاخص های دایره دوستی و ارتباطات من خیلی از محله فرا رفته است، سعی می کنم با افرادی که دوست شده ام مبنای همونوع بودن را قرار دهم و... شامل ۵ شاخص و با مقیاس رتبه ای سنجیده شده است.

یافته های پژوهش

یافته های توصیفی

نمونه آماری این تحقیق، ۴۰۰ نفر است که ۱۲ درصد از آن ها در محدوده گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله، ۵۵ درصد در محدوده گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله و ۳۳ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله قرار گرفته اند. ۲۸ درصد پاسخگویان را پسران و ۷۲ درصد را دختران تشکیل داه اند. هم چنین از لحاظ میزان تحصیلات ۴۷ درصد پاسخ گویان دیپلم و پایین تر، ۲۲ درصد فوق دیپلم، ۳۰ درصد لیسانس و ۱ درصد فوق لیسانس و بالاتر بوده اند. هم چنین از لحاظ تأهل، ۷۱ درصد پاسخ گویان مجرد و ۲۹ درصد متأهل اند.

جدول ۲: توصیف آماره های متغیر وابسته و مستقل

متغیرها	میانگین	میانه	مد	واریانس	حداقل	حداکثر
هویت جنسی	۲۰	۲۰	۲۰	۹	۱۰	۲۵
هویت دینی	۲۱	۲۱	۲۵	۱۴	۵	۲۵
هویت قومی	۲۱	۲۱	۲۴	۳۱	۶	۳۰
هویت شغلی	۱۶	۱۶	۱۶	۹	۴	۲۰
رسانه های جمعی	۲۰/۵	۲۰	۲۰	۱۱۲	۰	۵۸
بازاندیشی	۲۲	۲۳	۲۴	۱۸	۸	۳۰
ازجا کندگی	۲۳	۲۴	۲۴	۱۳	۶	۳۰
مدیریت بدن	۲۳	۲۴	۲۴	۱۶	۷	۳۰
تغییر شکل صمیمیت	۱۸	۱۹	۲۰	۱۲	۵	۲۵

1. Grogan

2. Hargreaves & Tiggemann

چنان که در جدول ۲ مشاهده می گردد، در میان ابعاد هویت اجتماعی، هویت دینی و هویت قومی با میانگین های مساوی (۲۱)، بیش ترین و بعد هویت شغلی با میانگین (۱۶) کم ترین میزان را به خود اختصاص داده اند، ولی در میان ابعاد جهانی شدن، متغیرهای ازجا کندگی و مدیریت بدن با میانگین های مساوی (۲۳) بیش ترین و بعد تغییر شکل صمیمیت با میانگین (۱۸) کم ترین میزان را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۳: نتایج آزمون تی جهت مقایسه میزان هویت اجتماعی پسران و دختران

جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار میانگین	سطح معناداری
پسران	۲۸۹	۷۷/۹۴۸	۱۰/۹۳۳۵۵	۰/۶۴۳۱۵	۰/۰۰۳
دختران	۱۱۱	۷۴/۲۲۵	۱۱/۵۹۲۰۷	۱/۱۰۰۲۷	۰/۰۰۳

بر اساس اطلاعات جدول ۳، میانگین میزان هویت اجتماعی در پسران (۷۷/۹۵) بیش تر از دختران (۷۴/۲۲) بوده است. با توجه به سطح معنی داری ($p = ۰/۰۰۳$) به دست آمده، میزان هویت اجتماعی در بین پسران و دختران متفاوت است.

جدول ۴: آزمون فرضیه ها

ردیف	متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع آزمون	مقدار	سطح معنی داری	نتیجه
۱	تحصیلات	هویت اجتماعی	تایوکندال B	-۰/۰۵۳	۰/۱۷۵	رد
۲	باز اندیشی	هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۱۱۳	۰/۰۰۱	تأیید
۳	ازجا کندگی	هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۱۹۶	۰/۰۰۰	تأیید
۴	استفاده از رسانه ها	هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	-۰/۱۷۳	۰/۰۰۰	تأیید
۶	مدیریت بدن	هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	تأیید
۷	تغییر شکل صمیمیت	هویت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۱۸۱	۰/۰۰۰	تأیید

چنان که در جدول ۴ مشاهده می گردد بیشتر ابعاد جهانی شدن با میزان هویت اجتماعی دارای رابطه معنی داری می باشند، اما فرضیه ای که بین میزان تحصیلات و میزان هویت اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد، تأیید نشده است. از بین ابعاد جهانی شدن، متغیر میزان استفاده از رسانه های نوین رابطه معکوس و معنی داری با هویت اجتماعی جوانان داشته است، ولی متغیرهای باز اندیشی، ازجا کندگی، مدیریت بدن و تغییر شکل صمیمیت رابطه مستقیم و معنی داری با هویت اجتماعی نشان داده است.

جدول ۵: خلاصه مدل رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی R چندگانه	ضریب تعیین R چندگانه ۲	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف خطای باقی مانده
۱	۰/۴۱۳	۰/۱۷۰	۰/۱۵۸	۰/۵۱۵۳۷

با توجه به جدول ۵، خلاصه مدل رگرسیون مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل ۰/۴۱۳ می باشد و مقدار ضریب تعیین برابر ۰/۱۷۰ که نشان دهنده تأثیر ۱۷ درصدی تبیین متغیر وابسته بر اساس متغیرهای مستقل است.

جدول ۶: رگرسیون خطی چند متغیره بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (هویت اجتماعی)

Sig	t	ضرایب استاندارد			متغیر
		Beta	Std. Error	B	
۰/۰۰۱	۱۳/۷۴۷	-	۰/۲۲۰	۳/۰۲۷	مقدار ثابت
۰/۵۴۲	۰/۶۱۰	۰/۰۳۴	۰/۰۴۳	۰/۰۲۶	باز اندیشی
۰/۰۰۰	۳/۶۶۸	۰/۱۸۵	۰/۰۴۷	۰/۱۷۲	از جا کنده
۰/۰۰۵	-۲/۸۲۲	-۰/۱۶۱	۰/۰۳۹	-۰/۱۱۱	استفاده از رسانه ها
۰/۸۰۰	۰/۲۵۴	۰/۰۱۴	۰/۰۴۵	۰/۰۱۱	مدیریت بدن
۰/۰۰۹	۲/۰۶۱۸	۰/۱۴۱	۰/۰۴۳	۰/۱۱۳	تغییر شکل صمیمیت

با توجه به جدول ۶، ضریب استاندارد شده بتا درصد تبیین متغیر وابسته بر حسب متغیرهای مستقل به شرح زیر است: میزان باز اندیشی به طور مستقیم ۳ درصد، میزان از جا کنده به طور مستقیم ۱۸ درصد، میزان استفاده از رسانه ها جمعی نوین به طور معکوس ۱۶- درصد، مدیریت بدن به طور مستقیم ۱ درصد و تغییر شکل صمیمیت به طور مستقیم ۱۴ درصدو... .

آزمون مدل معادلات ساختاری

نمودار ۲: مدل تجربی معادلات ساختاری: تبیین ابعاد جهانی شدن و هویت اجتماعی



در پژوهش حاضر، معادلات ساختاری بر مبنای چارچوب نظری و فرضیه های مستخرج از آن طراحی و بر مبنای داده های تجربی بر آورد و ارزیابی شده است. در این مدل، ابعاد جهانی شدن به عنوان متغیر پنهان بیرونی و هویت اجتماعی به عنوان متغیر پنهان درونی لحاظ شده اند و هر یک از آن ها در قالب چند متغیر مشاهده شده، اندازه گیری شده اند. همان طور که در مدل ساختاری می توان دید، متغیر پنهان ابعاد جهانی شدن با استفاده از نمره هر پاسخ گو در متغیرهای مشاهده شده، اندازه گیری شده است. ابعاد هویت نیز متغیرهای مشاهده شده ای هستند که متغیر پنهان هویت اجتماعی، بر اساس نمره هر پاسخ گو در آن ها اندازه گیری شده اند. در مدل مذکور بر آورد استاندارد وزن های رگرسیونی، شامل بارهای عامل و ضرایب تأثیر مشاهده می شود. در این مدل پارامتر گاما که نشان دهنده اثر متغیرهای پنهان بیرونی بر متغیرهای پنهان درونی است، حکایت از ارتباط نسبتاً قوی میان متغیرهای ابعاد جهانی شدن با هویت اجتماعی دارد. هم چنین، یکی ابعاد هویت اجتماعی، هویت دینی است که به علت بار عاملی کم (۳۸ درصد) در مدل نهایی حذف شده است. به منظور تعیین و ارزیابی برازش کلی مدل استخراجی تحقیق - یا به عبارتی، آیا داده های تجربی مدل نظری تحقیق حاضر که بیان گر ارتباط میان ابعاد جهانی شدن و هویت اجتماعی است تأیید و پشتیبانی می کند یا نه - شاخص برازش به دست آمده از مدل در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج آزمون برازش کلی مدل

شاخص های برازش fitnessmeasure	مقدار محاسبه شده	دامنه مورد قبول	نتیجه
R2	۰/۲۰	سه مقدار ۰/۳۳/۱۹، ۰/۰ و ۰/۶۷ به عنوان مقادیر ملاک برای شدت رابطه ضعیف، متوسط و قوی وجود دارد.	تأیید شدت متوسط
f2	۰/۲۳	این معیار مقادیر ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را برای اندازه شدت کوچک به متوسط و بزرگ یک سازه بر سازه دیگر معرفی می کند.	تأیید شدت متوسط
q2	۰/۹۶	سه مقدار ۰/۱۵، ۰/۰۲ و ۰/۳۵ به ترتیب نشان از قدرت پیش بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه را دارد.	تأیید قدرت پیش بینی قوی

Gof	۰/۳۷	سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان ضعیف، متوسط و قوی	تأیید برازش بسیار مناسب مدل کلی
-----	------	--	---------------------------------------

نتایج جدول ۷ نشان می دهد که شاخص های R^2 ، f^2 و q^2 نیز بیان گر برازش بسیار خوب و قابل قبول مدل است. همچنین، برای بررسی برازش مدل کلی تنها یک معیار بنام Gof وجود دارد. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان ضعیف، متوسط و قوی برای Gof معرفی شده است. مقدار Gof برابر است با ۰/۳۷ که بیان گر این است که مدل کلی دارای برازش بسیار مناسبی است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف مطالعه تأثیر ابعاد جهانی شدن بر هویت اجتماعی جوانان شهر آبدانان صورت گرفته است. چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش بر گرفته از آرای گیدنز است. بر اساس نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای باز اندیشی، ازجاکندگی، میزان استفاده از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نوین، سبک زندگی، نحوه مدیریت بدن و تغییر شکل صمیمیت با متغیر وابسته هویت اجتماعی جوانان ارتباط معنادار وجود دارد.

هویت اجتماعی در بین پسران و دختران متفاوت است. نتایج این فرضیه با پژوهش ربانی و شیر (۱۳۸۸) هم خوانی دارد. اگر چه تفاوت های جنسیتی، امروزه تا حدودی کمرنگ شده است که این دیدگاه ها می تواند باعث برابری دو جنس در بسیاری از متغیرها، از جمله هویت اجتماعی شود. در استان ایلام به دلیل بهره مند بودن از شاخص های فرهنگی مناسب، زنان و به ویژه دختران جوان در عرصه اجتماعی حضور پر رنگی ندارند. بستر اجتماعی و جبرهای موجود در آن، در شکل گیری هویت اجتماعی افراد و باز تولید آن ها نقش مهمی دارد و هر اندازه این جبرهای محیطی - اجتماعی سست یا نیرومند باشد، به همان اندازه فرد در رابطه دو سویه، می تواند از مصالح موجود برای ساختن هویت اجتماعی خود بهره برداری کند. این حضور در کاهش هویت اجتماعی آن ها، تأثیر تعیین کننده ای دارد و باعث تفاوت هویت اجتماعی آن ها با پسران شده است. همچنین، صاحب نظران معتقدند که بیش ترین برداشت افراد از خود، به برداشت و تصور دیگران نسبت به آنان وابسته است. اگر نگرش دیگران در مورد فرد تغییر کند، برداشت او نیز از خودش تغییر خواهد نمود. هویت اجتماعی در جریان تجارب و فعالیت های اجتماعی شکل می گیرد. (گیدنز، ۱۳۷۷)

رابطه بین تحصیلات و هویت اجتماعی تأیید نشده است، چون در عصر جهانی شدن همه اقشار و افراد تحت تأثیر رسانه و وسایل ارتباط جمعی هستند و این وسایل نقش بارزی در میزان هویت اجتماعی افراد دارند. لذا تفاوتی بین افراد با تحصیلات بالا و پایین در میزان هویت اجتماعی وجود نداشته است. افزایش تحصیلات، احساس ارزشمندی و عزت نفس در افراد و امید آن ها را به یافتن شغل و در آمد مناسب افزایش نمی دهد، چون جایگاه و ارزش ویژه نظام آموزشی و تحصیلات کاهش پیدا کرده است. بنابراین بین تحصیلات و هویت اجتماعی رابطه وجود نداشته است.

بین متغیر باز اندیشی و هویت اجتماعی جوانان رابطه معناداری وجود دارد. نتایج همبستگی این ارتباط را تأیید کرد. باتوجه به نظریه گیدنز، در تحلیل این نتیجه می توان گفت که هویت اجتماعی هم مانند هویت شخصی در روند ساخت یابی، با توجه به موقعیت ها، شرایط و احوال و اوضاع اجتماعی، اقتصادی و خود آگاهی، شکل می گیرد.

بین دو متغیر از جاکندگی و هویت اجتماعی جوانان ارتباط معنادار وجود دارد. در این مورد با توجه به

چاقوب نظری گیدنز، می توان گفت هویت اجتماعی افراد براساس خودآگاهی و هم تحت تأثیر شرایط و موقعیت های اجتماعی در زمان و مکان شکل می گیرد.

از بین ابعاد جهانی شدن، بر اساس نتایج همبستگی، بین میزان استفاده از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نوین با هویت اجتماعی جوانان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. گیدنز، بر نقش رسانه ها در فرایند تکمیل هویت تأکید می کند و وسایل ارتباط جمعی مدرن فراملی را ابزار بسط و گسترش مدرنیته به تمام دنیا در نظر می گیرد که توانسته اند با تسهیل و رواج روز افزون ارتباطات فردی و گروهی، فضای جهانی را متحول کنند و مرزهای زمانی و مکانی را در عصر مدرن در نوردند، اما شکسته شدن این حصار های زمانی و مکانی هویت را در ابعاد فردی و جمعی به چالش کشیده است. نتایج این فرضیه با پژوهش ادیبی و همکاران (۱۳۸۷)، احمدی و همکاران (۱۳۸۹) و حسین زاده و شجراوی (۱۳۹۲) هم خوانی دارد.

بین نحوه مدیریت بدن و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. گیدنز در این مورد بیان می کند که ارتباط کاملی بین توسعه جسمانی و هویت اجتماعی جوانان به چشم می خورد. نظارت و مراقبت بدن را همچون دسته ای از اعمال اجتماعی و فرهنگی به منظور ایجاد تمایز بین گروه های اجتماعی می داند، نه صرفاً به مثابه راهی برای بیان تفاوت هایی که در نتیجه رشته ای خود مختار از عوامل اقتصادی که قبلاً به وجود آمده اند. همچنین، ارمکی و چاوشیان (۱۳۸۱) به این نتیجه دست یافته اند که شکل گیری هویت فردی و اجتماعی کنش گران بیش تر از طریق اهمیت دادن به حوزه مصرف، اهمیت بدن و کنترل آن شکل می گیرد. بین میزان تغییر شکل صمیمت و هویت اجتماعی جوانان رابطه وجود دارد. باتوجه به نظریه گیدنز، مدرنیته موجبات تغییر شکل صمیمیت و شکل جدیدی از روابط شخصی و دوستی را فراهم آورده است. در چنین وضعیتی، "رابطه" به عنوان ابزاری برای توسعه "خود" در نظر گرفته می شود.

با توجه به یافته های فوق، بین ابعاد جهانی شدن و هویت اجتماعی جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش مقدس و خواجه نوری (۱۳۸۴) و پژوهش توسلی و قاسمی (۱۳۸۳) هم خوانی دارد.

به طور کلی باید گفت که نتایج این پژوهش هم سو با انتظارات تئوریک تحقیق و در راستای نظریه گیدنز است و جهانی شدن با استفاده از باز اندیشی، از جاکندگی، میزان استفاده از فناوری اطلاعاتی و ارتباطی نوین، سبک زندگی، نحوه مدیریت بدن و تغییر شکل صمیمیت بشر امروزی، نقش تعیین کننده ای در بروز هویت اجتماعی جوانان دارد. امروزه بر اثر جهانی شدن، شاهد تغییرات ماهیت انسان و تغییر هویت اجتماعی او هستیم.

بر اساس یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که امواج مدرنیته و به تبع آن جهانی شدن، ساختار فرهنگی - اجتماعی جامعه آبدانان را هم تحت تأثیر خود قرار داده است. یافته های حاضر بر اساس نمونه ای از جوانان شهر آبدانان جمع آوری شده است و در تعمیم نتایج به سایر مناطق باید احتیاط لازم را به عمل آورد.

پیشنهاد های پژوهش

با توجه به یافته های این پژوهش، پیشنهاد های زیر ارائه می گردد:
از آنجایی که جهانی شدن فرآیندی در حال گسترش و نفوذ در جامعه ایرانی و تأثیرگذار بر جوانان است، باید با این فرآیند فعالانه رو به رو شد و تلاش کرد تا خطرات و آسیب های منفی آن را به حداقل رساند.
فرآیند جهانی شدن از راه شبکه های اجتماعی بر افراد تأثیرگذار است. پس باید با مهندسی فرهنگی و

درخور و تشکیل انجمن های گوناگون جوانان به گونه ای فعال اطلاعات و پیام های آن را کند و کاو نمود و جوانان را به سود و زیان های آن آگاه کرد.

رسانه های نوین به عنوان یکی از ابعاد مهم جهانی شدن مؤثر بر هویت اجتماعی جوانان است. پس با نگرش ناتوانی کشورها از کنترل کاربرد این ابزارها و همچنین نیاز به بهره مندی از آن ها، باید راه کارهایی اندیشید که در کنار کاهش خطرات، فرصت هایی مناسب برای کاربرد بهینه ی آن ها پدید آید.

از آن جا که جهانی شدن در دوره کنونی ایران باعث اختلال در هویت اجتماعی جوانان می شود، باید با سازوکارهای فرهنگی - علمی به تقویت هویت اجتماعی جوانان پرداخت.

با توجه به این که روش این پژوهش از نوع کمی بوده، پیشنهاد می شود در پژوهش های بعد از روش کیفی استفاده شود.

منابع

- احمدی، حبیب؛ هاشمی، سمیه و روحانی، علی. (۱۳۸۸). "اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه-شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران". فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه. شماره ۴، ۳۲ - ۶۰.
- ادیبی، مهدی؛ یزدخواستی، بهجت و فرهمند، مهناز. (۱۳۷۸). "جهانی شدن فرهنگ با تأکید بر هویت اجتماعی جوانان شهر اصفهان". فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۳۵، ۹۹-۱۱۳.
- آزاد ارمکی، تقی و چاووشیان، حسن. (۱۳۸۱). "بدن به مثابه رسانه هویت". مجله جامعه شناسی ایران. شماره ۴، ۵۷-۷۵.
- بهاء‌الدینی، حسین. (۱۳۸۴). "ملیت در جهان بی هویت". حجت رسولی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- تاملینسون، جان. (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ. محسن حکیمی. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی
- توسلی، غلام عباس و قاسمی، یارمحمد. (۱۳۸۳). "هویت های جمعی و جهانی شدن". فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۲۴، ۱-۲۶.
- جمعه زاده، جواد و محمود اوعظی، رضا. (۱۳۹۰). "رسانه و برسازی هویت اجتماعی پسامدرن". فصلنامه پژوهش های ارتباطی. شماره ۳، ۱۲۰-۱۴۶.
- حسین زاده، علی حسین و شجراوی، محمد. (۱۳۹۲). "بررسی تاثیر میزان و نوع استفاده از ماهواره بر هویت اجتماعی، دینی و ملی نوجوانان". فصلنامه دانش انتظامی استان خوزستان. شماره ۵، ۱۳ - ۳۲.
- خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۵). "بررسی رابطه مولفه های جهانی شدن و مشارکت اجتماعی زنان، مطالعه موردی: تهران، شیراز و استهبان". پایان نامه دکتری، رشته جامعه شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۶). "تأثیر فرایند جهانی شدن بر تقسیم کار خانگی، نمونه مورد مطالعه: زنان متاهل در شهر های شیراز، تهران و استهبان". مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۲، ۱-۲۳.
- خواجه نوری، بیژن و ریاحی، زهرا. (۱۳۹۲). "جهانی شدن، دنیاگرایی و زنان؛ مورد مطالعه: تهران، شیراز و استهبان". مجله جهانی رسانه. شماره ۱، ۲۱-۴۷.
- خواجه نوری، بیژن و دلاور، مریم السادات. (۱۳۹۱). "عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز، با تأکید بر فرایند جهانی شدن". مجله جامعه شناسی کاربردی. شماره ۴۶، ۶۴-۶۸.
- خواجه نوری، بیژن؛ پرنبان، لیلا و همت، صغری. (۱۳۹۲). «جهانی شدن فرهنگ و نگرش مردان به نقش زنان». نشریه زن در فرنگ و هنر. شماره ۱، ۹۵-۱۱۷.
- ربانی، علی و شبیری، حامد. (۱۳۸۸). "اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه-شناختی الگوهای گذراناوقات فراغت جوانان در تهران". فصلنامه تحقیقات فرهنگی. شماره ۸، ۲۴۲-۲۰۹.
- رفعت جاه، مریم و وفادار، زینب. (۱۳۹۳). "سبک زندگی و نسبت آن با هویت دینی". فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی. شماره ۲، ۱۳۷-۱۱۳.
- سفیری، خدیجه ونعمت الهی، زهرا. (۱۳۹۱). "رابطه ابزارهای جهانی شدن و هویت دینی". فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. شماره ۱، ۷۰-۳۹.
- عنایت، حلیمه و موحد، مجید. (۱۳۸۳). "زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن".

پژوهش زنان. دوره دوم، شماره ۲، ۱۶۶-۱۵۵.

- فاضلی، محمد و (۱۳۸۲). **مصرف و سبک زندگی**. قم: صبح صادق
- قاسمی، یارمحمد؛ سپیدنامه، بهروز و قیصریان، اسحاق. (۱۳۹۳). **"بررسی میزان انواع سه گانه سرمایه اجتماعی"**. مجله مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی. شماره ۹۰، ۳-۶۱.
- قائم، مهدی و نورایی نژاد، مریم. (۱۳۸۹). **"مطالعه کیفی نقش اینترنت در زندگی فردی و حرفه‌ای زنان متخصص اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران"**. زن در توسعه و سیاست. شماره ۳، ۵۵-۳۱.
- گرامیان نیک، محمد و جلالی پور، حمید رضا. (۱۳۸۸). **"رابطه ناب و تغییر شکل صمیمیت و دوستی در بین جوانان"**. پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه شناسی، دانشگاه تهران.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۳). **"گفتمان‌های هویت‌ساز در عصر جهانی‌شدن"**. در مجموعه مقالات همایش هویت ملی و جهانی‌شدن. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی: دانشگاه تهران، ۸۴-۶۱.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). **فراسوی چپ و راست**. محسن ثلاثی. چاپ اول، تهران: انتشارات علمی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۳). **تجدد و تشخیص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)**. ناصر موفقیان.

تهران: نشر نی

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). **جامعه‌شناسی**. منوچهر صبوری. تهران: نشر نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). **پیامدهای مدرنیت**. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). **جهان رها شده**. علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب. تهران: انتشارات علم و ادب
- مصطفوی، سید محمد حسن. (۱۳۹۰). **"جهانی‌شدن و فرهنگ با نگاهی به اثرات آن بر جوانان ایران اسلامی"**. ماهنامه مهندسی فرهنگی. شماره ۵۴، ۴۳-۲۶.
- معید فر، سعید و صبوری خسرو شاهی، حبیب. (۱۳۹۰). **"تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی"**. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۷، ۹۷-۶۷.
- مقدس، علی اصغر و خواجه نوری، بیژن. (۱۳۸۴). **"جهانی‌شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان، بررسی موردی دو شهر شیراز و استهبان"**. مجله مطالعات زنان. شماره ۳۲، ۷-۵.
- مهرمند، احد؛ احمدی، حسین؛ عزیزی نژاد، بهاره و ماندگار، علی. (۱۳۸۸). **"بررسی جامعه شناختی میزان رابطه هویت ملی و هویت قومی در بیت جوانان آذری زبان شهر ارومیه"**. فصلنامه مطالعات اجتماعی. شماره ۱۱۲، ۱۱۰-۹۰.

- Brown, R. (1985). **"Social Identity"**. In, Adam and Jessica Kuppre (eds) the social Science Encyclopedia. London: R. K. P.
- Dedeoyle, AylaOzhan, Ustundag, lif. (2011). **"Consumers life style, social Identity and consumption practices in the context of communities of practice"**. Journal Business and Economic, Vol 2, No 2, p.p 23 – 40.
- Grogan, S. (1992). **Body Image: Understanding Body dissatisfaction in men, woman and children**. London: Routledge.
- Gross, N. (2002). **"Intimacy as a double edge phenomenon? An empirical teat of Giddens"**. Journal of Social Forces, Vol. 81, No 2, pp 531.
- Hargreaves, D, Tiggemann, M. (2006). **"Body Image is for Girls : A qualitative Study of Boys Body Image"**. Journal of Health Psychology, Vol 11(4): 667 – 576.
- Helsper, E. J. (2010). **"Gendered Internet Use Across Generations and Life**

Stages". Communication Research, Vol: 37. No:3. Pp 352- 374.

- Hogg, M. A. & Abrams, D. (1988). **Social Identification: A Social Psychology of Inter group Relations and group process**. London: Routledge.
- Javadi, A. & Javadi, M. (2008). **"National identity and Globalization: A survey among undergraduate students in Islamabad and Gilanegharb cities (Iran)"**. Informacijos Mokslai. 45. ISSN 1392 –1406.
- Jenkins R. (1996). **Social identity**. London and New York: third edition, Routledge, Taylor & Francis group.
- Liber, J.R, & Weisberg, E. R. (2002). **"Globalization, Culture and Identities in Crisis"**. International Journal of Politics. Culture and Society, Vol 16(2): 273 – 296.
- Marcia, J. E. (2002). **"Adolescence, Identity and the Bernardone family"**. Journal of marriage and the family, Vol 2, No 3, p.p 199 – 209.
- Mashhadi, Jila. (2011). **"Internet and its Impact on social Identity"**. Journal world Academy of science Engineering and Technology, VOL 57.P.p 271 – 274.
- Sarrafzadegan, N., Kelishadi, R., et al. (2009). **"do life style interventions work in developing countries? Finding from the isfahan healthy heart program in the islamic republic of Iran"**. Bull world health organ , vol. 87, pp. 33-50.
- Thomas, J.C. (2006). **"Administrative, faculty, and staff perceptions of organizational climate and commitment in christian higher education"**. A Thesis of university.
- Tomlison, M. (2003). **"life style and social class"**. European sociological review, Vol.19.no.1, 97-111.



موانع و محدودیت های ساختاری تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال

سمیرا وکیل ها^۱
سید یعقوب موسوی^۲
فرح ترکمان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱۳

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که موانع و محدودیت های تعهد به اخلاق شهروندی را با هدف شناخت موانع عمده ساختاری (عینی - ذهنی) در ابعاد (عملی - نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال در شهر تهران مورد مطالعه قرار داده است؛ اینکه آیا محدودیت های ساختاری (عینی ذهنی) در ابعاد (عملی، نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان تهرانی تاثیر دارد یا خیر سوال اصلی تحقیق حاضر است. در چارچوب نظری این تحقیق از نظریه های پارسونز برای تبیین متغیر مستقل (موانع و محدودیت های ساختاری) واز نظریه دورکیم، گیدنز و هابرماس برای تبیین متغیر وابسته (تعهد به اخلاق شهروندی) استفاده شده است. این تحقیق به روش پیمایش و گردآوری داده ها با ابزار پرسشنامه (محقق ساخته) صورت گرفته است. حجم نمونه با روش نمونه گیری تصادفی به دست آمده است؛ به این ترتیب که پس از تقسیم تهران به مناطق مختلف با نمونه گیری خوشه ای و تصادفی، با پاسخگویان مصاحبه و اطلاعات مورد نیاز گردآوری شد. جامعه آماری تحقیق، شهروندان ۱۸ تا ۲۹ ساله تهرانی می باشند. فرضیات با آزمون های آماره ای پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج

۱. دانشجوی دکتری رشته جامعه شناسی، گرایش بررسی مسایل اجتماعی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: vakilhas@gmail.com

۲. دانشیار، دکتری جامعه شناسی، عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۳. استادیار، دکتری جامعه شناسی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران

تحقیق حاکی از این است که محدودیت های ساختاری در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی و زیستی با تعهد به اخلاق شهروندی رابطه دارند و نظام فرهنگی بیشترین تاثیر محدودکننده را بر متغیر وابسته تعهد به اخلاق شهروندی اعمال می کند. به طور کلی، در تحقیق حاضر مسئله اصلی یعنی موانع و محدودیت های ساختاری در تعهد به اخلاق شهروندی بر حسب تئوری های اجیل پارسونز قابل تبیین می باشد. همچنین، بر اساس تئوری هابرماس، گیدنز، دورکیم و پوپر تاثیر محدودیت های ساختاری بر تعهد به اخلاق شهروندی قابلیت تبیین دارد.

واژگان کلیدی: اخلاق شهروندی، نظام اجتماعی، نظام فرهنگی، نظام شخصیتی و نظام زیستی

مقدمه و بیان مسئله

اخلاق شهروندی، یکی از مصادیق و پیامدهای توسعه یافتگی در ساختار جوامع مدرن است که مطالعه آن پیش نیازهای قابل توجه و بررسی را در ابعاد مختلف ساختاری و نیز کنشگران اجتماعی می طلبد. به نظر بسیاری از جامعه شناسان، اخلاق یک امر اعتباری، ثانویه و وضعیت دومین در جامعه است. اخلاق، متغیری است که هم به شکل مستقل و مهم وابسته قابل تبیین است. به عبارت دیگر، اخلاق شهروندی آن دسته از هنجارها و ارزش هایی هستند که به اقتضای فضا و کالبد و روابط متقابلی که در شهرها وجود دارد، معنا و ارزش پیدا می کنند. بنابراین مقصود ما از اخلاق شهروندی، آن دسته از هنجارها و ارزش هایی است که در قالب زندگی شهری و حقوق و وظایفی که شهروندان در قبال یکدیگر دارند، تعریف می شوند. در این تحقیق، اخلاق شهروندی به عنوان یک متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.

از آنجا که اخلاق شهروندی برآیندی از توسعه نظریه شهروندی است و این ایده، از آن منظر که حاکی از رابطه متقابل میان فرد و اجتماع است، پیوندی اساسی بین فرد و جامعه را نمایان می سازد. علاوه بر حقوق، بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد و از این رو، یک ایده دو جانبه و اجتماعی تلقی می شود (فالكس، ۱۳۹۰: ۱۴). از طرفی، شهروندی اگر به صورت منش و عادت واره شکل گیرد و توسعه داده شود، به عنوان سبک زندگی می تواند افراد جامعه را در سایه مسئولیت پذیری شهری، قانون مند بودن، هنجارپذیری از الگوهای شهرنشینی که مجموعه ای از هنجارها و ارزش های انعطاف پذیر است، به وحدت برساند. شهروندی در مرحله اول باید بر اساس شناخت هایی حداقل از تاریخ و محیط پی ریزی شود. در مرحله بعد فرهنگ شهروندی تحصیل قواعد یک سلوک دموکراتیک حقیقی چه از لحاظ رفتار و چه از نظر ارزش های اخلاقی است. سوم اینکه اهمیت بنیادی در این حوزه، سطح اخلاق مدنی است که ناشی از همان وحدت و اهمیت ویژگی های قبل و تکلیف مدارانه است (ترکمان، ۱۳۹۲). شایان ذکر است برای آنکه شهروندی از معنا و جوهره واقعی برخوردار باشد، نباید به رفتار خودسرانه اجازه بروز بدهد- در این صورت شهروندان باید بر مبنای معیارهای عینی و شفاف مورد قضاوت قرار بگیرند (Williams, 1997: 69-59).

نبود اخلاق در اشکال مختلف کم و بیش قابل مشاهده است و در سال های اخیر مورد نقد و بررسی محققان قرار گرفته است. خصایصی چون: احساس بی هنجاری در میان شهروندان، عدم احساس نظارت و کنترل، بی اعتمادی به نهادهای انضباطی و احساس عدم قطعیت قانون از جمله مصادیق عدم شکل گیری اخلاق شهروندی است. شواهد حکایت از آن دارد که بخشی از خلق و خوی های ایرانی نیز بحث انگیز بوده است. بر اساس پیمایش ملی سال ۱۳۸۲، ۹۵/۷٪ از پاسخگویان به درجات مختلف موافق بودند که خلیات ایرانی مشکل دارد (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۹). حدود ۸۸ درصد از مردم معتقدند فاصله طبقاتی روز به روز در جامعه بیش تر می شود. ۷۱ درصد معتقدند در جامعه ایران توانایی و شایستگی های فردی برای به دست آوردن شغل اهمیتی ندارد، بلکه پارتی و شانس ضرورت دارد. ۸۱ درصد معتقدند نداشتن پول و پارتی باعث ضایع شدن حقوق فردی می شود. ۵۹ درصد از پاسخگویان از کمبایی صداقت و راستگویی نگران بودند. ۴۹ درصد به کمبایی به قول و قرار معتقد بودند و ۶۸ درصد به دورویی و تظاهر اذعان داشتند (دفتر طرح های ملی، ۱۳۸۲). از آنجا که صفات یک ملت ذاتی نیست، بلکه ناشی از زندگی جمعی است و با تغییر اوضاع در سطوح مختلف، بهتر یا بدتر می شود، لذا نمی توان یک یا چند منش را به همه ایرانیان تعمیم داد، چرا که خرده فرهنگ هایی هم از درون لایه های اجتماعی بر می خیزد که از منش پایدار و مسلط تبعیت کامل نمی کند (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۲۷). این امر نشان دهنده آن است که ساختار یک جامعه با تغییرات ناشی از مدرنیته، در معرض چالش های قابل ملاحظه ای قرار دارد که می تواند توجیه کننده انحطاط اخلاقی و عدم نهادینه شدن

اخلاق شهروندی باشد. بدیهی است این معضل دامنگیر شهرهای بزرگی چون شهر تهران است که هم گام با شکل گیری نظام های مدرن، قواعد اخلاق و هنجارهای مرتبط با نظام شهروندی در آن نهادینه نشده است. بنابراین می توان اذعان داشت تهران شهری است متناقض با مظاهر مدرن و رفتارهای نامنسجم، غیر قاعده مند و نابهنجارساز (کاظمی، رضایی، ۱۳۸۸)؛ به طوری که بحران تعهدات اخلاقی در این کلانشهر به صورت دغدغه و مسئله قابل توجهی مطرح شده است و طبق نتایج حاصل از مطالعات مقدماتی و پیشینه تحقیق، این قلمرو و علل و پیامد آن با آنچه که در سطح سایر شهرها وجود دارد، متفاوت است. امروزه، زندگی شهری با رعایت قوانین، ارتباطات و تعاملات تعریف می شود و هر گونه خطایی در این آداب و قوانین سبب ایجاد تنش ها و ناراحتی ها و سردرگمی ها می شود. لازمه حل مسائل شهری، بحران های شهرنشینی و اصلاح رفتار شهروندان، وجود یک فرهنگ و اخلاق مناسب شهروندی و شهرنشینی است که این مقولات جزو پایه های اساسی و دائم شهرنشینی می باشند؛ به گونه ای که همه اجزای یک زندگی شهری باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ سعی کنند تعادل لازم را به وجود آورند. پس نکته اساسی در تبیین بعد اخلاق شهروندی این است که نمی توان شهروندی را صرفاً از منظر حقوقی و قانون یا صرفاً از منظر رابطه شهروند و دولت بررسی کرد (فاضلی، ۱۳۸۶).

بر اساس تجربیات تحقیقی به دست می آید که استقرار، ثبات، رشد و توسعه جامعه صرفاً بر پایه مادیات یا قوانین خشک حقوقی و یا روابط اقتصادی مبتنی بر فردگرایی و سود و زیان فردی شکل نمی گیرد، بلکه سست بودن مشارکت و اخلاق شهروندی فضای جامعه و شهرها را خصمانه و پر ستیزه می نماید و بازتاب آن می تواند بی هنجاری دوران معاصر باشد که نیازها و آرزوها از قید فشارهای اخلاقی رها شده است؛ آن چنان که برایشان نقطه ثابتی بجا نمانده است (گیدنز، ۱۹۷۸: ۴۰). درچنین دورانی که حاکی از آشفتگی اجتماعی است، قواعد اخلاقی که معمولاً فعالیت های اجتماعی افراد را به نظم در می آورد، تحت فشار قرار می گیرد و چیرگی خود را از دست می دهد (گیدنز، ۱۹۷۸: ۴۰). داده های حاصل از پژوهش هایی چون: خلیقات ما ایرانیان (فرستخواه، ۱۳۹۴)، بررسی فرهنگ شهروندی (هاشمیان فر و عجمی، ۱۳۹۱)، اخلاق شهروندی (ذکایی، ۱۳۹۱) و موارد دیگر که در پیشینه مطالعاتی این پژوهش به شرح آمده است، نشان می دهند که آگاهی به اخلاق و رفتار منطبق بر اخلاق شهروندی در جامعه ایران محقق نشده و یا با موانع ساختاری در ابعاد ذهنی و عینی در نهادینه شدن مواجه بوده است. وقتی زبان، فرهنگ، اخلاق و عادات طبقات اجتماعی ناهمگون باشد، کارگزاران در جذب توده های مردم و اکثریت قاطع ملت، زبان مشترک و فرهنگ واحد ندارند. در نتیجه، توان جلب اعتماد آنان را نخواهند داشت. اصولاً راز عدم توانایی روشنفکران در ایجاد یک انقلاب مردمی در ایران و بسیاری از کشورهای جهان، نبودن فرهنگ و زبان مشترک بین مدعیان روشنفکری غرب گرایان و توده های مردم است (فرهنگ کوثر، ۱۳۷۸). لذا شناخت جایگاه موانع ساختاری در عدم تحقق اخلاق شهروندی و مدرن در جوانان که سرمایه های انسانی و فرهنگی و ملی محسوب می شوند، موضوع اصلی این پژوهش قرار دارد.

اهداف و سوالات پژوهش

با در نظر گرفتن ملاحظات فوق، هدف کلی پژوهش حاضر عبارت است از:

- شناسایی موانع عمده ساختاری تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان ۱۸ سال تا ۲۹ سال در شهر تهران؛
- شناسایی رابطه محدودیت های ساختاری با تعهد به اخلاق شهروندی در جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال در

شهر تهران؛

- شناسایی رابطه ساختار های فرهنگی و اجتماعی با تعهد به اخلاق شهروندی در بین جوانان. اگر بخواهیم اهداف این تحقیق را به سوالاتی تبدیل کنیم یا مسئله ای تحقیقی را از آن استنباط کنیم می توانیم بگوییم: آیا محدودیت های ساختاری ذهنی (ابعاد فرهنگی - ارزشی) در ابعاد (عملی، نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی در بین شهروندان تهرانی تاثیر دارد؟ آیا ساختار های عینی نظام شخصیتی، در ابعاد (عملی، نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی جوانان تهرانی تاثیر دارد؟ آیا بین ساختار های عینی نظام زیستی (نظام اقتصادی)، نظام شخصیتی و نظام اجتماعی در ابعاد (عملی، نگرشی و ارزشی) تعهد به اخلاق شهروندی در جوانان تهرانی تاثیر دارد؟

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

- بین محدودیت های ساختاری (عینی و ذهنی) و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- بین نظام اجتماعی و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نظام فرهنگی و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نظام شخصیتی و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) جوانان رابطه معناداری وجود دارد.
- بین نظام زیستی (نظام اقتصادی) و میزان تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) رابطه معناداری وجود دارد.

مبانی و چارچوب نظری

وسعت و پیچیدگی دنیای انسانی، انبوهی اطلاعات در جهان کنونی، آدمی را با واقعیت های متفاوتی روبرو می نمایند که شناخت بخشی از این پدیده های خاص نیازمند چارچوب نظری مشخصی می باشد تا محقق از زاویه ای خاص به شناخت و تبیین واقعیت ها بپردازد و از سردرگمی رهایی یابد. ارزش یک چارچوب نظری در این است که محقق با استفاده از آن، فرضیه ها و سوال تحقیق را در ذهن خود ساختار بندی می کند، زیرا که نتایج تحقیق وقتی آسانتر سازماندهی، تحلیل و توصیف می شوند که با یک چارچوب نظری سازگاری داشته باشند. به همین جهت از آنجا که این پژوهش نیز از جمله تحقیقات توصیفی - تحلیلی است، نیاز به یک چارچوب تئوریک خاص دارد که فرضیات تحقیق بر مبنای آن طراحی شوند. با وجود سعی و تلاش فراوانی که بخش های گوناگون جامعه در اجتماعی کردن اعضای خود به کار می گیرند، اما گاهی اوقات، افراد از پذیرش ارزش ها و چارچوب های جامعه امتناع می کنند و یا برخلاف آن عمل می کنند. در این صورت، جامعه دچار بی هنجاری می شود و در انتقال ارزش ها و عناصر فرهنگی به اعضای خود دچار مشکل می گردد. از جمله مکاتبی که در جامعه شناسی به موضوع اخلاق شهروندی پرداخته اند، می توان به مکتب لیبرالیسم با تاکید بر حقوق، مکتب اجتماع گرایان با تکیه بر مسئولیت ها، تئوری های تعادل بین حقوق و مسئولیت ها

(جمهوری خواهان مدنی) و پست مدرن میشل فوکو اشاره کرد که همگی اشاراتی به محدودیت ها و موانع ساختاری اخلاق شهروندی دارند، اما در این تحقیق با تکیه بر نظریه پارسونز چارچوب نظری ارائه می گردد. دورکیم بر نوع خاصی از اخلاق مدنی تاکید داشت. اخلاق شهروندی و مدنی که در شهرهای مدرن پدید می آید، بر شکل ویژه ای از فردگرایی مبتنی است. از نظر هابرماس، برای مدت های طولانی شهروندی تنها به معنای عضویت سیاسی بوده، لیکن امروزه دارای معنای خاص در حقوق مدنی است. برطبق آن، ضرورت توجه به افراد دیگر و شناخت منافع مشروع آنها به اندازه تعهد نسبت به جامعه مشترک در حقوق و وظایف تجسم یافته است. در این راستا، هابرماس معتقد است باورهای اخلاقی افراد تنها در جوامعی رشد خواهد یافت که هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند و اتفاق نظر درباره ارزش ها و هنجارهای اجتماعی بر عقلانیت ارتباطی مبتنی باشد. بنا بر نظریه هابرماس باید امکان گفت و گوی آزاد و خردمندانه به دور از سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه مدنی به وجود آید. در حوزه عمومی، امکان بروز و تجلی خودیابی فراهم شود و فرد هویت خود را پیدا کند و به واسطه خودیابی، گفتمان و ارتباط آزاد و دور از سلطه شکل گیرد. در این شرایط افراد با برون ریزی ذهنیت ها و عقاید و برخورد میان آنها به وفاق نسبی ارزش ها و هنجارها دست می یابند. (عبداللهی، ۱۳۸۰)

وجود مکانیزم های جامعه پذیری (اعم از: نهاد خانواده/ گروه دوستان/ سیستم های آموزشی و تربیتی/ سازمان های اجتماعی/ رسانه های گروهی) و نیز مکانیزم های کنترل و فشار اجتماعی (اعم از: کنترل درونی/ کنترل بیرونی) با هماهنگی و برنامه ریزی منطقی و عقلایی، برای درونی شدن نگرش شهروندان به شهروندی گفتگویی، لازم و ضروری است.

از مهم ترین موضوعات تحقیق و مطالعه پارسونز، پدیده شهروندی است. دیدگاه های وی درباره شهروندی از کارها و اندیشه های تی. اچ. مارشال تأثیر پذیرفته است. پارسونز برای عناصر فرهنگی و اجتماعی در شکل گیری سیاست و اقتصاد نقش عمده ای قائل بود و در ترویج مکتب "کارکردگرایی ساختی" تلاش بسیاری کرد. در این پژوهش به دلیل مطالعه ساختاری های محدودکننده در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از نظریه اجیل پارسونز در تبیین متغیر مستقل (محدودیت ها و موانع ساختاری) استفاده شده است.

تئوری کارکردگرایی ساختی، از یک سو کارکردها و نتایج پدیده های اجتماعی را مورد توجه قرار می دهد و از سوی دیگر، بر رابطه پایدار و تداوم بین عناصر جامعه و کل نظام اجتماعی ناظر است. هر ساخت که از روابط ثابت و پایدار تشکیل می شود، با یک سلسله کارکردها در نظام اجتماعی تناسب دارد. بنابراین، کارکردگرایی ساختی از دو منبع الهام می گیرد: یکی کارکردگرایی ای که جامعه را دارای عناصری که هر یک در جای خود و به خوبی کار می کنند و در کل نظام ضرورت دارند، تلقی می کند و دیگری ساختارگرایی ای که در آن پدیده های اجتماعی از طریق کیفیت ساخت جامعه تحلیل می شود. در این حالت، اجزای مجموعه به واسطه عامل ساختی در اتصال و ارتباط پیوسته و پنهانی هستند. کارکردگرایی ساختی، شرط دوام نظام اجتماعی را در تامین کارکردهای اساسی جامعه می داند و هر ساخت نیز بر حسب ضرورت های کارکردی نظام اجتماعی تعیین و تشکیل می یابد. شهروند، کسی است که خود را به عنوان یک مؤلفه ساختاری در شهر تعریف کرده است. بین تمام ابعاد مادی و غیرمادی، انسانی و غیرانسانی کلانشهر، نوعی پیوند هستی شناسانه وجود دارد. شهر مجموعه ای از تخیل ها و تراکم سرمایه ها قلمداد می شود. دیدگاه ساختاری می گوید شرط این که شهروندان مسئولانه و مشارکت جویانه اخلاق شهروندی را به منصه ظهور رسانند و حقوق را رعایت کنند و در ساختاری به نام کلانشهر، روابط انسانی سالم ایجاد نمایند، این است که ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تغییر دهیم؛ مثلاً احساس اجحاف را در نظام مدیریتی و سازمانی از بین ببریم، ساختار سیاسی مبتنی بر نوعی نگاه منصفانه و شایسته سالارانه باشد، ساختار اجتماعی دگرگون شود، قوانین حقوقی اصلاح

شود، عدالت و آزادی تحقق یابد، فرصت‌های اقتصادی بیشتر شود و بعد به سراغ تغییر رفتار شهروندی برویم. این رویکرد، کمابیش امکان تغییر در شهروندان را پیش از تغییر در ساختارها، امکان پذیر و پایدار نمی‌داند. ساختار اجتماعی، به روابط و مناسبات نسبتاً ثابت و تقریباً پایداری می‌گویند که میان افراد یا گروه‌های اجتماعی یک جامعه که تحت مجموعه مشترکی از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی گرد آمده‌اند، برقرار باشد. در واقع، ساختار اجتماعی مجموعه روابط و پیوندهایی است که میان افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف یک جامعه برقرار است و نهادها و رفتارهای اجتماعی یا فرهنگی در آن جامعه براساس این روابط ترتیب و تنظیم می‌یابد. بعلاوه، ساختار اجتماعی دارای عناصری است که مهمترین آن عبارت است از: پایگاه‌ها، نقش‌ها، گروه‌ها و نهادها. اما باید در نظر داشت که این ساختارها در طی یک فرایند تاریخی شکل گرفته‌اند و به راحتی قابل تغییر نیستند. ریشه‌های پنهان تاریخی و تمدنی ساختارها، در فرایندی تاریخی و در یک چشم‌انداز دور تغییر می‌یابند- ضمن این که تضمینی وجود ندارد با تغییر ساختارها، تغییر در ذهنیت‌ها و رفتارهای شهروندان اتفاق بیفتد.

۷۷

رفتار اجتماعی به عنوان کنش اجتماعی به مطالعه رابطه هدف و وسایل و نقش محیط در جامعه در شکل‌گیری کنش اجتماعی می‌پردازد. پارسونز ابتدا ارادی بودن کنش سپس دلایل انتخاب‌های متفاوت افراد را با توجه به محدودیت‌های محیطی و زیستی مورد بررسی قرار می‌دهد و آن‌گاه با تاکید بر اهمیت هنجارها و ارزش‌ها در تعیین اهداف و اعمال انسان‌ها به تبیین کنش اجتماعی می‌پردازد.

بخش مهمی از آثار پارسونز به تحلیل شخصیت، سیاست، اقتصاد و ارزش‌ها اختصاص دارد. نظریات او در چهار زمینه مطرح می‌شوند: الف- زمینه فرهنگی: (تعلیم و تربیت، درونی شدن ارزش‌ها، پایداری ارزش‌ها و درونی شدن کارکرد خانواده)؛ ب- زمینه اجتماعی: (اجتماعی شدن، انسجام، وحدت و هماهنگی)؛ ج- زمینه شخصیتی (مهارت‌های زندگی و آینده‌نگری)؛ د- زمینه زیستی: (رفع نیازها، آسایش و رفاه).

گرچه در واقع امر انسانی عملی واحد است، اما باید زمینه‌های عمل را به عنوان چهار سیستم فرهنگی (ارزش‌ها، زیستی/اقتصادی)، اجتماعی (جامعه‌پذیری) و روانی (شخصیتی) در نظر گرفت. این چهار سیستم در عین تمایز، دارای پیوستگی و تداخل هستند و می‌توان آنها را تحت یک سیستم عمومی تر که سیستم عمل است، قرار داد. ارتباط این سیستم‌ها به شکل افقی نیست، بلکه طوری رتبه‌بندی شده‌اند که سیستم فرهنگی، سیستم اجتماعی را کنترل می‌کند و به ترتیب سیستم اجتماعی، سیستم روانی را و سیستم روانی، سیستم سیاسی را. این رتبه‌بندی به لحاظ اطلاع، از بالا به پایین می‌باشد و از لحاظ نیرو، از پایین به بالا؛ یعنی، سیستم فرهنگی دارای بیشترین اطلاع و سیستم زیستی دارای بیشترین نیروست. در این رابطه، رتبه‌عالی‌تر، رتبه‌های پس از خود را کنترل می‌کند. عناصر فرهنگی که دارای خصیصه کلی هستند، از طریق نهادی شدن در قالب سیستم اجتماعی به شکل هنجار و قاعده در می‌آیند. به عنوان مثال، ارزش کلی عدالت (عنصر فرهنگی) در نظام قضایی نهادی می‌شود و در قالب سیستم اجتماعی تحقق عملی می‌یابد. ساخت همان نهادی شدن عناصر کلی فرهنگی است و دارای خصوصیات نسبتاً پایدار می‌باشد. عناصر نظام اجتماعی که دارای ثبات و دوام هستند به چهار دسته تقسیم می‌شوند: ارزش‌ها (جهت‌گیری مطلوب سیاست را مشخص می‌کنند)؛ هنجارها (الگوهای رفتار)؛ اجتماعات (برگرد ارزش‌ها و اندیشه‌ها شکل می‌گیرد) و نقش‌ها (اشکال عضویت و شرکت افراد در اجتماعات). (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۷۸) بدیهی است مجموعه این عوامل می‌تواند در شکل‌گیری و حتی جهت‌گیری کنش‌های اجتماعی از جمله اخلاق شهروندی (متغیر وابسته این پژوهش) نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. پارسونز الگوی نظری شهروندی را بر اساس نظام جامعه‌ای خود ارائه می‌دهد.

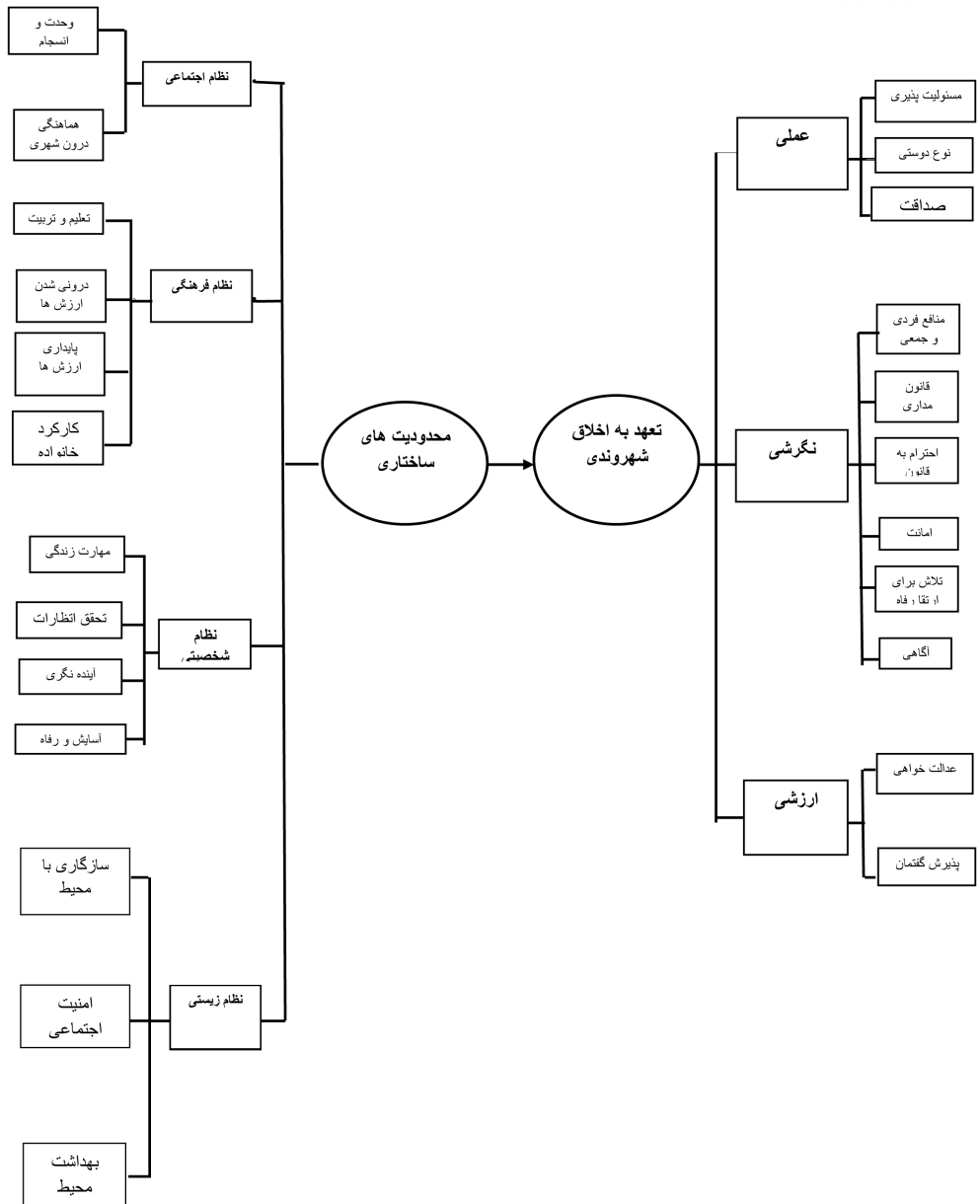
رابطه میان شهروندان و نظام‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی جامعه دو سویه است؛ به طوری که

طرفین ارتباط، نسبت به هم دارای حقوق و وظایف متقابل هستند. تاکید اصلی در این الگوی نظری بر نقش حقوق و وظایف شهروندی است که از مؤلفه های کلیدی در تعریف مفهوم شهروندی و نیز تکوین تاریخی شهروندی در جامعه مدرن است. نکته ای دیگر که در مباحث شهروندی حائز اهمیت است و پارسونز در خطوط تکاملی جوامع به آن اشاره کرده است، جامعه مدنی متشکل از انجمن ها، باشگاه ها، اتحادیه ها، احزاب و نظایر آن است که حائل و میانجی دولت و شهروندان محسوب می شود. شهروندی جزو لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن محسوب می شود که امکان مشارکت جمعی و داوطلبانه در تمام عرصه های اجتماعی را فراهم می سازد. در گسترش هنجارهای عام و جهانی، تحولات بر اساس متغیرهای الگویی به صورت بسط عام گرایی، فرد گرایی، بی طرفی عاطفی، روابط همه جانبه و گسترده منابع جمعی معیارهای اکتسابی و مساوات طلبی پدید می آید. به این ترتیب، شهروندی در نظریه پارسونز در ارتباط با نظام سرمایه داری جوامع مدرن معنا دار است. (نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۳)

نابرابری های اجتماعی امروز به صورت حاد مطرح است، زیرا فزونی گرفتن آگاهی های اجتماعی و فردی و اطلاع از وضع زندگی جوامع بشری در گذشته و حال و نیز امکان دورنگری، این توانایی را به انسان های امروزی داده است که به تحلیل نابرابری های فوق بپردازند و در رفع آن تلاش کنند (سیف اللهی، ۱۳۸۸: ۲۲۰). مسائل و مشکلات اجتماعی در ایران ریشه در ساختار نظام اجتماعی و روند و ماهیت توسعه اقتصادی- اجتماعی سده های گذشته به ویژه چند دهه اخیر ایران دارد. در واقع، مسایل و مشکلات اجتماعی کنونی ایران از حد مسایل اجتماعی عادی فراتر رفته و به صورت بحران های منطقه ای، جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی درآمده و نظام اجتماعی را در ابعاد گوناگون تضعیف و مورد تهدید قرار داده است (سیف اللهی، ۱۳۸۶: ۹۰). در مجموع می توان گفت شهروندی در معنای کامل کلمه، از نظر پارسونز نتیجه ظهور سرمایه داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است که بستر مناسبی برای رشد آن فراهم آوردند. از دید پارسونز، "شهروندی مدرن نیازمند یک عامل سیاسی است که دیگر با خاص گرایی های تولد، قدمت و جنسیت محدود و مقید نشود". (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۳)

پارسونز با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام گرایی، بی طرفی ارزشی، اکتساب و نیز جامعه مدنی مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی، تصویری از شهروندی به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی عرضه کرد. در مجموع، در طرح شهروندی وبری، دورکیمی و پارسونزی تاکید بر عقلانیت عرفی شده است، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمامی اعضای جامعه با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن است و از نوعی جهت گیری دموکراتیک و لیبرالی به معنای سیاسی آن برخوردار است. از دیدگاه پارسونز اجتماع جامعه ای، مقوله ای از تعهد اعضا به یکدیگر و جمعی است که در آن گرد آمده اند. برای به وجود آمدن چنین وضعیتی، ساختار انجمنی باید مطابق ارزش های مشترک جامعه باشد. در این صورت اعضا به یکدیگر تعهد پیدا می کنند، زیرا که ارزش های مشترک دارند و علائق و منافعشان با علائق و منافع دیگران در ارتباط است. سیستم اجتماعی پارسونز دارای چهار خرده نظام است که اعتماد اجتماعی، تابعی از کارکردهای اجتماعی هر یک از چهار خرده نظام فوق است که شامل کارکردهای انطباق و سازگاری، دستیابی به هدف، انسجام و همبستگی و نظم و در نهایت حفظ و نگهداشتن الگو می شود. از نظر پارسونز نمادهای اندیشه، تعهد، زور و پول در خرده نظام های چهارگانه ازحفاظان و پاسداران امنیت و نظم اجتماعی می باشند. در صورتی که در هر نظام اجتماعی نظام های کنش به وظایف خود عمل کنند، نظم اجتماعی همراه با امنیت و آرامش در جامعه برقرار می شود و تعهد به اخلاق شهروندی بیشتر می شود.

الگوی نظری پژوهش



روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش توصیفی و علی است. جمع آوری اطلاعات از طریق پیمایش با مراجعه مستقیم به خانه های مسکونی و مصاحبه با افراد ۱۸ تا ۲۹ ساله خانوارهای ساکن در شهر تهران صورت گرفته است. بنابراین، واحد مشاهده، فرد و سطح تحلیل، خرد است. از نظر زمانی، این پژوهش، مقطعی می باشد. همچنین، از آنجا که مطالعه روی جمعیتی وسیع (شهروندان تهرانی) صورت گرفته، میزان ژرفایی از نوع پنهانگر است و با در نظر گرفتن معیار کاربرد از نوع کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر که از آن نمونه ای نمایا و معرف به دست می آید، شامل کلیه جوانان خانوارهای ساکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۵ است که طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، ۲۵۹۷۷۳۱ خانوار می باشد. حجم نمونه ۷۱۸ نفر به دست آمد. ابزار گردآوری داده در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته می باشد که پس از بررسی اعتبار و قابلیت اعتماد، به کار گرفته شده است. برای آزمون فرضیات از آزمون پیرسون، رگرسیون و تحلیل مسیر جهت سنجش رابطه میان متغیرها استفاده شده است.

بررسی پایایی متغیر وابسته تعهد به اخلاق شهروندی

جدول ۱: میزان آلفا کرونباخ متغیر وابسته تعهد به اخلاق شهروندی

متغیر تعهد به اخلاق شهروندی	تعداد گویه	تعداد سوال	اندازه آلفا
عملی	۴	۱۱	۰/۸۰
نگرشی	۶	۱۲	۰/۷۸
ارزشی	۲	۶	۰/۷۶

بررسی پایایی متغیر مستقل محدودیت ها و موانع ساختاری

جدول ۲: میزان آلفا کرونباخ متغیر مستقل محدودیت ها و موانع ساختاری

موانع و محدودیت های ساختاری	تعداد گویه	تعداد سوال	اندازه آلفا
ساختار نظام اجتماعی	۵	۳۶	۰/۸۰
ساختار نظام فرهنگی	۴	۶	۰/۷۸
ساختار نظام شخصیتی	۳	۱۳	۰/۸۴
ساختار نظام زیستی	۴	۶	۰/۷۴

شاخص های تعهد اخلاقی شهروندی

تعهد به اخلاق شهروندی در ۳ بعد عملی، نگرشی و ارزشی مورد سنجش قرار گرفته است که در بعد عملی، مولفه های مسئولیت پذیری، نوع دوستی و صداقت، در بعد نگرشی مولفه های منافع فردی و جمعی، قانون مداری، احترام به قوانین، امانت داری، تلاش برای ارتقای رفاه و آگاهی و در بعد ارزشی مولفه های برابری خواهی و پذیرش گفتمان و نفی خشونت مورد مطالعه قرار گرفته است.

شاخص های موانع و محدودیت های ساختاری

نظام اجتماعی

مشکل است از عناصری که حاصل بازتولید ذهن کنشگران هستند و به محض تولید، قواعد جبر گرای زیستی را بر کنشگران تحمیل می کنند و بدین سان آزادی عمل و انتخاب و اراده کنشگر را در حد مرزهای ارزشی- اعتقادی شایع خود محصور می نمایند. این مرزهای محدودیت زا که اغلب موانع شکوفایی و تغییرات اجتماعی هستند، به عنوان شاخص های نظام اجتماعی مطرح می شوند که عبارت اند از: وحدت و انسجام و هماهنگی درون شهری.

وحدت و انسجام (ارزش های مشترک اجتماعی، ارزش های مشترک فرهنگی و ارزش های مشترک سیاسی)

ارزش های مشترک اجتماعی (تعامل، همنوایی و اعتماد)
ارزش های مشترک فرهنگی (هماندگرایی فرهنگی، آمیختگی فرهنگی و مذهب)
ارزش های مشترک سیاسی (آزادی، مشارکت و عدالت)
هماهنگی درون شهری (هنجارهای اجتماعی و خرده فرهنگ قومیتی)
هنجارهای اجتماعی (آداب و سنن و منزلت اجتماعی)
خرده فرهنگ قومیتی (مناسبات قومیتی و باور به اصالت هویت قومیتی)

نظام فرهنگی

پارسونز نظام فرهنگی را نظام الگو دار و سامانمندی از نمادها می داند که هدف های جهت گیری کنشگران، جنبه های ملکه ذهن شده نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را در بر می گیرد. قابلیت انتقال و اشاعه فرهنگ از نظامی به نظام دیگر، از خصلت نمادین ذهنی فرهنگ ناشی می شود. پارسونز به این نتیجه می رسد که معیارهای اخلاقی همان "شگردهای یکپارچه کننده و حاکم بر نظام کنش" می باشند. در نظریه پارسونز، فرهنگ یک نظام مسلط است و او خود را یک جبر گرای فرهنگی می نامد (یان کرایب، ۱۳۷۸: ۲۵۰).

شاخص های این متغیر حفظ الگو و جامعه پذیری است.

جامعه پذیری: (تعلیم و تربیت و کارکرد خانواده)

حفظ الگو، (درونی شدن ارزش ها و پایدرای ارزش ها)

نظام شخصیتی

نظام شخصیتی (در سطح بالاتر و کلی تر: خرده نظام سیاسی) کارکردش دست یابی به هدف^۱ است؛ یعنی در پی تحقق اهداف در روند پیگیری و کسب منافع است. این نظام در لفافه ای از سایر نظام ها پرونده شده و شکل می گیرد. با این همه به جهت پیوندهایش با ارگانیسم خود و بی همتایی تجربه زندگی شخصی به یک نظام مستقل تبدیل می شود. پارسونز شخصیت را "نظام سازمان یافته ای از جهت گیری و انگیزش کنش کنشگر فردی می انگارد". پارسونز و شیلز، تمایلات نیازی را مهمترین واحدهای انگیزش کنشی و عنصر

سازنده شخصیت می داند. آنان تمایلات نظامی را از کشش ها جدا می دانند و براین باورند که کشش ها همان گرایش های فطری و "انرژی جسمانی که کش را امکان پذیر می سازد" می باشد (همان منبع). شاخص های این متغیر عبارت اند از: مهارت زندگی، تحقق انتظارات و آینده نگری.

مهارت زندگی؛ (توانائی اجتماعی، هوش اجتماعی، سازگاری اجتماعی، آرمان گرایی)
تحقق انتظارات: (نوع انتظارات: مادی و فرامادی) منابع انتظارات (اراده، اختیار، تقدیر گرایانه)
آینده نگری: (فقدان برنامه، محدودیت دانش تجربی یا عدم آگاهی)

نظام زیستی

این متغیر اشاره به تمام عناصر موجود در ساختار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد که ساز و کار دستیابی به هدف را برای کنشگران میسر می سازند. در مطالعه این نظام در بستر جامعه مدنی و عاملیت شهروندان در این پژوهش شاخص های سازگاری با محیط، آسایش و رفاه شهروندان، امنیت اجتماعی و بهداشت محیط مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر در بردارنده شاخص انطباق پذیری و سازگاری با محیط است که طبق نظریه پارسونز به خرده نظام اقتصادی اشاره دارد. این شاخص با گویه های آسایش و رفاه، امنیت اجتماعی، بهداشت محیط و سازگاری با محیط، محدودیت های ساختار اقتصادی را در تعهد به اخلاق شهروندی مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

آسایش و رفاه (حمایت های اجتماعی شامل خانواده، بازار، سازمان های عمومی غیر دولتی و موسسات خیریه)

امنیت اجتماعی (عدم ترس از تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی)
بهداشت محیط (محیط زیست سالم و منابع غذایی سالم)
سازگاری با محیط (آب و هوای سالم)

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

موقعیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان ۱۸ تا ۲۹ ساله تهرانی به شرح زیر به دست آمد:
۵۰/۶ درصد از پاسخگویان زن و ۴۹/۴ درصد مرد هستند. ۲۳/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۶۹/۱ درصد متاهل هستند. ۳۳/۴ درصد از پاسخگویان تا دیپلم و زیر دیپلم و ۱۸/۸ درصد لیسانس، ۲۶/۹ درصد فوق لیسانس و ۵/۲ درصد دکتری می باشند. میانگین سن پاسخگویان ۲۴ سال است. ۱۶ درصد از پاسخگویان در شمال، ۲۲/۶ درصد در جنوب، ۱۶/۶ درصد در شرق، ۱۸/۹ درصد در غرب و ۲۵/۹ درصد در مرکز تهران زندگی می کنند.

توصیف متغیر های اصلی تحقیق: ابعاد متغیر مستقل، محدودیت ها و موانع ساختاری

در بعد نظام فرهنگی، ۲۱/۳ درصد کاملاً موافق با مانع بودن نظام فرهنگی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۲۷/۳ درصد از شهروندان موافق با مانع بودن نظام فرهنگی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۳۱/۹ درصد در حد متوسط و ۱۴/۲ درصد مخالف و ۵/۳ درصد مخالف با مانع بودن نظام فرهنگی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند.

در بعد نظام اجتماعی، ۳۳/۱ درصد کاملاً موافق با مانع بودن نظام اجتماعی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۲۹/۶ درصد از شهروندان موافق، ۲۳/۷ درصد در حد متوسط، ۵/۷ درصد مخالف و ۷/۶ درصد کاملاً مخالف با مانع بودن نظام اجتماعی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند. ۲/۲ درصد از پاسخگویان به مجموعه

سوالات این متغیر پاسخ ندادند.

در بعد نظام شخصیتی، ۲/۲ درصد کاملاً موافق با مانع بودن نظام شخصیتی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۲۸/۳ درصد از شهروندان در موافق با مانع بودن نظام شخصیتی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۴۵/۰ درصد در حد متوسط و ۱۳/۹ در حد مخالف، ۳/۳ درصد در حد کاملاً مخالف با مانع بودن نظام شخصیتی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند. ۷/۲ درصد از پاسخگویان به مجموعه سوالات این متغیر پاسخ ندادند.

۱۷/۸ درصد کاملاً موافق با مانع بودن نظام زیستی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۳۹/۱ درصد از شهروندان موافق با مانع بودن نظام زیستی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند، ۳۱/۱ درصد در حد متوسط و ۹/۶ مخالف و ۲/۴ درصد در حد کاملاً مخالف با مانع بودن نظام زیستی در تعهد به اخلاق شهروندی بودند.

نتایج فرضیات

- نظام اجتماعی در تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) تاثیر دارد.
- در روابط متقابل بین متغیر نظام اجتماعی با متغیرهای اصلی، طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۲) مشاهده گردید که رابطه بین نظام اجتماعی و (تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی) معنادار بوده است. افرادی که تعامل، هموایی، اعتماد و مشارکت کمتری در نظام اجتماعی داشتند، کمتر متعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی بودند.

جدول ۳: آزمون پیرسون فرضیه نظام اجتماعی

نظام اجتماعی	تعهد به اخلاق شهروندی	همبستگی پیرسون سطح معنی داری Sig جمع کل
۰/۰۶۶	۱	
۰/۰۰۹	-	

با توجه به سطح شبه پارامتریک متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سنجش شده است. سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۹$ است که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کوچکتر است و نشان از معنی داری تعهد به اخلاق شهروندی و نظام اجتماعی دارد. همچنین، میزان همبستگی پیرسون ۰/۰۶۶ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود.

- نظام فرهنگی در تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) جوانان تاثیر دارد.

در روابط متقابل بین متغیر نظام فرهنگی با متغیرهای اصلی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۲) مشاهده گردید که رابطه بین نظام فرهنگی و تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی معنادار بوده است. افرادی که در نظام فرهنگی جامعه پذیری ضعیفی داشتند، به ارزش های خانواده و اجتماع واقف نبودند و از هنجارهای مشترک اجتماعی آگاهی نسبی نداشتند، ارزش های معطوف به سنت های اجتماعی و خانواده برایشان بی اهمیت بود و به ارزش هایی از قبیل احترام به نماد ها و اسطوره ها پایبند

نبودند، کمتر نسبت به اخلاق شهروندی متعهد بودند.

جدول ۴: آزمون پیرسون فرضیه نظام فرهنگی

نظام فرهنگی	تعهد به اخلاق شهروندی	همبستگی پیرسون سطح معنی داری Sig
۰/۵۳۱ ۰/۰۰۰	۱ -	

با توجه به سطح شبه پارامتریک متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سنجش شده است. سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کوچکتر است و نشان از معنی داری تعهد به اخلاق شهروندی و نظام اجتماعی دارد.

همچنین، میزان همبستگی پیرسون ۰/۵۳۱ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود.

• نظام شخصیتی در تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) جوانان تاثیر دارد.

در روابط متقابل بین متغیر نظام شخصیتی با متغیرهای اصلی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۲) مشاهده گردید که رابطه بین نظام شخصیتی و تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و ارزشی معنادار بوده است. افرادی که سازگاری اجتماعی، هوش و توانایی اجتماعی کمی در مهارت های زندگی دارند، فاقد برنامه ریزی هستند، از دانش تجربی حداقلی در آینده نگری های زندگی برخوردارند و نوع انتظاراتشان بیشتر تقدیرگرایانه است، تعهد کمتری نسبت به اخلاق شهروندی داشتند.

جدول ۵: آزمون پیرسون فرضیه نظام شخصیتی

نظام شخصیتی	تعهد به اخلاق شهروندی	همبستگی پیرسون سطح معنی داری Sig
۰/۴۲۹ ۰/۰۰۰	۱ -	

با توجه به سطح شبه پارامتریک متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سنجش شده است. سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر ۰/۰۵ کوچکتر است و نشان از معنی داری تعهد به اخلاق شهروندی و نظام شخصیتی دارد.

همچنین، میزان همبستگی پیرسون ۰/۴۲۹ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود.

• نظام زیستی (نظام اقتصادی) در تعهد به اخلاق شهروندی جوانان در ابعاد (عملی، ارزشی و نگرشی) تاثیر دارد.

در روابط متقابل بین متغیر نظام زیستی با متغیرهای اصلی طبق آزمون ضریب همبستگی پیرسون (۲) مشاهده گردید که رابطه بین نظام زیستی و متغیر تعهد به اخلاق شهروندی در ابعاد عملی، نگرشی و زیستی معنی دار بوده است. افراد دارای امنیت و رفاه، فقدان اضطراب و نیز افرادی که احساس سازگاری با محیط نداشتند، تعهد کمتری نسبت به اخلاق شهروندی داشتند.

جدول ۶: آزمون پیرسون فرضیه نظام زیستی

نظام زیستی	تعهد به اخلاق شهروندی	همبستگی پیرسون سطح معنی داری Sig
۰/۱۶۴	۱	
۰/۰۰۰	-	

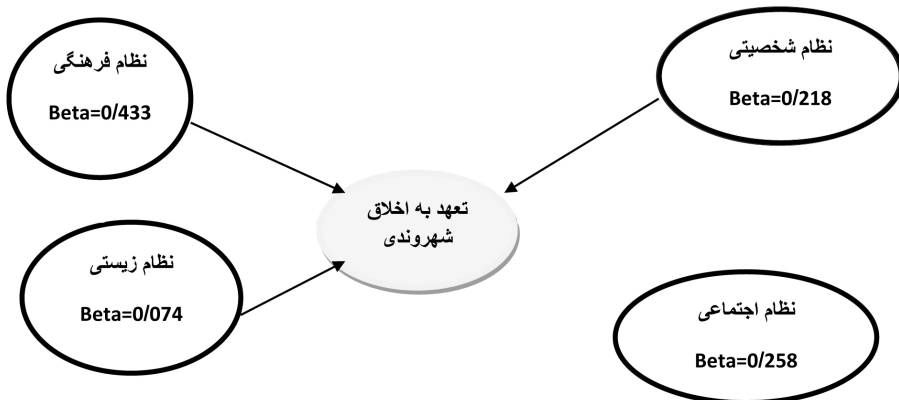
با توجه به سطح شبه پارامتریک متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. این آزمون در فاصله اطمینان ۹۵ درصد سنجش شده است. سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ است که از سطح مورد نظر $۰/۰۵$ کوچکتر است و نشان از معنی داری تعهد به اخلاق شهروندی و نظام شخصیتی دارد. همچنین، میزان همبستگی پیرسون $۰/۱۶۴$ است که نشان دهنده شدت رابطه بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول، فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تایید می شود.

طبق نتایج حاصل از آزمون رگرسیون به روش جبری، نظام زیستی با ضریب بتای $۰/۰۷۴$ ، نظام شخصیتی با ضریب بتای $۰/۲۱۸$ ، نظام اجتماعی با ضریب بتای $۰/۲۵۸$ و نظام فرهنگی با ضریب بتای $۰/۴۳۳$ بیشترین تاثیر محدودکننده را در تعهد به اخلاق شهروندی داشت و از میان متغیرهای زمینه ای، سن و میزان درآمد رابطه معناداری با متغیر وایسته (تعهد به اخلاق شهروندی) نداشت.

جدول ۷: خروجی رگرسیون چند متغیره به روش جبری - عوامل موثر بر میزان تعهد به اخلاق شهروندی

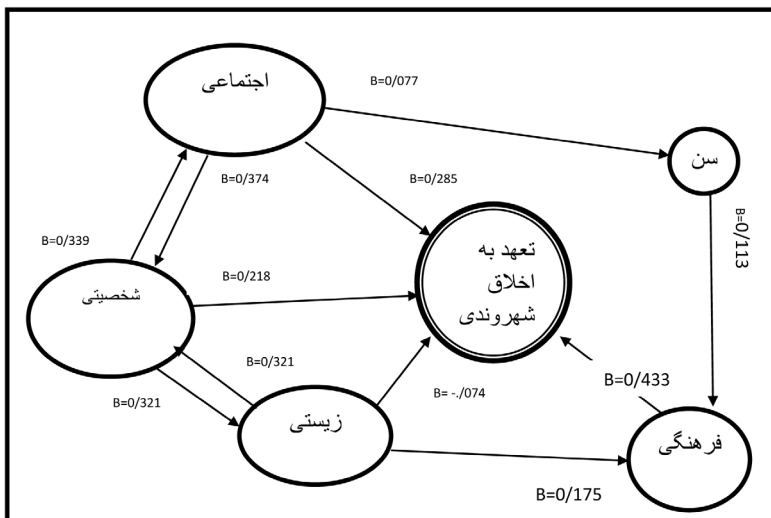
Model	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	T	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(Constant)	۰/۳۶۴	۰/۳۶۴	-	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۲۱	۰/۰۷۳	۰/۰۰۹	۰/۲۹۵	۰/۷۶۸
درآمد	-۹/۴۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	-۰/۳۹	۰/۹۶۹
اجتماعی	۰/۳۳۲	۰/۰۴۹	۰/۲۵۸	۶/۸۳۲	۰/۰۰۰
زیستی	-۰/۳۱۳	۰/۱۵۰	-۰/۰۷۴	-۲/۰۸۳	۰/۰۳۸
فرهنگی	۱/۶۳۴	۰/۱۳۳	۰/۴۳۳	۱۲/۳۶۶	۰/۰۰۰
شخصیتی	۰/۴۱۸	۰/۰۷۷	۰/۲۱۸	۵/۴۲۲	۰/۰۰۰

نمودار ۱: عوامل موثر بر تعهد اخلاق شهروندی



طبق نتایج حاصل از آزمون رگرسیون به روش جبری، تحصیلات ضمن رابطه معناداری $\text{sig} = 0/010$ با ضریب بتای $0/082$ و نظام زیستی با ضریب بتای $0/074$ ، نظام شخصیتی با ضریب بتای $0/218$ ، نظام اجتماعی با ضریب بتای $0/258$ و نظام فرهنگی با ضریب بتای $0/433$ بیشترین تاثیر محدودکننده را در تعهد به اخلاق شهروندی داشت و از میان متغیرهای زمینه ای، سن و میزان درآمد رابطه معناداری با متغیر وابسته (تعهد به اخلاق شهروندی) نداشت.

نمودار ۲: مدل تحلیل مسیر عوامل موثر بر میزان تعهد شهروندی



تفسیر

بر مبنای مدل تحلیل مسیر عوامل موثر بر میزان تعهد شهروندی می توان گفت:

میزان تعهد به اخلاق شهروندی تحت تأثیر مستقیم نظام اجتماعی (۰/۲۵۸) و نظام شخصیتی (به میزان ۰/۲۱۸)، نظام فرهنگی (به میزان ۰/۴۳۳) و نظام زیستی (به میزان ۰/۰۷۴-) می باشد.

متغیر نظام اجتماعی تحت تأثیر مستقیم نظام شخصیتی (به میزان ۰/۳۷۴) و سن (به میزان ۰/۰۷۷) و تعهد به اخلاق شهروندی (به میزان ۰/۳۱۵) می باشد.

متغیر نظام فرهنگی تحت تأثیر مستقیم نظام زیستی (به میزان ۰/۱۷۵)، سن (به میزان ۰/۱۱۳) و تعهد به اخلاق شهروندی (به میزان ۰/۵۱۲) می باشد.

متغیر نظام شخصیتی تحت تأثیر مستقیم متغیر نظام اجتماعی (به میزان ۰/۳۳۹) و نظام زیستی (به میزان ۰/۳۲۱) و تعهد به اخلاق شهروندی (به میزان ۰/۲۴۲) می باشد.

متغیر نظام زیستی تحت تأثیر مستقیم متغیر نظام شخصیتی (به میزان ۰/۳۲۱) و نظام اجتماعی (به میزان ۰/۳۳۹) و تعهد به اخلاق شهروندی (به میزان ۰/۲۴۲) می باشد.

نظام فرهنگی تحت تأثیر غیر مستقیم نظام زیستی (۰/۱۷۵) و سن (۰/۱۱۳) است. نظام شخصیتی تحت تأثیر غیر مستقیم نظام اجتماعی (۰/۳۳۹) و نظام زیستی (۰/۳۲۱) است. نظام زیستی تحت تأثیر غیر مستقیم نظام شخصیتی (۰/۳۲۱) و نظام اجتماعی (۰/۳۳۹) است. نظام اجتماعی تحت تأثیر غیر مستقیم نظام شخصیتی (۰/۳۷۴) و سن (۰/۰۷۷) است.

جدول ۸: تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر میزان تعهد شهروندی

انواع تأثیر ضرایب مسیر (β_i) بر میزان تعهد شهروندی							
عوامل مؤثر بر تعهد به اخلاق شهروندی	تأثیر مستقیم	اثرات غیر مستقیم				مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم	
		نظام اجتماعی	نظام شخصیتی	نظام فرهنگی	نظام زیستی	سن	
نظام اجتماعی	۰/۲۸۵	-	۰/۳۷۴	-		۰/۰۷۷	۰/۷۳۶
نظام شخصیتی	۰/۲۱۸	۰/۳۳۹	-	-	۰/۳۲۱	-	۰/۸۷۸
نظام فرهنگی	۰/۴۳۳	-	-	-	۰/۱۷۵	۰/۱۱۳	۰/۷۲۱
نظام زیستی	-۰/۰۷۴	۰/۳۳۹	۰/۳۲۱	-	-	-	۰/۵۸۶
مجموع تاثیرات	۰/۸۶۲	۰/۶۷۸	۰/۶۹۵	-	۰/۴۹۶	۰/۱۹	۲/۹۲۱

طبق جدول ۵ سعی شده در قالب تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر تعهد به اخلاق شهروندی، به ترسیم نیکویی برآزش مدل نظری پرداخته شود. لذا در بیشترین و قوی ترین تأثیر بر تعهد به اخلاق شهروندی، می توان به تاثیر مستقیم متغیرهای نظام فرهنگی (۰/۴۳۳)، نظام اجتماعی (۰/۲۸۵)، نظام شخصیتی (۰/۲۱۸)، تحصیلات (۰/۰۸۲) و اثرات غیرمستقیم متغیرهای نظام اجتماعی (۰/۶۷۸)، نظام شخصیتی (۰/۶۹۵) نظام زیستی (۰/۴۹۶) و سن (۰/۱۹) اشاره نمود.

تفسیر نیکویی برآزش داده ها در مدل

در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر ($R^2 = 1 - 0.374 = 0.626$) عدد ۰/۷۲۵ را نشان می دهد. این بدان معناست که متغیرهای مورد بررسی ۵۲/۷ درصد از واریانس میزان گرایش به تعهد به اخلاق شهروندی (متغیر وابسته نهایی) را تبیین نموده (۰/۵۲۷ = مقدار واریانس تبیین شده) و ۴۷/۳ درصد واریانس میزان گرایش تعهد به اخلاق شهروندی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش بینی نشده اند (۰/۴۳۷ = ۱ - ۰/۵۲۷ = مقدار واریانس تبیین نشده).

بحث و نتیجه گیری

اخلاق شهروندی، یک پدیده جاری در کل نظام اجتماعی است که رفتار شهروندان را جهت می دهد و به واسطه شاخص هایی، رابطه هماهنگ و متناسبی بین مجموعه عناصر گروه های اجتماعی فراهم می کند، زیرا جامعه شهری همواره نیازمند یک نوع نظام هنجاری و ارزشی است و تنها همگرایی بین جهت و عمل سازمان های اجتماعی که می تواند زندگی اجتماعی را بر مبنای یک نظم اجتماعی، طبیعی جلوه دهد، اخلاق شهروندی است. شهروندی در نظر پارسونز به عنوان نوعی کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی است که این موارد با کمی تغییر در شاخص های نظام اجتماعی از جمله وحدت، انسجام و هماهنگی درون شهری در پژوهش مقاله حاضر مورد سنجش قرار گرفته است.

نتایج حاکی از آن بود که شدت رابطه این سوالات با بعد عملی اخلاق شهروندی بیش از ابعاد نگرشی و ارزشی بود. لذا می توان نتیجه گرفت مولفه ها و گویه های شاخص های نظام اجتماعی از قبیل وحدت و انسجام- که مولفه های آن عبارت اند از: ارزش های مشترک اجتماعی (تعامل، همنوایی، اعتماد)، ارزش های مشترک فرهنگی (هماندگرایی فرهنگی، آمیختگی فرهنگی، مذهب)، ارزش های مشترک سیاسی (آزادی، مشارکت، عدالت) و هماهنگی درون شهری با مولفه های هنجارهای اجتماعی (آداب و سنن، منزلت اجتماعی) و خرده فرهنگ قومیتی (مناسبات قومیتی، باور به اصالت هویت قومیتی)- می تواند در بعد عملی اخلاق شهروندی با شاخص های مسئولیت پذیری، نوع دوستی، نظم و صداقت تاثیرگذار باشد. در جامعه ای که همنوایی وجود ندارد، نمی توان انتظار نوع دوستی و صداقت داشت. چنین بستری در معرض خطرات ناشی از ضعف اخلاق به سر می برد.

در طرح شهروندی از نظر دورکیم و پارسنز بر عقلانیت عرفی شده، عضویت و تعهد اجتماعی مدنی، مشارکت و تعلق اجتماعی تمامی اعضای جامعه با هدف تقویت انسجام و نظم اجتماعی مدرن تاکید شده و از نوعی جهت گیری دموکراتیک و لیبرال به معنای سیاسی آن برخوردار است. از نظر پارسونز، شهروندی در معنای کامل کلمه، نتیجه ظهور سرمایه داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۸). لذا تعهد اجتماعی و مشارکت در نظام زیستی لازمه پیش نیازهایی است که در پژوهش حاضر با شاخص هایی از قبیل سازگاری با محیط، آسایش و رفاه، امنیت اجتماعی و بهداشت محیط مورد مطالعه قرار گرفتند.

نتایج تحقیق نشان داد که موانع نظام زیستی با شاخص های یاد شده در بعد ارزشی اخلاق شهروندی شدت و تاثیر بیشتری دارد. این امر بدان معناست که اگر فرد در جامعه احساس امنیت و آرامش ناشی از رفاه نداشته باشد، در زمان بروز اختلافات قادر به کنترل خشم و حل و فصل اختلاف از طریق گفتگو نخواهد بود. همچنین، در انتخاب بین منافع فردی و جمعی نیز نمی تواند بر اساس عدالت و برابری رفتار نماید. بدیهی است احساس محرومیت، خشم درونی را نسبت به عوامل بیرونی تقویت می کند و از بروز اخلاق ممانعت به عمل می آورد. اگر انتظار جامعه با اخلاق داریم باید در اشاعه رفاه اجتماعی و برابری و عدالت خواهی کوشا باشیم.

در تحلیل مسیر، نظام شخصیتی تاثیر مستقیمی بر تعهد به اخلاق شهروندی داشت و در آزمون همبستگی نیز نظام شخصیتی با متغیرهای توانایی اجتماعی، سازگاری اجتماعی و آرمان گرایی بیشترین همبستگی را با بعد عملی اخلاق شهروندی نشان داد. این بدین معناست که ضعف و یا کاهش شاخص های توانایی اجتماعی، سازگاری اجتماعی و آرمان گرایی به اندازه ضریب همبستگی $0/341$ می تواند بر شدت و کیفیت شاخص هایی از قبیل مسئولیت پذیری، نوع دوستی و نظم تاثیر گذار باشد. اگر وفاق و سازگاری اجتماعی بین ساختار و عامل وجود نداشته باشد، فرد نمی تواند احساس تعلق اجتماعی و متعاقبا نوع دوستی را تجربه کند. بدیهی است فرد غریبه به دلیل حلقه مفقوده ای به نام ارزش های مشترک اجتماعی دچار کاهش تعهد و در نتیجه عدم احساس مسئولیت می شود.

در نتایج رگرسیون به روش جبری، نظام فرهنگی با ضریب بتای $0/433$ بیشترین تاثیر را بر تعهد به اخلاق شهروندی داشت؛ به این معنی که با یک درجه تغییر در متغیر مستقل موانع و محدودیت های نظام فرهنگی، متغیر وابسته تعهد به اخلاق شهروندی به اندازه $0/433$ درجه تغییر خواهد داشت. در آزمون همبستگی پیرسون نیز نظام فرهنگی با بعد نگرشی اخلاق شهروندی با شاخص های منافع فردی و جمعی، احترام به قانون، امانت داری، تلاش برای رفاه عمومی و آگاهی در رابطه ای به شدت $0/074$ بود.

از نظر دورکیم، "اخلاق دستگاهی از واقعیات تحقق یافته است که با دستگاه کلی جهان پیوند دارد". (دورکیم، همان: ۳۸) امر اخلاقی سرچشمه همبستگی است و بشر را در مسیری غیر از پی گیری "انگیزش های خود پرستانه اش" هدایت می کند. این امر انسان را با انسان های دیگر در بطن جامعه پیوند می زند. به نظر دورکیم، هر قدر این گونه پیوندها بیشتر و نیرومندتر باشد، اخلاقیات استوارتر است. جامعه نوین امکاناتی را برای فردگرایی در چارچوب تنظیم اجتماعی فراهم می سازد. بر خلاف انواع پیشین سازمان اجتماعی که مبتنی بر همبستگی مکانیکی و خواستار هم رنگی افراد جامعه بودند، انواع سازمان های اجتماعی نوین بر همبستگی ارگانیکی استوارند و این همبستگی از طریق وابستگی کارکردی متقابل افراد مستقل تأمین می شود. در جوامع نوین، همبستگی اجتماعی به استقلال فردی شخصیت افراد، وابسته است و نه سرکوب آن. (کوزر، همان: ۱۹۶) از نظر جانوسکی، شهروندی عضویت فعال و منفعل افراد در یک دولت - ملت با حقوق و مسئولیت های عام گرایانه معین در سطح ویژه ای از برابری است (جانوسکی، ۱۹۹۸). جانوسکی را می توان در زمره نویسندگانی قرار داد که هم بر حقوق و هم بر مسئولیت های شهروندی به طور همزمان تاکید دارد.

جانوسکی معتقد است در بحث از شهروندی بیشتر بر حقوق شهروندی تکیه شده و تعهدات شهروندی مورد غفلت قرار گرفته است. از نظر او، تعهدات می توانند به انواع مختلف دیده شوند، که عبارت اند از: تعهدات حمایتی، تعهدات مراقبت، تعهدات خدمات و تعهدات محافظت. تعهدات حمایتی شامل پرداخت مالیات ها، شرکت کردن در سرمایه گذاری های مبتنی بر بیمه و به طور پربار و بهره ورانه کارکردن می باشد. تعهدات مراقبت کردن، نسبت به دیگران و نسبت به خود نیاز دارد به اینکه یک شخص به حقوق دیگران احترام بگذارد، از بچه ها نگهداری کند و یک خانواده با محبت تشکیل دهد و با پیگیری آموزش یک شغل

و مراقبت پزشکی کافی به خودش احترام بگذارد. تعهدات خدمات شامل استفاده بهره مند از خدمات و در واقع تشریک مساعی در خدمات است که عبارت است از شرکت در ثبت نام رای دهندگان، مراقبت بهداشتی برای سالمندی، داوطلبی در جنگ یا خدمت جوانان. تعهدات حفاظت شامل خدمات نظامی، مراقبت پلیس و خدمات اجباری یا سربازی برای محافظت از ملت به وسیله سلاح گرم یا انتقال مجروح شدگان و کنش اجتماعی برای حمایت داخلی از یکپارچگی یک سیستم دموکراتیک از طریق خدمات اجتماعی، اعتراضات یا تظاهرات است. این تحقیق در محدودیت های نظام فرهنگی گزیده ای از تعهدات ذکر شده را به عنوان شاخص مطالعه قرار داده است: تعلیم و تربیت (آشنایی از ارزش های خانواده و اجتماع و آگاهی از هنجارهای مشترک اجتماعی)، کارکرد خانواده (احترام به والدین و علاقه جوانان به خانواده)، درونی شدن ارزش ها (پایبندی به سنت های اجتماعی)، پایداری ارزش ها (احترام به نماد ها و اسطوره ها). نتایج حاکی از آن بود که عدم تحقق بستر اجتماعی با شکل گیری چنین فرهنگ ارزشی منجر به بروز مشکلات اخلاقی در بعد ارزشی از جمله عدالت خواهی و پذیرش گفتمان و نفی خشونت می گردد. لذا عدم تعلیم و تربیت صحیح و نارسایی وظایف خانواده در انتقال ارزش های سازنده و پایدار سبب نفوذ فردگرایی سودجویی و اجتناب از کنش گفتگویی می گردد. با بررسی این نتایج می توان دریافت که در نظام فرهنگی، حوزه فرهنگ شهروندی زمینه های لازم برای مشارکت و تعهد به اخلاق شهروندی را در سه بعد عملی، ارزشی و نگرشی شهروندان فراهم نکرده است و با توجه به نتایج تحقیق محدودیت های نظام فرهنگی در تعهد با اخلاق شهروندی بیش از متغیرهای دیگر تحقیق بود. به نظر می رسد نظام فرهنگی در ابعاد تعلیم و تربیت، کارکرد خانواده، درونی شدن ارزش ها و پایداری ارزش ها دارای ضعف هایی است. به عنوان مثال، نهاد تعلیم و تربیت پیش از آنکه به آموزش مهارت های زندگی و تمرین آن بپردازد و سازگارهای اجتماعی را در مسیر تقویت همبستگی و وفاق اجتماعی آموزش و پرورش دهد، توجه دانش آموزان و نیز خانواده ها را تا حد زیادی به سمت و سوی موفقیت های تحصیلی فرا خوانده است. از سویی دیگر، رواج فردگرایی حاصل از مدرنیته نیز فرهنگ خانواده ها را به اخلاق منفعت گرایانه و سودجویانه هدایت می کند که این نیز گسست در همبستگی جامعه ایجاد می نماید و در ادامه به پیشبرد تعهد به اخلاق شهروندی آسیب خواهد رساند. لذا در آشفتنی چنین فضایی نمی توان تعهد به اخلاق را در ترکیب مدرن شهروندی از کنشگران انتظار داشت.

بنا بر نظریه هابرماس، باید امکان گفت و گوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه مدنی به وجود آید؛ جایی که با عنوان حوزه عمومی در نظام سرمایه داری به وسیله سه عامل دولت ها، وسایل ارتباط جمعی و شرکت های چندملیتی مورد تهدید قرار گرفته است. حوزه عمومی باید در همه سطوح خانواده، سازمان و جامعه امکان ظهور داشته باشد و افراد باید تکامل را از آنجا آغاز کنند. در حوزه عمومی، باید امکان بروز و تجلی خودیابی فراهم شود و فرد هویت خود را پیدا کند و به واسطه خودیابی، گفتمان و ارتباط آزاد و دور از سلطه شکل می گیرد. در این شرایط افراد با برون ریزی ذهنیت ها و عقاید و برخورد میان آنها به وفاق نسبی ارزش ها و هنجارها دست می یابند. وفاق زمینه ساز کنش تاریخی و سرنوشت ساز خواهد بود. در این کنش اجتماعی عام، عقلانیت در ابعاد مختلف رشد می کند و به سوی تکامل اجتماعی و انسانی پیش می رود. (عبداللهی، ۱۳۸۰). هابرماس در تحلیل خود بر حوزه عمومی و فرصت های دسترسی برابر به مشارکت در قالب "گفتمان عقلانی" تاکید کرده است؛ به این معنا که باورهای اخلاقی افراد تنها در جوامعی که هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و اتفاق نظر درباره ارزش ها و هنجارهای اجتماعی بر عقلانیت ارتباطی مبتنی باشد، رشد خواهد یافت.

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می داند و اخلاق شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می دهد و اخلاق شهروندی را با این سه

مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می شود. به زعم وی، گروه هایی که همچنان بر ارزش های کهن خود تاکید و دیدی خاص گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده اند و درکی از حقوق و اخلاق و تعهدات شهروندی ندارند. (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱) در گسترش هنجارهای عام و جهانی، تحولات بر اساس متغیرهای الگویی به بسط عمل گرایی، فردگرایی، بی طرفی عاطفی، روابط همه جانبه و گسترده، منافع جمعی، معیارهای اکتسابی و مساوات طلبی می انجامند. از نظر پارسونز، شهروندی در معنای کامل کلمه، نتیجه ظهور سرمایه داری مدرن یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، سکولار شدن و عقلانیت است که بستر مناسبی برای رشد آن فراهم آوردند. از دید پارسونز، شهروندی مدرن نیازمند یک عامل سیاسی است که دیگر با خاص گرایی های تولد، قدمت و جنسیت محدود و مقید نشود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰). جهت گیری نظری شهروندی پارسونزی را با کمک متغیرهای الگویی که مبنایی برای تحلیل و تبیین جامعه شناختی مدرنیته، جامعه مدرن و نهایتاً تعریف مفهوم شهروندی محسوب می شوند، می توان به صورت زیر بیان کرد. مدرنیته را باید بر اساس چهار متغیر الگویی عام گرایی، اکتساب، بی طرفی ارزشی و جمع گرایی - که نقطه مقابل متغیرهای الگویی اجتماعی سنتی یعنی خاص گرایی، انتساب، جهت گیری ارزشی و فردگرایی است - تعریف کرد (ازکیا، ۱۳۸۱). از نظر پارسونز، شهروندی پدیده ای است که حاصل گسترش ارزش ها و هنجارهای عام است و با ظهور مدرنیته و سرمایه داری یا پدید آمدن تغییرات در جامعه سنتی نظیر شهری شدن، صنعتی شدن، سکولار شدن و عقلانیت رشد می یابد. همچنین، می توان آن را توسعه مدرنیته یعنی انتقال اعضای جامعه از وضعیت مبتنی بر منزلت به وضعیت مبتنی بر قرارداد تلقی کرد (شیانی، ۱۳۸۱).

شرایط تغییر یافته ساختاری سبک زندگی جوانان، افق ها و چالش های جدیدی پیش روی آن ها قرار داده است. این سیال بودن فرهنگ جوانان در سایه مسئولیت پذیری شهری، هنجارپذیری، قانونمندی و نیز شکل گیری انتظارات جدید، در این طبقه زمینه هایی ایجاد کرده است که سبب شده جامعه پذیری در نظام فرهنگی در نقطه قوت مورد انتظار شکل نگیرد و متعاقب آن در تعهدات اخلاق شهروندی سایه افکند.

منابع

- استونز، راب. (۱۳۷۹). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. مهرداد میردامادی. تهران: نشر مرکز
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران: نشر نی
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۱). بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران. تهران: موسسه پژوهش فرهنگ، هنر و ارتباطات
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- شیبانی، ملیحه. (۱۳۸۲). "شهروندی و موانع تحقق آن در ایران". پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۰). "تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین". نامه علوم اجتماعی. پاییز و زمستان، شماره ۱۸، صص ۱۶۷-۲۰۰.
- غلامی نیا، عبدالحمید. (۱۳۸۸). "تأثیر انسان شناسی بر اخلاق شهروندی". فصلنامه انسان پژوهی دینی. دوره ۶، شماره ۲۱.
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۹۳). "گفت و گوی اجتماعی راهبردی برای ارتقای فرهنگ شهروندی".
- فاضلی، نعمت الله. (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی".
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱). شهروندی. محمد تقی دلفروز. تهران، انتشارات کویر.
- فیتزپتریک، تونی. (۱۳۸۱). نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست). هرمز همایون پور. تهران: نشر گام نو
- کاظمی، عباس و رضایی، محمد. (۱۳۸۸). "شهر بی انضباط و محدودیت های ظهور شهروندی در ایران". مطالعات اجتماعی ایران. شماره ۶، ۱۵ صص ۲۳ تا ۳۷.
- کرایب، یان. (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی کلاسیک. شهناز مسمی پرست. تهران: آگه
- کوزر، لوئیس. (۱۳۸۶). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری. چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی
- نجاتی حسینی، سید محمود و منوچهری، عباس. (۱۳۸۵). "درآمدی بر نظریه شهروندی گفتگویی در فلسفه سیاسی هابرماس". نشریه نامه علوم اجتماعی. دوره ۲۹.
- نجاتی حسینی، سید محمود و توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۳). "واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران". مجله جامعه شناسی ایران. دوره پنجم، شماره ۲.
- هاشمیان فر، سید علی و گنجی، محمد. (۱۳۸۸). "تحلیلی بر فرهنگ شهروندی در شهر اصفهان". جامعه شناسی کاربردی. سال بیستم، شماره ۱، صص ۴۴-۲۵.
- Bretzer, Noreen. Ylva. (2002). "How Can Institutions Better Explain Political Trust than Capitals Do?" PHD Theses. University of Gothenburg, Sweden
- Janoski, T. (1998). **Citizenship and Civic Society**. Cambridge, Cambridge University press.
- Turner, B.S. (1994). "Out Line of a Citizenship". In B.S.Turner&Hamilton, **Citizenship: Critical concepts**. London: Routledge.



مطالعه رابطه استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان شهر تبریز)

صمد رسول‌زاده اقدم^۱
حامد اکبرپور^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۷

امنیت یکی از مهمترین نیازهای اساسی بشر است و نخستین شرط لازم برای پیشرفت و رسیدن به توسعه برای جوامع متمدن محسوب می‌شود. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی از عوامل تاثیرگذار بر احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی هستند. بر این اساس، سوال اصلی نوشتار حاضر این است که استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک چه تاثیری بر احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی جوانان دارد؟ پژوهش حاضر، به‌صورت پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته با حجم نمونه ۳۸۴ نفر در بین جوانان تبریزی کاربر فیس‌بوک در سال ۱۳۹۵ انجام شده است. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین مدت زمان عضویت در فیس‌بوک، میزان استفاده از فیس‌بوک، نوع استفاده از فیس‌بوک و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی کاربران رابطه معنادار معکوسی وجود دارد؛ به طوری که با افزایش میزان مدت زمان عضویت، میزان استفاده، نوع استفاده و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه‌شده در فیس‌بوک از سوی کاربران، میزان احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی آنها کاهش پیدا می‌کند. همچنین، متغیرهای مستقل وارد شده در مدل رگرسیونی پژوهش توانسته‌اند ۱۲ درصد از تغییرات احساس امنیت اجتماعی و ۱۶ درصد از تغییرات احساس امنیت فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و فیس‌بوک

واژگان کلیدی: احساس امنیت اجتماعی، احساس امنیت فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و فیس‌بوک

۱. استادیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران
۲. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسئله

امنیت چیزی است که هر شخصی باید احساس کند که خطری در جامعه او را تهدید نمی‌کند. بدون وجود امنیت، هیچ برنامه‌ای در داخل کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، برنامه‌ریزی و هر فعالیت دیگر به حداقل زمینه مطمئن و آرام نیاز دارد که همان امنیت است. بنابراین امنیت عملاً در زمره اهداف و ارزش‌های اصولی و لازمه هر جامعه‌ای قرار می‌گیرد. پس می‌توان گفت که امنیت علاوه بر این که یک نیاز برای انسان‌هاست، عامل بسیار مهمی در پیشرفت و توسعه هر کشوری به شمار می‌آید. زمینه‌های مختلف توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مستلزم وجود احساس امنیت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و ملی است.

امنیت به معنای سنتی آن عبارت است از: امنیت نظامی و توسل به قوای قهریه برای حصول آرامش و فرار از خطر؛ اما امروزه این مفهوم از رویکرد نظامی‌محور خود فاصله گرفته و پارامترهای نرم‌افزاری جایگزین پارامترهای سخت‌افزاری گشته‌اند و روز به روز ابعاد نظامی آن، نمود کمتری می‌یابد تا جایی که می‌توان گفت امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از این که ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد محسوب می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۸۶).

در عصر حاضر، دامنه و گستره امنیت فرهنگی و اجتماعی با رشد و گسترش روزافزون رسانه‌های نوین از جمله اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی، توسعه یافته است و از صرف مقوله‌های بهداشتی، رفاهی و اقتصادی خارج شده و به مقوله‌هایی نظیر هویت، ارزش‌ها، میراث فرهنگی، دین، افکار، باورها، ساخت شخصیت، هستی و وجود فرد، اجتماع و جامعه گسترش یافته است. بنابراین، هم مطالعه پدیده امنیت فرهنگی و اجتماعی حائز ظرافت و پیچیدگی‌های مفهومی و ادراکی شده و هم تأمین و پایداری آن از اهمیت خاص خود برخوردار گردیده است. از سوی دیگر، به عقیده برخی از متفکران، احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی از خود امنیت فرهنگی و اجتماعی مهم‌تر است (رستگارخالد و محمدیان، ۱۳۹۲: ۵۴). احساس امنیت فرهنگی را می‌توان "احساس وضعیتی مطمئن، آرام‌بخش و خالی از هر گونه تهدید و تعرض در انسان، نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها، ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و غیره دانست". (صالحی‌امیری، ۱۳۸۶: ۵۶) و احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی‌های اساسی و ارزش‌های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی‌های مشروع گفته می‌شود. (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱).

با توجه به تعریف یاد شده، عوامل متعددی می‌تواند احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی را بر هم زند و مختل نماید که از جمله آن‌ها می‌توان فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی به‌طور عام و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس‌بوک که در نوشتار حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد را به‌طور خاص نام برد؛ چرا که شبکه‌های اجتماعی مجازی زمینه‌ای را برای ارتباطات مثبت و منفی برای افراد فراهم می‌آورند. شواهد نشان می‌دهد که گسترش و توسعه روزافزون فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بیش از آن که در راستای تأمین امنیت اجتماعی و فرهنگی باشد، به نوعی تهدید علیه امنیت تبدیل شده‌اند (رستگارخالد و محمدیان، ۱۳۹۲: ۵۵). در واقع، رسانه‌های نوین از طریق ایجاد اختلال در فرهنگ و هویت قومی، ملی و دینی، امنیت را زائل می‌سازند. فناوری جهانی اطلاعات و ارتباطات و در رأس آن‌ها اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی سبب شده‌اند تا آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین تهدید متوجه احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی شود. تردیدی نیست که رسانه‌های نوین موجب وسعت افق دید ما می‌شوند و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای برقراری تماس با دیگران در اختیار ما می‌گذارند، اما ضرب‌آهنگ لگام‌گسیخته رشد و گسترش آن‌ها، نشانگر تهدیدها و چالش‌هایی برای شکل‌های سنتی تعامل انسانی نیز هست (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۸).

با توجه به این که ایران با جوانی جمعیت رو به روست و جوانان بیشترین استفاده را از شبکه‌های اجتماعی مجازی دارند، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که شبکه اجتماعی فیس‌بوک چه تاثیری بر احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی جوانان ایرانی دارد؟

پیشینه پژوهش

در مورد ادبیات پژوهش باید گفت تحقیقی که دقیقاً به مطالعه رابطه رسانه‌های جمعی و احساس امنیت فرهنگی پرداخته باشد، یافت نشد، اما در مورد تاثیر رسانه‌های جمعی بر امنیت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی تحقیقات زیادی انجام شده که در این پژوهش‌ها بیشتر به مقایسه تاثیر رسانه‌های داخلی و خارجی (ماهواره و اینترنت) بر احساس امنیت اجتماعی پرداخته شده است. همچنین، هیچ کدام از مطالعات صورت گرفته به مطالعه نقش و تاثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر احساس امنیت نپرداخته‌اند. به همین دلیل پژوهش حاضر درصدد مطالعه تاثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک به عنوان یکی از ابزارهای جهانی شدن بر احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی جوانان است. از مهمترین پژوهش‌های انجام شده در مورد تاثیر رسانه‌های جمعی بر امنیت و احساس امنیت، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آقایی (۱۳۸۶) در رساله خود با عنوان "بررسی تاثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی" به این نتیجه دست یافت که بین میزان توجه و اعتماد به رسانه‌های داخلی و ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی، رابطه مستقیم و بالایی وجود دارد.

صادقیان (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "بررسی نقش کارکردی رسانه‌ها در امنیت ملی و عمومی" نشان داد که برخلاف تصور برخی، رسانه‌ها در تقابل با امنیت عمومی و ملی نیستند، بلکه مکمل و مهمترین عامل تقویت‌کننده امنیت ملی و عمومی هستند. رسانه‌های جمعی نقش فرهنگ‌پذیری، آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد احساس امنیت به‌ویژه امنیت عمومی و ملی و مشارکت اجتماعی را بر عهده دارند که تقویت آن‌ها زمینه‌ساز توسعه امنیت ملی خواهد بود.

جان‌پرور و حیدری (۱۳۹۰) در مطالعه‌شان نشان دادند که فضای سایبر دارای ظرفیت‌های منفی بالایی برای تحت تاثیر قرار دادن و به چالش کشیدن امنیت اجتماعی می‌باشد؛ به طوری که حضور و استفاده رو به گسترش افراد از این فضا زمینه سست شدن بنیان خانواده به عنوان تکیه‌گاه و پایه اصلی هر جامعه، فاصله گرفتن افراد از یکدیگر، تجمل‌گرایی، فردگرایی، مدگرایی، بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان و غیره را فراهم آورده است و سبب شده امنیت اجتماعی دچار چالش و مشکل شود.

یافته‌های پژوهش شکرپیگی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بین میزان توجه و اعتماد به رسانه‌های داخلی و ابعاد مختلف احساس امنیت اجتماعی رابطه‌ای مثبت وجود دارد. نکته قابل توجه در نتایج تحقیق این است که وجود همبستگی بین متغیر مستقل و وابسته و لزوماً تأثیر رسانه‌ها بر احساس امنیت ملموس نیست، بلکه می‌توان گفت افراد با احساس امنیت متفاوت، گرایش متفاوتی در انتخاب و اعتماد به رسانه‌های داخلی و خارجی دارند و رسانه‌ها صرفاً نقش تقویت‌کننده نگرش قبلی مخاطبان را دارند.

یافته‌های پژوهش رستگارخالد و محمدیان (۱۳۹۲) حاکی از آن است که هر چه میزان و سابقه استفاده از اینترنت بیشتر شود، احساس امنیت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. همچنین، بین نوع و میزان استفاده از اینترنت و احساس امنیت اجتماعی نیز رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که استفاده از اینترنت در مقایسه با مصرف ابزاری آن احساس امنیت اجتماعی را بیشتر کاهش می‌دهد.

خواجه‌نوری و کاوه (۱۳۹۲) در پژوهشی به مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی

پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت وجود دارد؛ به‌طوری که بیشترین تأثیر تعاملی نسبت به احساس امنیت تعامل بین مشاهده تلویزیون داخلی و رادیوی داخلی است و کمترین تأثیر تعاملی را تعامل اینترنت و ماهواره برجای می‌گذارند.

نتایج پژوهش هاشمیان‌فر و همکاران (۱۳۹۲) نشان‌دهنده آن است که احساس امنیت اجتماعی با میزان استفاده از رسانه‌های داخلی (تلویزیون و رادیو) و ماهواره رابطه معناداری دارد، ولی با میزان استفاده از اینترنت، مجله و روزنامه رابطه معناداری ندارد. رابطه احساس امنیت اجتماعی با رادیو و تلویزیون، مستقیم، ولی با میزان استفاده از ماهواره معکوس است.

یافته‌های پژوهش کانالان (۲۰۰۵) حاکی از آن است تماشای برنامه‌های تلویزیونی مرتبط با جرم، بسیار بیشتر از مطالعه اخبار مرتبط با جرم در روزنامه‌ها، بر ترس افراد از جرم موثر است. همچنین، اطلاع از اخبار رسانه‌ها در مورد جرم در مردان و زنان سفیدپوست و زنان سیاه‌پوست، ترس را افزایش می‌دهد، اما به افزایش ترس مردان سیاه‌پوست، آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار یا مردم آمریکای لاتین منجر نمی‌شود.

ترومن (۲۰۰۵) در پژوهشی به متغیرهای پیش‌بینی‌کننده ترس از جرم پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که بین استفاده از رسانه‌ها (اخبار تلویزیون سراسری، اخبار رادیو، اخبار مجلات، اخبار روزنامه‌های محلی، اخبار روزنامه‌های سراسری و استفاده از فضای مجازی) از یک سو و ترس از جرم از سوی دیگر، رابطه معناداری وجود ندارد- اگرچه بین استفاده از مجموع این رسانه‌ها و ترس از جرم رابطه معنادار ضعیفی وجود دارد.

کاتفورد (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه رسانه و امنیت اجتماعی می‌پردازد و در آن دلایل استفاده از رسانه‌های همگانی در حوزه امنیت را بر می‌شمارد. وی در این پژوهش بیان می‌کند که رسانه‌ها، راهی موثر برای آموزش گروه‌های بزرگ جمعیتی هستند که تمام افراد جامعه و حتی اقشار پنهان را پوشش می‌دهند. همچنین، رسانه‌ها بر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، تأثیر واقعی اجتماعی، لایه‌های زیادی را به دور هسته اصلی خود در بر گرفته است.

اولایولا (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "رسانه و امنیت در نیجریه" بر این باور است که اگر نظام‌های سیاسی یا دولت‌ها بتوانند اخبار را همان‌طوری که در محیط اتفاق افتاده‌اند درست و به موقع پوشش دهند، می‌توانند باعث افزایش امنیت مردم شوند.

چارچوب نظری پژوهش

گیدنز بر این باور است که برای درک ضرورت توجه به امنیت باید به سیمای مخاطره‌آمیز بودن جامعه مدرنیته به دقت توجه کرد- وی این سیما را "جهانی‌شدن مخاطرات" نامیده است. این خطرات- مانند تقسیم کار جهانی- در سرتاسر جهان افراد را تحت تأثیر خود قرار داده و بر سرنوشت تمام افراد جهان اثرگذار است. با توجه به این مسئله، امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله کرده یا به حداقل رسانده باشد. تجربه امنیت، به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به مجموعه‌هایی از آدم‌ها تا به مرز امنیت جهانی یا به افراد ارتباط داشته باشد. به این ترتیب، گیدنز مصونیت در برابر خطر را امنیت تعریف کرده است. در نظر گیدنز، خطر و امنیت دو روی سکه را تشکیل می‌دهند؛ به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است، خطر رخت بر بسته است و برعکس زمانی که با خطر دست و پنجه نرم می‌کنیم، امنیت مخشوش و پنهان است (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۰). گیدنز در بحث امنیت اشاره به مفهوم امنیت وجودی می‌کند. امنیت وجودی عبارت از ایمن بودن یعنی در

اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاهی عملی برای بعضی پرسش‌های وجودی بنیادین که همه آدمیان طی عمر خود به نحوی مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر، این اصطلاح به اطمینانی برمی‌گردد که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و تداوم محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۱۰). امنیت وجودی که ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی‌شناسی فرد را سامان می‌بخشد، پایه و بنیان وجود آدمی را در می‌نوردد و به اعتقاد گیدنز برخورداری از چنین امنیتی، تکیه‌گاه و بنیان سایر وجوه امنیت را تشکیل خواهد داد. داشتن شخصیت و هویتی استوار و بدون تزلزل، شرط اول برای مقابله با سایر خطرات خواهد بود و برعکس شخصیتی مضطرب و مشوش با وجود شرایط متقن و مطمئن از آرامش و اعتماد بی‌بهره است.

از مفهوم‌سازی‌های دیگری که در حوزه امنیت صورت گرفته است، تقسیم‌بندی چهار بعدی چلبی (۱۳۸۹: ۶۳) از امنیت می‌باشد. او معتقد است که چهار علقه عمده‌ای که از یکدیگر قابل تمیز هستند عبارت‌اند از: علقه شناختی، مادی، اجتماعی و امنیتی. برای علقه امنیتی می‌توان چهار بعد اساسی قائل شد، شامل امنیت مالی، جانی و بهداشتی، جمعی و گروهی و فکری (نویدینا، ۱۳۸۲: ۷۶). چلبی ناامنی را ناشی از تضعیف اعتماد اجتماعی فرض می‌کند که خود ریشه در سیاسی‌ساز شدن نظم اجتماعی دارد. از دیدگاه وی، در صورتی که ابعاد اجتماعی - فرهنگی نظام اجتماعی در جامعه‌ای ضعیف شود - یعنی ضعف در اجتماع عام یا وفای اجتماعی عام - به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در تمام سطوح، براساس سوگیری عاطفی و خاص‌گرا به صورت دوست و دشمن تعریف می‌شود و همین‌طور میزان اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته، تضعیف گشته و علقه امنیتی آنان گسسته می‌شود. در چنین وضعیتی، افراد و گروه‌ها احساس امنیت مالی، جانی و فکری نمی‌کنند (رستگارخالد و محمدیان، ۱۳۹۲: ۶۰-۵۹).

در دوره بعد از جنگ سرد، مطالعه‌های علمی بر روی امنیت، یک رویکرد جامعه‌شناسانه‌تر نسبت به قبل اتخاذ کرد. مکتب کپنهاگ در سال ۱۹۹۳ به تبعیت از این رویکرد، مفهومی نوین از امنیت اجتماعی ارائه نمود (نویدینا، ۱۳۸۸: ۱۵). مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی بر آثار و نقطه‌نظرات باری بوزان، ویور، دوپلد و برخی دیگر اطلاق کرده است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۲: ۳۲). اندیشمندان مکتب یاد شده، امنیت را به تهدیدهای هویت واحدهای مورد نظر (گروه‌های قومی و غیره) ربط می‌دهند و آن را به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، و هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول ارجاع می‌دهند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). به‌طور کلی در این تعریف، امنیت دربرگیرنده "هویت" است. جامعه‌ای که هویتش را از دست می‌دهد، دیگر قار نخواهد بود که به‌طور قائم به ذات ادامه حیات دهد (وروستیک، ۲۰۰۲: ۲).

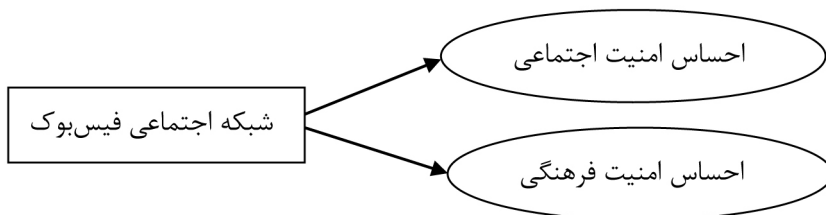
مطابق با دیدگاه نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ، امنیت نباید به معنای نبود تهدید سنتی تلقی شود، بلکه امنیت ابعادی مختلف همچون مسائل اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیست و رفاه اقتصادی دارد. این مکتب با توجه به رهیافتی نوین در در مطالعه‌های امنیتی و تلاش برای خارج شدن از دایره تنگ نظامی، به نقطه‌نظر کسانی که امنیت را تک‌بعدی و در بعد نظامی می‌دانستند نقد وارد می‌کند و امنیت را فراگیر و چندبعدی معرفی می‌نماید (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۵۰). اعضای مکتب کپنهاگ معتقدند که زبان، تاریخ و فرهنگ و حتی نژاد و مرزهای سیاسی در تعیین هویت مهم هستند. ذکر این نکته نیز ضروری است که نظریه‌ها پیرامون ماهیت امنیت، در بستر دو گفتمان سلبی و ایجابی یا گفتمان سنتی و مدرن طرح شده‌اند که هر یک بر وجه خاصی از امنیت نظر دارند (نویدینا، ۱۳۸۸: ۲۵). امنیت در هر دو بعد، با مجموعه‌ای از خطرها و تهدیدها مواجه است که برای از بین بردن یا به حداقل رساندن صدمه‌ها و مخاطره‌های پیش آمده، نیازمند توانمندی و قدرت است؛ اما از آن‌جا که نوع خطرها در وجه سلبی امنیت به بقا و حیات معطوف است، با نوع خطرها در وجه ایجابی که ناظر به

کیفیت زندگی هستند، متفاوت خواهد بود (رستگارخالد و محمدیان، ۱۳۹۲: ۶۲). بوزان نیز به عنوان یکی از صاحب‌نظران مکتب کپنهاگ، امنیت را دارای دو بعد عینی و ذهنی می‌داند. امنیت در مفهوم عینی به فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از این که چنین ارزش‌هایی مورد هجوم قرار خواهند گرفت، اشاره دارد (مولر، ۲۰۰۰: ۱).

از آن‌جا که اصولاً امنیت اجتماعی و فرهنگی به الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت دینی و قومی و رسوم مربوط می‌شود، این ارزش‌ها اغلب در داخل کشورها مورد تهدید قرار می‌گیرد، ولی امروزه با توجه به جهانی شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌بینیم که این روند تشدید شده است؛ یعنی بازیگران فرامرزی از طریق وسایل ارتباطی مدرن به این تفاوت‌ها و اختلاف‌های قومی، مذهبی و فرهنگی دامن زده‌اند و از آن‌جایی که افزون بر تهدید سنتی که بیشتر ماهیت نظامی داشت، تهدیدهای اقتصادی، زیست‌محیطی و منابع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گسترش یافته است (راجرز، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۱). ما شاهد از هم گسیختگی درونی، گرایش افراطی به غیر خود و خودکم‌بینی در افراد هستیم که در اثر جهانی شدن فرهنگی است و باعث سلب اعتماد و امنیت می‌گردد (عبوضی، ۱۳۸۵: ۹۵). بنابراین در نتیجه تحول فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات همچون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه شبکه‌ای، منابع اطلاع‌رسانی متنوع و متعدد به صورت مستقل و آزادانه در اختیار افراد قرار گرفته و این باعث ارتباط انسان‌ها به صورت فرامرزی می‌شود و به دنبال آن شکل‌گیری مبنای جدیدی از هویت را شاهدیم (غفاری و لعل‌علیزاده، ۱۳۹۰: ۲۰۱) که چه بسا این مسئله باعث تضعیف هویت و فرهنگ دینی، ملی و خودی و گسترش فرهنگ غربی و بی‌دینی می‌گردد. از این رو، احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی را تضعیف می‌کند.

در عصر حاضر، عوامل متعددی احساس امنیت را به خطر انداخته‌اند و از جمله آن‌ها رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌باشند. شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله مهم‌ترین این رسانه‌ها می‌باشند که احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی را دچار اختلال می‌کنند؛ چنان که که رسانه‌های نوین به عنوان ابزاری که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر روی هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ و هویت افراد تأثیر می‌گذارند، می‌توانند عامل خطری برای امنیت هویتی، فرهنگی، اجتماعی و ارزش‌های جامعه باشند. در واقع، مطابق با دیدگاه گیدنز می‌توان نتیجه گرفت که شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله مظاهر جامعه مدرن امروزی هستند که علاوه بر مزایای غیرقابل انکار، در بسیاری موارد امنیت وجودی را به خطر انداخته‌اند و تا حدی باعث تقویت محیط مخاطره‌آمیز در فضای مجازی و به تبع آن کاهش احساس امنیت اجتماعی و فرهنگی در معنایی که صاحب‌نظران مکتب کپنهاگ به کار می‌بردند، شده‌اند (رستگارخالد و محمدیان، ۱۳۹۲: ۶۴).

شکل ۱: مدل نظری پژوهش



فرضیه های پژوهش

در مجموع با تکیه بر پیشینه تجربی، چارچوب نظری و مدل نظری پژوهش می توان فرضیه های زیر را طرح نمود:

- بین مدت زمان عضویت در فیس بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان استفاده از فیس بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین نوع استفاده از فیس بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

از آن جا که فضای مجازی دارای مکان خاصی در دنیای واقعی نیست و فضایی بین رایانه ای و مجازی است و با لحاظ کردن این نکته که دسترسی به کاربران متنوع و متفاوت شبکه اجتماعی فیس بوک عملاً در دنیای واقعی به علت پراکندگی جغرافیایی آنان امکان پذیر نمی باشد و اصولاً مطالعه یک کاربر شبکه اجتماعی فیس بوک در فضای کاربری و در محیط مورد مطالعه، مناسب تر و پربازده تر است، در این پیمایش از تکنیک پرسش نامه اینترنتی استفاده شده است. جمعیت آماری این پیمایش نیز شامل کلیه جوانان کاربر شبکه اجتماعی فیس بوک شهر تبریز در سال ۱۳۹۵ است. در پیمایش فوق به علت موجود و در دسترس نبودن هیچ گونه چارچوب نمونه گیری مشخص و پراکندگی جمعیت آماری مورد نظر، از نمونه گیری غیر احتمالی با استفاده از نمونه های در دسترس و داوطلبانه استفاده شده است. در واقع، پرسش نامه این پژوهش در ابتدا برای نزدیک به دوهزار نفر از جوانان کاربر شبکه اجتماعی فیس بوک شهر تبریز فرستاده شد و در مرحله بعد، از پرسش نامه های بازگشته و تکمیل شده توسط کاربران، با توجه به تعریف جمعیت آماری پژوهش و پس از حذف پرسش نامه های مشکل دار در نهایت ۳۸۴ پرسش نامه مورد ارزیابی و بهره برداری نهایی قرار گرفت. لازم به توضیح است که این حجم نمونه با توجه به عدم اطلاع درست از تعداد واقعی جمعیت آماری مورد مطالعه و متعاقب آن عدم امکان استفاده از فرمول های رایج تعیین حجم نمونه، به طور تجربی و با عنایت به حجم نمونه در پژوهش های مشابه انتخاب شده است.

مفاهیم و متغیرهای پژوهش

شبکه های اجتماعی مجازی

خدمات آنلاین هستند که به افراد اجازه می دهند در یک سیستم مشخص و معین پروفایل شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعات شان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند. از این طریق افراد می توانند ارتباط شان با دیگران را حفظ کنند و همچنین ارتباط های اجتماعی جدیدی را شکل دهند (بوید و الیسون، ۲۰۰۷: ۱۲). در واقع، شبکه های اجتماعی اینترنتی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده است. به طور کلی، از طریق اطلاعاتی که بر روی پروفایل افراد قرار می گیرد مانند عکس کاربر، اطلاعات شخصی و علایق - که همه این ها اطلاعاتی را پیرامون هویت فرد فراهم می آورد - برقراری ارتباط تسهیل می گردد. کاربران می توانند پروفایل های دیگران را ببینند و از طریق برنامه های کاربردی مختلف مانند ایمیل و چت با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (پمپک و همکاران، ۲۰۰۹: ۲۲۸). برای عملیاتی کردن متغیر شبکه اجتماعی فیس بوک از معرف های زیر استفاده شده است:

مدت زمان عضویت در فیس‌بوک: عبارت است از مدت زمانی که فرد به عضویت فیس‌بوک در آمده است. در پژوهش حاضر مدت زمان عضویت کاربران در فیس‌بوک در پنج طبقه: ۱- کمتر از شش ماه، ۲- از شش ماه تا کمتر از یک سال، ۳- از یک سال تا کمتر از دو سال، ۴- از دو سال تا کمتر از سه سال، ۵- از سه سال تا بیشتر، دسته‌بندی شده است.

میزان استفاده از فیس‌بوک: عبارت است از مدت زمانی از شبانه‌روز که فرد از فیس‌بوک استفاده می‌کند. در پژوهش حاضر میزان دسترسی کاربران به فیس‌بوک در شش طبقه: ۱- کمتر از پانزده دقیقه، ۲- بین پانزده دقیقه تا نیم ساعت، ۳- بیشتر از نیم ساعت تا کمتر از یک ساعت، ۴- از یک ساعت تا کمتر از دو ساعت، ۵- از دو ساعت تا کمتر از سه ساعت و ۶- از سه ساعت تا بیشتر، دسته‌بندی شده است.

نوع استفاده از فیس‌بوک

به میزان علاقه، نیاز و شرایطی اطلاق می‌شود که کاربران را به استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک سوق می‌دهد. در پژوهش حاضر، تفاوت در نیازها، اهداف و انگیزه‌های افراد در استفاده از فیس‌بوک در دو نوع جهت‌گیری به شرح ذیل منعکس می‌شود:

جهت‌گیری هدف‌مند: این نوع جهت‌گیری به رفتار رسانه‌ای فعال و هدفمند اشاره می‌کند که به انتخاب و استفاده از محتوای رسانه برای هدف خشنودی نیازهایی مانند برقراری ارتباط با دوستان، آشنایان و همکلاسی‌ها، پیدا کردن دوستان دوران کودکی و قدیمی، پیدا کردن دوستان جدید (دوست‌یابی)، تشکیل گروه و شرکت در بحث‌های گروهی، بیان احساسات و افکار خود، به اشتراک‌گذاری عکس، ویدئو و غیره با دیگران منجر می‌شود.

جهت‌گیری غیرهدف‌مند: این نوع جهت‌گیری به رفتار رسانه‌ای اشاره می‌کند که کمتر هدفمند و فعال است و برای تفریح و سرگرمی (بازی‌های آنلاین)، و دیدن صفحات و ویدئوهای غیراخلاقی به کار می‌رود. واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک از دید کاربران

به میزان شناخت و اعتقاد کاربران نسبت به صحت محتوای مطالب مورد استفاده در شبکه اجتماعی فیس‌بوک اطلاق می‌شود. در پژوهش حاضر برای سنجش واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک از معرف‌های زیر استفاده می‌شود:

اعتقاد کاربران نسبت به صحت و درستی اخبار و اطلاعات فیس‌بوک؛

میزان اعتماد و خوش‌بینی کاربران نسبت به محتوای مطالب فیس‌بوک در مقایسه با رسانه‌های داخلی؛

اعتبار و مقبولیت پیام‌رسانان فیس‌بوک از دید کاربران.

احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی

احساس امنیت فرهنگی، فقدان ترس از هجمه‌ها و حلقه‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار می‌دهد (صالحی‌امیری و افشاری‌نادری، ۱۳۹۰: ۵۴). احساس امنیت اجتماعی به معنای فقدان هراس از این‌که ارزش‌های انسانی مورد هجوم قرار گیرد یا به مخاطره نیفتد و به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع، اطمینان و آرامش قلب و خاطر جمع بودن است (لی و لین، ۲۰۱۶).

در پژوهش حاضر، متناسب با چارچوب و تعریف نظری ارائه شده، دو بعد امنیت هویتی (هویت ملی و هویت دینی) و دفاع از ارزش‌ها (ارزش‌های خانوادگی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی) برای سنجش احساس امنیت فرهنگی در نظر گرفته شده و برای سنجش احساس امنیت اجتماعی از سه بعد امنیت هویتی، امنیت فکری و جمعی استفاده شده است. گویه‌های متغیر احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی به تفکیک هر یک از ابعاد در جدول ۱ ارائه شده است.

همچنین جهت تأمین اعتبار طیف‌های به کار رفته در سنجش متغیرها از اعتبار محتوایی و هم چنین اعتبار صوری استفاده شده است؛ بدین صورت که هر متغیر با استفاده از تعاریف نظری موجود و سازه‌های نظری به صورت یک سازه عملیاتی مفهوم‌بندی شده است (اعتبار محتوایی). همچنین، پرسشنامه پس از طراحی توسط دو نفر از اساتید جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد تأیید قرار گرفته است (اعتبار صوری). به منظور دستیابی به پایایی نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای تمام متغیرها میزان آلفا بیش از ۰/۷۰ به دست آمد. این محاسبات در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: گویه‌های سنجش احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی به تفکیک ابعاد آن

متغیر	بعد	مولفه	معرف	آلفای کرونباخ
احساس امنیت فرهنگی	هویت ملی	هویت ملی	علاقه به موسیقی ایرانی، علاقه به فیلم ایرانی، علاقه به برنامه های تلویزیونی ایرانی، علاقه به برنامه های رادیویی ایرانی، علاقه به لباس ایرانی، علاقه به غذای ایرانی، رفتن به رستوران‌های غذای ایرانی، علاقه و افتخار به خط و زبان فارسی، علاقه به آثار ادبی ایرانی، علاقه و افتخار به آداب و رسوم ایرانی، تعلق خاطر به نمادها و اسطوره‌های ملی، آشنایی با میراث فرهنگی، توجه و اهمیت به معماری ایرانی، افتخار به ایرانی بودن	۰/۹۰
		هویت دینی	اعتقاد به وحدانیت خداوند، اعتقاد به عالم برزخ و قیامت، احساس غرور و رضایت از مسلمان بودن، تعلق خاطر به نمادهای اسلامی، اعتقاد به کفایت دین در اداره امور اجتماعی، رفتن به مسافرت های مذهبی، شرکت در مناسک و شعائر دینی	۰/۸۸
	رفتار ارزش‌آزاد	ارزش‌های خانوادگی	احترام به پدر و مادر، تمایل برای تشکیل خانواده، احترام به بزرگترها، تلاش برای تأمین رفاه خانواده، سپری کردن وقت با خانواده	۰/۷۱
		ارزش‌های مذهبی	اهمیت ایمان به خدا، داشتن صبر در امورات زندگی، متعصب بودن به ارزش‌های دینی، شخص با تقوا بودن، به خطر انداختن جان خود برای دین، اهمیت فروتنی در زندگی، اهمیت روزی حلال	۰/۷۷
		ارزش‌های اجتماعی	اهمیت امانت‌داری، توجه به مهربانی در زندگی، اهمیت صداقت در زندگی، توجه به مسئولیت‌پذیری، اهمیت گذشت در زندگی، اهمیت اعتماد در زندگی، اهمیت و اجرای عدالت برای فرد	۰/۷۰
		ارزش‌های فرهنگی	اهمیت تحصیلات در زندگی، اهمیت داشتن تناسب بدنی، تلاش برای زیباتر ساختن شهرها و مناطق روستایی، پیشرفت به سوی جامعه‌ای کمتر انتزاعی و انسانی‌تر، توجه افراد جامعه به سلامت روانی، اهمیت شجاعت در زندگی	۰/۷۳

۰/۷۸	احساس می‌کنم شخص با ارزشی هستم. با صراحت عقاید و دیدگاه‌هایم را مطرح می‌کنم. اطمینان دارم از پس مشکلاتی که برایم پیش می‌آید، برمی‌آیم. به طور کلی، از خودم راضی هستم. صحبت کردن در جمع برایم مشکل می‌باشد. در بیشتر موارد احساس بی‌مصرفی و پوچی می‌کنم. هر وقت به هدفم نرسم امیدم را از دست می‌دهم. احساس می‌کنم زندگی‌مان دارای هدف است. این باورها و ارزش‌های من است که به زندگی من معنا بخشیده است. در مواجهه با مشکلات، می‌توانم احساسات خودم را مدیریت کنم.	۱ ۲ ۳	۱ ۲ ۳ ۴ ۵
۰/۸۰	در جامعه ما افراد به راحتی افکار و عقایدشان را بیان می‌کنند. در جامعه ایران افراد از آزادی مذهب و اعتقاد برخوردارند. در ایران همه افراد اعم از موافق و مخالف از آزادی قلم و بیان برخوردارند. فضای نامناسب جامعه باعث شده است که دغدغه زیادی فکری داشته باشیم. در ابراز افکار و عقاید احساس نگرانی می‌کنم. شرایط جامعه ما طوری است که به ندرت می‌توانم در کارهایم تمرکز داشته باشم.	۱ ۲ ۳	
۰/۷۵	این روزها شرایط به گونه‌ای شده که شما حتی نمی‌توانید به دوستان خود نیز اعتماد کنید. الان وضع طوری شده که آدم نباید به غیر از خودش به کسی فکر کند. در جامعه ما هر کس باید به فکر خودش باشد و سرنوشت دیگران نباید برایش مهم باشد. در جامعه ما افراد می‌توانند با هر کسی که دوست دارند مرادوه اجتماعی داشته باشند. در شرایط کنونی جامعه ما، مردم بیشتر به فکر سواستفاده از همدیگر هستند. کارهای گروهی و جمعی را بر کارهای فردی ترجیح می‌دهم.	۱ ۲ ۳	

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی حاکی از آن است که از نظر جنس، ۵۸ درصد پاسخگویان زن و ۴۲ درصد مرد می‌باشند. از نظر گروه‌بندی سنی، پاسخ‌گویان در بازه سنی ۱۹ تا ۳۳ سال قرار دارند و میانگین سنی این افراد حدود ۲۷ می‌باشد. همچنین، از نظر سطح تحصیلات ۲۰ درصد دیپلم، ۲۳ درصد کاردانی، ۳۷ درصد کارشناسی، ۲۰ درصد کارشناسی‌ارشد و دکتری هستند. علاوه بر این، ۳۵ درصد پاسخگویان متأهل و ۶۵ درصد نیز مجرد بودند.

سایر یافته‌های توصیفی بیانگر آن است که از نظر مدت زمان عضویت در فیس‌بوک ۱۵ درصد پاسخگویان کمتر از شش ماه، ۲۰ درصد از شش ماه تا کمتر از یک سال، ۲۵ درصد از یک سال تا کمتر از دو سال، ۱۹ درصد از دو سال تا کمتر از سه سال و ۲۱ درصد نیز از سه سال بیشتر عضو فیس‌بوک بودند. همچنین، از نظر میزان استفاده، ۴ درصد کمتر از پانزده دقیقه، ۱۵ درصد بین پانزده دقیقه تا نیم ساعت، ۲۱ درصد بیشتر از نیم ساعت تا کمتر از یک ساعت، ۳۰ درصد از یک ساعت تا کمتر از دو ساعت، ۱۷ درصد از دو ساعت تا کمتر از سه ساعت و ۱۳ درصد نیز از سه ساعت تا بیشتر از فیس‌بوک در طول روز استفاده می‌کنند. علاوه بر این، در بین پاسخگویان، به ترتیب ۲۷/۶ درصد دارای میزان مشارکت و فعالیت پایین، ۵۱/۷ درصد دارای میزان مشارکت و فعالیت متوسط و ۲۰/۸ درصد نیز دارای مشارکت و فعالیت بالا در استفاده از فیس‌بوک بودند. علاوه بر این، از میان کاربران مورد مطالعه، به ترتیب ۷/۴ درصد محتوای مطالب ارائه شده در فیس‌بوک را در سطح پایین، ۶۹ درصد محتوای این شبکه را متوسط و ۲۳/۶ درصد نیز محتوای مطالب فیس‌بوک را در سطح

بالا واقعی ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۲ توزیع فراوانی نوع استفاده از فیس‌بوک را نشان می‌دهد. نتایج این جدول نشانگر این است که میزان استفاده غیرهدفمند از فیس‌بوک با میانگین $2/78$ اندکی بیشتر از استفاده هدفمند از فیس‌بوک با میانگین $2/72$ می‌باشد. به طور کلی، نوع استفاده از فیس‌بوک با میانگین $2/75$ در حد متوسطی قرار دارد.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصدی نوع استفاده از فیس‌بوک

نوع استفاده از فیس‌بوک	جهت‌گیری غیرهدفمند	جهت‌گیری هدفمند		
۱۶۲	۱۲۶	۱۲۰	فراوانی	پایین
۴۲/۲	۳۲/۸	۳۱/۲	درصد	
۱۰۲	۱۸۶	۲۰۴	فراوانی	متوسط
۲۶/۶	۴۸/۴	۵۳/۱	درصد	
۱۲۰	۷۲	۶۰	فراوانی	بالا
۳۱/۲	۱۸/۸	۱۵/۶	درصد	
۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
۲/۷۵	۲/۷۸	۲/۷۲		میانگین
۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۵۴		انحراف معیار

در جدول ۳ میزان متغیرهای احساس امنیت اجتماعی و فرهنگی و شاخص‌های آنها، قابل مشاهده است. بر اساس اطلاعات این جدول مشاهده می‌شود که میانگین احساس امنیت اجتماعی پاسخ‌گویان (با میانگین $2/97$) کمی بیشتر از احساس امنیت فرهنگی آنها (با میانگین $2/90$) می‌باشد و هر دو میانگین در حد متوسط قرار دارند. با توجه به نتایج این جدول، $31/2$ درصد از پاسخگویان در حد پایین، $37/5$ درصد در حد متوسط و $31/2$ درصد در حد بالا از احساس امنیت اجتماعی برخوردارند. در متغیر احساس امنیت فرهنگی، $23/4$ درصد از پاسخگویان در حد پایین، $40/6$ درصد در حد متوسط و $35/9$ درصد در حد بالا از احساس امنیت فرهنگی برخوردارند.

جدول ۳: میزان احساس امنیت اجتماعی و فرهنگی افراد و شاخص های آن بر حسب فراوانی و درصد

احساس امنیت فرهنگی	دفاع از ارزش‌ها	هویت ملی	هویت دینی	احساس امنیت اجتماعی	امنیت جمعی	امنیت فکری	امنیت هویتی		
۹۰	۵۴	۳۶	۱۸۰	۱۲۰	۱۰۲	۱۱۴	۶۰	فراوانی	پایین
۲۳/۴	۱۴/۱	۹/۴	۴۶/۹	۳۱/۲	۲۶/۶	۲۹/۷	۱۵/۶	درصد	
۱۵۶	۲۲۲	۱۸۶	۱۷۴	۱۴۴	۱۸۰	۱۵۶	۱۰۸	فراوانی	متوسط
۴۰/۶	۵۷/۸	۴۸/۴	۴۵/۳	۳۷/۵	۴۶/۹	۴۰/۶	۲۸/۱	درصد	
۱۳۸	۱۰۸	۱۶۲	۳۰	۱۲۰	۱۰۲	۱۱۴	۲۱۶	فراوانی	بالا
۳۵/۹	۲۸/۱	۴۲/۲	۷/۸	۳۱/۲	۲۶/۶	۲۹/۷	۵۶/۲	درصد	
۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
۲/۹۰	۲/۹۱	۳/۲۷	۲/۶۱	۲/۹۷	۲/۹۳	۲/۶۳	۳/۳۶	میانگین	
۰/۲۶	۰/۵۶	۰/۵۰	۰/۵۹	۰/۲۹	۰/۵۵	۰/۵۷	۰/۳۶	انحراف معیار	

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، پژوهش حاضر دارای ۴ فرضیه بود که به منظور بررسی صحت و سقم این فرضیه‌ها از آزمون‌های آماری مختلفی استفاده شد که در این قسمت، به آن‌ها پرداخته می‌شود.

فرضیه اول: بین مدت زمان عضویت در فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه از آزمون پیرسون استفاده شد. در جدول ۴ در هر مورد مقدار آماره آزمون و سطح معناداری نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود بین مدت زمان عضویت در فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی همبستگی معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش مدت زمان عضویت در فیس‌بوک، احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی کاربران تضعیف می‌شود. بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود.

فرضیه دوم: بین میزان استفاده از فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج آزمون پیرسون در جدول ۴ نشان می‌دهد که بین میزان استفاده از فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان استفاده از فیس‌بوک، احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی کاربران کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: بین نوع استفاده از فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه بدان معناست که هر چقدر نوع استفاده کاربران از فیس‌بوک هدفمند باشد، احتمال تأثیرپذیری احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی آن‌ها بیشتر است و بر عکس هر چه نوع استفاده کاربران از فیس‌بوک غیرهدفمند باشد، احتمال تأثیرپذیری احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی آن‌ها کمتر خواهد بود. نتایج آزمون

پیرسون در جدول ۴ نشان می‌دهد که بین استفاده هدف‌مند از فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه معکوسی وجود دارد، اما بین استفاده غیرهدف‌مند از فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود.

فرضیه چهارم: بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که بین واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی همبستگی معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک، احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی کاربران کاهش می‌یابد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

جدول ۴: آزمون فرضیه‌های پژوهش

رابطه متغیرهای مستقل و احساس امنیت اجتماعی	نوع آزمون	مقدار آماره (sig)	نتیجه فرضیه	رابطه متغیرهای مستقل و احساس امنیت فرهنگی	نوع آزمون	مقدار آماره (sig)	نتیجه فرضیه
مدت زمان عضویت در فیس‌بوک و احساس امنیت اجتماعی	پیرسون	-۰/۲۵ (۰/۰۳۳)	تایید	مدت زمان عضویت در فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی	پیرسون	-۰/۲۷ (۰/۰۰۰)	تایید
میزان استفاده از فیس‌بوک و احساس امنیت اجتماعی	پیرسون	-۰/۲۸ (۰/۰۰۴)	تایید	میزان استفاده از فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی	پیرسون	-۰/۳۰ (۰/۰۰۰)	تایید
استفاده هدف‌مند از فیس‌بوک و احساس امنیت اجتماعی	پیرسون	-۰/۳۵ (۰/۰۰۱)	تایید	استفاده هدف‌مند از فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی	پیرسون	-۰/۳۷ (۰/۰۰۰)	تایید
استفاده غیرهدف‌مند از فیس‌بوک و احساس امنیت اجتماعی	پیرسون	-۰/۱۱ (۰/۱۱۲)	رد	استفاده غیرهدف‌مند از فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی	پیرسون	-۰/۰۹ (۰/۲۱۴)	رد
واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک و احساس امنیت اجتماعی	پیرسون	-۰/۳۱ (۰/۰۴۲)	تایید	واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی	پیرسون	-۰/۳۳ (۰/۰۰۰)	تایید

در ادامه به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته به تحلیل رگرسیونی پرداخته می‌شود. جدول ۵، مدل رگرسیونی چند متغیره احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی را نشان می‌دهد. اطلاعات مندرج در این جدول نشان می‌دهد همبستگی چندگانه معادل ۳۵ درصد محاسبه شده و گویای این مطلب است که متغیرهای مدت زمان عضویت، میزان استفاده، نوع استفاده و واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک به طور همزمان ۳۵ درصد با احساس امنیت اجتماعی ارتباط دارند. ضریب تعیین نیز

۱۲ درصد محاسبه شده است؛ به این معنی که حدود ۱۲ درصد از تغییرات احساس امنیت اجتماعی توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول ۵ نشان می‌دهد که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر احساس امنیت اجتماعی به ترتیب متغیرهای نوع استفاده از فیس‌بوک ($\beta = 0/14$)، میزان استفاده از فیس‌بوک ($\beta = 0/12$)، مدت زمان عضویت در فیس‌بوک ($\beta = 0/11$) و واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک ($\beta = 0/10$) می‌باشند.

همچنین، همبستگی چندگانه معادل ۴۳ درصد محاسبه شده که گویای این مطلب است که متغیرهای مدت زمان عضویت، میزان استفاده، نوع استفاده و واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک به طور همزمان ۴۳ درصد با احساس امنیت فرهنگی ارتباط دارند. ضریب تعیین نیز ۱۶ درصد محاسبه شده است؛ به این معنی که حدود ۱۶ درصد از تغییرات احساس امنیت فرهنگی توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. ضرایب تأثیر استاندارد موجود در جدول ۵ نشان می‌دهد که قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر احساس امنیت فرهنگی به ترتیب متغیرهای، مدت زمان عضویت در فیس‌بوک ($\beta = 0/19$)، میزان استفاده از فیس‌بوک ($\beta = 0/18$)، نوع استفاده از فیس‌بوک ($\beta = 0/17$) و واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک ($\beta = 0/13$) می‌باشند.

جدول ۵: مدل تحلیل رگرسیونی متغیرهای مستقل برای احساس امنیت اجتماعی و فرهنگی

متغیرهای وابسته	متغیرهای مستقل	B	Beta	T	Sig	R	R ^۲	F	Sig
احساس امنیت فرهنگی	میزان استفاده از فیس‌بوک	-۰/۰۲	-۰/۱۲	-۲/۱۶	۰/۰۳۱	۰/۳۵	۰/۱۲	۱۵/۳	۰/۰۰۰
	مدت زمان عضویت در فیس‌بوک	-۰/۰۳	-۰/۱۱	-۲/۰۸	۰/۰۳۸				
	نوع استفاده از فیس‌بوک	-۰/۰۳	-۰/۱۴	-۲/۸۵	۰/۰۰۰				
	واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک	-۰/۰۳	-۰/۱۰	-۱/۹۹	۰/۰۴۵				
احساس امنیت اجتماعی	میزان استفاده از فیس‌بوک	-۰/۰۵	-۰/۱۹	-۳/۹۶	۰/۰۰۰	۰/۴۳	۰/۱۶	۲۱/۲	۰/۰۰۰
	مدت زمان عضویت در فیس‌بوک	-۰/۰۶	-۰/۱۸	-۳/۵۹	۰/۰۰۰				
	نوع استفاده از فیس‌بوک	-۰/۰۵	-۰/۱۷	-۳/۴۷	۰/۰۰۱				
	واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک	-۰/۰۶	-۰/۱۳	-۲/۴۹	۰/۰۱۰				

بحث و نتیجه گیری

امنیت در هر جامعه‌ای از اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی است که افراد جامعه باید از آن برخوردار باشند. امنیت، احساس آرامش و اطمینان همه‌جانبه به حال و آینده است؛ به نحوی که نگرانی نسبت به هیچ اموری وجود نداشته باشد. عوامل و زمینه‌های متعددی در شکل‌گیری و ایجاد آن نقش ایفا می‌کنند که فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همچون شبکه‌های اجتماعی مجازی به عنوان یکی از عوامل موثر بر آن، در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. نقش رسانه‌ها در شرایط کنونی در شکل‌دهی به گفتار، کردار، پندار، رفتار عموم مردم و انطباق یا عدم انطباق الگوهای رفتاری افراد یا هنجارهای اجتماعی غیرقابل انکار است. از طرفی، نقش رسانه‌ها در شکل‌دهی به واکنش اجتماعی و نوع نگاه جامعه به هویت، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و میزان احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی انکارناشدنی است.

یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین مدت زمان عضویت در فیس‌بوک، میزان استفاده از فیس‌بوک، نوع استفاده از فیس‌بوک و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی همبستگی معکوسی وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان متغیرهای یاد شده در کاربران، میزان احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی آنها کاهش پیدا می‌کند. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش جان‌پرو و حیدری (۱۳۹۰)، رستگارخالد و محمدیان (۱۳۹۲) و هاشمیان‌فر و همکاران (۱۳۹۲) است که نشان دادند بین استفاده از رسانه‌های خارجی همچون اینترنت و احساس امنیت رابطه معکوسی وجود دارد. در تحلیل این یافته می‌توان گفت گسترش و توسعه روزافزون رسانه‌های نوین، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، بیش از آن‌که در راستای تامین امنیت ملی، اجتماعی، فرهنگی و منافع ملی باشد، به نوعی تهدید علیه دولت، باورها و ارزش‌های خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، هویت دینی، هویت ملی و فرهنگی است، زیرا از یک‌سو به سایر کنشگران، توانایی لازم برای تاثیرگذاری بر بخش‌های مختلف داخلی و خارجی یک دولت را می‌دهند و از طرف دیگر، دولت دیگر کنترل انحصاری بر اطلاعات و اخبار را ندارد و در کنار دولت، سایر بازیگران نیز وارد عرصه اطلاعاتی و ارتباطی شده‌اند. از همین روی، وقتی بیگانگان از طریق فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات، قصد نفوذ بر افکار و فرهنگ ملی کشوری را دارند، در واقع اقتدار و امنیت آن کشور را هدف قرار داده‌اند و از طریق شیوه‌ای کاملاً نرم‌افزاری به اهداف خود می‌رسند (صادقیان، ۸۸۳۱: ۶۶۱)، بدین‌سان با ضربه زدن بر پیکره روانی و هویت یک جامعه و با نشر اطلاعاتی که در راستای منافع خودشان قرار دارد و با برجسته سازی و بزرگ‌نمایی اخبارهای گلچین‌شده، به احساس ناامنی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دامن می‌زنند.

همچنین می‌توان گفت که با گسترش روزافزون رسانه‌های نوین، به‌ویژه در جوامع در حال گذار، روند نوسازی به تضعیف پیوندهای سنتی می‌انجامد. این رسانه‌های نوین می‌توانند در نگرش‌ها و رفتار شهروندان تاثیر بگذارند و باعث کاهش همدلی، احساس تعلق ملی، دینی، فرهنگی، انسجام اجتماعی و احساس امنیت فرهنگی و اجتماعی شوند. این‌گله‌ها با طرح مفهوم انقلاب خاموش، بر این باور است که ورود سریع ارزش‌ها و ایده‌های جدید از طریق فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند گسست‌های جدی در مبانی هویتی جامعه ایجاد کند.

علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش با آن‌چه در زمینه همسان‌سازی فرهنگ کشورهای جهان سوم با کشورهای غربی صورت می‌گیرد همخوانی دارد. از آن‌جا که اداره‌کنندگان رسانه‌های نوین عمدتاً کشورهای توسعه‌یافته غربی هستند، تعجبی هم ندارد که رسانه‌های تحت کنترل آن‌ها هویت فرهنگی، دینی، ملی و احساس امنیت اجتماعی و فرهنگی کشورهای مصرف‌کننده را تحت‌تاثیر قرار دهند و تضعیف نمایند.

منابع

- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۶). "تاملی بر مبانی و فرهنگ کپنهاگ". فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و یکم، شماره ۲، صص ۴۵۸-۴۳۹.
- افشار، زین‌العابدین (۱۳۸۵). "بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران". رساله کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.
- آقایی، زهرا. (۱۳۸۶). "بررسی تاثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی". رساله کارشناسی‌ارشد، دانشگاه اصفهان.
- بوزان، باری. (۱۳۸۹). مردم، دولت‌ها و هراس. پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات مطالعات راهبردی
- جان‌پرور، محسن و حیدری، طهمورث. (۱۳۹۰). "آسیب‌شناسی فضای سایبر بر امنیت اجتماعی". نظم و امنیت انتظامی. سال چهارم، شماره ۳، صص ۱۷۲-۱۴۱.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی
- خواجه‌نوری، بیژن و کاوه، مهدی. (۱۳۹۲). "مطالعه رابطه بین مصرف رسانه‌ای و احساس امنیت اجتماعی". پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال دوم، شماره ۲، صص ۷۸-۵۷.
- راجرز، پل. (۱۳۸۴). زوال کنترل: امنیت جهانی در قرن بیست و یکم. امیرمحمد یوسفی و مژگان جلیلی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- رستگارخالد، امیر و محمدیان، فاطمه. (۱۳۹۲). "استفاده از اینترنت و احساس امنیت اجتماعی". مطالعات فرهنگ-ارتباطات. ۱۴ (۲۲)، صص ۸۹-۵۳.
- شکرپیگی، عالیّه و همکاران. (۱۳۸۸). "بررسی تاثیر رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی". دانش انتظامی. سال سیزدهم، شماره ۴، صص ۶۱-۳۱.
- صادقیان، سیدجلال. (۱۳۸۸). "بررسی نقش کارکردی رسانه‌ها در امنیت ملی و عمومی". دانش انتظامی. سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۸۹-۱۶۵.
- صالحی‌امیری، سیدرضا. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس
- صالحی‌امیری، سیدرضا و افشاری نادری، افسر. (۱۳۹۰). "مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران". فصلنامه راهبرد. سال یستم، شماره ۵۹، صص ۷۶-۴۹.
- عبدالله‌خانی، علی. (۱۳۸۲). نظریه‌های امنیت. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ایران معاصر
- عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۵). "جهانی‌شدن فرهنگ برای جهان سوم: تهدیدها و فرصت‌ها". راهبرد یاس. سال دوم، شماره ۶، صص ۸۳-۱۰۲.
- غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی. تهران: جامعه‌شناسان
- غفاری، مسعود و لعل‌علیزاده، محمد. (۱۳۹۰). "تاثیر تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطاتی بر مولفه‌های سیاسی حاکمیت ملی با بررسی موقعیت ایران". فصلنامه سیاست. سال چهل و یکم، شماره ۱، صص ۲۰۸-۱۸۹.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی. حسن چاوشیان. تهران: نی
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). تجد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ناصر موفقیان. تهران: نشر نی
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۲). "درآمدی بر امنیت اجتماعی". مطالعات راهبردی. سال ششم، شماره ۱۹،

صص ۷۶-۵۵.

- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۸). **امنیت اجتماعی**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- هاشمیان‌فر، سیدعلی؛ دهقانی، حمید و اکبرزاده، فاطمه. (۱۳۹۲). "تاثیر دینداری و رسانه‌های جمعی بر احساس امنیت اجتماعی دانشجویان". پژوهش‌های راهبردی نظم و امنیت. سال دوم، شماره ۱، صص ۷۲-۵۳.

- Boyd ,D & ,Ellison ,N. (2007). **"Social Network Sites :Definition ,History and Scholarship ."**Journal of Computer-Mediated Communication) .133 ,(pp 210 -230.
- Callanan ,V. (2005). **Feeding the Fear of Crime: Crime-related Media and Support for Three Strikes.** LFB Scholarly Publishing ,New York.
- Catford ,J. (2011). **"The mass media is dead: long live, multi media"**. Health Promotion International, 10 (4), pp 247-251.
- Li, S., & Lin, S. (2016). **"Population Aging and China's social Security Reforms"**. Journal of Policy Modeling, 38 (1), pp 65-95.
- Moller, B. (2000). **National, Societal and Human Security: Discussion - Case Study of the Israel-Palestine Conflict.** Springer Berlin Heidelberg.
- Olayiwola, A. O. (2013). **"Media and Security in Nigeria"**. European Journal of Business and Social Sciences, Vol. 2, No. 9, pp 1-19.
- Pempek ,T .A ,Yermolayeva ,Y .A ,Calvert ,S ,L. (2009). **"College Students' Social Networking Experiences on Facebook"**. Journal of Applied Developmental Psychology) ,30 ,(pp 227-238.
- Truman ,J .L. (2005). **"Predictors of Fear of Crime and the Relationship of Crime Rates and Fear of Crime"**. The University of Central Florida Undergraduate Research Journal ,Vol .1 ,pp:18-27.
- Vrucetic, S. (2002). **"Traditional Versus Societal Security and the Role of Securitization"**. Free University of Berlin and York University :Australian center for political research.

مطالعه رابطه حمایت اجتماعی با سلامت اجتماعی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه خوارزمی)

امید مظلومی مقدم^۱
سید علیرضا افشانی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۱۶

انسان، موجودی اجتماعی است و از روی غریزه و فطرت خود به دنبال برقرار کردن ارتباط با سایر هم نوعان خود است تا از این طریق، خود را در زیر چتر حمایتی آن ها قرار دهد و از مزیت های با هم بودن بهره و نصیبی ببرد. افراد از طریق پیوند و اتصال به شبکه ها و گروه های مختلف در جامعه- اعم از رسمی و غیر رسمی- و ارتباط نزدیک با اعضای این شبکه ها می توانند از توجه و حمایت آن ها برخوردار شوند، از احساس انزوا و تک افتادگی رهایی یابند و به عنوان یک شهروند آگاه و مسئول، در وهله اول سلامت خود و اطرافیان و در وهله بعدی، سلامت یک جامعه را تضمین کنند. به این منظور و جهت پی بردن به تاثیر چنین حمایت هایی که یک شخص از پیوندهای اطراف خود می گیرد بر سلامت اجتماعی اش، ۳۶۱ نفر از دانشجویان دانشگاه خوارزمی تهران به شیوه طبقه ای متناسب و با ابزار پرسش نامه مورد پیمایش قرار گرفتند. یافته ها بیان گر آن است که ارتباط معنادار و مستقیمی بین دو متغیر حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی وجود دارد. ضریب همبستگی چندگانه ۲ نشان می دهد که ابعاد مختلف حمایت اجتماعی بر روی هم به اندازه ۰/۲۹۸ با سلامت اجتماعی همبستگی دارند. هم چنین ضریب تبیین ۲۲ بیان گر این است که ابعاد سه گانه حمایت اجتماعی ۸/۹ درصد از تغییرات سلامت اجتماعی را تبیین می کنند. بر اساس ضرایب بتای استاندارد شده (beta)، بعد "حمایت خانواده" با ضریب ۰/۱۶۹ بیش ترین سهم را در تبیین سلامت اجتماعی دارد و بعد از آن "حمایت دیگران مهم" است که ضریبش ۰/۱۴۳ می باشد. در مورد بعد حمایت دوستان نیز از آن جایی

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: atash.sepand@gmail.com

۲. دانشیار، دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

که ضریب معناداری آن زیر ۰/۰۵ است می توان گفت که در تبیین سلامت اجتماعی سهم بسیار ناچیزی ایفا می کند. همچنین، نتایج مدل سازی معادله های ساختاری و شاخص های برازش آن نشان داد که با افزایش حمایت اجتماعی، سلامت اجتماعی نیز افزایش می یابد.

واژگان کلیدی: سلامت اجتماعی ادراک شده، حمایت اجتماعی ادراک شده، خانواده، دیگران مهم، دوستان و مدل معادلات ساختاری

مقدمه و بیان مسئله

سلامت با همه ابعاد آن، از جمله حقوق اولیه انسانی است و شاخصی برای عدالت در جامعه محسوب می شود. سلامت، به عنوان بخشی از سرمایه منابع انسانی هر جامعه، جزو پیش نیازها و شرایط اصلی اشتغال به کار و فعالیت اقتصادی و اجتماعی انسان ها در تمام جوامع به شمار می آید که بدون اتکا به آن شانس دست یابی به امکانات رفاهی و مادی غیر ممکن است یا دست کم به سختی میسر می گردد. اگر سلامتی را به عنوان مفهومی متأثر از مجموعه پیچیده ای از عوامل زیستی، روانی - اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و محیطی در نظر بگیریم، باید گفت که این مفهوم تنها دغدغه دست اندرکاران علوم پزشکی نیست، بلکه تمامی دانشمندان علوم اجتماعی به ویژه جامعه شناسان و روان شناسان نیز به بررسی آن علاقمندند.

مطالعات نشان داده که در بین عوامل موثر بر ایجاد سلامت، سهم هر دسته از عوامل به قرار زیر است: سهم سیستم ارائه سلامت (بیمارستان ها، کلینیک ها، داروها و ...) به میزان ۲۵ درصد، عوامل ژنتیکی و بیولوژی ۱۵ درصد، عوامل فیزیکی و زیست محیطی و رفتاری ۱۰ درصد و سهم عوامل اجتماعی موثر بر سلامت ۵۰ درصد (مرندی، ۱۳۸۵: ۴۴). در حقیقت، تلاش بخش سیستم ارائه سلامت، فقط یکی از عوامل موثر بر سلامت است، در حالی که عمده ترین تاثیر، از عوامل اجتماعی و اقتصادی سرچشمه می گیرد.

مفهوم سلامت اجتماعی^۱ برای اولین بار در سال ۱۹۷۲ در پژوهشی توسط بلوک و برسلو مورد بررسی قرار گرفت. این مفهوم را چند سال بعد دونالد و همکارانش (۱۹۸۷) گسترش دادند. آن ها بیان داشتند که سلامت اجتماعی، درحقیقت هم بخشی از ارکان وضع سلامت محسوبی شود و هم می تواند تابعی از آن باشد (حاتمی، ۱۳۸۹، ص ۱۲). سازمان بهداشت جهانی^۲، سلامتی را به معنای "سلامت کامل جسمی، روانی و اجتماعی" در نظر می گیرد (پارک و پارک، ۱۹۹۷؛ به نقل از همتی، ۱۳۹۱). "سلامت اجتماعی، بخشی از سلامت فرد است که در عرصه اجتماع به ظهور می رسد و زمانی فرد را می توان واجد سلامت اجتماعی دانست که بتواند فعالیت ها و نقش های اجتماعی خود را در حد متعارف انجام دهد و با جامعه و هنجارهای اجتماعی احساس پیوند و اتصال کند". (سام آرام، ۱۳۸۷) همچنین، کیز^۳ (۲۰۰۴) سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه های اجتماعی که عضو آنهاست می داند (به نقل از سمیعی و رفیعی، ۱۳۸۹). از نظر تجربی نیز مفهوم سلامت اجتماعی ریشه در ادبیات جامعه شناسی مربوط به ناهنجاری و بیگانگی اجتماعی دارد. این مفهوم به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه یا همان جامعه پذیری وی اشاره می کند. (توسلی، ۱۳۸۲، به نقل از سام آرام، ۱۳۸۸) پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط، هدفمند بودن در زندگی و استقلال (کیز، شموکین و رایف، ۲۰۰۲)، کیفیت و کمیت تساوی افراد و میزان درگیر شدن فرد با اجتماع (دونالد، ۱۹۷۹، به نقل از سمیعی و همکاران، ۱۳۸۹) سایر تعاریف ارائه شده در مورد سلامت اجتماعی می باشند.

عوامل زیادی می توانند بر سلامت اجتماعی افراد یک جامعه تاثیرگذار باشند؛ از جمله: میزان سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، فضای تربیتی خانواده و غیره، اما مهم ترین این عوامل، میزان حمایتی است که فرد از اطرافیان دور و نزدیک خود دریافت می کند و از این طریق خود را در تار و پود شبکه های حمایتی و ارتباطی جامعه اطراف خود قرار می دهد. برخی از صاحب نظران، حمایت های اجتماعی را واقعیتهای اجتماعی

1. Social health

2. WHO

3. Keyes

و برخی دیگر آن را ناشی از ادراک فرد می دانند (علی پور، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴، به نقل از تقی پور، ۱۳۸۹). مازلو (۱۹۵۴) و کب (۱۹۷۶) نیز حمایت اجتماعی^۱ را کمک دو جانبه اطلاعاتی در نظر می گیرند که موجب تصور مثبت از خود، پذیرش خود، احساس عشق و ارزشمندی می شود و به شخص این باور را می دهد که مورد عشق و علاقه، تایید و ارزش دیگران است و به شبکه ای از ارتباطات و وظایف متقابل تعلق دارد که به فرد فرصت خودشکوفایی و رشد می دهد (ایمانی، ۱۳۸۲). از نظر دورکیم، هر نوع قطع ارتباط بین فرد و جامعه- به گونه ای که افراد در چارچوب های اجتماعی جذب نگردند- زمینه ای آنومیک و مساعد برای رشد انحرافات اجتماعی فراهم می کند. در چنین حالتی، یک نوع فردگرایی افراطی، خواسته های فردی را در مقابل حیات اجتماعی قرار می دهد (توسلی، ۱۳۸۰).

لایکوک، سلامت اجتماعی را به صورت شرایط رفاه افراد در شبکه روابط اجتماعی شامل خانواده، اجتماع و ملت تعریف می کند. برکمن نیز معتقد است که تاثیر شبکه های اجتماعی بر سلامت فرد عبارت است از پرورش روحیه مشارکت و درگیری فرد در فرآیندهای اجتماعی، سپری کردن اوقات فراغت خود با دوستان، مشارکت در نقش های اجتماعی و شغلی، گرایش به فعالیت های مذهبی و تفریح کردن به همراه گروه که از نمونه های بارز درگیری اجتماعی می باشند. بنابراین از طریق فرصت هایی که به واسطه عضویت در شبکه های اجتماعی برای فرد فراهم می شود تا در رویدادهای اجتماعی مشارکت کند، نقش های اجتماعی معناداری از قبیل نقش های اجتماعی شغلی، خانوادگی و والدینی تعریف می شود و از این طریق سلامت اجتماعی فرد ارتقا می یابد (خیرالله پور، ۱۳۸۳: ۴۳).

مردمان جامعه و فرهنگ ایرانی با تاریخ چند هزار ساله خود که از گذشته ای سرشار از پستی ها و بلندی ها، شکست ها و پیروزی ها و امیدها و ناامیدی ها برخوردارند، همواره از یک کمبود اساسی و مهم در رنج بوده اند و آن چیزی نیست جز روحیه تکروی و عدم توانایی آن ها برای انجام کارهای گروهی و دسته جمعی برای رسیدن به اهدافی مشترک و این امر در طول تاریخ، پیامدهایی بس ناگوار برای افراد، گروه ها، اجتماعات و حتی شهرهای بزرگ تر داشته است. برای از بین بردن چنین روحیات فردگرایانه که می تواند سلامت یک شخص و حتی فراتر از آن یک جامعه را در معرض خطر قرار دهد باید دایره حمایتی افراد را از طریق شبکه های ارتباطی مختلف گسترش داد و افراد را از انزوای خود- ساخته خود رها نمود.

بنابراین، تحقیق حاضر بر آن است تا نشان دهد که جذب و ادغام افراد در شبکه های اجتماعی- از طریق حمایت هایی که از اعضا و گروه های این شبکه ها مانند خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکاران، هم محله ای ها، هم مدرسه ای ها و غیره دریافت می کنند - می تواند آن ها را از خطر بسیاری از آسیب های فردی و اجتماعی ناشی از انزوا و تنهایی برهاند و به جای آن، استعدادها و توانایی های بالقوه شان را در مسیر رشد و تعالی جامعه قرار دهد و بدین وسیله احساسی از شادابی، تحرک و سلامت اجتماعی را در رگ و ریشه روان آن ها جاری سازد.

پیشینه تحقیق

زاهدی اصل و پیله وری (۱۳۹۲) در فراتحلیلی که بر روی ۳۲ پژوهش در زمینه سلامت اجتماعی انجام داده اند، بیان می کنند که از میان متغیرهای تاثیر گذار بر سلامت اجتماعی، متغیرهایی چون کیفیت زندگی و شاخص های آن و نیز تحصیلات، تاثیر به سزایی داشته اند. در پژوهش های مورد بررسی، عوامل دموگرافیک (جنس، تاهل، سن، تعداد فرزندان خانواده، قومیت و ...) تاثیر چندانی بر ابعاد سلامت اجتماعی ندارند، با

این وجود در مورد متغیر سن، سلامت اجتماعی در سنین بالاتر، از اهمیت بیش تری برخوردار است. از میان مولفه های پایگاه اقتصادی- اجتماعی، تحصیلات و درآمد، و از میان مولفه های کیفیت زندگی، روابط اجتماعی و حمایت های اجتماعی، بیش ترین تاثیر را بر سلامت اجتماعی نشان می دهند.

ملیحه تقی پور (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان "بررسی تاثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهر تهران" که به روش پیمایشی و با شیوه نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انجام شده، رابطه معنادار و مستقیمی بین ابعاد مختلف حمایت اجتماعی (بعد عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی) و سلامت اجتماعی گزارش داده است.

همتی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان "تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهر رودهن" به این نتیجه رسیدند که هرچه زنان سرپرست خانوار از حمایت بالاتری برخوردار باشند، از سلامت اجتماعی بالاتری نیز برخوردار بوده اند. طبق نتایج تحلیل رگرسیون نیز بین حمایت گروه های غیررسمی با سلامت اجتماعی رابطه مثبت و معناداری گزارش شده است.

ولایتی (۱۳۹۲) در مطالعه ای رابطه سلامت (جسمی، روانی و اجتماعی) را با برخی از تعیین کننده های اجتماعی شامل دینداری، سبک زندگی سلامت محور و حمایت اجتماعی مورد آزمون قرار داده اند. بر اساس یافته های این پژوهش، متغیرهای مستقل مذکور، ۳۶/۸ درصد تغییرات سلامت کل، ۱۶/۶ درصد تغییرات سلامت جسمی، ۳۱/۲ درصد تغییرات سلامت روانی و ۳۲/۶ درصد تغییرات سلامت اجتماعی را تبیین می کنند و بر اساس این نتایج، اثر دینداری بر سلامت اجتماعی، به طور غیر مستقیم و از طریق حمایت اجتماعی است و تاثیر دینداری بر سلامت روانی هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم (از طریق حمایت اجتماعی) تایید می شود.

بنی فاطمه و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی که به صورت پیمایشی انجام دادند، متغیرهای زمینه ای سن، جنسیت و وضعیت تاهل را در تعیین میزان سلامت اجتماعی موثر دانسته اند، اما رابطه ای بین متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی با سلامت اجتماعی نیافته اند. همچنین به نظر آن ها، در بین دانشجویان دانشکده های مختلف از نظر میزان سلامت اجتماعی تفاوت معناداری مشاهده گردید.

در بین پژوهش های خارجی نیز کیز (۲۰۰۴) - از نظریه پردازان سلامت اجتماعی - به رابطه قوی بین سلامت اجتماعی، از خود بیگانگی و ناهنجاری اجتماعی اشاره کرده است و در مطالعه سلامت اجتماعی در ایالات متحده نتایج زیر را به دست آورده است: ۱) بین سلامت اجتماعی با رفتارهای اجتماع پسند و مسئولیت پذیری زندگی اجتماعی رابطه های مثبت زیادی مشاهده شد؛ ۲) سطوح سلامت اجتماعی به خصوص انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی در افرادی که با اطرافیان خود برای حل مسائل و مشکلات همکاری و همفکری می کردند، در مقایسه با افرادی که با اطرافیان خود ارتباط نداشتند میزان بالاتری داشت؛ ۳) گرچه مشخص نیست سلامت اجتماعی، معلول یا علت مسئولیت پذیری در زندگی اجتماعی است، اما به طور واضح با جایگاه اجتماعی و رضایت از زندگی اجتماعی رابطه دارد.

به گفته ماسلاچ و جکسون (۱۹۸۴)، حمایت اجتماعی تاثیر به سزایی بر فرسودگی شغلی (از مصادیق سلامت اجتماعی) دارد؛ به عبارت دیگر، کارمندانی که از طرف سرپرست، کارفرما، همکاران و خانواده به طور منظم حمایت می شوند نسبت به کارمندانی که از چنین حمایتی بهره مند نمی شوند، فرسودگی شغلی و لذا سلامت اجتماعی کمتری را تجربه می کنند.

دمیر و همکاران (۲۰۰۳)، به نقل از بهروزی و همکاران، (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی که در مورد بررسی عوامل مؤثر بر سطوح فرسودگی در زندگی حرفه ای و خصوصی پرستاران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که پرستارانی که از طرف اعضای گروه از حمایت اجتماعی کافی برخوردار نبودند، سطوح بالاتری از فرسودگی

را تجربه کردند.

از سوی دیگر، یانگ (۲۰۰۴) در تحقیق خود درباره عوامل مؤثر بر فرسودگی تحصیلی دانشجویان فنی حرفه ای تایوان به این نتیجه رسید که متغیرهای خودکارآمدی و حمایت اجتماعی یک رابطه منفی و معنی دار با فرسودگی تحصیلی دارند.

نظریه های سلامت

گرچه تعریف سلامت در هر جامعه تا اندازه ای به حس مشترک آن جامعه از سلامت و همچنین فرهنگ آنان بر می گردد، اما عموماً دو رویکرد بیماری-محور و سلامت-محور در تعریف سلامت وجود دارد. همچنین پس از تعیین یکی از رویکردهای بالا، سلامت را می توان مبتنی بر دو الگوی زیست شناختی و کلیت سلامت تعریف کرد (سام آرام، ۱۳۸۸).

نظریه های کلاسیک سلامت

رویکرد بیماری-محور در مقابل رویکرد سلامتی-محور
رویکرد بیماری-محور، سلامتی را به عنوان حالتی تعریف می کند که علامت نشان دهنده بیماری (چه فیزیکی و چه روانی) در فرد وجود نداشته باشد. برعکس در رویکرد سلامتی محور، فردی سالم فرض می شود که درجات عالی شاخص های سلامت را دارا باشد.

الگوی زیست شناختی سلامت در مقابل رویکرد کلیت سلامت

الگوی زیست شناختی سلامت، پایه نظریه میکروبی بیماری هاست که در آغاز سده بیستم، اندیشه پزشکی را تحت الشعاع خود قرار داد و متخصصان، جسم انسان را مانند ماشین و بیماری را به عنوان اختلال در کار ماشین در نظر گرفتند. این دیدگاه، به نقش عوامل تعیین کننده زیست محیطی، اجتماعی و روان شناختی توجه زیادی نداشت. برخلاف الگوی قبلی، الگوی کلیت سلامت، ترکیبی از همه عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی و ... را شناسایی می کند و بر این باور است که عوامل متعددی در تعیین سلامت فرد دخالت دارد و سلامتی حالتی فراتر از تعادل کامل اعمال بدن به شمار می رود (همان).

نظریه های مدرن سلامت

بهترین تعریف منطبق با الگوی کلیت و با به کارگیری رویکرد سلامت-محور، تعریفی است که سازمان بهداشت جهانی (۱۹۴۸) ارائه داده است: "رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط بیمار یا معلول بودن". در اینجا، سلامت اجتماعی همراه با سلامت فیزیکی و روانی معنا می یابد. لذا سازمان بهداشت جهانی، سلامت کامل را در توانایی داشتن یک زندگی مولد از نظر اقتصادی و اجتماعی تعریف می کند. مجموع نظرهای را درباره بعد اجتماعی سلامت می توان در سه دسته یا سه تلقی یا رویکرد قرار داد (سمیعی و همکاران، ۱۳۸۹): سلامت اجتماعی به مثابه جنبه ای از سلامت فرد در کنار سلامت جسمی و روانی

این رویکرد، در بر گیرنده سطوح مهارت های اجتماعی و توانایی شناخت هر شخص از خود به عنوان عضوی از جامعه بزرگ تر است. در اینجا به شخصیت فرد به عنوان موجودی اجتماعی توجه می شود و هرکس عضوی از افراد خانواده و جامعه بزرگ تر به حساب می آید. در سنجش سلامت اجتماعی به مثابه جنبه ای از سلامت فرد، به نحوه ارتباط شخص در شبکه روابط اجتماعی توجه می شود. نظریه پردازانی چون: لارسون، کیز و شاپیرو در دسته اول قرار می گیرند- نظریات این اندیشمندان که مبنای کار این تحقیق هستند، در ادامه خواهند آمد.

سلامت اجتماعی به مثابه شرایط اجتماعی سلامت بخش

در این رویکرد، سلامت کل جامعه و افراد، نتیجه تعامل عوامل بسیاری از جمله وراثت، محیط زیست،

سبک زندگی، وضعیت اقتصادی- اجتماعی، درآمد سرانه و ... می باشد. سلامت اجتماعی با این نوع نگاه، به واقع همان تعیین کننده های اجتماعی سلامت خواهد بود و لذا این مفهوم از نظر اهمیت، به مفهومی درجه چندم تبدیل خواهد شد.

سلامت اجتماعی به مثابه جامعه سالم

در این رویکرد نیز سلامت اجتماعی را می توان به عنوان خصوصیتی از جامعه و معادل با "جامعه سالم" مفهوم پردازی کرد. راسل (۱۹۷۳) جامعه ای را سالم می داند که در آن فرصت و دسترسی برابر به خدمات و کالاهای اساسی برای همه وجود داشته باشد تا افراد جامعه در مقام شهروند عملکرد کاملی داشته باشند (همان).

در واقع، برای مفهوم "سلامت اجتماعی" می توان دو سطح در نظر گرفت: یکی "سطح کلان" که در بر دارنده شاخص های سلامت جامعه است و همان گونه که گفته شد در این معنا سلامت اجتماعی را می توان معادل "جامعه سالم" در نظر گرفت که در آن شاخص هایی چون: میزان فقر، آموزش، جرم، آلودگی های زیست محیطی، آزادی های مدنی و غیره را می توان برای کل جامعه در نظر گرفت. سطح دیگر، "سطح خرد" است که به بررسی سلامت اجتماعی فردی با شاخص هایی چون میزان ارتباطات و تعاملات فردی، مهارت های اجتماعی، سازگاری، انطباق با محیط و غیره می پردازد. سطح اول به سلامت اجتماعی جامعه و دومی به سلامت اجتماعی افراد نظر دارد.

چارچوب نظری

لارسون (۱۹۹۶)^۱

سلامت اجتماعی را گزارش فرد از کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه های اجتماعی که عضو آن هاست، تعریف می کند و معتقد است مقیاس سلامت اجتماعی بخشی از سلامت فرد را می سنجد و شامل آن دسته از پاسخ های درونی فرد (احساس، تفکر و رفتار) است که نشان دهنده رضایت یا نارضایتی فرد از زندگی و محیط اجتماعی اش هستند.

کیز (۲۰۰۴)

وی نیز مثل لارسون معتقد است سلامت روانی، کیفیت زندگی و عملکرد شخصی فرد را نمی توان بدون توجه به معیارهای اجتماعی ارزیابی کرد و عملکرد خوب در زندگی چیزی بیش از سلامت روانی و هیجانی و شامل تکالیف و درگیری های اجتماعی است. از این رو، او سلامت اجتماعی را ارزیابی و شناخت فرد از چگونگی عملکردش در اجتماع و کیفیت روابطش با افراد دیگر، نزدیکان و گروه های اجتماعی که عضو آن هاست می داند. به اعتقاد او و شاپیرا (۲۰۰۴) آن چه بیشتر به زندگی غنا و معنا می بخشد، خویشاوندان، روابط و تجارب مشترک است. لذا او به توانایی فرد در تعامل مؤثر با دیگران و اجتماع به منظور ایجاد روابط ارضاکنده شخصی و به انجام رساندن نقش های اجتماعی، عنوان سلامت اجتماعی می دهد. کیز، یک مدل ۵ بعدی قابل سنجش از ابعاد سلامت اجتماعی ارائه می دهد که طبق این ابعاد، فرد سالم از نظر اجتماعی زمانی عملکرد خوبی دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و دارای نیروهای بالقوه برای رشد و شکوفایی بداند. احساس کند که متعلق به گروه های اجتماعی خود است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهم بداند. این مقیاس با مقیاس های سلامت اجتماعی در سطح بین فردی (مثل پرخاشگری و حمایت اجتماعی) و سطح اجتماعی

1. Larson

2. Shapiro

(مثل فقر و جایگاه اجتماعی) تفاوت دارد (کیزی و شاپیرو، ۲۰۰۴).

شاخص های سلامت اجتماعی از نگاه کیزی عبارت اند از:

شکوفایی اجتماعی^۱: این مفهوم، به معنای ادراک فرد از خط سیر شرایط اجتماعی است که وی را احاطه کرده و در آن دغدغه اصلی فرد، در مورد تکامل اجتماع می باشد. در این سازه، افراد در مورد جامعه و پیشرفت آن بر اساس نگرش شان نسبت به تغییر یا رکود قضاوت می کنند (باباپور و همکاران، ۱۳۸۸).

یکپارچگی (انسجام) اجتماعی^۲: این احساس فرد که بخشی از جامعه است و به جامعه تعلق دارد و جامعه از او حمایت می کند. این مفهوم، در برابر بیگانگی و انزوای اجتماعی قرار می گیرد (عبدالله تبار و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

پذیرش اجتماعی^۳: داشتن گرایش مثبت نسبت به دیگران، تصدیق کردن آن ها، اعتماد به آن ها و به طور کلی پذیرفتن آن ها با وجود برخی رفتارهای سردرگم کننده و پیچیده. در واقع، این مفهوم، مصداق اجتماعی از پذیرش خود است (کنگرو، ۱۳۸۷: ۳۸).

انطباق (همبستگی) اجتماعی^۴: این مفهوم در مقابل مفهوم بی معنایی در زندگی است و شامل ارزیابی فرد از اجتماع به صورتی قابل فهم، قابل پیش بینی و محسوس است و در حقیقت درکی است که فرد نسبت به کیفیت، سازمان دهی و اداره ی دنیای اجتماعی اطراف خود دارد و نیز به معنای مفهوم تسلط بر محیط، در مقیاس سلامت روان می باشد (فارسی نژاد، ۱۳۸۳).

مشارکت اجتماعی^۵: این احساس که افراد چیزهای با ارزشی برای ارائه به جامعه دارند و این تفکر که فعالیت های روزمره آن ها به وسیله جامعه ارزش دهی می شود (همان).

نظریه های حمایت اجتماعی

در تبیین مفهوم حمایت اجتماعی می توان به سه دسته از نظریه ها اشاره کرد که هر یک از زاویه ای خاص به این مسئله پرداخته اند:

تقسیم حمایت اجتماعی به سه مقوله عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی

الف) حمایت اجتماعی عاطفی: حمایت عاطفی به معنی در دسترس داشتن فردی برای تکیه کردن و اعتماد داشتن به وی به هنگام نیاز می باشد (درنتا و همکاران، ۲۰۰۶). حمایت اجتماعی عاطفی در بردارنده احساس همدلی، مراقبت و توجه و علاقه نسبت به یک شخص است. این نوع از حمایت می تواند شخص را به داشتن احساس راحتی و آسایش، اطمینان، تعلق داشتن، و مورد محبت قرار داشتن به هنگام فشار و تنش مجهز نماید (سارافینو، ۱۹۹۸).

ب) حمایت اجتماعی ابزاری: حمایت ابزاری به کمک های مادی، عینی و واقعی دریافت شده توسط یک فرد از سوی دیگران اطلاق می گردد. این نوع حمایت به افراد کمک می کند تا نیازهای روزانه خود را تأمین نمایند و شامل عناصری از کمک های مادی و عینی نظیر قرض دادن پول، کمک کردن در نظافت منزل، جا به جایی و حرکت کردن، حمام رفتن و رانندگی کردن است (درنتا و همکاران، ۲۰۰۶).

ج) حمایت اجتماعی اطلاعاتی: به دست آوردن اطلاعات ضروری از طریق تعامل های اجتماعی با دیگران را حمایت اطلاعاتی تعریف کرده اند (گاچل و دیگران، به نقل از ریاحی و دیگران، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر،

1. Social Actualization
2. Social Integration
3. Social Acceptance
4. Social Coherence
5. Social Contribution

حمایت اطلاعاتی شامل دادن توصیه ها، جهت گیری ها، پیشنهادات یا بازخوردها به یک فرد راجع به چگونگی عملکردش می باشد (سارافینو، ۱۹۹۸).

تقسیم بندی بر مبنای عینی یا ذهنی بودن حمایت اجتماعی

الف) تاکید بر سیستم های حمایتی عینی و واقعی دریافت شده از محیط اجتماعی اطراف فرد؛
ب) توجه به سازه حمایت اجتماعی ادراک شده؛ به این معنا که بنا بر تصور و ادراک یک شخص، وی از چه میزانی از حمایت اجتماعی برخوردار است (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹).

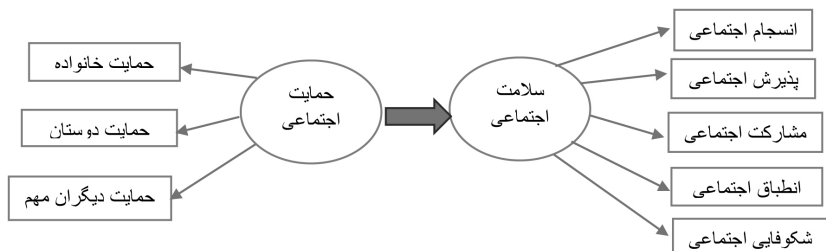
مستقیم یا غیرمستقیم بودن حمایت اجتماعی

الف) مدل تأثیر مستقیم حمایت اجتماعی: مطابق این مدل نظری، حمایت اجتماعی، صرف نظر از این که فرد تحت تأثیر استرس و فشارهای روانی باشد یا نه، باعث می شود فرد از تجارب منفی زندگی پرهیز کند و این امر، تحت هر شرایطی (چه موقعیت های پرتنش و چه موقعیت های کم استرس) رخ می دهد (سارافینو، ۱۹۹۸).

ب) مدل تأثیر غیرمستقیم یا فرضیه ضربه گیر: بر اساس این مدل، حمایت اجتماعی صرفاً برای افرادی مفید و مؤثر است که تحت فشار روانی و استرس قرار دارند. در این حالت، حمایت اجتماعی همانند سپری در مقابل ضربات ناشی از استرس، عمل می کند و نقش تعدیل کننده آثار منفی حوادث استرس زا را ایفا می نماید. به تعبیری دیگر، مدل ضربه گیر، مدل حمایت اجتماعی بیان می کند که حمایت اجتماعی، عمدتاً هنگامی که سطح استرس بالاست بر سلامت انسان تأثیر می گذارد (سیم، ۲۰۰۰؛ به نقل از قدسی، ۱۳۸۲). اثر ضربه گیر، حمایت اجتماعی، حداقل به دو روش عمل می کند: یک روش شامل فرآیند ارزیابی شناختی است. زمانی که افراد با یک عامل تنش زای شدید نظیر بحران مالی مواجه می شوند، آن دسته از افرادی که دارای سطح بالاتری از حمایت اجتماعی هستند، در مقایسه با کسانی که از سطوح پایین تری برخوردارند، احتمال دارد که مشکل به وجود آمده را کم تر تنش زا و فشارآور ارزیابی و تفسیر نمایند. دومین روش، از طریق تعدیل کردن پاسخ های افراد به یک عامل تنش زا می باشد. برای مثال، افراد برخوردار از سطوح بالای حمایت اجتماعی، ممکن است فردی را بشناسند که بتواند راه حلی برای مشکل آن ها ارایه کند، آن ها را متقاعد نماید که موقعیت به وجود آمده خیلی جدی و مشکل ساز نیست، آن ها را امیدوار سازد که به نیمه پر لیوان فکر کنند یا روی شانس و اقبال خود تکیه نمایند (سارافینو، ۱۹۹۸). با مقایسه دو مدل، می توان گفت که در مدل تأثیر مستقیم، فقدان یا کاهش در حمایت اجتماعی موجب آسیب ها و اختلالات در سلامت جسمی، روانی و اجتماعی می شود، در حالی که در مدل ضربه گیر یا تأثیر غیرمستقیم، فقدان یا کاهش حمایت اجتماعی به اضافه حضور استرس و افزایش آن است که موجب بروز چنین اختلالاتی می گردد.

حمایت اجتماعی در پژوهش حاضر، طبق تقسیم بندی مدل اول، از نوع عاطفی، طبق تقسیم بندی مدل دوم، از نوع ذهنی (یا ادراک شده) و بر اساس تقسیم بندی مدل سوم، از نوع مستقیم می باشد.

شکل ۱: مدل نظری پژوهش



فرضیه های پژوهش

- بین حمایت خانواده و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین حمایت دوستان و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین حمایت دیگران مهم و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین حمایت اجتماعی ادراک شده و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.
- سلامت اجتماعی در بین زنان و مردان متفاوت است.
- حمایت اجتماعی ادراک شده در بین زنان و مردان متفاوت است.
- سلامت اجتماعی بر حسب وضعیت تاهل متفاوت است.
- حمایت اجتماعی ادراک شده بر حسب وضعیت تاهل متفاوت است.

روش شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی تهران به تعداد ۷۲۲۴ تشکیل می دهند که در نیم سال دوم تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بوده اند. حجم نمونه پژوهش بر اساس فرمول کوکران و با شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده، ۳۶۱ نفر برآورد گردیده است. در این پژوهش، برای بررسی روابط بین متغیرها، از روش پیمایش استفاده شده و ابزار گردآوری داده ها نیز پرسش نامه است. آزمون اعتبار سنج، با مراجعه به آرای صاحب نظران و نیز انجام تحلیل عاملی، و آزمون پایایی سنج، با روش پایداری درونی و محاسبه آلفای کرونباخ انجام گرفته است. نتایج یاد شده بیان گر اعتبار و پایایی بالای سنج ها هستند.

تعریف مفاهیم پژوهش

مفاهیم اصلی پژوهش به شرح زیر تعریف و سنجیده شده اند:

سلامت اجتماعی ادراک شده

کیز، سلامت اجتماعی را به عنوان گزارش شخصی فرد از کیفیت ارتباطش با دیگران تعریف می کند (سمیعی و رفیعی، ۱۳۸۹). سلامت اجتماعی در این مفهوم یعنی درک فرد از اجتماع به صورت یک مجموعه معنی دار، قابل فهم، دارای نیروی بالقوه برای رشد و شکوفایی همراه با این احساس که متعلق به جامعه است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهیم بداند. جهت اندازه گیری سلامت اجتماعی و مولفه های آن، از مقیاس ۳۳ ماده ای سلامت اجتماعی کیز (۱۹۹۸) که ۵ مولفه آن شامل انسجام (۷ گویه)، پذیرش (۷ گویه)، شکوفایی (۷ گویه)، مشارکت (۶ گویه) و انطباق اجتماعی (۶ گویه) می باشد، استفاده شده است.

حمایت اجتماعی ادراک شده

حمایت اجتماعی یعنی این احساس که شخص مورد توجه دیگران است و دیگران برای او ارزش قایل اند و این که او به یک شبکه اجتماعی متعلق است (گاچل و دیگران، ۱۳۷۷؛ به نقل از ریاحی و همکاران، ۱۳۸۹). رایج ترین انواع حمایت اجتماعی، شامل سه مقوله حمایت اجتماعی عاطفی، ابزاری، و اطلاعاتی می باشد که در اینجا صرفاً حمایت اجتماعی عاطفی مورد سنجش قرار می گیرد و منظور از آن، در دسترس داشتن فردی برای تکیه کردن و اعتماد داشتن به وی، به هنگام نیاز است (درنتا و همکاران، ۲۰۰۶؛ به نقل از همان). برای سنجش و اندازه گیری آن، از مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده

زیمت و همکاران (۱۹۹۸) استفاده شده است. این مقیاس دارای سه بعد خانواده، دوستان، و دیگران مهم می باشد که هر یک از ابعاد سه گانه، دارای چهار گویه مستقل هستند.

جدول ۱: شمای کلی آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

آلفای ابعاد	تعداد گویه	ابعاد	آلفای کل	تعداد گویه	
۰/۷۱۵	۷	انسجام اجتماعی	۰/۸۶۰	۳۳	سلامت اجتماعی ادراک شده
۰/۷۲۳	۷	پذیرش اجتماعی			
۰/۷۹۴	۶	مشارکت اجتماعی			
۰/۶۷۷	۵	انطباق اجتماعی			
۰/۵۷۸	۷	شکوفایی اجتماعی			
۰/۸۱۷	۴	خانواده	۰/۸۶۶	۱۲	حمایت اجتماعی ادراک شده
۰/۸۷۶	۴	دوستان			
۰/۹۳۱	۴	دیگران مهم			

یافته های پژوهش توصیف متغیرها

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ویژگی های فردی

متغیر	گروه	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۱۴۲	۳۹/۳
	زن	۲۱۹	۶۰/۷
تاهل	مجرد	۳۲۹	۹۱/۱
	متاهل	۳۲	۸/۹
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۲۳۴	۶۴/۸
	کارشناسی ارشد	۱۲۷	۳۵/۲
سن	۱۸-۲۲	۱۹۴	۵۳/۷
	۲۳-۲۷	۱۴۷	۴۰/۷
	۲۸-۳۴	۲۰	۵/۵
دانشکده	علوم انسانی	۲۲۵	۶۲/۳
	علوم پایه	۸۴	۲۳/۳
	فنی مهندسی	۵۲	۱۴/۴

جدول ۳: آماره های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق و ابعاد آن ها (به دو شکل کمی و کیفی)

متغیر کمی (از ۵)	متغیر ترتیبی (درصد)						
	کم	متوسط	زیاد	حداقل	حداکثر	میانگین	
انسجام اجتماعی	۹/۱	۵۹/۶	۳۱/۳	۱/۷۱۴	۵/۰۰۰	۳/۶۱۹	۰/۵۸۰
پذیرش اجتماعی	۱۹/۱	۷۱/۷	۹/۱	۱/۱۴۳	۵/۰۰۰	۳/۰۳۸	۰/۵۹۲
مشارکت اجتماعی	۸/۹	۶۲/۹	۲۸/۳	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰	۳/۳۸۲	۰/۶۷۵
انطباق اجتماعی	۲۳/۰	۵۹/۶	۱۷/۵	۱/۰۰۰	۴/۶۰۰	۲/۸۱۹	۰/۷۱۸
شکوفایی اجتماعی	۴/۲	۶۶/۵	۲۹/۴	۱/۰۰۰	۴/۸۵۷	۳/۳۳۳	۰/۵۶۴
سلامت اجتماعی	۲۳/۳	۶۶/۸	۱۰/۰	۲/۱۵۶	۴/۵۶۳	۳/۲۶۰	۰/۴۳۴
خانواده	۴/۴	۱۵/۰	۸۰/۶	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰	۴/۱۰۱	۰/۷۵۶
دوستان	۶/۱	۲۶/۳	۶۷/۶	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰	۳/۸۷۳	۰/۸۴۴
دیگران مهم	۱۴/۴	۲۳/۳	۶۲/۳	۱/۰۰۰	۵/۰۰۰	۳/۷۷۷	۱/۱۳۸
حمایت اجتماعی	۵/۳	۳۶/۰	۵۸/۷	۱/۵۸۳	۵/۰۰۰	۳/۹۱۷	۰/۶۷۹

طبق جدول بالا، میانگین سلامت اجتماعی کل پاسخگویان متوسط رو به بالا (۳/۲۶) ارزیابی شده است. همچنین در بین ابعاد سلامت اجتماعی، بعد انسجام اجتماعی بالاترین میانگین (۳/۶۱۹) و بعد انطباق اجتماعی پایین ترین میانگین (۲/۸۱۹) را دارا می باشند. بخش ترتیبی متغیرها نیز نشان می دهد که ۲۳/۳ درصد از پاسخگویان دارای سلامت اجتماعی کم، ۶۶/۸ درصد سلامت اجتماعی متوسط و تنها ۱۰ درصد از آن ها سلامت اجتماعی بالایی را گزارش کرده اند. همچنین بالاترین و پایین ترین درصد در بین ابعاد سلامت اجتماعی به ترتیب مربوط به انسجام اجتماعی (۳۱/۳ درصد) و پذیرش اجتماعی (۹/۱ درصد) است. در مورد متغیر حمایت اجتماعی نیز مقدار میانگین (۳/۹۱۷) نشان می دهد که جامعه آماری از حمایت اجتماعی نسبتاً بالایی از سوی اطرافیان خود برخوردار بوده اند. بخش ترتیبی متغیرها نیز گویای این امر است، چرا که ۵۸/۷ درصد پاسخگویان حمایت اجتماعی بالا، ۳۶ درصد از آن ها حمایت اجتماعی متوسط و تنها ۵/۳ درصد حمایت اجتماعی پایینی را گزارش داده اند. در بین ابعاد حمایت اجتماعی نیز بیشترین مقدار میانگین (۴/۱) مربوط به بعد خانواده است که این امر در بخش ترتیبی متغیرها نیز دیده می شود (۸۰/۶ درصد از پاسخگویان حمایت بالایی را از سوی خانواده خود گزارش کرده اند). میانگین و درصد دو بعد دیگر حمایت اجتماعی (۳/۸۷ و ۳/۷۷؛ ۶۷ درصد و ۶۲ درصد) نزدیک به هم می باشد.

آزمون تفاوت میانگین ها

جدول ۴: تعیین نرمالیت متغیرهای کمی (ks)

ضریب معناداری (sig)	انحراف استاندارد	میانگین	
۰/۰۲۰۰	۰/۴۳۴	۳/۲۶۰	سلامت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۷۵۶	۴/۱۰۱	حمایت خانواده
۰/۰۰۰	۰/۸۴۴	۳/۸۷۳	حمایت دوستان
۰/۰۰۰	۱/۱۳۸	۳/۷۷۷	حمایت دیگران مهم
۰/۰۰۰	۱/۱۳۸	۳/۹۱۷	حمایت اجتماعی

جدول بالا، وضعیت نرمال یا غیر نرمال بودن متغیرهای کمی پژوهش را نشان می دهد. به غیر از متغیر سلامت اجتماعی که دارای توزیع نرمال است ($sig < 0/05$)، بقیه متغیرها دارای توزیع غیر نرمال هستند ($sig > 0/05$).

در آزمون تفاوت میانگین ها، برای متغیرهای کمی دارای توزیع نرمال (سلامت اجتماعی)، از آماره های T مستقل (در متغیرهای دو مقوله ای) و F (در متغیرهای چند مقوله ای) و برای متغیرهای کمی دارای توزیع غیر نرمال (حمایت اجتماعی) از آماره های من ویتنی (در متغیرهای دو مقوله ای) و کراسکال والیس (در متغیرهای چند مقوله ای) استفاده می شود.

جدول ۵: نتایج آزمون تفاوت میانگین سلامت اجتماعی بر حسب متغیرهای کیفی تحقیق

متغیرهای کیفی		میانگین سلامت اجتماعی	انحراف معیار	مستقل T آزمون						آزمون F (ANOVA)	
				تست لون		تست تی		تست لون		آنوا	ف
				sig	f	sig	t	sig	f		
جنسیت	مرد	۳/۲۷۶	۰/۴۶	۰/۱۳۵	۲/۲۴	۰/۵۵	۰/۵۸	-	-	-	-
	زن	۳/۲۵	۰/۴۲								
تاهل	مجرد	۳/۲۵۴	۰/۴۳۶	۰/۴۵	۰/۵۷۵	-۱/۳	۰/۱۹	-	-	-	-
	متاهل	۳/۳۶	۰/۴۰۴								
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۳/۲۵	۰/۴۳	۰/۹	۰/۰۱	-۰/۵۷	۰/۵۷	-	-	-	-
	کارشناسی ارشد	۳/۲۸	۰/۴۴								

دانشکده	علوم انسانی	۳/۲۷	۰/۴۵	-	-	-	-	۰/۲۸	۱/۲۸	۰/۲۶
	علوم پایه	۳/۲	۰/۳۸	-	-	-	-	۰/۲۸	۱/۲۸	۰/۲۶
	فنی مهندسی	۳/۳۲	۰/۴۵	-	-	-	-	۰/۲۸	۱/۲۸	۰/۲۶
سن	۱۸-۲۲	۳/۲۴۶	۰/۴۳	-	-	-	-	۰/۱۵	۱/۹	۰/۹۷
	۲۳-۲۷	۳/۳	۰/۴۳۴	-	-	-	-	۰/۱۵	۱/۹	۰/۹۷
	۲۸-۳۴	۳/۱۱	۰/۴۶۷	-	-	-	-	۰/۱۵	۱/۹	۰/۹۷

جدول بالا نشان می دهد که تفاوت میانگین سلامت اجتماعی، در بین هیچ یک از طبقات متغیرهای کیفی جنس، تاهل، مقطع تحصیلی، دانشکده و رده سنی معنادار نمی باشد، زیرا مقدار sig (t و f) در همه آن ها بزرگ تر از ۰/۰۵ است.

جدول ۶: نتایج آزمون تفاوت رتبه های میانگین حمایت اجتماعی بر حسب متغیرهای کیفی تحقیق

متغیرهای کیفی		رتبه میانگین حمایت اجتماعی		من ویتنی		کراسکال والیس	
				sig	Z	Chi-square	sig
جنسیت	مرد	۱۷۲/۳۵	-۱/۴۶۴	۰/۱۴۳	-	-	-
	زن	۱۸۶/۶۱					
تاهل	مجرد	۱۷۸/۱۴	-۱/۹۲۸	۰/۰۵۴	-	-	-
	متاهل	۲۱۰/۴۲					
مقطع تحصیلی	کارشناسی	۱۸۶/۸۷	-۱/۶۷۳	۰/۰۹۴	-	-	-
	کارشناسی ارشد	۱۷۰/۱۹					
دانشکده	علوم انسانی	۱۸۳/۶۵	-	-	-	۱/۲۴۱	۰/۵۳۸
	علوم پایه	۱۷۱/۴۱					
	فنی مهندسی	۱۸۵/۰۱					
رده سنی	۱۸-۲۲	۱۹۱/۱۱	-	-	-	۵/۲۵۴	۰/۰۷۲
	۲۳-۲۷	۱۶۹/۵۱					
	۲۸-۳۴	۱۶/۳۸					

طبق جدول بالا، در اینجا نیز تفاوت رتبه میانگین حمایت اجتماعی، در بین هیچ یک از طبقات متغیرهای کیفی جنس، تاهل، مقطع تحصیلی، دانشکده و رده سنی معنادار نمی باشد، زیرا مقدار sig در همه آن ها بزرگ تر از ۰/۰۵ است.

آزمون همبستگی

جدول ۷: ماتریس همبستگی سلامت اجتماعی و ابعاد حمایت اجتماعی

حمایت اجتماعی	سلامت اجتماعی	خانواده	دوستان	دیگران مهم
	۱			
	-			
	۰/۲۵۲	۱		
	۰/۰۰۰	-		
	۰/۱۷۷	۰/۳۸۲	۱	
	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	-	
	۰/۲۰۲	۰/۳۱۳	۰/۳۱۲	۱
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	-
۱	۰/۲۸۶	۰/۶۵۱	۰/۶۹۰	۰/۸۱۲
-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

بر اساس جدول بالا، سلامت اجتماعی با همه ابعاد حمایت اجتماعی، رابطه ای مستقیم و معنادار برقرار کرده است؛ به عبارتی دیگر، با افزایش سطح هر یک از مولفه های حمایت اجتماعی، میزان سلامت اجتماعی افراد نیز افزایش می یابد. در میان سه بعد حمایت اجتماعی، بعد خانواده قوی ترین ($r=0/252$) و بعد دوستان ضعیف ترین ($r=0/177$) رابطه را با سلامت اجتماعی دارند.

تحلیل رگرسیون

فرضیه اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه سلامت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و حمایت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل است. با توجه به سطوح سنجش هر دو سازه، برای بررسی رابطه حمایت اجتماعی کل با سلامت اجتماعی کل و نیز بررسی رابطه خرده مقیاس های حمایت اجتماعی با سلامت اجتماعی، از تحلیل رگرسیون استفاده شده که نتایج آن در جدول های زیر مشاهده می شود.

جدول ۸: تبیین سلامت اجتماعی بر اساس حمایت اجتماعی ادراک شده

متغیر	B	Beta	t	Sig(t)	R	R ²	F	Sig(F)
مقدار ثابت	۲/۵۳	-	۱۹/۷۱۲	۰/۰۰۰	-	-	-	-
حمایت اجتماعی	۰/۱۸۶	۰/۲۹۲	۵/۷۷۷	۰/۰۰۰	۰/۲۹۲	۰/۰۸۲	۳۳/۳۶۸	۰/۰۰۰

در جدول بالا، ضریب همبستگی بین دو متغیر حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی ۰/۲۹۲ است که نشان

دهنده رابطه مستقیم و معنادار ($\text{sig} > 0/05$) بین آن هاست؛ یعنی با افزایش میزان حمایت اجتماعی می توان انتظار داشت تا میزان سلامت اجتماعی نیز افزایش یابد.

جدول زیر نیز میزان سلامت اجتماعی را بر مبنای ابعاد سه گانه حمایت اجتماعی تبیین می کند. ضریب همبستگی چندگانه r نشان می دهد که سه بعد حمایت خانواده، حمایت دوستان و حمایت دیگران مهم بر روی هم به اندازه $0/298$ با سلامت اجتماعی همبستگی دارند. همچنین ضریب تبیین r^2 بیان گر این است که ابعاد سه گانه حمایت اجتماعی $8/9$ درصد از تغییرات سلامت اجتماعی را تبیین می کنند. بر اساس ضرایب بتای استاندارد شده (β)، بعد حمایت خانواده با ضریب $0/169$ بیشترین سهم را در تبیین سلامت اجتماعی دارد و بعد از آن حمایت دیگران مهم است که ضریبش $0/143$ می باشد. در مورد بعد حمایت دوستان نیز از آن جایی که ضریب معناداری آن زیر $0/05$ است می توان گفت که در تبیین سلامت اجتماعی سهم بسیار ناچیزی ایفا می کند.

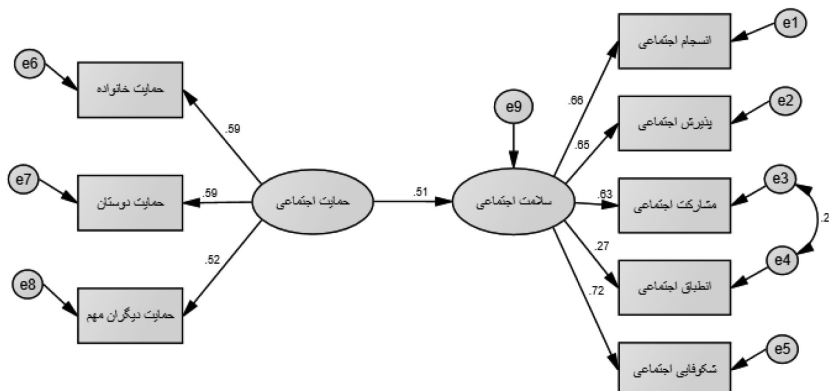
جدول ۹: تبیین سلامت اجتماعی بر اساس ابعاد حمایت اجتماعی ادراک شده

متغیر	B	Beta	t	Sig(t)	R	R ^۲	F	Sig(F)
مقدار ثابت	۲/۴۸۵	-	۱۷/۹۴۲	۰/۰۰۰	۰/۲۹۸	۰/۰۸۹	۱۱/۵۶۱	۰/۰۰۰
حمایت خانواده	۰/۰۹۷	۰/۱۶۹	۳/۰۵۸	۰/۰۰۲				
حمایت دوستان	۰/۰۴۴	۰/۰۸۶	۱/۵۳۲	۰/۱۲۶				
حمایت دیگران مهم	۰/۰۵۵	۰/۱۴۳	۲/۶۳۱	۰/۰۰۹				

مدل سازی معادله های ساختاری

شکل ۲: مدل معادله ساختاری رابطه حمایت اجتماعی و سلامت اجتماعی

بر اساس مدل ساختاری بالا، بعد شکوفایی اجتماعی، مهم ترین مولفه متغیر مکنون سلامت اجتماعی و بعد



حمایت خانواده و نیز حمایت دوستان مهم ترین مولفه های متغیر مکنون حمایت اجتماعی هستند. همچنین، حمایت اجتماعی تاثیر مستقیم و معناداری بر سلامت اجتماعی دارد؛ یعنی با افزایش مقدار حمایت اجتماعی، اندازه سلامت اجتماعی نیز افزایش می یابد.

جدول زیر نیز برخی از شاخص های ارزیابی مدل ترسیم شده را نشان می دهد. چون مقدار پی ویو از ۰/۰۵ کمتر است (۰/۰۰۲) از شاخص کای اسکوار نسبی برای برازش مدل استفاده شده است و چون در اینجا مقدار کای اسکوار نسبی از ۳ پایین تر است (۲/۲۷۹) نشان دهنده برازش خوب مدل است. سه شاخص CFI, GFI و AGFI نیز مقداری بالاتر از ۰/۹ را نشان می دهند که بیانگر مناسب بودن مدل ترسیم شده هستند. همچنین، شاخص RMSEA مقداری کمتر از ۰/۰۸ را نشان می دهد (۰/۰۶) که این نیز در راستای تایید مدل قرار دارد.

جدول ۱۰: شاخص های ارزیابی مدل ترسیم شده

شاخص	p-value	CMIN/DF	GFI	CFI	AGFI	RMSEA
مقدار	۰/۰۰۲	۲/۲۷۹	۰/۹۷۳	۰/۹۵۸	۰/۹۴۶	۰/۰۶

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش به منظور بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده با سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه خوارزمی تهران انجام گرفت و در آن، ۳۶۱ نفر از دانشجویان در دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد مورد بررسی قرار گرفتند. فرضیه اصلی این پژوهش این گونه مطرح شد که افرادی که از سوی جامعه اطراف خود (اعم از خانواده، دوستان و دیگران) بیش تر مورد حمایت قرار می گیرند و در شبکه های ارتباطی گسترده تری جای دارند، به همان میزان نیز در راستای اهداف جامعه مشارکت بیش تری دارند، با جامعه و اعضای آن احساس انسجام و یکپارچگی بالاتری نشان می دهند، از سوی جامعه و شهروندان پذیرش بیش تری دریافت می کنند، با ارزش ها و هنجارهای جامعه انطباق بیش تری خواهند داشت، در جهت پیشرفت و شکوفایی جامعه تلاش بیش تری خواهد کرد و در یک کلام، از سلامت اجتماعی بالاتری برخوردار می باشند. هر چند که بررسی های مختلف نشان داده اند جامعه ایران با معضلات و مشکلات بسیار جدی گریبان گیر بوده که می تواند پیامدهای ناگواری را بر روی سلامت افراد (در همه ابعاد آن) بگذارد (نوربالا و دیگران، ۱۳۹۱)، اما میزان سلامت اجتماعی ادراک شده نسبتا بالا که توسط دانشجویان گزارش شده، گویای این امر است که وقتی افراد زیر چتر حمایتی جامعه خود قرار می گیرند- حتی اگر میزان این حمایت کم باشد، در شرایط و موقعیت های ناگوار اجتماعی نیز ارزیابی مثبتی از توانایی ها و عملکردهای اجتماعی خود دارند و هم چنان نسبت به آینده خوش بین هستند و این موضوع با نظریات کیز (۲۰۰۴) و سارافینو (۱۹۹۸) کاملا همخوانی دارد. این که آیا داشتن نگرش و ادراکی مثبت نسبت به سلامت خود، در شرایط ناامن اجتماعی، چه پیامدهای مثبت و منفی ای برای فرد و جامعه ای که وی در آن زندگی می کند دارد، پرسشی است که جای بسی تامل و تفکر دارد و باید مورد ارزیابی موشکافانه ای قرار گیرد.

آزمون تفاوت میانگین ها نشان داد که تفاوت میانگین سلامت اجتماعی، در بین متغیرهای زمینه ای یعنی جنس، تاهل، مقطع تحصیلی و نوع دانشکده، معنادار نبوده (رد فرضیه های پنجم و هفتم) و لذا میزان سلامت اجتماعی در بین طبقات همه این متغیرها یکسان می باشد و این امر با نتایج فرائحلیل زاهدی اصل و پیله وری (۱۳۹۳) درباره سلامت اجتماعی همخوانی دارد.

میزان حمایت اجتماعی ادراک شده و ابعاد مختلف آن، در حد نسبتاً بالایی گزارش شده است. میزان بالایی حمایت اجتماعی دریافتی از سوی خانواده، نسبت به دوستان و دیگران مهم، هم چون تحقیقات پیشین (ولایتی، ۱۳۹۰) نشان می‌دهد که هنوز هم خانواده، منبع حمایتی مهمی برای افراد است. از آن جا که خانواده در ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های افراد در همه دوره‌های زندگی محسوب می‌شود، این نتیجه قابل انتظار بود.

بر طبق آزمون تفاوت میانگین‌ها نیز تفاوت رتبه‌های میانگین حمایت اجتماعی ادراک شده در بین متغیرهای زمینه‌ای یعنی جنس، تاهل، مقطع تحصیلی و نوع دانشکده، معنادار نبوده (رد فرضیه‌های ششم و هشتم). لذا می‌توان گفت که میزان حمایت اجتماعی در بین طبقات همه این متغیرها یکسان می‌باشد. این نتیجه برخلاف برخی نتایج پژوهش‌های دیگر است. برای مثال، ریاحی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان "بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان"، معناداری تفاوت حمایت اجتماعی بر حسب جنس و پایگاه را تایید کرده‌اند؛ بدین صورت که زنان نسبت به مردان و افراد متعلق به پایگاه بالا نسبت به هم‌تایان خود در طبقه پایین، از میزان حمایت اجتماعی ادراک شده بالاتری برخوردارند. البته این اختلاف را می‌توان ناشی از تفاوت جامعه آماری پژوهش‌های یاد شده دانست.

بر مبنای جدول همبستگی‌ها، سلامت اجتماعی با همه ابعاد حمایت اجتماعی و همچنین با خود متغیر حمایت اجتماعی ادراک شده، رابطه‌ای مستقیم و معنادار برقرار کرده است (تایید فرضیه‌های اول تا چهارم)؛ یعنی با افزایش سطح هر یک از مولفه‌های حمایت اجتماعی، میزان سلامت اجتماعی افراد نیز افزایش می‌یابد. در میان سه بعد حمایت اجتماعی، بعد خانواده قوی‌ترین ($r=0/252$) و بعد دوستان ضعیف‌ترین ($r=0/177$) رابطه را با سلامت اجتماعی دارند. ضرایب استاندارد شده (بتا) حاصل از رگرسیون نیز این امر را تایید می‌کند و نشان می‌دهد که حمایت خانواده، بیش‌ترین سهم را در تبیین سلامت اجتماعی دارد.

حال می‌توان به پرسش اولیه این تحقیق بازگشت و گفت که افراد (دانشجویان)، جهت برخورداری از سلامت در روابط و پیوندهای خود، نیاز به حمایت‌های همه‌جانبه از سوی اطرافیان‌شان اعم از خانواده، دوستان و دیگران مهم دارند تا از این طریق بتوانند سهمی در پیشرفت خود و جامعه ایفا کنند.

با وجود تمامی کمبودها و نقصان‌هایی که جامعه ایرانی در حوزه‌های مختلف درگیر آن است، هنوز میزان خوش‌بینی افراد و نیز میزان حمایت‌های دریافتی آن‌ها از پیرامون‌شان (به ویژه خانواده خود)، در سطح قابل قبولی قرار دارد (هر چند به صورت انتزاعی و غیر واقعی). پس وظیفه متولیان و مجریان دولتی است که قدر این همه صبوری و سعه صدر شهروندان‌شان (که چنین روحیه‌ای تنها از شاخصه‌های فرهنگی ایرانیان می‌باشد) را بدانند و در راستای پاسخگویی به نیازهای بی‌شمار آن‌ها، اقدامات لازم را انجام دهند.

در پایان، باید به نقش پر فروغ و بی‌مانند نهاد خانواده در فرهنگ ایرانی اشاره کرد که حتی در ناگوارترین شرایط زندگی، بی‌هیچ چشمداشتی از موجودیت و کیان اعضای خود دفاع می‌کند و آن‌ها را به حال خود و نمی‌گذارد. پس حمایت هم‌جانبه از چنین نهاد مقدس و بی‌بدیلی، از اهم وظایف مسئولان و سیاست‌گذاران دولتی است.

از آن جا که بر اساس یافته‌های این تحقیق، حمایت خانواده، حمایت دوستان و حمایت دیگران مهم، به ترتیب، سهم به سزایی در ارتقا و افزایش سلامت اجتماعی دانشجویان ایفا کرده‌اند، پس دانشجویان نیز باید روابط و پیوندهای خود را در این حیطه‌ها را گسترش دهند و با قرار دادن خود در متن این شبکه‌های ارتباطی، از مزایا و امکانات نهفته در آن استفاده نمایند.

منابع

- ایمانی، ر. (۱۳۸۲). "بررسی علل و عوامل مؤثر بر دریافت حمایت اجتماعی از شبکه شخصی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- باباپور خیرالدین و دیگران. (۱۳۸۸). "بررسی نقش عوامل جمعیت شناختی در سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز". فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز. شماره ۱۶: ص ۱۹-۱.
- بنی فاطمه، حسین؛ عباس زاده، محمد و چایچی تبریزی، نگار. (۱۳۹۰). "بررسی میزان سلامت اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز و عوامل آن". مجله مطالعات جامعه‌شناسی. سال سوم، شماره یازدهم، ص ۳۷-۵۰.
- بهروزی، ناصر؛ شهنی ییلاق، منیژه و پورسید، سید مهدی. (۱۳۹۱). "رابطه کمال گرایی، استرس ادراک شده و حمایت اجتماعی با فرسودگی تحصیلی". مجله راهبرد فرهنگ. شماره ۲۰.
- تقی پور، ملیحه. (۱۳۸۹). "بررسی حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار در شهر تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن.
- توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی دینی. تهران: نشر سخن
- حاتمی، پریسا. (۱۳۸۹). "بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- خیرالله پور، اکبر. (۱۳۸۳). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت روانی با تأکید بر سرمایه اجتماعی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی وردی نیا، اکبر و پورحسین، سیده زینب. (۱۳۸۹). "بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال دهم، شماره ۳۹.
- زاهدی اصل، محمد و پیله وری، اعظم. (۱۳۹۳). "فراتحلیلی بر مطالعات مربوط به سلامت اجتماعی". فصل نامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۱۹
- سام آرام، عزت الله. (۱۳۸۸). "بررسی رابطه سلامت اجتماعی و امنیت اجتماعی با تأکید بر رهیافت پلیس جامعه محور". فصل نامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی. سال اول، شماره اول
- سام آرام، عزت الله. (۱۳۸۷). جزوه درسی دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- سمیعی، مرصده؛ رفیعی، حسن و دیگران. (۱۳۸۹). "سلامت اجتماعی ایران: از تعریف اجماع مدار تا شاخص شواهد محور". فصل نامه علمی-پژوهشی مسائل اجتماعی ایران. سال اول، شماره دوم، ص ۳۱-۵۲
- عبدالله تبار و دیگران. (۱۳۸۷). "بررسی سلامت اجتماعی دانشجویان". فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. شماره ۳۰ و ۳۱.
- فارسی نژاد، معصومه. (۱۳۸۳). "سبک‌های هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدگی تحصیلی در دانش آموزان دختر و پسر دوم دبیرستان های شهر تهران". پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده روان شناسی، دانشگاه تهران.
- قدسی، علی محمد. (۱۳۸۲). "بررسی جامعه شناختی رابطه بین حمایت اجتماعی و افسردگی". پایان نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- کنگرلو، مریم. (۱۳۸۷). "بررسی میزان سلامت اجتماعی دانشجویان شاهد و غیر شاهد دانشگاه علامه طباطبائی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

- مرندی، س. (۱۳۸۵). **عوامل اجتماعی سلامت**. وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی. معاونت تحقیقات و فناوری. چاپ دوم.
- نوربالا، احمد علی؛ باقری یزدی، سید عباس؛ اسدی لاری، محسن و واعظ مهدوی، محمدرضا. (۱۳۸۹). "وضعیت سلامت روان افراد ۱۵ ساله و بالاتر شهر تهران". مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. سال شانزدهم، شماره ۴.
- ولایتی خواجه، سمیه و همکاران. (۱۳۹۲). "دین و سلامت: آزمون اثر دینداری بر سلامت نمونه ای از دانشجویان". جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و چهارم، شماره ۱ پیاپی (۴۹)، ص ۷۷-۵۵.
- همتی، الهام؛ مهدوی، محمدصادق و بقایی سرابی، علی. (۱۳۹۱). "تأثیر حمایت اجتماعی بر سلامت اجتماعی زنان سرپرست خانوار شهر رودهن". فصلنامه پژوهش اجتماعی. سال ششم، بهار ۹۲.
- Drentea, Patricia et al., (2006). **"Predictors of Improvement in Social Support"**. Social Sciences & Medicine, 63. pp: 957- 67.
- Keyes, C.M. & Shapiro, A. (2004). **"Social Well – being in U.S: A descriptive epidemiology"**. In Brim, Orville Gilbert; Ryff, Carol D.; and Kessler, Ronald C. (Eds) How Healthy Are you? A National Study of Well-Being at Midlife. U.S. University of Chicago Press.
- Keyes, C. L. M. (2004). **Complete Mental Health: an agenda for the 21 century**. Washington
- Keyes, C.L.M., Shmotkin, D., Ryff, C.D. (2002). **"Optimizing well-being: The empirical encounter of two traditions"**. Journal of Personality and Social Psychology. 82, 1007-1022.
- Larson, J. S. (1996). **"The World Health Organization's definition of health: Social versus spiritual health"**. Social Indicators Research, 192-181 :38
- Maslach, C. & S. E. Jackson. (1984). **Burnout in Organizational Setting**. Applied Social Psychology Annual. 5: 133-153.
- Sarafino, Edward. P (1998). **Health Psychology**. Third Edition, New York ,John Wiley & Sons.
- WHO. (1948). **Social versus spiritual health**. Social indicators research Constitution of the World Health Organization ,Geneva.
- Yang ,H .J .(2004). **"Factors Affecting Student Burnout and Academic Achievement in Multiple Enrollment Programs in Taiwan's Technical-vocational Colleges"**. International Journal of Educational Development. 24(3). 283-301.
- Zimet, G.D., et al. (1988). **"The Multidimensional Scale of Perceived Social Support"**. Journal of Personality Assessment, 52



تدوین برنامه استراتژیک وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰

مهدی نادری نسب^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۳/۴

این پژوهش با هدف تدوین برنامه جامع ورزش قهرمانی کشور در راستای کسب جایگاه مناسب در مسابقات المپیک انجام گرفته است. در این تحقیق چشم انداز، اهداف، حوزه های کلیدی عملکرد، نقاط قوت و ضعف، تهدیدها و فرصت ها و موقعیت استراتژیک وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک ۲۰۲۰ بیان شده است. برای تدوین برنامه استراتژیک وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک الگوهایی چون برنامه های جامع کشورهای روسیه، نیوزلند و چین در نظر گرفته شده تا در نهایت قابلیت بحث و بررسی دقیق تر وجود داشته باشد. مطالعه اسناد و مدارک و جمع آوری اطلاعات از نمونه آماری به تعداد ۱۷۴ نفر به روش نمونه گیری تمام شمار انجام گردید.

نتایج تحقیق نشان داد که وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک از نقاط قوت و ضعف، فرصت ها و تهدیدهای متعددی در حیطه های مختلف برخوردار می باشند که در این تحقیق همگی به همراه میانگین، انحراف استاندارد و رتبه مربوط به خود بر اساس نتایج آزمون فریدمن در سطح $p < 0/05$ نشان داده شده است. ماتریس عوامل بیرونی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک نشان داد که مجموع نمرات ماتریس ۱/۳۹ می باشد که نشان دهنده غلبه تهدیدها بر فرصت های محیطی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران می باشد. همچنین، ماتریس عوامل داخلی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک نشان داد که

۱. استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

مجموع نمرات ماتریس ۲/۳۲ می باشد که نشان دهنده غلبه ضعف ها بر قوت های وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران است. نتیجه کلی اینکه ماتریس داخلی و خارجی حاکی از آن است که وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک از لحاظ موقعیت استراتژیک در موقعیت WT قرار دارد. به عبارت دیگر، می توان گفت که به دلیل چیرگی ضعف ها بر قوت ها و عدم توانایی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در استفاده از فرصت ها و دفع تهدیدهای احتمالی بهتر است استراتژی تدافعی اتخاذ شود تا وضعیت وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران از وضعیت کنونی بدتر نگردد. با توجه به شاخص های موجود وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک، برنامه استراتژیک با نگاه به موقعیت راهبردی برای دستیابی ایران به جایگاه ۱۰ در المپیک ۲۰۲۰ طراحی و تدوین شده است.

واژگان کلیدی: برنامه استراتژیک، SWOT، وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک

مقدمه

امروزه ورزش قهرمانی به عنوان یک مفهوم عمده و اساسی با ابعاد مهم در بین حوزه های مختلف ورزش مطرح است. شاید دلیل این موضوع، جذابیت های ورزش همراه با سرزبان افتادن نام کشورها در میدانی بین المللی باشد که آن را به موضوع مورد توجه بیشتر کشورها در سراسر دنیا تبدیل کرده است. همچنین، ورزش قهرمانی در سطح بین المللی عاملی برای نشان دادن فرهنگ و الگوهای اجتماعی در سطح جهان شده است. در چنین شرایطی، طبیعی است که بسیاری از کشورهای موفق، بخشی از اهداف و برنامه هایشان را در رابطه با ورزش قهرمانی تعریف و تعقیب کنند. ایران از جمله کشورهایی است که ورزش های مختلف دل مشغولی بسیاری از افراد جامعه را تشکیل می دهد و پیشرفت یا عدم پیشرفت در عرصه ورزش و رقابت های مختلف با غرور ملی، احساس رضایت، خشنودی و امیدواری آحاد مردم ارتباط نزدیکی دارد. از طرف دیگر، صاحب نظران بر این موضوع اذعان دارند که ایران اسلامی پتانسیل های بسیار بالایی برای افتخار آفرینی و کسب جایگاه شایسته در عرصه های بین المللی از جمله المپیک را دارد. با این وجود روند گذشته نشان داده است که تاکنون سرعت حرکت و جایگاه ورزش ایران متناسب با وضعیت مطلوب مورد نظر مردم و مسئولین کشور نبوده است و نیازمند حرکتی منسجم تر و همراه با برنامه ریزی دقیق و متناسب با پیچیدگی ها و الزامات متعدد در رشد و توسعه در تمام ابعاد و به خصوص رشته های مستعد تر می باشد. امروزه در مجامع ورزش به عنوان فاکتوری ارزنده برای معرفی ملت ها به شمار می آید و موفقیت در رقابت های جهانی و المپیک یک امتیاز مهم برای هر کشور محسوب می گردد. اینک ورزش بسیار فراتر از یک رقابت بوده و به حوزه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تجاری و صنعتی راه یافته و به موضوعی پیچیده و چند وجهی تبدیل شده است (الهی، ۱۳۸۳). لذا توسعه موفق و همه جانبه ورزش نیازمند نگاهی بلند مدت و جامع در برنامه ریزی همراه با عمل گرایی و جدیت اجرایی است. بر این اساس با مطالعات دقیق و با رویکردی جامع و مبتنی بر روش های علمی، برنامه جامع وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران را برای المپیک ۲۰۲۰ طراحی خواهیم نمود. تحقیق حاضر در تلاش است با استفاده از شیوه های علمی به طراحی و تدوین برنامه جامع وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران در حوزه ورزش همگانی در کمیته ملی المپیک بپردازد و گام کوچکی در راستای رشد و توسعه ورزش کشور بر دارد.

امروزه پیچیدگی زیادی در فعالیت های سازمان های کنونی پیدا شده است؛ به طوری که با مقایسه ای ساده مشخص است که دیگر نمی توان همانند گذشته، بدون دور اندیشی و بررسی های علمی، چشم اندازی کامل از عملکرد سازمان ترسیم نمود. در نتیجه برای پیروزی در رقابت فشرده ای که در جهان امروز وجود دارد باید با استفاده بهینه از علم و دانش، عملکرد قوی تری را ارائه نمود تا بتوان به هدف والای سازمانی دست یافت. به بیان دیگر، می توان از دانش برنامه ریزی استراتژیک استفاده کرد و با بهره گیری از این رویکرد در رویارویی با رقابت بسیار فشرده جهان امروز موفق بود و اجازه نداد که مدیر استراتژیک یا به تعبیری استراتژیست ها به جای ایجاد بستری مناسب برای موفقیت سازمان، دچار سر در گمی در تدوین برنامه های سازمان شوند (مشبکی، ۱۳۸۵).

از نظر الوانی (۱۳۸۴) برنامه ریزی استراتژیک، فرایندی است در جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به تلاش های آن برای نیل به رسالت و اهداف بلندمدت، با توجه به امکانات و محدودیت های درونی و بیرونی (الوانی، ۱۳۸۴).

مک جینینز معتقد است که مأموریت سازمان باید هر سازمان را بدان گونه که هست و آنچه در نظر دارد بشود، معرفی نماید (استیسی، ۱۳۸۴). بیانیه رسالت اتحادیه فوتبال چین عبارت است از: ایجاد ساختار اداری

عالی همراه با مدیریت تخصصی و حرفه‌ای و حمایت اثربخش سازمانی در سطوح شهری و استانی که تامین کننده نیازمندی‌های فوتبال در سرتاسر چین باشد. بسیاری از سازمان‌های ورزشی از جمله فدراسیون‌های فوتبال در سطح جهان نیز به تدوین بیانیه رسالت خود مبادرت نموده‌اند. به عنوان نمونه، بیانیه رسالت اتحادیه فوتبال اروپا به صورت ارتقا، حمایت و توسعه فوتبال اروپا در سطوح مختلف رقابت‌ها، توسعه اصول اساسی در ایجاد وحدت و سولیداریتی، پاسخگویی به کلیه سؤالات مربوط به فوتبال و رفع مشکلات این رشته ورزشی در این قاره عنوان شده است (فرانک لاوی^۱، ۲۰۰۴).

بسیاری از سازمان‌های ورزشی از جمله فدراسیون‌های ورزشی در سطح جهان نیز به تدوین بیانیه چشم‌انداز خود مبادرت نموده‌اند. به عنوان مثال، چشم‌انداز فدراسیون فوتبال استرالیا عبارت است از: تبدیل این کشور به عنوان رهبر جهان فوتبال در مسابقات جهانی زیر نظر فیفا. این فدراسیون به گونه‌ای عمل خواهد کرد که جهت‌دهنده به رقابت‌های فوتبال و هدایت‌گر آن در کلیه سطوح باشد (امپریکال، ۲۰۱۴). چشم‌انداز برنامه جامع فوتبال ایرلند عبارت است از: فوتبال برای آینده جامعه. در این چشم‌انداز، از نیاز آینده جامعه برای تأمین نیازهای اساسی خود توسط فوتبال در حیطه‌های سلامتی، نشاط، شادابی، مسائل اجتماعی و فرهنگی یاد شده و فوتبال به عنوان حامی جامعه ایرلند معرفی گردیده است (امپریکال، ۲۰۱۴).

بسیاری از سازمان‌های ورزشی به تعیین حوزه‌های کلیدی عملکرد خود مبادرت می‌نمایند. به عنوان نمونه، ورزش دانشگاهی استرالیا (۲۰۰۳) عواملی مانند برنامه‌های ورزشی، بازاریابی، منابع مالی و انسانی و نظارت سازمانی را به عنوان حوزه‌های کلیدی عملکرد خود تعیین کرده است (گودرزی، ۱۳۸۶). حوزه‌های کلیدی عملکرد در برنامه توسعه فوتبال استرالیا عبارت اند از: مسابقات، آموزش و توسعه مربیان، توسعه داوران، توسعه باشگاه‌ها، توسعه تجهیزات و امکانات، مقررات، تأمین کنندگان خصوصی، فوتسال، فوتبال مدارس، فوتبال بانوان و توسعه بازیکنان مستعد (گلو، ۱۹۹۰^۲). در برنامه جامع فوتبال نیوزلند نیز ۶ حوزه کلیدی مطرح گردیده است که عبارت اند از: رهبری و مدیریت، درآمد منظم مالی، توسعه فوتبال و مشارکت ورزشکاران جوان، عملکرد عالی، بازاریابی و ارتباطات عمومی، مردم و سیاست‌ها و فرآیندها (برنامه استراتژیک راگبی نیوزلند، ۲۰۰۵). حوزه‌های کلیدی عملکرد در برنامه جامع فوتبال کشور چین عبارت است از: باشگاه‌ها، فوتبال پایه، مدارس فوتبال، بانوان، آموزش مربیان، داوران، پزشکی ورزشی، بازاریابی و رسانه (وانگ پی هونگ^۳، ۲۰۱۴). در برنامه توسعه فوتبال‌ها در انگلیس حوزه‌های کلیدی عملکرد عبارت اند از: امکانات و زیرساخت‌ها، آموزش، توسعه فوتبال در زمین‌های کوچک، ایجاد باشگاه‌ها، حوزه سلامت و تندرستی ورزشکاران، بخش داوطلبانه، بخش مربوط به معلولان، بخش فرهنگی - اجتماعی فوتبال، بخش افزایش مشارکت فعال ورزشی (اپلبوم^۴، ۱۹۹۱). تعیین حوزه‌های کلیدی عملکرد از موضوعاتی است که به تسهیل فرایند تدوین برنامه استراتژیک و در نهایت دستیابی به اهداف و اولویت‌های یک سازمان کمک می‌نماید (سارتر^۵، ۲۰۰۶).

از نظر حمیدی زاده (۱۳۸۲) یکی از راه‌های بررسی عوامل محیط درونی و بیرونی سازمان استفاده از تحلیل SWOT است. این روش امکان بررسی عوامل و مقایسه تنگناها، تهدیدها و جنبه‌های آسیب زنده به سازمان، فرصت‌ها، تقاضاها و موقعیت‌های محیط بیرونی را همراه با نقاط ضعف و قوت سازمان به وجود می‌آورد.

1. Lowy Frank
2. Jan D. Gilloay
3. Wang P, Hong
4. Steven H. Appelbaum
5. Nell carter

(چراغی، ۱۳۸۳). از نظر لوپ^۱ (۲۰۰۵) تجزیه و تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدهای یک سازمان برای بسیاری از محققان مترادف با «تجزیه و تحلیل استراتژیک» است (موسوم به سرواژه SWOT^۲). دیوید (۱۳۸۵) معتقد است که در تدوین استراتژی باید مأموریت سازمان تعیین شود، عواملی که در محیط خارجی سازمان را تهدید می کنند یا عواملی که فرصت هایی را به وجود می آورند شناسایی شوند، نقاط قوت و ضعف داخلی سازمان مشخص گردد، اهداف بلند مدت تعیین شوند و برای این فعالیت ها استراتژی های گوناگون شناسایی و انتخاب شوند (سند تفصیلی نظام جامعه توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور ۱۳۸۳). بر اساس این روش، یک استراتژی مناسب قوت ها و فرصت ها را به حداکثر و ضعف ها و تهدیدها را به حداقل ممکن می رساند. در این تحلیل، استراتژی ها در چهار حالت پیوند داده می شوند تا گزینه های استراتژیک از بین آنها انتخاب شود (طیبی و ملکی، ۱۳۸۴). به طور کلی، بسیاری از سازمان های ورزشی و از جمله فدراسیون ها در کشورهای مختلف به تدوین استراتژی های خود مبادرت نموده اند. فدراسیون فوتبال نیوزلند براساس تحلیل SWOT برنامه جامع خود را برای سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ طراحی نموده است که با توجه به استراتژی های تدوین شده، همخوانی اهداف و رسالت ها بسیار نزدیک بوده و توسعه رقابت ها که با مدیریت و مشاوره کنفدراسیون فوتبال این کشور صورت می گیرد، جهت دهنده اصلی به استراتژی فوتبال نیوزلند است (هونگ، ۲۰۱۴). برنامه استراتژیک المپیک چین با عنوان رویای چین برای دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ طراحی شد که شامل موارد زیر بود:

- ۱- ارتباط تاریخی کشور چین با المپیک؛ ۲- سیاست ها و خط مشی های جامعه ورزشی چین و تغییرات جدید در آنها؛ ۳- استراتژی های چین در ارتباط با توسعه و شرکت در المپیک؛ ۴- اهداف و آمادگی بازی المپیک ۲۰۰۸؛ ۵- پیشرفت ورزش چین بعد از المپیک تا ۲۰۰۸.
- راهنمایی ها در این برنامه شامل دو سند است: ۱- استراتژی برای بردن مدال المپیک طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۱۲
- ۲- برنامه استراتژیک برای کسب قهرمانی المپیک ۲۰۰۸.
- حوزه های کلیدی مورد توجه در این برنامه عبارت اند از:

رشته های ورزشی المپیک

در المپیک رشته های مختلف ورزشی رقابتی وجود دارد که توسط وزارت ورزش چین به ۴ گروه دسته بندی شده است و برای هر کدام از این دسته بندی ها استراتژی تدوین شده است:

رشته های ورزشی سنتی در المپیک: حفظ برتری در مسابقات؛

توانایی بالا در رشته های ورزشی: کسب مدال های بیشتر؛

رشته های ورزشی مستعد در المپیک: حرکت به سمت کسب مدال های بیشتر؛

رشته های ورزشی المپیکی ضعیف: رسیدن به کیفیت و استاندارد مناسب؛

افزایش ورزشکاران المپیکی

برای افزایش ورزشکاران المپیکی در سه حوزه تمرکز صورت گرفت: ۱- گسترش تعداد تیم ها: تیم های ملی، تیم های جوانان و دیگر تیم ها؛ ۲- گسترش تعداد ورزشکاران؛ ۳- هر تیم ورزشی با اهداف خاص خودش باید مدال های مورد انتظار در برنامه استراتژیک را کسب کند.

افزایش منابع المپیک

منابع مالی وزارت ورزش کشور چین برای المپیک ۲۰۰۸ افزایش چشم گیری داشت و به ۴/۸۸ میلیارد دلار

1. Jean Loup

2. Strengths, Weaknesses, Opportunities, Threats

رسید که ۹۰ درصد آن به ورزشکاران، مربیان، ساختار و کسب مدال اختصاص یافت.

جهت‌گیری توسعه رشته‌های ورزشی پس از المپیک ۲۰۰۸

پس از المپیک ۲۰۰۸ جهت‌گیری ورزش چین به سمت موارد فوق بود: ۱- برنامه احساسی شادی پس از موفقیت‌های المپیک؛ ۲- اجرای برنامه عد متمرکز در مدیریت اداری سیستم رشته‌های ورزشی؛ ۳- توسعه بازاریابی؛ ۴- تجاری‌سازی ورزش؛ ۵- فراگیر و همه‌گیر شدن فعالیت‌های ورزشی؛ ۶- توسعه سریع فعالیت‌های ورزشی در بین عموم.

نتیجه‌گیری

- کشور چین رابطه پیچیده و طولانی با المپیک از قرن نوزدهم دارد.
- در تاریخ ورزش چین، سیاست و المپیک ارتباط تنگاتنگی داشته‌اند.
- هدف اساسی ورزش چین، ایجاد حس برنده شدن و برتری از طریق رقابت‌های بین‌المللی است.
- برای دسترسی به هدف برنده شدن، "مرکز سیستم ورزش قهرمانی و نخبه‌پرور" تأسیس شد.
- رقابت‌های ورزشی المپیک ۲۰۰۸، سیستم ورزش قهرمانی و حرفه‌ای چین را قدرتمند ساخت.
- اصلاح سیستم ورزشی چین و شکل‌دهی مجدد آن امری اجتناب‌ناپذیر بود و مفهوم جدیدی از توسعه رشته‌های ورزشی پس از المپیک ۲۰۰۸ شکل گرفت.
فدراسیون تیر و کمان (تیراندازی) نیوزلند برنامه استراتژیک خود را برای دوره ۲۰۱۷-۲۰۱۳ با چشم انداز ایجاد جامعه فعال و ارتقای اعتماد به نفس جامعه، تدوین کرده و طرح‌های عملکردی و مأموریت‌ها را با اهداف بی‌شماری انجام داده است. تعداد ورزشکاران تیرانداز نیوزلند افزایش پیدا کرد، اما پس از مدتی ثابت، تیراندازهای کمی به موفقیت‌های بین‌المللی دست یافتند- هرچند که ظاهراً استانداردها و شاخص‌های کیفی توسعه پیدا کرده بود. به همین منظور، برد تیراندازی سمینارهایی را با حضور مربیان در سراسر کشور سازماندهی کرد و یک مربی با تجربه را برای کمک به اجرای فرایندهای توسعه‌ای از استرالیا به نیوزلند آورد. انتخاب مربیان از طریق طرح‌های عملیاتی صورت گرفت، موضوع عملکرد عالی ورزشکاران در دستور کار مربیان گذاشته شد و با تأسیس مرکز اصلی توسعه ارزش‌های تیراندازی، گام عملی دیگری برداشته شد. چهار هدف اساسی در این برنامه عبارت بودند از:
افزایش مشارکت عمومی در قالب ورزشکاران تیرانداز، به‌کارگیری مقامات رسمی و حمایت‌کننده‌های عالی؛

ایجاد توانمندی در تمامی مشارکت‌کنندگان به لحاظ فعالیت‌های جسمانی؛
ایجاد تشکیلاتی که مربوط به پیشکسوتان و ورزشکاران قدیمی است، برگزاری جشن‌های موفقیت و یادبود برای آنان و نیز ورزشکاران جدید؛
بازنگری در مورد مسائل انجام شده در گذشته که چگونه انجام گرفته و چقدر موفقیت‌آمیز بوده و آموختن از تجربیات گذشته برای ساختن آینده و افزایش سرعت پیشرفت.
در پایان هر یک از مأموریت‌ها، پیشنهادات خاصی را برای اهداف تیراندازی نیوزلند آورده است (برنامه استراتژیک فدراسیون تیر و کمان نیوزلند ۲۰۱۷-۲۰۱۳).

بسته رسانه‌ای عملکرد نیوزلند در المپیک ۲۰۱۲ در ارزیابی برنامه‌های ورزش نیوزلند موردی از تدوین شاخص‌های ارزیابی برنامه‌های المپیکی کشور است که توسط سیترو گراهام^۱ در ۲۰۱۵ ارائه شده است.

این بسته رسانه‌ای برای مهیا کردن آسان اطلاعات، پیش‌زمینه‌ای قابل دسترس برای روزنامه‌نگارها که بزرگترین رویدادهای ورزشی را در این سال (بازی‌های المپیک لندن-۲۰۱۲) پوشش می‌دهند، طراحی شده است. روزنامه‌نگارها با ارائه تصاویر و حقایق، طرح و برنامه‌ای را که از سال ۲۰۰۶ با تدوین استراتژی و اهداف برای بازی‌های لندن شکل گرفته، بیان می‌کنند. این استراتژی همه نیازهای ورزشکاران نیوزلندی را برای داشتن احساس آرامش بیشتر فراهم می‌کرد تا فعالیت بهتری را در لندن بروز بدهند. این طرح با اجرای ۲۱ ورزشکار در سال ۲۰۱۱ به پایان رسیده بود و نکته مهم اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم روی این ورزشکاران که احتمال موفقیت بیشتری داشتند صورت گرفته بود تا با حمایت بیشتر کشورشان، استفاده از تسهیلات، تمرین و آموزش مناسب و موارد دیگر در المپیک موفق باشند و تصور هم بر این بود که نیوزلندی‌ها بردهای بیشتری را در سطح جهان داشته باشند.

زمانی که مدالیست‌های نیوزلندی المپیک بر روی سکو ایستادند، بیشتر مردم در آنجا در این کار بزرگ به آنها کمک کرده بودند؛ از جمله: توانمندی و موقعیت متخصصان، اجرا و تحلیل تکنیک‌ها، متخصصان تغذیه، فیزیولوژیست‌ها، پزشکان، ماساژورها، فیزیوتراپ‌ها، روان‌شناسان و مشاوران. تمرینات و مهارت‌های روحی و ذهنی مربیان نیز از نکات اساسی بودند. نکته دیگر این که تعامل سازنده با دیگر ارگان‌های موجود در نیوزلند از عوامل مهم تأمین منابع برای رسیدن به موفقیت بود. این برنامه با تدوین چشم انداز "پروژه نیوزلندی‌های پیروز در سطح جهانی با یک سرمایه‌گذاری مناسب" انجام شد. در المپیک ۲۰۰۸ در ۵ یا ۶ رشته ورزشی مورد نظر که هدف کشور نیوزلند بود موفقیت نصیب این کشور شد و در بین کشورهای شرکت کننده در رقابت‌ها به مقام سوم در رشته‌های مورد نظر دست یافت. این رشته‌ها همان استراتژی مورد نظر همراه با سرمایه‌گذاری بود و تمرکز بر کسب مدال در المپیک لندن نیز ادامه پیدا کرد. در ژانویه ۲۰۱۰، دولت بودجه سرمایه‌گذاری جدیدی را به ارزش ۱۰ میلیون دلار برای سال ۲۰۱۱-۲۰۱۰ و ۱۵ میلیون دلار در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ و ۲۰ میلیون دلار هر سال بعد از ۲۰۱۲ اعلام کرد. این مبالغ برای عملکردهای نیوزلند در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۲ حدود ۶۰ میلیون دلار می‌شود که این سرمایه‌گذاری نسبت به سه سال گذشته ۵۰ درصد افزایش داشته است. حدود ۷۰ درصد از سرمایه عملکرد عالی به ۹ ورزش هدفمند و موفق در المپیک تحویل داده شد (گراهام، ۲۰۱۵). برنامه جامع توسعه ورزش روسیه تا المپیک ۲۰۲۰ از دیگر برنامه‌های مورد مطالعه بود که در ادامه آمده است. این طرح یک برنامه ریزی به منظور توسعه و پیشبرد ارزش تندرستی و سلامتی و زندگی فعال، پیشرفت ورزش، موفقیت ورزشکاران در رقابت‌های بین‌المللی، مشارکت بیشتر مردم در رده‌های مختلف سنی در ورزش و ارتقای سطح درآمد ورزشکاران می‌باشد که در سال ۲۰۰۹ به تصویب رسیده است و در ضمیمه آن به این نکته اشاره شده است که علیرغم وضعیت بحرانی اقتصاد روسیه و جهان، نباید مقوله ورزش تحت تاثیر قرار گیرد.

در این طرح موارد مهم زیر وجود دارد:

توسعه ورزش اسکی و اسکیت یخی که به همین منظور مرکز ناواگرکس با هزینه بسیار بالا و امکانات مناسب افتتاح شد و ورزشکاران جوان روسیه به منظور کسب آمادگی برای شرکت در مسابقات مهم و رقابت با کشور کانادا در این مرکز تمرین می‌کنند.

تأسیس کمیته ای خاص برای سازماندهی تیم‌های ملی روسیه در مسابقات جهانی ۲۰۱۸ که در دولت روسیه به تصویب رسید. این کمیته وظایف مهمی از جمله هماهنگی با دولت‌های ناحیه‌ای، خبرگزاری‌های داخلی و خارجی، پوشش رسانه‌ای و همچنین رفع تمام خواسته‌ها و نیازهای وزیر ورزش را در مسائل مختلف دنبال خواهد کرد.

با توجه به افزایش مشارکت فعال ورزشی تا سال ۲۰۰۸ که دربرگیرنده ۲۵ میلیون نفر از افراد جامعه می‌باشد،

در صدد خواهیم بود این مشارکت را در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۴۲ میلیون نفر برسانیم تا شاید بتوانیم مشابه همسایگان اروپایی مشارکت ۷۰ درصدی را داشته باشیم.

باشگاه های ورزشی باید به طور ایده آل در همه جای کشور در دسترس عموم باشند. به همین منظور در سال ۲۰۱۱ تعداد ۳۰۰ باشگاه، استادیوم و مرکز ورزشی در رشته های مختلف با تسهیلات مالی و سرمایه گذاری مناسب ساخته شد که موفقیت ما در این زمینه متوسط بود و باید پروژه بزرگتری برای آن تعریف شود.

هزینه آمادگی جسمانی و تربیت بدنی جامعه یک موضوع جداگانه بوده و با توجه به هماهنگی با وزیر اقتصاد در سال ۲۰۱۱، مبلغ ۹۰ میلیارد روبل به طرح سه ساله تا ۲۰۱۴ اختصاص یافت که یکی از برنامه های این طرح ایجاد یک استخر و یک باشگاه ورزشی برای هر مدرسه می باشد.

کسب مقام های مناسب و همچنین میزبانی آبرومندانه در مسابقات دانشجویی ۲۰۱۳ شهر کازان با مشارکت ۱۱ هزار ورزشکار دانشجوی از سراسر دنیا و عملکرد مناسب در المپیک و پارالمپیک ۲۰۱۴.

به روز رسانی و دسترسی به تکنولوژی ورزشی نوین جهانی.

توجه به رشته های خاص که در کشور روسیه محبوب هستند از جمله اسکیت نمایشی، پاتیناژ، هاکی یخی در بخش بانوان که برای این هدف تمام امکانات و ابزار را فراهم کرده ایم.

افتتاح ۱۰ باشگاه ورزشی با ظرفیت ۸۰۰ دانش آموز ویژه مدارس در سال ۲۰۱۱.

استخدام و به کارگیری ۳۱۰۰۰ متخصص و اجباری کردن تربیت بدنی (۳ جلسه) در هفته در کلیه مدارس، برگزاری مسابقات ورزشی دانش آموزی سالیانه.

توسعه مشارکت ورزش دانش آموزی که در این زمینه افزایش مشارکت ۳۵ درصدی در سال ۲۰۱۰ و ۳ درصدی در رشته ها را داشته ایم.

فراهم کردن شرایط انجام سه جلسه تمرین اجباری - هفتگی برای دانشجویان و ایجاد ۱۳ لیگ ورزشی در بخش ورزش دانشجویی.

تدوین ۲۵ تفاهم نامه بین دولت (وزرا) و سازمان های ورزشی در سال ۲۰۱۱.

ایجاد مراکز ویژه تیم های ملی در حوزه های مختلف تمرینی، برنامه ریزی و سازماندهی.

توسعه برنامه های پزشکی ورزشی: آموزش پزشک و فیزیوتراپ که ۱۰۰ نفر تحت آموزش قرار گرفته و حقوق آنها نیز افزایش یافته است.

پرداخت حقوق ثابت به ورزشکاران: ورزشکاران تیم ملی ماهیانه ۱۲۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ روبل، فوتبالیست ها و هاکی بازان ۸۰۰۰۰ روبل که تا ۱۲۰۰۰۰ روبل افزایش می یابد و در صورت کسب مدال، پاداش ویژه نیز دریافت خواهند کرد.

تدوین برنامه خاص برای ۳۷ رشته در سال ۲۰۱۲ که ۲۸ رشته در تابستان برگزار می شود و ورزشکاران ما با کسب ۵۳ مدال (۱۸ طلا، ۱۷ نقره، ۱۸ برنز) به رتبه دوم جهان رسیدند و در اروپا با کسب ۱۲۷ مدال حائز رتبه اول هستیم.

میزان بودجه اختصاصی به آماده سازی تیم های روسیه در سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ به ترتیب ۵۲/۲، ۳۴/۴، ۳۱/۳، میلیارد روبل بوده است (برنامه جامع توسعه ورزش روسیه تا المپیک ۲۰۲۰).

برخی از کشورهای آسیایی و بیشتر کشورهای اروپایی و آمریکایی در دهه های گذشته با برنامه ریزی های منظم توانسته اند گام های بلندی در راه توسعه ورزش بردارند. حرکت رو به جلوی این کشورها سبب شده است که ورزش کشورمان علیرغم اقدامات انجام شده و پیشرفت های سال های اخیر نتواند انتظارات مردم را برآورده سازد و جامعه ایرانی نیز از اثرات حاصل از ورزش بی بهره بماند. وجود برنامه جامع برای وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران در حوزه ورزش همگانی در کمیته ملی المپیک به لحاظ کسب

موفقیت در المپیک برزیل و ایجاد غرور ملی اهمیت خاصی دارد. لذا خردمندانه است که وزارت ورزش با استفاده از برنامه ریزی جامع، علاوه بر مزایای موجود در بطن فرآیند برنامه ریزی، به پیشبرد اهداف این سازمان در توسعه اصولی تر و ورزش قهرمانی و کسب جایگاه بهتر در عرصه های بین المللی کمک شایانی نماید. از طرف دیگر، وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران در حالی بر آن شده است که وضعیت موجود خود را بدرستی شناسایی کند، مقصد مناسب را تشخیص دهد و با توجه به تغییرات قابل پیش بینی نحوه رسیدن به آن را معین نماید که سازمان های ورزشی کشورهای دیگر نظیر استرالیا، نیوزلند، ژاپن، چین، عربستان، عراق و... نیز درصدد تدوین برنامه جامع خود در سال های گذشته برآمده اند (نادری نسب، ۱۳۸۹).

یوفا (UEFA) با تدوین برنامه استراتژیک خود در دهه گذشته به توسعه فوتبال این قاره کمک شایانی کرده و اعلام نموده است که به اهدافی چون: ارتقای دموکراسی در فوتبال، شفاف سازی فعالیت ها و همچنین افزایش قابلیت ها و ظرفیت های ورزش فوتبال در اعضای این قاره موفق بوده است. AFC نیز با تدوین برنامه چشم انداز فوتبال آسیا در چند کشور آسیایی از جمله: ایران، بنگلادش، چین، هند و... به توسعه فوتبال در این قاره می اندیشد. (نایون^۱، ۲۰۰۵).

این موضوع در مورد وزارت ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران نیز صدق می کند؛ به طوری که علیرغم تلاش های گسترده مسئولان و دست اندرکاران، مشابه سازمان تربیت بدنی در گذشته، فاقد برنامه اجرایی و واقع گرایانه برای انجام مسئولیت خود می باشد و احتمالاً نداشتن چنین برنامه ای می تواند یکی از دلایل عدم کسب رتبه مناسب در المپیک های گذشته باشد. بنابراین، در حالی که بسیاری از سازمان های ورزشی در سطح جهان با تدوین برنامه های جامع توانسته اند به خوبی به رسالت خود عمل کنند و به اهداف مورد نظر دست یابند، این مساله مطرح است که وزارت ورزش و جوانان ایران هنوز فاقد برنامه استراتژیک برای انجام مسئولیت های خود برای کسب رتبه مناسب در رشته های مختلف در سطح جهان و به خصوص در المپیک ۲۰۲۰ می باشد. بدین منظور، این تحقیق سعی دارد با به کارگیری فرآیند برنامه ریزی استراتژیک و استفاده از الگوها و روش های علمی متداول مورد استفاده به ویژه در سازمان های ورزشی، به طراحی و تدوین برنامه جامع ورزش و جوانان جمهوری اسلامی در حوزه ورزش قهرمانی در کمیته ملی المپیک ایران برای دست یابی به رتبه دهم در المپیک ۲۰۲۰ بپردازد و به سوالات اساسی زیر پاسخ دهد: چشم انداز، اهداف بلند مدت، حوزه های کلیدی عملکرد، نقاط قوت و ضعف، تهدید ها و فرصت ها، استراتژی ها، موقعیت استراتژیک و رئوس برنامه های عملیاتی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک در المپیک ۲۰۲۰ چیست؟

روش شناسی پژوهش

این تحقیق بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است و بر حسب روش گردآوری اطلاعات، از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است که قصد دارد با تدوین برنامه استراتژیک از طریق روش های علمی به بهبود عملکرد وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک در حیطه قهرمانی کمک نماید. در این تحقیق مطالعه وضعیت موجود وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک و فدراسیون هایی که شانس مدال آوری دارند یا مدال آورند، صورت گرفته و بر اساس آن استراتژی های مناسب در سطح ورزش قهرمانی و المپیک ۲۰۲۰ طراحی شده است. در این تحقیق ابتدا با استفاده از مصاحبه و فرم های ارزیابی محتوی سوالات باز، اطلاعات مرتبط

با هریک از موضوعات مندرج در برنامه استراتژیک مشخص گردید. سپس پرسشنامه های با سوالات بسته تدوین گردید که در هریک از موارد، نظرات شورای راهبردی که شامل ۱۴ نفر بودند با استفاده از بحث متمرکز (FGD) و تجزیه و تحلیل اعمال گردید و در نهایت هریک از موارد مندرج در برنامه استراتژیک تعیین و تدوین شد.

جامعه آماری تحقیق شامل رؤسای کمیته های فدراسیون های منتخب، مدیران فدراسیون های منتخب، مدیران وزارت ورزش، مدیران کمیته ملی المپیک، مربیان تیم های ملی، ورزشکاران صاحب مدال در المپیک، نخبگان و کارشناسان مدیریت ورزشی بودند که از آنها نظرسنجی به عمل آمد. نمونه آماری ما شامل ۱۷۴ نفر بودند که به روش تمام شمار انتخاب شدند. بر اساس موضوعات استراتژیک مورد نظر در برنامه در طول انجام کار برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز از فرم های شناسایی SWOT با محتوای سوالات باز، پرسشنامه های عوامل درونی، پرسشنامه های SCAN PEST، فرم های تعیین اهداف بلند مدت وزارت ورزش، فدراسیون های منتخب و کمیته ملی المپیک، فرم های تعیین استراتژی های وزارت ورزش، فدراسیون های منتخب و کمیته ملی المپیک، فرم های تعیین موقعیت استراتژیک وزارت ورزش، فدراسیون های منتخب و کمیته ملی المپیک استفاده شد که این فرم ها بر اساس الگوی تعیین موقعیت استراتژیک وزارت ورزش، فدراسیون های منتخب و کمیته ملی المپیک (از لحاظ وضعیت درونی و وضعیت بیرونی) طراحی گردید و شامل تعیین ضریب اهمیت (وزن)، شدت عامل و نمره عوامل درونی (قوت ها و ضعف ها) و همچنین برای عوامل بیرونی (فرصت ها و تهدیدها) و در نهایت تعیین موقعیت نهایی وزارت ورزش، فدراسیون های منتخب و کمیته ملی المپیک از لحاظ درونی و بیرونی در جایگاه SO، ST، WO، WT بود. در این فرم ها به منظور تعیین موقعیت استراتژیک وزارت ورزش، فدراسیون های منتخب و کمیته ملی المپیک از پرسش شوندها خواسته شد که با دادن نمره به «ضریب اهمیت (وزن)» و نیز نمره به «شدت عامل» به تعیین موقعیت مبادرت نمایند.

برای تجزیه و تحلیل همزمان عوامل درونی و بیرونی از ماتریس درونی و بیرونی استفاده شد. این ماتریس برای تعیین موقعیت استراتژیک وزارت ورزش به کار رفت. برای تشکیل این ماتریس، نمرات حاصل از ماتریس های ارزیابی عوامل درونی و بیرونی در ابعاد افقی و عمودی قرار گرفتند تا جایگاه وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی در خانه ای از این ماتریس مشخص شود؛ به طوری که بتوان استراتژی مناسبی برای آن اتخاذ گردد. برای تدوین استراتژی ها از تحلیل SWOT و ماتریس مبتنی بر مدل «دیوید» و از یک ماتریس چهارخانه ای استفاده شد. برای این کار، از مقایسات دو به دو (قوت ها و فرصت ها، قوت ها و تهدیدها، ضعف ها و فرصت ها، ضعف ها و تهدیدها) برای تعیین استراتژی های چهار گانه SO، ST، WO، WT و بر مبنای قضاوت تحلیلی و شهودی و طوفان مغزی پرسش شوندها استفاده شد. در بخش آمار توصیفی، اطلاعات جمع آوری شده به صورت شاخص های فراوانی، درصد و همچنین به صورت نمودار و جداول دسته بندی گردید و برای تجزیه و تحلیل داده ها در بخش آمار استنباطی به منظور رتبه بندی قوت ها، ضعف ها، فرصت ها، تهدیدها، ارزش های محوری و اهداف بلند مدت وزارت ورزش از آزمون رتبه ای «فریدمن» استفاده شد. برای سایر موارد مندرج در برنامه استراتژیک، بر حسب موضوع از تحلیل های استراتژیک به ویژه تحلیل SWOT بهره گرفته شد.

تجزیه و تحلیل داده ها

در برنامه استراتژیک تدوین شده برای وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و

کسب مدال در المپیک ۲۰۲۰، چشم انداز، اهداف بلند مدت، حوزه های کلیدی عملکرد، نقاط قوت و ضعف، تهدید ها و فرصت ها، استراتژی ها، موقعیت استراتژیک و رؤس برنامه های عملیاتی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک بیان می شود. **بیانیه چشم انداز ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰:** ایجاد مشارکت حداکثری جامعه در ورزش کشور، توجه به رشته های مدال آور و توسعه ورزش قهرمانی به منظور کسب رتبه شایسته در مسابقات المپیک و جهانی.

بیانیه رسالت ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰: رسالت وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک، توسعه و ترویج رشته ورزشی مدال آور و دارای شانس مدال با توجه به ارزش های والای انسانی، دستیابی به اهدافی چون هویت ملی، نشاط و سلامت جامعه؛ حضوری افتخارآمیز در میادین بین المللی با به کارگیری ظرفیت های موجود و ظرفیت سازی در داخل و خارج کشور بر اساس مقررات وزارت ورزش و کمیته بین المللی المپیک می باشد. **ارزش های محوری ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰:** ارزشمندی فعالیت ها و عملکردهای علمی، توجه به جنبه های اخلاقی و تربیتی ورزش، قانون گرایی در کلیه فعالیت های ورزشی، توزیع عادلانه منابع ورزشی و ایجاد فرصت های برابر رشد، سلامتی، شادابی و نشاط جامعه، سلامتی، شادابی و نشاط جامعه، توسعه ویژگی های اجتماعی ورزشکاران، صداقت و راستی در عملکرد ورزشی، ایجاد همبستگی و انسجام ملی، صلح و دوستی بین المللی، احساس افتخار، غرور و هویت ملی، شفافیت عملکرد در فعالیت های مدیریتی ورزش کشور، حفظ حرمت و جایگاه زنان در ورزش، کسب پیروزی در میادین بین المللی، توجه به ارزش های انسانی و اسلامی.

حوزه های کلیدی عملکرد ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰: حرفه ای و قهرمانی، ورزش پایه و همگانی، مدیریت، بازاریابی ورزشی، ارتباطات ملی و بین المللی، تحقیق و توسعه. **اهداف بلند مدت ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰:** برای تدوین اهداف بلند مدت وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک از بیانیه رسالت، بیانیه چشم انداز، ارزش های محوری، حوزه های کلیدی عملکرد، ادبیات پیشینه تحقیق، نظرسنجی از مدیران، کارشناسان، نخبگان و اعضای شورای راهبردی وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران استفاده شد. جدول ۱ این اهداف را نشان می دهد.

جدول ۱: اهداف بلندمدت راهبردی وزارت ورزش و جوانان در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک

ردیف	حوزه های کلیدی عملکرد	موضوع
۱	ورزش حرفه ای و قهرمانی	توسعه تیم های ملی مدال آور و شانس مدال در تمام رده های سنی و استانداردسازی و توسعه لیگ ها و مسابقات رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال
۲	ارتباطات بین المللی	گسترش ارتباطات مؤثر بین المللی با همکاری فدراسیون های بین المللی و کمیته بین المللی المپیک
۳	ورزش پایه و همگانی	گسترش و توسعه ورزش پایه و همگانی در رشته های مدال آور و شانس مدال و افزایش مشارکت عمومی فعال و غیر فعال

۴	مدیریت	اصلاح ساختار سازمانی فدراسیون های مدال آور و شانس مدال، تعیین وظایف و مسئولیت های دقیق برای تمام واحدها و شایسته سالاری و ارتقای بهره وری منابع انسانی در فدراسیون فوتبال
۵	همه حوزه ها	گسترش و اشاعه بینش های بنیادین توسعه رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال بر اساس اهداف ورزش و تربیت بدنی
۸	ورزش حرفه ای و قهرمانی، فوتبال پایه و همگانی	توسعه ورزش بانوان در رشته های شانس مدال
۹	بازاریابی	تجاری سازی در ورزش، خصوصی سازی و توسعه درآمدزایی
۱۰	تحقیق و توسعه	توجه به پژوهش در توسعه رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال و به کارگیری تکنولوژی و فناوری پیشرفته در ورزش

موقعیت استراتژیک، ماتریس عوامل درونی، ماتریس عوامل بیرونی ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰: برای تعیین موقعیت استراتژیک وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک جمهوری اسلامی ایران از ماتریس عوامل درونی و ماتریس عوامل بیرونی استفاده شد. نتایج حاصل در جدول ۲ نشان داد که مجموع نمرات عوامل درونی برابر با ۲/۳۲۵ می باشد و حاکی از آن است که وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک و کسب مدال در رقابت های المپیک از لحاظ عوامل درونی ددر موقعیت ضعف است.

جدول ۲: ماتریس عوامل درونی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک

ردیف درونی	کد	عامل	نمره	شدن عامل	وزن
۱، ۲، ۳	S1	مدیریت علمی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک	۰/۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
	S2	ساختار سازمانی مناسب در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک با تعیین وظایف و مسئولیت ها	۰/۰۵۴	۴	۰/۲۶
	S3	به کارگیری متخصصان ورزش در بدنه وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک	۰/۰۱۶	۳	۰/۰۴۸
	S4	توجه وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک به اثرات فرهنگی، هویت ملی و اجتماعی ورزش در کشور	۰/۰۲۵	۳	۰/۰۷۵
	S5	توجه به ورزش پایه و کانون های مولد	۰/۰۴۲	۳	۰/۱۲۶

۰/۲۰۴	۴	۰/۰۵۱	تدوین برنامه های راهبردی برای کلیه سازمان های ورزشی در سطوح ملی و استانی	S6	قوت ها
۰/۱۳۵	۳	۰/۰۴۵	توجه و تاکید بر مقابله با مفاسد موجود در ورزش	S7	
۰/۱۶۸	۴	۰/۰۴۲	وجود زیر ساخت های جدید ورزشی از جمله ورزشگاه های ۱۵۰۰۰ نفری	S8	
۰/۱۹۲	۳	۰/۰۶۴	تعاملات مناسب با آموزش و پرورش و وزارت علوم برای توسعه همه جانبه و پایه ای در ورزش	S9	
۰/۳۲۸	۴	۰/۰۸۲	افزایش کمی و کیفی مربیان داخلی	S10	
۰/۰۶۵	۱	۰/۰۶۵	وابستگی شدید ورزش به منابع مالی نفتی	W1	ضعف ها
۰/۰۷۰	۲	۰/۰۳۵	عدم وجود حامیان مالی مناسب در ورزش	W2	
۰/۰۹۴	۲	۰/۰۴۷	عدم تطابق وظایف و مسئولیت ها با ساختار سازمانی جدید در سازمان های ورزشی و رفتار سلیقه ای	W3	
۰/۰۶۶	۲	۰/۰۳۳	کمبود امکانات و تجهیزات سخت افزاری مدرن در توسعه ورزش های مدال آور در کشور	W4	
۰/۰۶۴	۲	۰/۰۳۲	کمبود بودجه در وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک و عدم تخصیص بودجه مصوب به فدراسیون ها	W5	
۰/۰۲۲	۱	۰/۰۲۲	عدم وجود ساختار های مناسب نظارتی و ارزیابی عملکرد سازمان های ورزشی	W6	
۰/۰۴۸	۱	۰/۰۴۸	کم تجربه بودن مدیریت جدید ورزش و عدم توجه به ورزش بانوان	W7	
۰/۰۱۸	۱	۰/۰۱۸	عدم توجه به پیاده سازی تکنولوژی و بانک اطلاعاتی مناسب در وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک	W8	
۰/۰۴۳	۱	۰/۰۴۳	مدیریت ضعیف تیم های ملی کشور در به کارگیری از مدیران و مربیان برجسته داخلی و خارجی	W9	
۰/۱۰۶	۲	۰/۰۵۳	عدم تعامل بین وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک با فدراسیون ها ی ورزشی	W10	
۰/۰۳۵	۱	۰/۰۳۵	توجه ناکافی به پژوهش های کاربردی در ورزش	W11	
۰/۰۱۳	۱	۰/۰۱۳	کم بودن اعزام های بین المللی برای تیم های ورزشی	W12	
۰/۰۸۲	۲	۰/۰۴۶	عدم توجه به حمایت از ورزشکاران در زمینه های اجتماعی ، مالی ، بیمه ، پاداش و بازنشستگی و	W13	
۰/۰۲۸	۲	۰/۰۱۴	شعار گرایی و عدم توجه به مفاهیم اقتصاد بومی و مقاومتی	W14	
۲/۳۲۱		۱	مجموع اهمیت ضرایب عوامل درونی		

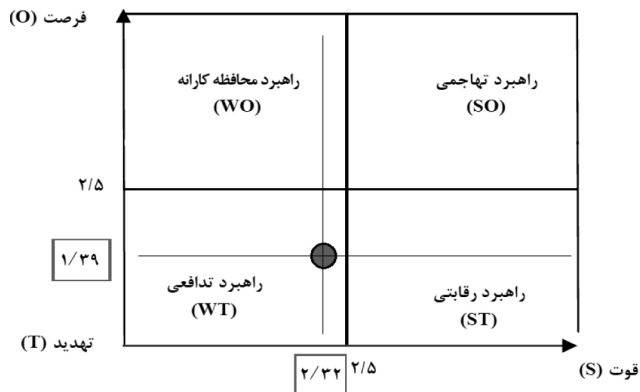
جدول ۳: ماتریس عوامل بیرونی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک

عوامل بیرونی	کد	عامل	بازخورد	تاثیر	شدت
فرصت ها	O1	افزایش توجه جهانی به ورزش همگانی، قهرمانی و حرفه ای	۰/۰۶۸	۱	۰/۰۶
	O2	رشد اسپانسرینگ ورزشی در جهان	۰/۰۶۸	۳	۰/۲۰۴
	O3	وجود استعداد های ورزشی و تنوع نژادی در کشور	۰/۰۳۸	۲	۰/۰۷۶
	O4	تنوع جغرافیایی و اقلیمی کشور برای اجرای فعالیت های ورزشی متنوع	۰/۰۵۳	۱	۰/۰۵۳
	O5	امکان به کارگیری تکنولوژی و فناوری نوین جهانی در ورزش	۰/۰۲۳	۲	۰/۰۴۶
	O6	امکان ایجاد تعامل و ارتباطات بین المللی جدید بین فدراسیون های ورزشی کشور با فدراسیون های خارجی	۰/۰۷۱	۲	۰/۱۴۲
	O7	وجود دنیای الکترونیک و اینترنت در جهان	۰/۰۱۹	۳	۰/۰۵۷
	O8	حضور بازیکنان و مربیان داخلی در تیم های خارج از کشور و بالعکس همراه با رویکرد حرفه ای شدن ورزش کشور	۰/۰۲۸	۱	۰/۰۲۸
	O9	افزایش در سهمیه و رشته های ورزشی مدال آور	۰/۰۴۷	۱	۰/۰۴۷
	O10	اثرات رشد ورزش در جهان بر کشور ایران	۰/۰۱۵	۲	۰/۰۱۵
تهدیدها	T1	موانع حقوقی و قانونی در ورزش حرفه ای و قهرمانی کشور	۰/۰۸۳	۱	۰/۰۷۳
	T2	فقدان انسجام و همکاری لازم بین سازمان ها و نهادهای ورزشی	۰/۰۹۵	۱	۰/۰۹۵
	T3	شکست برنامه های تجاری سازی و خصوصی سازی در ورزش کشور	۰/۰۶۲	۱	۰/۰۶۲
	T4	عدم توجه به ورزش در سطوح پایه	۰/۰۸۸	۱	۰/۰۸۸
	T5	تأثیر مسائل سیاسی و حضور افراد سیاسی در ورزش کشور	۰/۰۳۸	۱	۰/۰۳۸
	T6	دیدگاه نتیجه گرا در نزد مسئولان ورزشی کشور	۰/۰۳۴	۱	۰/۰۳۴
	T7	تحریم های بین المللی و عدم ثبات سیاسی در کشور های همسایه	۰/۰۳۱	۲	۰/۰۴۱
	T8	توسعه ورزش در سطح جهان و ظهور رقیبان جدید	۰/۰۴۹	۱	۰/۰۴۹
	T9	بحران مالی حاکم بر اقتصاد جهان	۰/۰۳۳	۲	۰/۰۶۶
	T10	تغییر سبک زندگی مردم به سمت عدم فعالیت بدنی	۰/۰۱۲	۱	۰/۰۱۲

تجزیه و تحلیل	T11	فقدان رویکرد مناسب رسانه ای در ورزش فوتبال	۰/۰۳۸	۱	۰/۰۳۸
	T12	ضعف دولت در اختصاص بودجه مصوب ورزش و مشکلات اقتصادی در کشور	۰/۰۲۱	۱	۰/۰۲۱
	مجموع اهمیت ضرایب عوامل بیرونی				
			۱		۱/۳۹۳

جدول ۳، ماتریس عوامل بیرونی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک را نشان می دهد. همان گونه که ملاحظه می شود مجموع نمرات ماتریس ۱/۳۹ می باشد و نشان دهنده آن است که وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران به خوبی از فرصت ها استفاده نکرده و در کنترل تهدیدها نیز موفق نبوده است. در مجموع نتایج ماتریس داخلی و خارجی در شکل ۱، حاکی از آن است که وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران از لحاظ موقعیت استراتژیک در موقعیت WT قرار دارد. به عبارت دیگر، می توان گفت که به دلیل چیرگی ضعف ها بر قوت ها و عدم توانایی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران در استفاده از فرصت ها و دفع تهدیدهای احتمالی بهتر است استراتژی تدافعی اتخاذ نماید تا وضعیت وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی کشور از وضعیت کنونی بدتر نگردد.

شکل ۱: ماتریس عوامل داخلی و خارجی



بر اساس تحلیل SWOT در مجموع ۲۰ استراتژی شامل ۹ استراتژی SO، ۵ استراتژی ST، ۴ استراتژی WO و ۳ استراتژی WT برای وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک تدوین شد.

شاخص های کلیدی و اهداف کمی ورزش قهرمانی جمهوری اسلامی ایران برای المپیک ۲۰۲۰: برنامه استراتژیک وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک، شاخص های موجود در اسناد ملی بالادستی، شاخص های موجود در اسناد بین المللی، برنامه های استراتژیک ورزشی چند کشور منتخب که این شاخص ها به همراه اهداف کمی مربوط به رشته های مدال آور بیان شده است که عبارت اند از:

- ۱ - کشتی آزاد و فرنگی؛ ۲ - وزنه برداری؛ ۳ - تکواندو؛ ۴ - دوومیدانی؛ ۵ - بوکس؛ ۶ - شمشیربازی؛
۷ - تیراندازی؛ ۸ - جودو؛ ۹ - کاراته؛ ۱۰ - سنگ نوردی.

اهداف کمی

کسب رتبه ۱۰ در المپیک ۲۰۲۰ توسط تیم ایران؛
کسب ۱۰ مدال طلا: ۴ مدال در کشتی آزاد و فرنگی، ۲ مدال در وزنه برداری، ۱ مدال در بوکس، یک مدال در سنگ نوردی، یک مدال در کاراته و ۱ مدال در تکواندو؛
کسب ۷ مدال نقره: ۱ مدال در وزنه برداری، ۲ مدال در کشتی آزاد و فرنگی، ۱ مدال در کاراته، ۱ مدال در جودو و ۱ مدال در تکواندو؛
کسب ۳ برنز: ۲ مدال در کشتی، یک مدال در شمشیر بازی و ۱ مدال در وزنه برداری.

۱۴۶

خلاصه و نتیجه گیری

ماتریس عوامل بیرونی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک نشان داد که مجموع نمرات ماتریس ۱/۳۹ می باشد که نشان دهنده آن است که وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران به خوبی از فرصت ها استفاده نکرده و در کنترل تهدیدها ضعیف عمل نموده است. برای تعیین موقعیت استراتژیک وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک جمهوری اسلامی ایران از ماتریس عوامل درونی و ماتریس عوامل بیرونی استفاده شد. نتایج حاصل نشان داد که مجموع نمرات عوامل درونی برابر با ۲/۳۲۵ می باشد و حاکی از آن است که وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک و کسب مدال در رقابت های المپیک از لحاظ عوامل درونی دارای ضعف است. همچنین نتایج ماتریس داخلی و خارجی حاکی از آن است که وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک از لحاظ موقعیت استراتژیک در موقعیت WT قرار دارد. به عبارت دیگر، می توان گفت که به دلیل چیرگی ضعف ها بر قوت ها و عدم توانایی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در استفاده از فرصت ها و دفع تهدیدهای احتمالی بهتر است استراتژی تدافعی اتخاذ نماید تا وضعیت وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران کشور از وضعیت کنونی بدتر نگردد. وضعیت استراتژیک کشورهای چین، روسیه، نیوزلند و انگلیس نشان می داد که آن ها شرایط فوق العاده بهتری نسبت به کشور ما دارند و در موقعیت استراتژیک مناسب تری قرار گرفته اند. این نشان می دهد که جایگاه کشور ما با توجه به سرمایه گذاری هایی که کرده ایم، جایگاه مناسبی نیست و برای کسب رتبه و ارتقای شاخص های کمی و کیفی بهتر باید واقع گرایانه عمل کنیم. برای تدوین رؤس برنامه های عملیاتی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک، استراتژی های تدوین شده مبنای کار قرار گرفت تا برنامه های عملیاتی واقع گرایانه تر طراحی و استخراج شود. اولویت اجرای برنامه ها برای جلو گیری از بدتر شدن جایگاه ایران در مسابقات المپیک در اولین مرحله اجرای استراتژی های WT است، اما پس از اجرای این استراتژی یا هم زمان با این اقدامات، برای توسعه و پیشرفت باید بر استراتژی های سه گانه دیگر و برنامه های عملیاتی مرتبط متمرکز شویم. بدیهی است عدم اجرای برنامه های پیشنهادی که برخاسته از تحلیل، بحث و بررسی و مقایسه برنامه های استراتژیک کشور های منتخب می باشد منجر به از دست رفتن رنکینگ و جایگاه ایران در المپیک های بعدی خواهد شد.

برنامه های عملیاتی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک در حوزه ورزش قهرمانی و کسب مدال در رقابت های المپیک بر اساس استراتژی های چهارگانه WT, WO, ST, SO عبارت اند از:

رئوس برنامه عملیاتی استراتژی SO

۱- توسعه بنیادین و علمی رشته های مدال آور و دارای شانس مدال با وجود استعداد های فراوان

- ایجاد مکان های آموزشی با حضور متخصصان تحصیل کرده دانشگاهی ویژه رشته های مدال آور و شانس مدال در سطح کشور؛

- توسعه مدارس ورزشی با علوم نوین در رشته های مدال آور و شانس مدال در سطح کشور؛
- ایجاد مراکز استعدادیابی در تمام استان ها با همکاری هیئت های استانی و ادارات آموزش و پرورش؛
- توجه به طرح های تحقیقاتی و علمی و کاربردی ساختن آنها؛

- استخدام نیروهای مجرب علمی به صورت پاره وقت برای هدایت ورزش در مسیر علمی؛
- آموزش و توسعه نیروهای متخصص در بخش های مربیگری، داوری، مدیریت، بازاریابی، امور بین الملل، پزشکی و ورزشی، حقوقی، روابط عمومی، فرهنگی و رسانه ای ویژه رشته های مدال آور و شانس مدال در سطح کشور؛

- اجرای طرح های تحقیقاتی و توسعه ای در زمینه طراحی مدل های اسلامی برای شرکت ورزشکاران ایرانی در مسابقات بین المللی؛

- استفاده از مشاوران تخصصی و برجسته تربیت بدنی در رشته های مدال آور و شانس مدال در سطوح پایه؛

- تدوین طرح مناسب برای ایجاد ارتباطات علمی بین دانشکده های تربیت بدنی و سازمان های ورزشی برای احیای پایگاه های قهرمانی در رشته های شانس مدال و مدال آور در مراکز استان ها؛
- برگزاری همایش ها و کنفرانس های علمی در رشته های شانس مدال و مدال آور در کشور.

۲- توسعه رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال در سطوح پایه

- تدوین و اجرای طرح جامع حمایت از تیم های ملی پایه در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تدوین و اجرای طرح های مناسب برای انتخاب تیم ملی دانش آموزی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛

- افزایش تعداد مسابقات انجام شده در داخل کشور در رشته های مدال آور و شانس مدال به صورت غیر متمرکز در سطوح پایه؛

- حضور کارشناسان و نیروهای متخصص ورزش بانوان در هریک از کمیته ها و دپارتمان های فدراسیون های رشته های مدال آور و شانس مدال از جمله تکواندو و تیراندازی؛

- برگزاری مسابقات متمرکز و یا غیر متمرکز ورزش بانوان در رشته های مدال آور و شانس مدال در سطوح پایه؛

- تدوین آیین نامه انتخاب مربیان داخلی و خارجی تیم های ملی در رده های پایه در رشته های مدال آور و شانس مدال بر اساس شاخص های کمی و کیفی؛

- اختصاص منابع مالی مناسب برای تیم های پایه در رشته های مدال آور و شانس مدال؛

- توسعه مدارس ورزش بانوان در رشته های تکواندو و تیراندازی؛

- توسعه مدارس ورزش پسران در رشته های مدال آور و شانس مدال؛

- ایجاد مراکز استعدادیابی (قهرمانی) ویژه بانوان در تمام استان ها در رشته های تکواندو و تیراندازی؛

- احیای مراکز قهرمانی در تمام استان ها در رشته های مدال آور و شانس مدال؛

- ایجاد کمیته های ورزشی در سطح استان برای مدیریت مراکز توسعه ورزش در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- برگزاری اردوهای بلند مدت و کوتاه مدت در داخل کشور و به ویژه در استان های مستعد در رشته های مدال آور.
- ۳- ایجاد و اجرایی ساختن نظام ارزیابی عملکرد فدراسیون های مدال آور و شانس مدال بر اساس شاخص های نوین از جمله کسب مدال المپیکی
- تدوین و طراحی شاخص های ارزیابی بر اساس استاندارد های مناسب با قابلیت اجرایی در رشته های مدال آور و شانس مدال کشور؛
- طراحی منشور بر اساس اساسنامه و ارزش ها به صورت دستورالعمل های اخلاقی دقیق همراه با جزئیات مربوط به تشویق و تنبیه در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- به کارگیری مشاوران حقوقی و قانونی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- نظارت دولت همراه با عدم دخالت آن در برگزاری مسابقات و انتخابات مدیریتی در رشته های مدال آور و شانس مدال در تمام سطوح؛
- تدوین آیین نامه نظارت بر عملکرد مربیان تیم ملی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تدوین آیین نامه نظارت و ارزیابی بر عملکرد فدراسیون های ورزشی مدال آور و شانس مدال بر اساس شاخص های کمی؛
- ایجاد نظام ارزیابی عملکرد برای کمیته های ورزشی در استان ها.
- ۴- افزایش تعاملات بین المللی در حوزه منابع انسانی بر اساس علوم نوین ورزشی
- حضور مدرسان و محققان برجسته و علمی دنیا در همایش ها و کنفرانس های علمی در رشته های شانس مدال و مدال آور در کشور؛
- اعزام مربیان و متخصصان تحصیل کرده به دوره های آموزشی خارج کشور برای گذراندن دوره های آموزشی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- حضور مربیان خارجی صاحب نام و صاحب سبک در کادر فنی تیم های ملی کشور به منظور ایجاد یادگیری بین المللی همراه با آموزش مربیان داخلی توسط آنان در رشته های مدال آور و شانس مدال.
- ۵- توسعه سیستم الکترونیکی و ارتباطی در سازمان های ورزشی و فدراسیون های مدال آور و شانس مدال در سطوح پایه
- راه اندازی سیستم ارتباطی با سازمان های ورزشی و نهادهای علمی کشور؛
- ایجاد وب سایت حرفه ای و بانک اطلاعاتی به روز در فدراسیون های ورزشی مدال آور و شانس مدال؛
- استفاده از تکنولوژی فناوری اطلاعات در رشته های مدال آور و شانس مدال.
- ۶- بهره گیری از توان نژادی و تنوع جغرافیایی برای توسعه رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال در سطوح پایه
- تدوین طرح آمایش بر اساس استعداد های ورزشی رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- حضور چهره های علمی ورزشی و پیشکسوت ورزشی از نقاط مختلف کشور بر اساس رویکرد بومی محور در رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال در سطوح پایه؛
- برگزاری مسابقات در رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال در استان های مستعد.
- ۷- برقراری ارتباطات مؤثر ملی و مشارکت در مجامع بین المللی ورزشی

- افزایش ارتباط مؤثر و مداوم فدراسیون های مدال آور و شانس مدال با فدراسیون های بین المللی و کمیته بین المللی المپیک؛
- افزایش فعالیت های کمیته و دپارتمان بخش بین الملل فدراسیون های مدال آور و شانس مدال
- تلاش برای حفظ و همچنین افزایش کرسی های بین المللی در ورزش؛
- برگزاری اردو های مشترک با تیم های خارجی در رشته های مدال آور و شانس مدال.
- ۸- افزایش مشارکت فعال منابع انسانی درگیر در ورزش با ایجاد حس هویت ملی
- ایجاد طراحی مناسب برای افزایش توجه خانواده ها به در رشته های مدال آور و شانس مدال و جلب حامیان مالی بر اساس حس وطن دوستی و احساس مسئولیت؛
- توسعه مشارکت ورزش همگانی در رشته های مدال آور و شانس مدال در سطح کشور برای عمومی ساختن این رشته ها؛
- ارائه مشوق ها و پاداش های قابل توجه به مشارکت کنندگان در مسائل فرهنگی و اجتماعی رشته های مدال آور؛
- تبلیغات رسانه ای و به ویژه تلویزیونی در ارتباط با مزیت های اجتماعی و فرهنگی ورزش به ویژه رشته های مدال آور.
- ۹- ارتقای نظام ورزشی وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و فناوری کشور
- برگزاری کلاس های داوری و مربیگری ویژه بانوان به ویژه معلمان تربیت بدنی مدارس؛
- تدوین طرح مناسب برای انتخاب تیم ملی دانش آموزی؛
- برگزاری بهتر مسابقات دانشجویی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تعامل وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک با وزارت آموزش و پرورش برای شکل گیری بهتر لیگ های دانش آموزی در رشته های مدال آور و شانس مدال دانش آموزی در سطوح مختلف؛
- برگزاری کلاس های داوری و مربیگری برای معلمان تربیت بدنی در مدارس در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تعامل وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک با وزارت علوم برای شکل گیری بهتر لیگ های دانشجویی در رشته های مدال آور و شانس مدال در سطوح مختلف؛
- تدوین طرح مناسب برای تشویق تیم های مدرسه قهرمان در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- برگزاری مسابقات بانوان در تمام سطوح همراه با تعامل سازنده با آموزش و پرورش در رشته های تکواندو و تیراندازی.

رئوس برنامه های عملیاتی استراتژی ST

- ۱- ایجاد نظام ورزش حرفه ای و قهرمانی با استفاده از نفوذ سیاسی
- تدوین طرح جامع برای ایجاد ارتباط بین نهادها و سازمان های ورزشی با نهاد های سیاسی برای احقاق حقوق رشته های مدال آور.
- برگزاری جلسات منظم با ارگان های سیاسی کشور؛
- ارائه گزارش ها و درخواست های فدراسیون رشته های مدال آور و شانس مدال به مجلس برای دستیابی به حقوق واقعی رشته های مدال آور و شانس مدال در کشور؛
- به کارگیری وکلا و حقوقدانان برجسته برای دستیابی به حقوق مادی و معنوی توسط رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- راه اندازی و ارتقای کمی و کیفی لیگ های حرفه ای با حمایت دولت در رشته های مدال آور و

شانس مدال؛

- برگزاری مسابقات لیگ بانوان در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تسهیل در ساختار قانونی و مجوز های فعالیت باشگاه های حرفه ای در رشته های مدال آور و شانس مدال.

۲- توسعه کمی و کیفی منابع انسانی درگیر در ورزش برای توسعه ورزش پایه در رشته های مدال آور و شانس مدال

- برگزاری همایش ها و کنفرانس های علمی تربیتی برای مدیران سطوح مختلف رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- استخدام نیروهای متخصص مورد نیاز در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- توسعه آموزش ها و برنامه های رسانه ای به منظور یادگیری های بنیادین در منابع انسانی درگیر در رشته های مدال آو؛

- توسعه مربیان مدارس ورزش بانوان در رشته های تکواندو و تیراندازی؛
- توسعه مربیان مدارس ورزش پسران در رشته های رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- به کارگیری نیروهای ماهر و مسلط به زبان خارجه در فدراسیون های مدال آور و شانس مدال؛
- تشکیل شوراهای و کمیته های تخصصی متشکل از اعضای هیئت علمی تربیت بدنی.

۳- به کارگیری روش های علمی در توسعه رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال در سازمان های ورزشی کشور

- ایجاد اماکن ورزشی با استانداردهای نوین جهانی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تجهیز اماکن ورزشی با تجهیزات تخصصی ورزشی علمی و نوین در رشته های مدال آور و شانس مدال؛

- تدوین و طراحی فیلم ها و کتاب های آموزشی اثرگذار بر رشد رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تشکیل و ارتقا جایگاه کمیته های علمی و فنی در فدراسیون های رشته های مدال آور و شانس مدال.

۴- توسعه ساختار های خصوصی ورزش با رویکرد بومی و اقتصاد داخلی

- تدوین طرحی جامع برای خصوصی سازی باشگاه های ورزشی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تعامل سازنده وزارت ورزش با نهادهای اثرگذار بر خصوصی سازی باشگاه های ورزشی در رشته های مدال آور تلاش برای رفع موانع درآمدزایی باشگاه های ورزشی در رشته های مدال آور و شانس مدال در کشور از جمله حق پخش و کپی رایت؛

- حمایت از بخش های خصوصی داوطلب و ارائه تسهیلات به آنان از طرف دولت و وزارت ورزش؛
- واگذاری اماکن ورزشی به باشگاه های مشارکت کننده در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- تدوین طرح بازاریابی ورزشی بر اساس رویکرد اقتصاد بومی و مقاومتی.

۵- توسعه ارتباطات و یادگیری بین المللی

- برگزاری رقابت های ورزشی با کشورهای صاحب نام در سطح دنیا در رشته های مدال آور و شانس مدال؛

- شرکت در مسابقات برون مرزی معتبر در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
- توسعه تورسیم ورزشی و برگزاری رویداد های مشترک با کشور های دیگر در رشته های مدال آور و شانس مدال؛

- برگزاری اردوهای بلند مدت و کوتاه مدت در خارج از کشور در رشته های مدال آور و شانس مدال.

رئوس برنامه های عملیاتی استراتژی WO

- ۱- تسریع در امر خصوصی سازی به منظور محدود کردن وابستگی ورزش به منابع دولتی
 - ارائه طرح نوین تجاری سازی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
 - جهت دهی منابع دولتی در رشته های مدال آور و شانس مدال و کاهش تدریجی وابستگی به آن؛
 - ایجاد کمیته بازاریابی و توجه به بخش های خصوصی در فدراسیون های رشته های مدال آور و شانس مدال؛
 - طراحی مدل انجام تعهدات سالانه در ازای حمایت های مالی دولتی و غیر دولتی در فدراسیون های ورزشی رشته های مدال آور و شانس مدال؛
 - تخصیص منابع مالی و مادی اولیه به گروه های متقاضی بخش خصوصی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
 - ایجاد یک طرح اطمینان بخش برای حفظ و توسعه سرمایه بخش های خصوصی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
 - توسعه مدارس خصوصی ورزش بانوان در رشته های تکواندو و تیراندازی؛
 - ارائه مشوق های دولتی به شرکت کنندگان در توسعه زیرساخت های رشته های مدال آور و شانس مدال.
- ۲- بهره گیری از توجه جهانی به ورزش به منظور ایجاد امکانات و تجهیزات سخت افزاری در رشته های ورزشی مدال آور توسط دولت
 - ایجاد نگرش بنیادین توجه به ورزش در دولت و مجلس با بیان اثرات اقتصادی و سیاسی ورزش در جهان؛
 - ایجاد نگرش حمایتی از رشته های مدال آور و شانس مدال در دولت و مجلس با بیان اثرات غرور و نشان ملی از کسب مدال در میادین بین المللی ورزشی جهان؛
 - تعامل سازنده با ارگان هایی چون شهرداری ها، استانداری ها و دیگر نهادهای دولتی برای استفاده از تسهیلات از جمله وام های کم بهره یا بدون بهره یا زمین های رایگان برای توسعه رشته های مدال آور و شانس مدال؛
 - ایجاد امکانات و افزایش اردو های تیم های ملی در رشته های مدال آور و شانس مدال در تمامی رده های سنی توسط حمایت های دولت.
- ۳- افزایش منابع مالی و مادی در رشته های ورزشی مدال آور و شانس مدال
 - اعزام نیروها به دوره های آموزش خارج از کشور؛
 - اختصاص پاداش تعیین شده بر اساس شاخص های سیستم ارزیابی عملکرد به منظور تشویق ورزشکاران در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
 - جذب کلیه منابع مالی تخصیصی رشته های مدال آور و شانس مدال توسط فدراسیون ها و وزارت ورزش و جوانان؛
 - اختصاص منابع مالی مناسب برای تیم های ملی در رشته های مدال آور و شانس مدال؛
 - تامین منبع مالی قهرمانان مدال آور در المپیک در حوزه های مختلف تامین اجتماعی.
- ۴- افزایش سرمایه گذاری در مناطق جغرافیایی و اقلیمی خاص با رویکرد به کارگیری منابع انسانی بومی
 - سازماندهی لیگ ها بر اساس رویکرد اقلیمی از طریق ایجاد بخش های وظیفه ای تخصصی برای تصدی امور اجرایی لیگ ها در رشته های مدال آور و شانس مدال؛

- توسعه متوازن لیگ‌های برتر، ۱، ۲ و استانی در رشته‌های مدال آور و شانس مدال بر اساس منابع انسانی بومی؛
- ایجاد حس مسئولیت اجتماعی در حامیان مالی جهت جذب منابع استانی و بومی به منظور رشد ورزش و ایجاد اشتغال ملزم ساختن صنایع در حمایت از ورزش کارگری و همگانی در رشته‌های مدال آور و شانس؛
- ارائه طرح‌های ورزشی زود بازده با رویکرد درآمدزایی در رشته‌های مدال آور و شانس مدال؛
- معرفی شرکت‌های حامی ورزش در استان‌ها به منظور ایجاد حس حمایت متقابل در مردم استان در راستای مصرف کالاهای شرکت‌های حامی ورزش.

رئوس برنامه‌های عملیاتی استراتژی WT

- ۱-جهت‌دهی به حضور افراد سیاسی در ورزش به منظور ایجاد رویکرد مناسب رسانه‌ای در توسعه رشته‌های ورزشی مدال آور
 - تدوین طرحی برای استفاده مثبت از حضور افراد سیاسی در فوتبال؛
 - کسب موافقت همراه با امضای تفاهم‌نامه با افراد سیاسی پر نفوذ به منظور استفاده از خدمات دولتی برای ارتقای فوتبال؛
 - به‌کارگیری توان افراد سیاسی برای حذف اثرات نامناسب بعضی از رسانه‌های حاشیه‌ای در فوتبال.
- ۲-حفظ وضعیت موجود در رقابت‌های بین‌المللی با نگاه به برنامه‌های توسعه‌ای رقیبان
 - مطالعه برنامه‌های استراتژیک فوتبال رقیبان برای تدوین برنامه فوتبال کشور؛
 - شناسایی نقاط قوت در بخش‌های مختلف فوتبال رقبا برای استفاده از آن در نظام‌مند ساختن و جهت‌دهی برنامه‌های فوتبال کشور؛
 - ایجاد حس رقابت و تلاش و کوشش برای کاهش فاصله با رقیبان.
- ۳-توسعه برنامه‌های اجرایی اقتصاد مقاومتی در ورزش با توجه به رشته‌های کارآمد و جهت‌دهی منابع
 - پخش تلویزیونی مسابقات پایه در رشته‌های مدال آور در سطح استان و کشور با استفاده از شبکه‌های استانی؛
 - تدوین و طراحی برنامه‌های مبتنی بر اقتصاد بومی بر اساس الزامات اسناد بالادستی ملی و بین‌المللی در سطوح پایه؛
 - الزام مدیران به اجرای برنامه‌های مبتنی بر اقتصاد مقاومتی - بومی بر اساس الزامات اسناد بالادستی ملی و بین‌المللی؛
 - تدوین برنامه‌های اجرایی تبلیغ کالاهای بومی از طریق ورزش و جذب منابع مالی از شرکت‌های داخلی؛
 - الزام استانداران توسط دولت بر ضرورت توجه بیشتر به ورزش جوانان.

منابع

- احسانی، محمد. (۱۳۸۷). "تدوین نظام جامع ورزش حرفه ای کشور". طرح پژوهشی، پژوهشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- استیسی، رالف. (۱۳۸۴). *تفکر استراتژیک و مدیریت تحول*. مصطفی جعفری و مهیار کاظمی. چاپ ری
- الهی، علیرضا. (۱۳۸۷). "بررسی موانع و راهکارهای توسعه اقتصادی صنعت فوتبال در ایران". رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران.
- الهی، علیرضا. (۱۳۸۳). "بررسی و مقایسه لیگ برتر فوتبال جمهوری اسلامی ایران با ژاپن". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- امیری، مجتبی. (۱۳۸۴). "جامع نگری و تفکر استراتژیک حلقه مفقود شده در توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور". اولین کنگره ملی و بین المللی مدیریت ورزشی، دانشگاه اصفهان.
- چراغی، محمدعلی. (۱۳۸۳). "طراحی الگوی مناسب برنامه ریزی استراتژیک در اداره کل پست استان مرکزی". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک.
- خسروی زاده، اسفندیار. (۱۳۸۷). "مطالعه و طراحی برنامه استراتژیک کمیته ملی المپیک". رساله دکتری، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.
- سند تفصیلی نظام جامعه توسعه تربیت بدنی و ورزش کشور (۱۳۸۳). چکیده سازمان تربیت بدنی. تهران: انتشارات سیب سبز
- طیبی، جمال الدین و ملکی، محمدرضا. (۱۳۸۴). *برنامه ریزی استراتژیک*. چاپ دوم، تهران: انتشارات ترمه
- گودرزی، محمود. (۱۳۸۶). "طراحی و تدوین نظام جامع ورزش کشتی کشور". نشریه پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۱۴.
- مشبکی، اصغر. (۱۳۸۵). *مدیریت استراتژیک با رویکردی بر مدیریت کیفیت فراگیر TQM و کلاس جهانی*. تهران: انتشارات ترمه
- نادری نسب، مهدی. (۱۳۸۹). "برنامه استراتژیک فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران". رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- **Empirical verification of a framework.** (2014). *Journal of sport Management*. vole 8.
- Jan ,D .Galloway. (1990). "Strategic Management in public research organizations". *The International Journal of public sector management* .volume 3, Number 1
- John ,Coates. (2006). *Strategic plan for the participation of the 2008*. Australian Olympic team may.
- Lowy ,Frank. (2004). *FFA National football development plan, Making Australia a World leader in the world game*.
- Nell ,carter. (2006). *The football Manager, A History*. First Published By Rutledge
- New Zealand Archery Federation strategic plan .(2013 – 2017).
- Nyon. (2005). *Vision Europe, the direction and development of European*

football over the next decade.

- **Rugby football strategic plan.** (2016).
- **Russian Olympic Strategic Plan.** (2012 – 2020).
- Seatter ,Graham. (2015). **New Zealand Olympic Strategic Plan.** Olympic and vision
- Steven ,H .Appelbaum. (1991). **The Strategic Management Model: A Prescription for the CEO.** Concordia university ,Montreal ,Canada ,International Journal of public sector management ,volume 4 ,Number 1[
- **Strategic Management, PEST Analysis.** (2016).
- Wang ,P ,Hong, Y. (2014). **China Olympic Strategic Plan.** Visio china



مدل‌سازی عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران

مریم منظمی^۱
سید نصراله سجادی^۲
حسین رجبی^۳
مجید جلالی فراهانی^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۲۴

هدف از این پژوهش، مدل‌سازی عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران بود. جامعه آماری این پژوهش از ۵۰۶ صاحب نظر، شامل ۲۵۳ مدیر و ۲۵۳ خبره مدیریت ورزش جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده بود. در این تحقیق، کلیه اعضای جامعه تعیین شده به طور تمام شمار به عنوان نمونه انتخاب شدند. از ۵۰۶ نفر جامعه مورد نظر، ۴۰۷ نفر (۱۸۳ مدیر و ۲۲۳ خبره) پرسش‌نامه‌های این تحقیق را تکمیل نمودند و به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع پیمایشی بود که داده‌های آن به وسیله پرسش‌نامه و به روش میدانی جمع‌آوری شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌های این پژوهش شامل "پرسش‌نامه دیمتریوس" (۲۰۰۶) با پایایی ۰/۸۲۳ برای بررسی نگرش به اشتغال زنان در ورزش و پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته با پایایی ۰/۸۷۴ برای تعیین عوامل مؤثر بر پیشرفت زنان به جایگاه‌های مدیریتی در ورزش جمهوری اسلامی ایران بود. برای اعتبار سنجی این دو پرسش‌نامه از روش روایی محتوا و روایی سازه و جهت سنجش پایایی آن‌ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که عوامل سازمانی، فرهنگی، تخصصی، خانوادگی و شخصیتی بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش مؤثرند و مدل عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران برازش مطلوبی دارد. همچنین، نتایج دیگر این تحقیق نشان داد که نگرش مدیران و خبرگان مدیریت ورزشی کشور به اشتغال زنان در ورزش ایران مطلوب است.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان، مدیریت زنان، پیشرفت مدیریتی و ورزش ایران

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: maryammonazami@yahoo.com

۲- دانشیار، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳- استادیار، پردیس بین‌المللی کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴- دانشیار، دانشکده تربیت بدنی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

مهم‌ترین شرط رشد و توسعه جوامع، اشتغال است؛ به طوری که نیروی کار، منبعی برای موفقیت است و اگر از نیروی کار به درستی و به طور مناسب استفاده نشود به جای فراهم کردن سود، زیان به همراه خواهد داشت (کلیک و تاتار^۱، ۲۰۱۱). از طرفی، فقدان دسترسی زنان به عنوان نیمی از پتانسیل انسانی جامعه به شغل مناسب و یا فقدان ارتقای شغلی آن‌ها علاوه بر دامن زدن به بی‌عدالتی در جامعه، بر بسیاری از متغیرهای اجتماعی نظیر فقر و بیماری تأثیر منفی می‌گذارد و عامل مهمی در سد کردن راه رشد و تعالی انسانی است (عباسیان و همکاران، ۱۳۹۰)؛ به گونه ای که امروزه یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش توسعه یافتگی کشورها اشتغال زنان است و این امر به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه، همواره ارزیابی و سنجیده می‌شود (پیشگاهی فرد و پولاب، ۱۳۸۸). البته در مورد اشتغال زنان نگرش و رویکردهای متفاوتی وجود دارد؛ رویکردهایی مانند تکثر نقش^۲، تضاد نقش^۳ و فشار بار اضافی نقش^۴ حکایت از آن دارد که انتظارات و فشارهای ناشی از ایفای چند نقش توأمان باعث می‌شود زنان شاغل از نظر سلامت نسبت به زنانی که فقط به نقش‌های سنتی می‌پردازند، در وضعیت نامطلوب‌تری قرار گیرند. در مقابل، مدل‌های دیگری مانند فرضیه اعتلای نقش و نظریه بسط نقش بر این نکته تأکید دارند که اشتغال به عنوان نقشی جدید که به نقش‌های زنان اضافه شده است موجب عزت نفس، استقلال مالی و کسب حمایت اجتماعی بیشتر می‌شود (جواهری و همکاران، ۱۳۸۹). از آن جایی که در شرایط فعلی حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از اصول اساسی توسعه پایدار در کشورها به شمار می‌رود، اسناد بین المللی و قوانین جمهوری اسلامی ایران به شکل‌های گوناگون به مسئله "اشتغال زنان" پرداخته‌اند؛ به طوری که ماده ۱۱ کنوانسیون سازمان بین المللی کار (ILO^۵) دولت‌ها را موظف کرده است اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه اشتغال انجام دهند و اطمینان یابند که بر مبنای تساوی مردان و زنان، حقوق یکسان برای زنان رعایت شود (ILO، ۲۰۱۵). اصل ۲۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌نماید: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند". اصل ۲۱ قانون اساسی نیز به حقوق زنان تأکید کرده است: "دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهتها با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید". همچنین در ماده ۶ قانون کار آمده است: "همه افراد اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون کار قرار دارند و هر کس حق دارد شغلی را که به آن تمایل دارد و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حق دیگران نیست، برگزیند" (صداقت، ۱۳۸۶).

به طور کلی، شروع به کار زنان در نظام اداری ایران از زمان قاجار بوده است. در آن زمان، زنان عمدتاً در کارخانه‌های ابریشم بافی، پشم ریزی و شیلات مشغول به کار بوده‌اند (نادعلی، ۱۳۸۵). سهم زنان در بازار کار ایران طی دهه‌های اخیر نوسان‌های بسیاری داشته است. سال‌های قبل از انقلاب، همراه با رشد تولید در بخش صنعت و خدمات، نسبت زنان به کل جمعیت فعال کشور افزایش یافته، ولی پس از انقلاب، طی جنگ تحمیلی، این نسبت آهنگ نزولی به خود گرفته و پس از پایان جنگ بار دیگر رو به افزایش گذاشته است (کریمی موغاری، ۱۳۹۲). تغییر نقش‌های سنتی زنان و تقاضای روز افزون آنان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف امروز به واقعیتی انکارناپذیر جامعه ایران تبدیل شده است. این وضعیت حاصل دگرگونی

1. Celik and Tatar
2. Multiple roles
3. Role conflict
4. Role over load
5. International Labor Organization

در نظام ارزش‌ها، رشد اندیشه مردم سالاری، گسترش آگاهی عمومی، رشد مطالبات مدنی، ارتقای تحصیلات تخصصی زنان و همچنین تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در دهه‌های اخیر است (جوهری و همکاران، ۱۳۸۹).

براساس آمارهای بین‌المللی، نیروی کار در کشورهای توسعه یافته حدود نیمی از جمعیت کل است که حدود ۴۰ درصد آنها را زنان بالاتر از ۱۵ سال تشکیل می‌دهند. این آمار در کشورهای در حال توسعه متفاوت است؛ به طوری که در این کشورها حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد آن به زنان اختصاص دارد (ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۲). در ایران نیز بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ میزان مشارکت شغلی زنان ۱۲/۶ درصد بوده است (سایت مرکز آمار ایران). همچنین بررسی‌ها در ایران نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد دارندگان مدارج بالای تحصیلی در رشته‌های فنی و مدیریتی را زنان تشکیل می‌دهند، اما کمتر از ۵ درصد شغل‌های رده بالای مدیریتی در اختیار آنان است (نادعلی، ۱۳۸۵). این در حالی است که مدیریت در نظریه‌ها مفهومی خنثی و غیر جنسیتی است و بر مبنای اصول مدیریت، مفهوم جنسیت نمی‌تواند نقش و معنای مؤثری در نظریه‌های مدیریت داشته باشد. اما فراسوی این واقعیت نظری، حقیقتی وجود دارد که ریشه در انگاره‌ها و باورهای اجتماعی فرهنگی و تاریخی دارد که مفهوم مدیریت را با مفهوم مذکر پیوندی عمیق و ناگسستنی می‌دهد و اولین تصویری که از مدیر به ذهن متبادر می‌کند، مفهوم مرد است (طالب زاده، ۱۳۸۳). لذا تحقیقات نشان می‌دهد با وجود افزایش کارکنان زن در مدیریت میانی، جایگاه‌های مدیریت عالی و اجرایی همچنان مرد سالار است (دی آن اسکوانک، ۲۰۱۳) و زنان در شرایط مساوی، برای دست‌یابی به جایگاه‌های مدیریتی عالی باید به استانداردهای بالاتری نسبت به مردان دست پیدا کنند (کیم و همکاران، ۲۰۱۵). به همین دلیل اصطلاح "سقف شیشه‌ای" برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ در مجله وال استریت^۱ به منظور تشریح موانع نامرئی که زنان را از پیشرفت به طرف مشاغل بالاتر متوقف می‌کند، به کار گرفته شد. سقف شیشه‌ای شامل موانع ساختگی مبتنی بر تعصبات نگرشی یا سازمانی است که موجب شکست زنان و اقلیت‌ها در دست‌یابی به سطوح بالای سلسله مراتب می‌شود (کاتر^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

با مطالعه و بررسی تحقیقات داخلی و خارجی به نظر می‌رسد این موانع و محدودیت‌ها در محیط و سازمان‌های ورزشی نیز وجود داشته است. به طور مثال، در سال ۲۰۰۷ کی^۳ طی پژوهشی با عنوان "تلاش و ترقی: زنان در سازمان‌های ورزشی" نشان داد که مردان دارای سابقه درخشان ورزشی با تحصیلات دانشگاهی برای رسیدن به پست‌های مدیریتی در چین بسیار حمایت می‌شوند و به سوابق آنها بسیار ارج نهاده می‌شود، در حالی که این حمایت و تشویق برای زنانی که دارای سوابق مشابه مردان در این زمینه بودند وجود نداشته است. ایگوچه^۴ (۲۰۰۷) نیز با پژوهشی با عنوان "ارتباط جنسیت و رهبری در ورزش: ارزیابی مربیان زن فوتبال" به این نتیجه رسید که عوامل اصلی در کاهش تعداد مربیان زن، تعهدات و دلبستگی خانوادگی، برنامه‌های کاری نامناسب (ساعات بدکاری)، سیستم سنت‌گرا و عدم وجود الگوی زن مناسب بوده است. احسانی و همکارانش (۱۳۸۷) با بررسی و رتبه‌بندی عوامل بازدارنده ارتقای زنان به پست‌های مدیریتی در هیأت‌های ورزشی استان خوزستان به این نتیجه رسیدند که از دیدگاه مدیران زن و مرد، مهم‌ترین عامل بازدارنده ورزش حرفه‌ای بوده است و در کل مدیران مرد نقش بازدارنده‌ای را برای عوامل فردی و محیطی در ارتقای زنان قائل

1. Glass Ceiling
2. Wall Street Journal
3. Cotter
4. Cui
5. Eguaoje

بوده‌اند، در حالی که مدیران زن فقط نقش عوامل محیطی را در ارتقای خود بازدارنده دانسته‌اند. همچنین نتایج آن تحقیق نشان داد که عوامل محیطی نسبت به عوامل فردی نقش بازدارنده تری از دیدگاه مدیران زن و مرد در ارتقای زنان داشته‌است.

علاوه بر نتایج تحقیقات داخلی و خارجی، آمار وضعیت اشتغال و مدیریت زنان در وزارت ورزش و جوانان و سازمان‌های زیر مجموعه آن نیز نشان دهنده این موانع و محدودیت‌هاست. برای مثال، در حال حاضر از ۷۶۵۹ کارمند مشغول در بخش‌های ستادی و استانی وزارت ورزش و جوانان، ۲۷ درصد یعنی ۲۰۸۶ کارمند آن‌را زنان تشکیل می‌دهند؛ زنان از میان ۴۵ فدراسیون فعال در بخش بانوان تنها موفق به تصدی دو پست ریاست فدراسیون شده‌اند؛ از میان ۱۴۵۱ هیأت ورزشی فعال استانی تنها ۴۱ پست ریاست هیأت را کسب نموده‌اند؛ از میان ۹۲ معاون مدیر کل در استان‌های کشور تنها ۷ پست معاونت را به خود اختصاص داده‌اند؛ از میان ۴۳۴ رئیس ادارات ورزش و جوانان شهرستان‌ها تنها ۳ پست ریاست را به خود اختصاص داده‌اند؛ از ۳۱ پست مدیر کل ورزش و جوانان استان‌ها، سهمی نداشته‌اند و از مجموع ۴۵۴ پست تخصصی ورزش بانوان استان‌ها، ۲۵۸ پست آن بلا تصدی است (آمار معاونت توسعه امور ورزش بانوان، ۱۳۹۴).

با توجه به آمار و شاخص‌های موجود، همچنین نتایج تحقیقات داخلی و خارجی که نشان دهنده موانع و محدودیت‌هایی در پیشرفت زنان به جایگاه‌های مدیریتی در محیط و سازمان‌های ورزشی است ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا حضور زنان در جایگاه‌های مدیریتی ورزشی ضروری است؟ بنیاد ورزش زنان انگلیس (۲۰۰۷) در مقاله‌ای درباره این که چرا به مدیران زن در سطوح بالای مدیریت ورزش نیاز است؟ چنین می‌نویسد: ۱- برای این که نقش خودشان را ایفا کنند؛ ۲- دیدگاه‌های دیگری علاوه بر دیدگاه مردان وارد تصمیم‌گیری شود؛ ۳- تصمیم‌گیرنده‌ها تصمیمی را که می‌گیرند بازتاب واقعی ترکیب جامعه‌شان باشد؛ ۴- غیبت زنان به این معنی است که مانعی وجود دارد که نمی‌گذارد آنان به مقام بالا در ورزش برسند.

به این دلایل تحقیقاتی نیز در راستای عوامل مؤثر جهت پیشرفت زنان به جایگاه‌های مدیریتی در ورزش انجام شده است که اغلب به تلاش بیشتر و شایستگی‌های مورد نیاز زنان در شرایط مساوی با مردان اشاره نموده‌اند. به عنوان مثال، مارگرت و مایلون^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "ادراک زنان رهبر ورزشی از مدیریت و رهبری: مهارت‌ها و نگرش‌ها برای موفقیت" در دانشگاه سیاتل به این نتیجه رسیدند که برای افزایش حضور زنان در جایگاه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری شرکت‌ها و سازمان‌های ورزشی لازم است زنان تحت آموزش‌های هدفمند مدیریت و رهبری قرار گیرند. مک‌آلیستر^۲ (۲۰۰۶) نیز در تحقیقی دریافت شرکت در ورزش‌های رقابتی در دوران دبیرستان و دانشگاه برای تمرین مهارت‌های رهبری در زنانی که به سطوح بالای ورزشی دست پیدا کرده‌اند بسیار مهم بوده است، زیرا از راه این تجارب، زنان، کار گروهی، همکاری، هدف‌گذاری، اطاعت از قوانین، اعتماد به نفس، کنار آمدن با شکست و پیروزی، تعهد به تساوی و عدالتخواهی، به کارگیری حداکثر تلاش، و ارزیابی برآورد قدرت دیگران را یاد می‌گیرند. همچنین در سال ۲۰۰۶ هافمن^۳ طی پژوهشی بر اساس دیدگاه فرد محوری شش راه کار را برای ارتقای وضعیت زنان در پست‌های رهبری ورزش به شرح زیر پیشنهاد داد:

۱- ایجاد ارتباطات شبکه‌ای؛ ۲- برنامه‌های آموزشی هدایت و رهبری؛ ۳- کارگاه‌های آموزشی؛ ۴- راه کارهای استخدامی؛ ۵- تغییر در سبک رهبری؛ ۶- اختصاص وقت بیشتر. هافمن و همکارانش به این نتیجه

1. Margaret & Maylon

2. McAlister

3. Hoffman

رسیده بودند که زنان باید تغییراتی را در خود ایجاد کنند تا بتوانند در سیستم سازمانی جای گیرند. در این زمینه شتاب بوشهری و همکاران (۱۳۸۶) نیز با بررسی و رتبه بندی عوامل موثر برگماشته شدن مدیران زن در فدراسیون و هیأت های ورزشی استان های کشور ایران به این نتیجه رسیدند که مدیران زن بر اساس اولویت در تمامی مؤلفه ها شامل تعهد و احساس مسئولیت، توانایی به کارگیری مهارت های مدیریتی، عوامل روانی شخصیتی، حمایت و مشارکت خانواده، مهارت های سیاسی، آشنایی با فن آوری های جدید و به روز بودن اطلاعات مدیریتی در حد بالای متوسط قرار دارند، ولی حمایت جو و فرهنگ سازمانی از این زنان کمتر از حد متوسط بوده است.

علاوه بر ضرورت استفاده از تجربه و شایستگی های زنان و این که زنان نیز باید از فرصت های عادلانه برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مهم ورزشی برخوردار باشند، این موضوع در کشور جمهوری اسلامی ایران اهمیت بیشتری دارد، زیرا اوامر و نواهی دین، حدود و ضوابطی را برای ورزش زنان تعیین کرده است؛ به طوری که زنان مسلمان ایرانی نیازمند به محیط و امکاناتی مستقل و اختصاصی برای انجام فعالیت های تربیت بدنی و ورزش می باشند. از این رو لازم است نه تنها از نقشی برابر با مردان، بلکه از تأثیرگذاری بیشتری در تصمیم گیری و تصمیم سازی ها برخوردار شوند. بر این اساس و به دلیل آن که بیشتر پژوهش های صورت گرفته در کشور متوجه موانع و محدودیت های پیشرفت زنان به جایگاه های مدیریتی بوده و تاکنون پژوهشی در قالب بررسی نگرش به اشتغال زنان و مدل سازی عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی آنان در ایران از جنبه های مختلف به صورت جامع انجام نشده است، محقق بر آن شد که طی پژوهشی آن عوامل را بر اساس نظر تخصصی جامعه خبرگان و مدیران ارشد ورزش کشور شناسایی، اولویت بندی و مدل سازی نماید. در این راستا چهارچوب مفهومی تحقیق حاضر بر این پایه استوار شده است که نگرش به ضرورت و اهمیت اشتغال بانوان در ورزش یا به عبارتی سه متغیر اعتقاد به توانایی شغلی، پذیرش شغلی و موانع شغلی بانوان در ورزش کشور، زیربنای تعیین عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی آنان در سازمان های ورزشی خواهد بود. همچنین، پژوهشگر در پی تبیین عواملی نظیر عوامل سازمانی، فرهنگی، تخصصی، خانوادگی و ارائه آن ها در قالب یک مدل بومی می باشد.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر روش و استراتژی، توصیفی از نوع پیمایشی، از نظر هدف و ماهیت، کاربردی و از نظر زمان و طول مدت، حال نگر و مقطعی است که بخشی از داده های آن به وسیله پرسش نامه و به روش میدانی و بخشی دیگر به روش اسنادی جمع آوری شده است.

برای جمع آوری اطلاعات لازم در این پژوهش از سه ابزار استفاده شده است:

- ۱- برگه مشخصات فردی خبرگان و مدیران ورزش جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- پرسش نامه بررسی نگرش به اشتغال زنان در ورزش (دیمیتریوس^۱، ۲۰۰۶): برای اعتبار سنجی این پرسش نامه از روش روایی محتوا و روایی سازه استفاده شده است. پایایی آن نیز به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۲۳ محاسبه شد.

- ۳- پرسش نامه محقق ساخته تعیین عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران: با توجه به این که تاکنون پژوهش مشابهی در حوزه تربیت بدنی و ورزش کشور در این زمینه انجام نشده است، محقق برای ساختن این پرسش نامه ابتدا از طریق مطالعه کتاب ها، مقالات، گزارش گردهمایی های مرتبط و برخی از طرح های

پژوهشی مشابه در سایر رشته‌ها و حوزه‌ها و همچنین نظرخواهی از اساتید، صاحب نظران و مدیران تربیت بدنی و ورزش کشور به وسیله یک پرسش‌نامه باز مقدماتی و به روش دلفی طی دو مرحله، عوامل مؤثر بر پیشرفت زنان به جایگاه‌های مدیریتی در ورزش جمهوری اسلامی ایران را دسته بندی کرد. سپس سؤالات مورد تحلیل عوامل^۱ (از نوع مؤلفه‌های اصلی^۲) قرار گرفته و با انجام آزمون کمو^۳ و آزمون کرویت بارلت^۴، سؤال‌ها (عوامل) برای تحلیل عوامل، بررسی شده‌اند و در ادامه به وسیله آزمون اسکری^۵، عوامل قابل استخراج به دست آمده است. تحلیل عوامل داده‌ها روی مؤلفه‌های اصلی پس از چرخش‌هایی از نوع واریماکس^۶ همچنین به کارگیری آزمون نرمال سازی کیسر^۷ و با تعیین نقطه برش^۸ و بار عاملی^۹ بر اساس جدول استیونز^{۱۰} (۲۰۰۲) برابر با ۰/۵۱۲ مورد تحلیل قرار گرفته شده است. پایایی این پرسش‌نامه نیز به روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۷۴ محاسبه شد. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل شاخص‌های توصیفی داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و برای مدل سازی از معادلات ساختاری یا تحلیل چند متغیری با متغیرهای مکنون به وسیله نرم افزار LISREL نسخه ۸/۸۰ و نرم افزار AMOS نسخه ۲۳ استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش از ۵۰۶ صاحب نظر، شامل ۲۵۳ مدیر و ۲۵۳ خبره مدیریت ورزش جمهوری اسلامی ایران مطابق جدول ۱ تشکیل شده است. در این تحقیق، کلیه اعضای جامعه تعیین شده به عنوان نمونه انتخاب شدند. از ۵۰۶ نفر جامعه مورد نظر، ۴۰۷ نفر (۱۸۳ مدیر و ۲۲۳ خبره) با محقق همکاری و پرسش‌نامه‌های این تحقیق را تکمیل نمودند.

فرضیه‌های پژوهش

- مدل نگرش مدیران به اشتغال زنان در ورزش ایران قابل برازش است.
- مدل عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران قابل برازش است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: جامعه و نمونه آماری تحقیق به تفکیک سمت

ردیف	سمت	فراوانی جامعه	فراوانی نمونه
۱	وزیر	۱	۰
۲	معاون وزیر	۷	۶

1. Factor analysis
2. Principal components
3. Kaiser – Meyer - Olkin
4. Bartlett test sphericity
5. Scree Test
6. Varimax
7. Kaiser Normalization Test
8. Break point
9. Break point
10. Stevenc

۳	مدیرکل ستادی	۱۴	۸
۴	معاون مدیرکل ستادی	۱۸	۱۴
۵	مدیرکل استان	۳۱	۲۳
۶	رئیس فدراسیون	۴۵	۳۹
۷	نایب رئیس بانوان فدراسیون	۴۵	۲۸
۸	مسئولین ورزش بانوان نهادها و وزارتخانه‌ها	۳۰	۲۴
۹	معاون فنی و ورزشی استان	۳۱	۱۹
۱۰	رئیس گروه توسعه ورزش بانوان استان	۳۱	۲۳
۱۱	خبره مدیریت ورزشی	۲۵۳	۲۲۳
جمع		۵۰۶	۴۰۷

جدول ۲: مشخصات فردی خبرگان و مدیران ورزش جمهوری اسلامی ایران (نمونه تحقیق)

مشخصه فردی		تعداد	درصد
جنسیت	زن	۲۷۸	۶۸/۳
	مرد	۱۲۸	۳۱/۴
سن	کمتر از ۲۵ سال	۱۰	۲/۵
	۲۵ تا ۳۴ سال	۸۷	۲۱/۴
	۳۵ تا ۴۴ سال	۱۵۳	۳۷/۶
	۴۵ تا ۵۴ سال	۱۳۲	۳۲/۴
	بالتر از ۵۴ سال	۲۵	۶/۱
	دیپلم	۷	۱/۷
	فوق دیپلم	۲۱	۵/۲
سطح تحصیلات	لیسانس	۱۴۳	۳۵/۱
	فوق لیسانس	۱۹۳	۴۷/۴
	دکتری	۴۳	۱۰/۶

۵۷/۵	۲۳۴	تربیت بدنی	رشته تحصیلی
۴۲/۵	۱۷۳	غیر تربیت بدنی	
۱۰۰	۴۰۷	کل	

جدول ۳: برآورد آزمون تی (T) تک نمونه ای جهت بررسی میانگین توانایی شغلی زنان در ورزش ایران

یافته استنباطی				یافته توصیفی		متغیر
میانگین فرضی: ۳						
Sig	آماره t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۳۸/۷۰۱	۴۰۶	۱/۱۵۴	۰/۶۰۱	۴/۱۵۴	توانایی شغلی
۰/۰۰۱	۴۵/۳۸۲	۴۰۶	۱/۴۴۵	۰/۶۴۲	۴/۴۴۵	پذیرش شغلی
۰/۰۰۱	۲۵/۷۸۵	۴۰۶	۰/۹۰۹	۰/۷۱۱	۳/۹۰۹	موانع شغلی

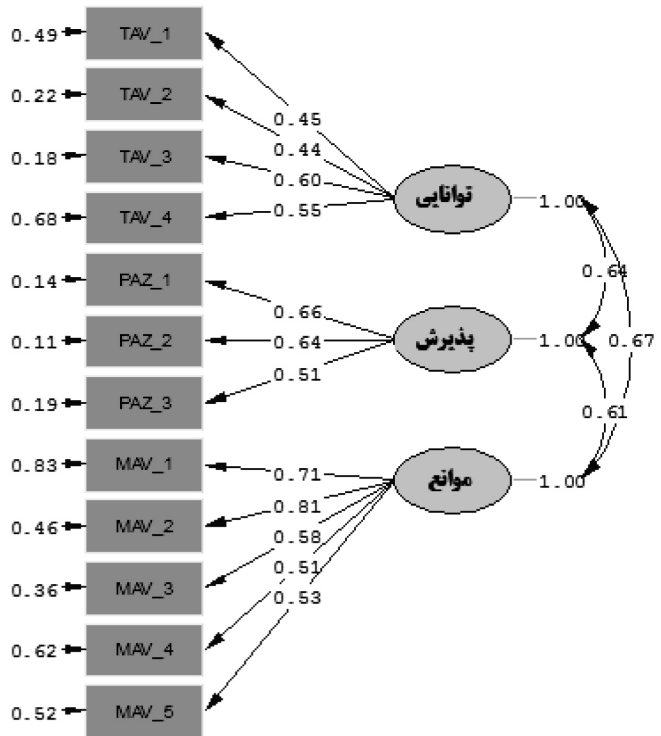
مقادیر جدول ۳ نشان دهنده این است که میانگین سه متغیر توانایی شغلی، پذیرش شغلی و موانع شغلی به طور معناداری ($\text{Sig} \leq ۰/۰۰۵$) بالاتر از میانگین فرضی یا مورد انتظار است. در نتیجه می توان گفت این فرض که نگرش مدیران به توانایی شغلی، پذیرش شغلی و موانع شغلی زنان در ورزش ایران مطلوب است، تأیید می شود.

جدول ۴: برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل

RMR	RMSEA	NFI	CFI	CMIN/DF	DF	شاخص
۰/۰۳۶	۰/۰۶۷	۰/۹۶	۰/۹۸	۲/۸۳	۵۱	مقدار

شاخص های ارزیابی کلیت مدل در مجموع نشان دهنده این است که مدل تدوین شده، توسط داده های گردآوری شده حمایت می شوند؛ به عبارت دیگر، برازش داده به مدل برقرار است. اغلب شاخص ها در دامنه قابل قبول قرار دارند. شاخص کای اسکور نسبی (CMIN/DF) کوچکتر از ۵، شاخص برازش تطبیقی (CFI) بیشتر از ۰/۹۰، شاخص برازندگی (NFI) بیشتر از ۰/۹۰، ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۵۷ و شاخص ریشه میانگین مجذور باقیمانده برابر با ۰/۰۳۶ حاکی از مطلوب بودن مدل است.

نمودار ۱: مدل انعکاسی نگرش مدیران به اشتغال زنان در ورزش ایران در حالت استاندارد



جدول ۵: برآورد استاندارد و غیراستاندارد پارامترهای اصلی در مدل معادلات ساختاری

متغیر پیش بین	مسیر	متغیر ملاک	برآورد استاندارد	T-value	P-Value
نگرش		توانایی-۱	۰/۴۵	۱۰/۶۴	۰/۰۰۱
		توانایی-۲	۰/۴۴	۱۴/۱۹	۰/۰۰۱
		توانایی-۳	۰/۶۰	۱۷/۸۱	۰/۰۰۱
		توانایی-۴	۰/۵۵	۱۰/۹۷	۰/۰۰۱
		پذیرش-۱	۰/۶۶	۲۱/۰۶	۰/۰۰۱
		پذیرش-۲	۰/۶۴	۲۱/۷۸	۰/۰۰۱
		پذیرش-۳	۰/۵۱	۱۷/۵۸	۰/۰۰۱
		موانع-۱	۰/۷۱	۱۲/۵۵	۰/۰۰۱

۰/۰۰۱	۱۶/۵۷	۰/۸۱	موانع-۲		نگرش
۰/۰۰۱	۱۴/۶۱	۰/۵۸	موانع-۳		
۰/۰۰۱	۱۰/۷۴	۰/۵۱	موانع-۴		
۰/۰۰۱	۱۱/۹۹	۰/۵۳	موانع-۵		

با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول ۵ می‌توان گفت متغیر پیش بین (نگرش) تبیین کننده متغیرهای توانایی، پذیرش و موانع مربوط به ورزش زنان است. به عبارت دیگر، نگرش در تبیین متغیرهای نام برده نقش دارد. لذا با این نتیجه این فرض که مدل نگرش مدیران به اشتغال زنان در ورزش ایران برازش مطلوبی دارد، تأیید می‌گردد.

۱۶۴

جدول ۶: برآورد آزمون تی (T) تک نمونه‌ای جهت بررسی میانگین عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان

یافته استنباطی				یافته توصیفی		متغیر
میانگین فرضی: ۳						
Sig	آماره t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۱	۱۵/۹۳۵	۴۰۶	۰/۷۴۲	۰/۹۳۹	۳/۷۴۲	عوامل سازمانی
۰/۰۰۱	۱۹/۰۳۷	۴۰۶	۰/۸۳۰	۰/۸۷۹	۳/۸۳۰	عوامل فرهنگی
۰/۰۰۱	۲۴/۰۰۲	۴۰۶	۰/۹۵۰	۰/۷۹۸	۳/۹۵۰	عوامل تخصصی
۰/۰۰۱	۱۸/۸۷۵	۴۰۶	۰/۸۱۲	۰/۸۶۸	۳/۸۱۲	عوامل خانوادگی
۰/۰۰۱	۲۸/۸۱۲	۴۰۶	۱/۰۸۷	۰/۷۶۱	۴/۰۸۷	عوامل شخصیتی

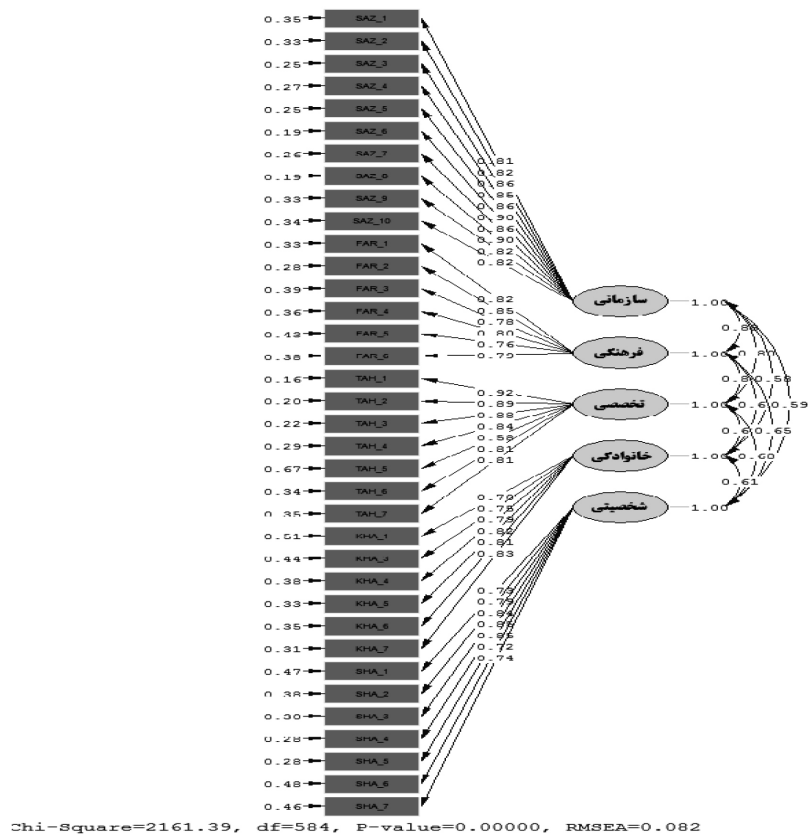
مقادیر جدول ۶ نشان دهنده این است که میانگین متغیر عوامل سازمانی، فرهنگی، تخصصی، خانوادگی و شخصیتی به طور معناداری ($Sig \leq 0/05$) بالاتر از میانگین فرضی یا مورد انتظار است. در نتیجه می‌توان گفت این فرض که عوامل سازمانی، فرهنگی، تخصصی، خانوادگی و شخصیتی بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش مؤثر هستند، تأیید می‌شود.

جدول ۷: برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل

شاخص	DF	CMIN/DF	CFI	NFI	RMSEA	RMR
مقدار	۵۸۴	۳/۰۷	۰/۹۸	۰/۹۷	۰/۰۸۲	۰/۰۵۵

شاخص های ارزیابی کلیت مدل در مجموع نشان دهنده این است که مدل تدوین شده، توسط داده های گردآوری شده حمایت می شوند. به عبارت دیگر، برازش داده به مدل برقرار است. اغلب شاخص ها در دامنه قابل قبول قرار دارند. شاخص کای اسکوئر نسبی (CMIN/DF) کوچکتر از ۵، شاخص برازش تطبیقی (CFI) بیشتر از ۰/۹۰، شاخص برازندگی (NFI) بیشتر از ۰/۹۰، ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۸۲ و شاخص ریشه میانگین مجذور باقیمانده برابر با ۰/۰۵۵ حاکی از مطلوب بودن مدل است.

شکل ۱: مدل انعکاسی عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران در حالت استاندارد



جدول ۸: برآورد استاندارد و غیراستاندارد پارامترهای اصلی در مدل معادلات ساختاری

متغیر پیش بین	مسیر	متغیر ملاک	برآورد استاندارد	T-value	P-Value	متغیر پیش بین	مسیر	متغیر ملاک	برآورد استاندارد	T-value	P-Value
تغییر پیش‌بین	تغییر پیش‌بین	سازمانی-۱	۰/۸۱	۱۹/۶۴	۰/۰۰۱	تغییر پیش‌بین	تغییر پیش‌بین	تخصصی-۳	۰/۸۸	۲۲/۵۰	۰/۰۰۱
		سازمانی-۲	۰/۸۲	۲۰/۱۱	۰/۰۰۱			تخصصی-۴	۰/۸۴	۲۰/۸۶	۰/۰۰۱
		سازمانی-۳	۰/۸۶	۲۰/۸۱	۰/۰۰۱			تخصصی-۵	۰/۵۸	۱۲/۵۰	۰/۰۰۱
		سازمانی-۴	۰/۸۵	۲۱/۳۳	۰/۰۰۱			تخصصی-۶	۰/۸۱	۱۹/۶۲	۰/۰۰۱
		سازمانی-۵	۰/۸۶	۲۱/۸۰	۰/۰۰۱			خانوادگی-۱	۰/۷۰	۱۵/۵۸	۰/۰۰۱
		سازمانی-۶	۰/۹۰	۲۳/۳۷	۰/۰۰۱			خانوادگی-۲	۰/۷۵	۱۷/۰۹	۰/۰۰۱
		سازمانی-۷	۰/۸۶	۲۱/۷۶	۰/۰۰۱			خانوادگی-۳	۰/۷۹	۱۸/۵۷	۰/۰۰۱
		سازمانی-۸	۰/۹۰	۲۳/۴۷	۰/۰۰۱			خانوادگی-۴	۰/۸۲	۱۹/۶۸	۰/۰۰۱
		سازمانی-۹	۰/۸۲	۲۰/۱۶	۰/۰۰۱			خانوادگی-۵	۰/۸۱	۱۹/۱۲	۰/۰۰۱
		سازمانی-۱۰	۰/۸۲	۱۹/۹۳	۰/۰۰۱			خانوادگی-۶	۰/۸۳	۲۰/۰۶	۰/۰۰۱
		فرهنگی-۱	۰/۸۲	۱۹/۷۹	۰/۰۰۱			شخصیتی-۱	۰/۷۳	۱۶/۷۱	۰/۰۰۱
		فرهنگی-۲	۰/۸۵	۲۱/۰۴	۰/۰۰۱			شخصیتی-۲	۰/۷۹	۱۸/۶۱	۰/۰۰۱
		فرهنگی-۳	۰/۷۸	۱۸/۵۳	۰/۰۰۱			شخصیتی-۳	۰/۸۴	۲۰/۴۰	۰/۰۰۱
		فرهنگی-۴	۰/۸۰	۱۹/۲۱	۰/۰۰۱			شخصیتی-۴	۰/۸۵	۲۰/۸۲	۰/۰۰۱
		فرهنگی-۵	۰/۷۶	۱۷/۷۰	۰/۰۰۱			شخصیتی-۵	۰/۸۵	۲۰/۹۹	۰/۰۰۱
		تخصصی-۱	۰/۹۲	۲۳/۹۶	۰/۰۰۱			شخصیتی-۶	۰/۷۲	۱۶/۴۴	۰/۰۰۱
		تخصصی-۲	۰/۸۹	۲۲/۹۵	۰/۰۰۱			شخصیتی-۷	۰/۷۴	۱۶/۹۸	۰/۰۰۱

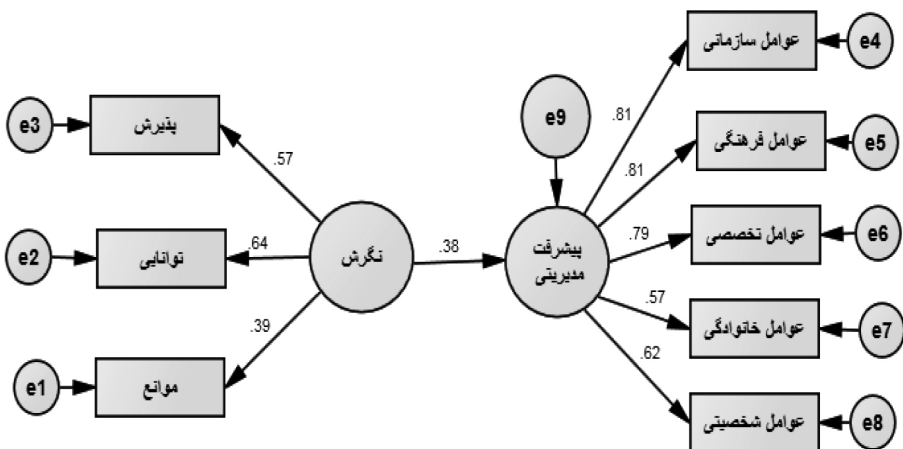
با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول ۶ می‌توان گفت متغیر پیش بین (پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش) تبیین‌کننده متغیرهای عوامل سازمانی، عوامل فرهنگی، عوامل تخصصی، عوامل خانوادگی و عوامل شخصیتی است. به عبارت دیگر، عوامل نام برده بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش مؤثرند. لذا با این نتیجه این فرض

که مدل عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران برازش مطلوبی دارد، تأیید می گردد.

آزمون مدل مفهومی

جهت آزمون مدل مفهومی پژوهش حاضر از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری کواریانس محور استفاده شد. براساس این مدل فرض می شود که نگرش در تبیین پیشرفت مدیریتی زنان نقش دارد و بر آن موثر است.

شکل ۲: مدل معادلات ساختاری نگرش و پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش



جدول ۹: برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل

شاخص	DF	CMIN/DF	CFI	NFI	RMSEA	RMR
مقدار	۱۹	۴/۲۱۸	۰/۹۳۷	۰/۹۲۰	۰/۰۸۹	۰/۰۱۲

شاخص های ارزیابی کلیت مدل در مجموع نشان دهنده این است که مدل تدوین شده، توسط داده های گردآوری شده حمایت می شوند. به عبارت دیگر، برازش داده به مدل برقرار است. اغلب شاخص ها در دامنه قابل قبول قرار دارند. شاخص کائی اسکوئر نسبی (CMIN/DF) کوچکتر از ۵، شاخص برازش تطبیقی (CFI) بیشتر از ۰/۹۰، شاخص برازندگی (NFI) بیشتر از ۰/۹۰، ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۸۹ و شاخص ریشه میانگین مجذور باقیمانده برابر با ۰/۰۱۲ حاکی از مطلوب بودن مدل است.

جدول ۱۰: تأثیر متغیر نگرش در پیشرفت مدیریتی

متغیر پیش بین	مسیر	متغیر ملاک	برآورد استاندارد	نسبت بحرانی t-value	سطح معناداری P-Value
نگرش		پیشرفت مدیریتی	۰/۳۸	۴/۱۰۶	۰/۰۰۱

با توجه به مقادیر برآورد شده در جدول ۷ می توان گفت متغیر پیش بین (نگرش) تبیین کننده پیشرفت مدیریتی است. به عبارت دیگر، نگرش قابلیت پیش بینی پیشرفت مدیریتی بانوان را در ورزش دارد. لذا با این نتیجه این فرض که مدل مفهومی پژوهش حاضر مدل مطلوبی است، تأیید می شود.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که نگرش مدیران به توانایی شغلی، پذیرش شغلی و موانع شغلی زنان در ورزش ایران مطلوب است. در این راستا مدل تدوین شده توسط داده‌های گردآوری شده مورد حمایت قرار گرفت و برازش داده‌ها به مدل برقرار شد. به عبارتی، نتایج این تحقیق نشان داد مدل نگرش مدیران به اشتغال زنان در ورزش ایران برازش مطلوبی دارد. با توجه به نگرش مطلوب مدیران و خبرگان ورزشی کشور به اشتغال زنان در ورزش به نظر می‌رسد با رشد آگاهی‌ها و کم رنگ شدن تفکرات کلیشه‌ای پیشین در این زمینه، اعتقاداتی نظیر این که ”زنان می‌توانند در شغل‌های مرتبط با ورزش موفق باشند، از اعتماد به نفس مورد نیاز برخوردارند، به اندازه کافی رقابتی هستند و برای موفقیت در ورزش در صورت نیاز می‌توانند از حالت تهاجمی استفاده کنند“ در قالب نگرش مطلوب به توانایی شغلی زنان در ورزش ایران، تبدیل به یک واقعیت شده است. همچنین، پذیرش این واقعیت که ”زنان ظرفیت کسب مهارت‌های لازم برای تبدیل شدن به مدیران موفق در ورزش را دارند و کارهای انجام شده توسط آنان در پست‌های کلیدی قابل اطمینان است“، موجب نگرش مطلوب به پذیرش شغلی زنان در ورزش کشور شده است. از طرفی اعتقاد به این که ”برخی از ویژگی‌های جسمانی و روانی زنان مانند عواطف و باردار شدن کارمندان زن باعث نمی‌شود که از مطلوبیت کمتری نسبت به مردان کارمند برخوردار باشند“ به عنوان نگرشی مثبت در زمینه رفع موانع شغلی زنان در ورزش ایران قابل استنباط است. بر این اساس و با توجه به این که برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، موزون و همه جانبه در همه بخش‌ها از جمله ورزش کشور باید زنان و مردان با کوششی آگاهانه ایفای نقش کنند و بهره‌ای معادل برگیرند و از آن جایی که اشتغال برای زنان اهمیتی فراتر از کسب استقلال مالی و دستیابی به امنیت اقتصادی دارد- زیرا آنان از این طریق می‌خواهند با استفاده از توانایی‌هایشان از نقش‌های خانگی خود فراتر روند و به شأن و منزلت اجتماعی و اعتماد به نفس بیشتری در جامعه دست یابند(رفعت‌جاه و خیرخواه، ۱۳۹۱)- به نظر می‌رسد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در کشور باید با شناخت نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی زنان و استفاده از راه کارهای اثربخش برای تحقق این نیازها به گونه‌ای وظیفه حفظ و توسعه این حضور اجتماعی زنان را بپذیرند که آنان بتوانند علاوه بر ایفای نقش‌های مهم در خانواده، چنان انگیزه‌ای پیدا کنند که بتوانند سهم بیشتری در جریان توسعه ورزش کشور به عهده بگیرند و به همان نسبت بتوانند از مواهب این توسعه بهره‌مند شوند.

نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که عوامل سازمانی، فرهنگی، تخصصی، خانوادگی و شخصیتی به طور معناداری بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران مؤثر هستند. در نتیجه می‌توان گفت این فرض که عوامل

سازمانی، فرهنگی، تخصصی، خانوادگی و شخصیتی بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران مؤثر هستند، تأیید می شود. در این راستا مدل تدوین شده توسط داده های گردآوری شده مورد حمایت قرار گرفت و برازش داده ها به مدل برقرار شد. به عبارتی، نتایج این تحقیق نشان داد مدل عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش ایران برازش مطلوبی دارد. با توجه به این که غالب پژوهش های مشابه، در قالب بررسی موانع پیشرفت مدیریتی زنان و سقف شیشه ای انجام شده اند، می توان مؤلفه ها، موانع و پیشنهادات مستخرج از این پژوهش ها را به مثابه عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در سازمان ها تلقی و تفسیر نمود. بر این اساس یافته های این پژوهش با توجه به مبانی نظری و پیشینه مطالعات صورت گرفته داخلی و خارجی قابل تبیین و تحلیل است.

عوامل سازمانی

نتایج این تحقیق نشان داد که از دیدگاه مدیران و خبرگان مدیریت ورزشی ایران، عوامل سازمانی به طور معناداری بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش کشور مؤثر هستند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی و آزمون معادلات ساختاری، عوامل سازمانی مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان ایرانی را به ترتیب زیر نشان می دهد:

- ۱- حمایت رؤسا و مدیران عالی رتبه سازمان از مدیریت زنان؛
 - ۲- مشارکت زنان برای اتخاذ تصمیمات مهم سازمانی؛
 - ۳- ایجاد جو سازمانی مناسب جهت پیشرفت زنان به جایگاه های مدیریتی؛
 - ۴- اصلاح بستر حقوقی و قانونی جهت پیشرفت زنان به جایگاه های مدیریتی در سازمان؛
 - ۵- تقدیر از مدیران زن موفق در سازمان؛
 - ۶- ایجاد فرصت های برابر جهت ارتقای شغلی زنان در سازمان؛
 - ۷- ایجاد فرصت های برابر جهت بهرمندی زنان از مأموریت های داخلی و خارجی؛
 - ۸- اعطای مسئولیت و تفویض اختیار به زنان در غیاب رئیس؛
 - ۹- پذیرش و اجرای دستورات مدیران زن توسط مردان زیرمجموعه شان در سازمان؛
 - ۱۰- امتحان و محک زدن شایستگی و توانمندی زنان در جایگاه های مدیریتی.
- این یافته با نتایج تحقیقات موسوی راد و همکارانش (۱۳۹۵)، سازمان بین المللی کار (۲۰۱۵)، علی آبادی (۱۳۹۱) و کی (۲۰۰۷) همخوان است. موسوی راد و همکارانش (۱۳۹۵) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که برای رشد در سازمان های ورزشی، شرایط سازمانی مساوی بین زنان و مردان وجود ندارد. در گزارش سازمان بین المللی کار (۲۰۱۵) نیز به فهرستی از مسئولیت های سازمانی کارفرمایان جهت پیشرفت مدیریتی زنان در سازمان ها نظیر ترویج و پشتیبانی از قوانین دسترسی زنان به موقعیت های تصمیم گیری، آگاه کردن کارکنان سازمان از استراتژی ارتقای مدیریتی زنان و ارائه یک راهنمای ارتقای مدیریتی برای زنان، اشاره و تأکید شده است (ILO, 2015). در این راستا کمیسیون ورزش اتحادیه اروپا (۲۰۱۴) در بروکسل راهبردهای عملیاتی جهت برابری جنسیتی در ورزش را برای سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ مصوب نمود. از جمله راهبردهای مصوب در این نشست، اهتمام و تأکید به عدالت جنسیتی در احراز پست های مدیریتی و مربیگری در ورزش بود که در آن راه کارهای سازمانی نظیر نحوه استخدام، آموزش مستمر و عضویت زنان در هیات مدیره و هیأت های اجرایی ورزش ارائه شده است. علی آبادی (۱۳۹۱) نیز با بررسی عوامل انگیزشی احراز پست های مدیریتی در کارکنان زن ادارات کل تربیت بدنی منطقه غرب کشور به این نتیجه رسید که بین انگیزش احراز پست های مدیریتی زنان و ساختار سازمانی ارتباط معنی داری وجود دارد. همچنین کی (۲۰۰۷) طی پژوهشی با عنوان

"تلاش و ترقی زنان در سازمان‌های ورزشی" به این نتیجه رسیده بود که زنان دارای سابقه درخشان ورزشی با تحصیلات دانشگاهی برای رسیدن به پست‌های مدیریتی در چین به حمایت‌های سازمانی نیاز دارند. بنابراین نتایج حاصل از این تحقیق و تحقیقات مشابه نشان می‌دهد که بخشی از عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در سازمان‌ها مستلزم اقدامات اداری و مدیریتی است. با توجه به آن که ساختار موجود در برخی از سازمان‌ها به نحوی است که به علت تبعیض جنسیتی، اعمال سلیقه در محیط کار و محدودیت‌های قانونی و اداری، شرایطی نابرابر در احراز جایگاه‌های مدیریتی برای زنان بوجود آمده است، به نظر می‌رسد اقداماتی در راستای افزایش پشتیبانی حقوقی و قانونی از مشارکت زنان در تصمیمات مهم سازمانی و ایجاد فرصت‌های برابر جهت بهرمندی آنان از مسئولیت‌ها و اختیارات سازمانی توسط مدیران ارشد، موجب فراهم شدن جو سازمانی مناسب برای اجرای عدالت سازمانی، شایسته سالاری و فرصتی برابر جهت نمایش توانمندی‌ها و شایستگی‌های زنان برای پیشرفت به جایگاه‌های مدیریتی در سازمان می‌شود.

عوامل فرهنگی

یافته‌های این پژوهش نشان داد که از دیدگاه مدیران و خبرگان مدیریت ورزشی ایران، عوامل فرهنگی به طور معناداری بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش کشور مؤثر هستند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی و آزمون معادلات ساختاری، عوامل فرهنگی مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان ایرانی را به ترتیب زیر نشان می‌دهد:

۱- اعتقاد به متعهد و مسئولیت‌پذیر بودن زنان در کار سازمانی؛

۲- اعتقاد به توانایی و شایستگی زنان در سازمان؛

۳- عدم اعتقاد به ترجیح جنسیتی در استخدام؛

۴- عدم اعتقاد به ترجیح جنسیتی در ارتقای شغلی سازمان؛

۵- همکاری و حمایت زنان از یکدیگر در سازمان؛

۶- تعابیر صحیح از شرع و مسائل شرعی در زمینه زنان.

این نتیجه با نتایج تحقیقات موسوی راد و همکارانش (۱۳۹۵)، سازمان بین المللی کار ILO (۲۰۱۵)، آزادان و همکارانش (۱۳۹۱)، شتاب بوشهری و همکارانش (۱۳۸۶) و سارتور و کانینگهام (۲۰۰۷) همخوان است. موسوی راد و همکارانش (۱۳۹۵) طی پژوهشی با الویت بندی موانع مدیریت زنان در ورزش به روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به این نتیجه رسیدند که زنان عوامل فرهنگی را به عنوان موانع مدیریتی خود در سازمان‌ها قلمداد می‌نمایند. در گزارش سازمان بین المللی کار از ۱۴ مانع مدیریت و رهبری زنان در سازمان‌ها ۴ مورد به عوامل و موانع فرهنگی نظیر نقش‌های تعیین شده برای زنان و مردان به وسیله جامعه، فرهنگ مرد سالاری در شرکت‌ها و سازمان‌ها، رفتار و تفکر کلیشه علیه زنان، همچنین تعصب و تبعیض جنسی در استخدام و ارتقای زنان اشاره شده است. آزادان و همکارانش (۱۳۹۱) نیز با بررسی وضعیت سقف شیشه‌ای و تأثیر آن بر کاهش توانمندی زنان در سازمان‌های ورزشی به این نتیجه رسیدند که زنان شاغل در سازمان‌های ورزشی از پدیده سقف شیشه‌ای رنج می‌برند. لذا لزوم توجه به فرهنگ سازی در خصوص توانایی‌های زنان به خصوص توانایی‌های مدیریتی آن‌ها پیشنهاد شده است. در این زمینه شتاب بوشهری و همکارانش (۱۳۸۶) با بررسی و رتبه بندی عوامل مؤثر برگماشته شدن مدیران زن در فدراسیون و هیأت‌های ورزشی استان‌های کشور به این نتیجه رسیدند که علی رغم این که شاخص‌های مرتبط با توانمندی مدیران زن در حد بالایی متوسط قرار دارد، اما حمایت جو و فرهنگ سازمانی از این زنان کمتر از حد متوسط بوده

است. همچنین، سارتو و کانینگهام (۲۰۰۷) با پژوهشی در راستای تبیین میزان حضور کم زنان در پست‌های رهبری سازمان‌های ورزشی به این نتیجه رسیدند که مفاهیم و باورهای کلیشه‌ای از نقش‌های جنسیتی در ارتباط با ایدئولوژی جامعه و ورزش، در محدود کردن توانایی زنان در محیط‌های ورزشی نقش آفرین است. بر این اساس، یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد که بخشی از عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در سازمان‌ها مستلزم اقدامات فرهنگی در سازمان است. هر چند این عوامل متأثر از سنت‌ها، باورها، عقاید و فرهنگ حاکم بر جامعه و مسائل اجتماعی است و با توجه به این که در سطح سازمان نیز مانند جامعه، مصادیقی از باورهای کلیشه‌ای درباره زنان وجود دارد، به نظر می‌رسد فرهنگ سازی در زمینه ایجاد اعتقاد به عدالت جنسیتی و اعتماد به توانایی و شایستگی زنان در سازمان‌ها، جهت پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش کشور نقش مؤثری داشته باشد.

عوامل تخصصی

نتایج این تحقیق نشان داد که از دیدگاه مدیران و خبرگان مدیریت ورزشی ایران، عوامل تخصصی به طور معناداری بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش کشور مؤثر هستند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی و آزمون معادلات ساختاری، عوامل تخصصی مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان ایرانی را به ترتیب زیر نشان می‌دهد:

- ۱- توسعه مهارت‌های رهبری و مدیریتی زنان در سازمان؛
 - ۲- توسعه مهارت‌های ادراکی زنان در سازمان؛
 - ۳- توسعه مهارت‌های ارتباطی زنان در سازمان؛
 - ۴- توسعه مهارت‌های فنی زنان در سازمان؛
 - ۵- افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی؛
 - ۶- بهره‌مندی از مشاور متخصص، باتجربه و قابل اعتماد؛
 - ۷- آگاهی از مسئولیت‌ها، وظایف و شرح شغل‌ها در پست‌های بالاتر.
- این نتیجه با نتایج تحقیقات مارگرت و مایلون (۲۰۱۴)، لیبرمن و شاو (۲۰۱۲)، کریشنان^۲ (۲۰۰۹)، احسانی و همکارانش (۱۳۸۷)، شتاب بوشهری و همکارانش (۱۳۸۶)، ماراتل (۲۰۰۷)، مک آلیستر (۲۰۰۶) و هافمن (۲۰۰۶) همخوان است. مارگرت و مایلون (۲۰۱۴) طی پژوهشی با عنوان "ادراک زنان رهبر ورزشی از مدیریت و رهبری: مهارت‌ها و نگرش‌ها برای موفقیت" در دانشگاه سیاتل به این نتیجه رسیدند که برای افزایش حضور زنان در جایگاه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری شرکت‌ها و سازمان‌های ورزشی لازم است زنان تحت آموزش‌های هدفمند مدیریت و رهبری قرار گیرند. لیبرمن و شاو (۲۰۱۲) طی پژوهشی با عنوان "تدارک دانشجویان مونث مدیریت ورزشی برای ایفای نقش رهبری در ورزش" در کشور نیوزلند به این نتیجه رسیدند که دختران دانشجوی باید خودآگاهی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های شغلی خود را به وسیله کارآموزی و مشارکت داوطلبانه در مدیریت‌های ورزشی توسعه دهند. آن‌ها همچنین باید در زمینه چالش تعادل بین کار و زندگی آموزش‌های لازم را دریافت نمایند. مطالعه کریشنان (۲۰۰۹) درباره عوامل گردش زنان در تیم‌های مدیریت ارشد سازمان، نشان داد که زنان برای رسیدن به مراتب بالای مدیریتی باید به اندازه کافی فرصت‌هایی برای کار در سطوح پایین‌تر و میانی داشته باشند تا بتوانند صلاحیت و مهارت‌های ضروری را کسب کنند. ماراتل (۲۰۰۷) در جمع‌بندی نتایج تحقیقات خود در مورد مدیران زن ورزشی در سطوح بالا به این نتیجه رسید که زنان در رهبری و مدیریت ورزش به مهارت‌های ارتباطی و کار گروهی نیاز دارند. مک آلیستر (۲۰۰۶)

1. Leberman & Shaw

2. Krishnan

نیز طی پژوهشی دریافت شرکت در ورزش‌های رقابتی در دوران دبیرستان و دانشگاه برای تمرین مهارت‌های رهبری در زنانی که به سطوح بالایی ورزشی دست پیدا کرده‌اند بسیار مهم بوده است، زیرا به وسیله این تجارب، زنان کار گروهی، همکاری، هدف گذاری، اطاعت از قوانین، اعتماد به نفس، کنار آمدن با شکست و پیروزی، تعهد به تساوی و عدالتخواهی، به کارگیری حداکثر تلاش و ارزیابی برآورد قدرت دیگران را یاد می‌گیرند. همچنین، هافمن و همکارانش (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که زنان باید تغییراتی را در خود ایجاد کنند تا بتوانند در سیستم سازمانی جای گیرند. آن‌ها طی پژوهشی بر اساس دیدگاه فرد محوری شش راه کار شامل ایجاد ارتباطات شبکه‌ای، برنامه‌های آموزشی هدایت و رهبری، کارگاه‌های آموزشی، آشنایی با راه کارهای استخدامی، تغییر در سبک رهبری و اختصاص وقت بیشتر را برای ارتقای وضعیت زنان در پست‌های رهبری در ورزش پیشنهاد دادند. بنابراین نتایج حاصل از این تحقیق و تحقیقات مشابه نشان می‌دهد بخشی از عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در سازمان‌ها به آموزش فنی و کسب مهارت‌های تخصصی آنان بستگی دارد. اگرچه عوامل تخصصی عمدتاً به استعداد، تخصص و تلاش فنی و علمی زنان بستگی دارد تا وضعیت و شرایط حال ورزش کشور، لیکن تأثیر برنامه‌های آموزشی سازمان‌های ورزشی جهت بهبود و ارتقای تخصصی زنان در اثنای خدمت را نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع، سازمان‌های دولتی و غیر دولتی ورزشی با برنامه‌های صحیح و کارشناسی‌های دقیق می‌توانند در شکوفایی استعدادها، بالا بردن تخصص و افزایش انگیزه زنان جهت ارتقای مدیریتی مؤثر باشند. لذا به نظر می‌رسد افزایش سطح تحصیلات دانشگاهی، بهره‌مندی از مشاوره متخصصان باتجربه و قابل اعتماد، شناخت ویژگی پست‌های بالاتر، همچنین توسعه مهارت‌های رهبری، ادراکی، ارتباطی و فنی در پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش کشور نقش بسزایی داشته باشد.

عوامل شخصیتی

یافته‌های این پژوهش نشان داد که از دیدگاه مدیران و خبرگان مدیریت ورزشی ایران، عوامل شخصیتی به طور معناداری بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش کشور مؤثر هستند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی و آزمون معادلات ساختاری، عوامل شخصیتی مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان ایرانی را به ترتیب زیر نشان می‌دهد:

- ۱- برنامه‌ریزی زنان برای پیشرفت به جایگاه‌های مدیریتی؛
- ۲- اعتماد به نفس و خودباوری زنان برای پیشرفت به جایگاه‌های مدیریتی؛
- ۳- ریسک‌پذیری زنان و پذیرش مخاطره جایگاه‌های مدیریتی؛
- ۴- قاطعیت و رفتار قاطعانه زنان در سازمان؛
- ۵- رفتار و برخورد منطقی به جای رفتارهای احساسی؛
- ۶- تلاش، پشتکار و رقابتی بودن زنان در سازمان؛
- ۷- پذیرش وظایف دشوار و چالشی توسط زنان در سازمان.

این نتیجه با نتایج تحقیقات موسوی راد و همکارانش (۱۳۹۵)، احسانی و همکارانش (۱۳۸۷)، هاودان (۲۰۰۴) همخوان است. موسوی راد و همکارانش (۱۳۹۵) طی پژوهشی با الویت بندی موانع مدیریت زنان در ورزش به روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به این نتیجه رسیدند که مردان، عامل فردی را به عنوان موانع مدیریتی زنان در سازمان‌ها قلمداد می‌نمایند. احسانی و همکارانش (۱۳۸۷) با بررسی و رتبه بندی عوامل بازدارنده ارتقای زنان به پست‌های مدیریتی در هیأت‌های ورزشی استان خوزستان به این نتیجه رسیدند که مدیران مرد نقش بازدارنده‌ای را برای عوامل فردی و محیطی در ارتقای زنان قائل بوده‌اند. هاودان (۲۰۰۴) نیز در تحقیق

خود در سازمان‌های ورزشی کشور نروژ به این نتیجه رسید که مدیران ورزشی معتقدند که زنان انگیزه لازم برای رقابت با مردان را ندارند و مردان بیشتر داوطلب جایگاه‌های مدیریتی هستند. بر این اساس یافته‌های این پژوهش و پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد که بخشی از عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در سازمان، به ویژگی‌های متفاوت شخصیتی آنان وابسته است. اگر چه بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی، متأثر از ژنتیک و محیط اجتماعی است و از آن جایی که نوع جنسیت و تأثیرات هورمونی آن بر شخصیت، متفاوت می‌باشد و با توجه به آن که نوع تعاملات و انتظارات اجتماع از جنسیت افراد متفاوت است و بر ویژگی‌های شخصیتی آنان تأثیر می‌گذارد، اما به نظر می‌رسد ویژگی‌هایی نظیر اعتماد به نفس، پشتکار، قاطعیت، مخاطره‌پذیری و رفتار منطقی در قبال وظایف دشوار و چالشی در سازمان جهت پیشرفت مدیریتی زنان به جایگاه‌های مدیریتی، تأثیر قابل توجهی خواهد داشت.

عوامل خانوادگی

نتایج این تحقیق نشان داد که از دیدگاه مدیران و خبرگان مدیریت ورزشی ایران، عوامل خانوادگی به طور معناداری بر پیشرفت مدیریتی زنان در ورزش کشور مؤثر هستند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی و آزمون معادلات ساختاری، عوامل خانوادگی مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان ایرانی را به ترتیب زیر نشان می‌دهد (جدول ۸):

- ۱- تشویق و حمایت اعضای خانواده از اشتغال زنان؛
- ۲- کمک همسران به زنان شاغل در انجام وظایف خانه؛
- ۳- کمک والدین به زنان شاغل در انجام وظایف خانه؛
- ۴- کمک فرزندان به زنان شاغل در انجام وظایف خانه؛
- ۵- کمک همسران به زنان شاغل در انجام وظایف شغلی؛
- ۶- کمک والدین به زنان شاغل در انجام وظایف شغلی؛
- ۷- کمک فرزندان به زنان شاغل در انجام وظایف شغلی.

این نتیجه با نتایج تحقیقات کیم^۱ و همکارانش (۲۰۱۵)، سازمان بین المللی کار (۲۰۱۵)، ایگوچه (۲۰۰۷) و شو و هوبر^۲ (۲۰۰۳) همخوان است. کیم و همکارانش (۲۰۱۵) با بررسی موانع رهبری زنان به این نتیجه رسیدند که داشتن مسئولیت‌های خانوادگی یکی از سه عامل مهم در عدم دستیابی زنان به جایگاه‌های مدیریتی در سازمان است. در گزارش سازمان بین المللی کار (۲۰۱۵) نیز از بیشتر بودن مسئولیت‌های خانوادگی زنان نسبت به مردان به عنوان نخستین مانع مدیریت و رهبری زنان در سازمان‌ها اشاره شده است. همچنین ایگوچه (۲۰۰۷) با پژوهشی با عنوان "ارتباط جنسیت و رهبری در ورزش"، به این نتیجه رسید که تعهدات و دلبستگی خانوادگی یکی از موانع مهم در رهبری و مدیریت زنان است. در این زمینه شو و هوبر (۲۰۰۳) نیز در تحقیق خود با عنوان مباحث جنسیت و تأثیرشان بر نقش‌های استخدام در سازمان‌های ورزشی گزارش کردند زنانی که به سطوح بالای مدیریتی در سازمان‌های ورزشی می‌رسند ارتباطی با خانواده خود ندارند و بیشتر مجرد یا مطلقه هستند. بنابراین نتایج حاصل از این تحقیق و تحقیقات مشابه نشان می‌دهد بخشی از عوامل مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان در سازمان‌ها به عوامل خانوادگی آنان بستگی دارد، اما به نظر می‌رسد زمانی می‌توان از مشارکت اجتماعی زنان و حضور فعال آنان در خارج از خانه سخن گفت که پیش از آن مناسبات

1. Kim
2. Show & Hober

خانوادگی بین زن و سایر اعضای خانواده به طور صحیح و منطقی برقرار شده باشد. از این طریق است که آنان می‌توانند با فراغت و توان بیشتری به مشارکت در عرصه‌های مختلف بپردازند و به انتظارات اجتماعی، از یک سو و نیازها و خواسته‌های خودشان، از سوی دیگر پاسخی مثبت بدهند. پس کمک و تشویق همسر، فرزندان و والدین در انجام وظایف شغلی و کارهای خانه می‌تواند دلگرمی مؤثری برای موفقیت زنان جهت دستیابی به جایگاه‌های مدیریتی در سازمان‌های ورزشی کشور باشد.

پیشنهادهای

- ۱- مدیران ارشد سازمان‌های ورزشی با بررسی وضعیت موجود و شاخص‌های اشتغال بانوان در ورزش کشور، این نگرش مطلوب را به وسیله برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدفمند به اقدامات عملی هدایت نمایند.
- ۲- در تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی سازمان‌های ورزشی، عدالت سازمانی، عدالت جنسیتی و اقدامات حقوقی، اداری و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- بانوان شاغل در ورزش کشور با توسعه توانایی‌های فنی، تخصصی و علمی، شرایط را جهت ارتقای مدیریتی خود در سازمان‌های ورزشی فراهم نمایند.
- ۴- بانوان شاغل در ورزش کشور با توسعه ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی مناسب، شرایط ارتقا و دستیابی به سطوح بالای مدیریتی را در سازمان‌های ورزشی احراز نمایند.
- ۵- زنان شاغل در سازمان‌های ورزشی ضمن تلاش جهت ایجاد توازن و تعادل در انجام مسئولیت‌های سازمانی و وظایف خانوادگی، با توصیف و تشریح شرایط شغلی خود برای اعضای خانواده از کمک و پشتیبانی آنان جهت ارتقا و پیشرفت مدیریتی در سازمان بهره‌مند شوند.

منابع

- احسانی؛ محمد؛ شتاب بوشهری، سیده ناهید؛ کوزه چیان، هاشم و مشیکی، اصغر. (۱۳۸۷). "بررسی و رتبه بندی عوامل بازدارنده ارتقای زنان به پست‌های مدیریتی در هیات‌های ورزشی استان خوزستان". نشریه پژوهش در علوم ورزشی. شماره ۱۹، صص ۱۸۹-۱۷۱.
- آزادان، مهدی؛ کوزه چیان، هاشم؛ بشیری، مهدی؛ نوروزی و سید حسینی، رسول. (۱۳۹۱). "وضعیت سقف شیشه و تاثیر آن بر کاهش توانمندی زنان در سازمان های ورزشی (مطالعه موردی: اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان شرقی)". نشریه پژوهش های فیزیولوژی و مدیریت در ورزش. دوره ۷، شماره یک، بهار ۱۳۹۴، صص ۳۹-۴۹.
- پیشگاهی فرد، زهرا و پولاب، ام‌البنی. (۱۳۸۸). "آینده پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاور میانه با تاکید بر جایگاه ایران". پژوهش زنان. شماره ۳، صص ۸۹-۱۰۶.
- جواهری، فاطمه؛ سراج‌زاده، حسین و رحمانی، ریتا. (۱۳۸۹). "تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان". زن و توسعه و سیاست (پژوهش زنان). دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۶۲-۱۴۳.
- ربانی خوارسگانی؛ الهی دوست، سعید و قیصریه نجف آبادی. (۱۳۹۲). "مطالعه‌ای پدیدار شناسانه درباره تجربه زیسته مدیران زن در اصفهان". نشریه جامعه شناسی کاربردی. سال بیست و چهارم، شماره پیاپی (۵۲)، شماره چهارم، صص ۴۱-۱۹.
- رفعت جاه، مریم و خیرخواه، فاطمه. (۱۳۹۱). "مسائل و چالش های اشتغال زنان در ایران از دیدگاه شاغلان پست های مدیریتی". نشریه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی. دوره ۱، شماره ۲، صفحه ۱۳۰ تا صفحه ۱۵۶.
- شتاب بوشهری، سیده ناهید؛ کشکر، سارا و صیفوریان، مهدی. (۱۳۸۶). "بررسی و رتبه بندی عوامل مؤثر برگماشته شدن مدیران زن در فدراسیون ها و هیأت های ورزشی استان های کشور". نشریه حرکت. شماره ۳۸، صص ۲۶-۵.
- صداقت، قاسمعلی. (۱۳۸۶). "بررسی شرایط و محدودیت های حق کار زنان از منظر فقه و حقوق". نشریه معرفت. سال شانزدهم، شماره ۱۱۸، صص ۹۷-۱۱۱.
- عباسیان، مجتبی؛ ابراهیم‌زاده، آسمین حسین؛ ناظریان، نورمحمد و ایرندگان، یونس. (۱۳۹۰). "بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در استان سیستان و بلوچستان". زنان و خانواده. شماره ۱۷، صص ۱۷۸-۱۴۷.
- علی آبادی، سمیرا. (۱۳۹۱). "بررسی عوامل انگیزشی احراز پست های مدیریتی در کارکنان ادارات کل تربیت بدنی منطقه غرب کشور". فصلنامه پژوهشی زن و فرهنگ. سال چهارم، شماره چهاردهم، صفحات ۹۵-۱۰۸.
- کریمی موغاری، زهرا؛ قطیفی نایینی، مینو و عباسپور، سحر. (۱۳۹۲). "عوامل اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران". مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان. سال ۱۱، شماره ۳، صص ۸۰-۵۳.
- موسوی راد، سیده طاهره؛ فراهانی، ابوالفضل و بیات، پریش. (۱۳۹۵). "اولویت بندی موانع مدیریت زنان در ورزش به روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)". نشریه پژوهش های کاربردی در مدیریت ورزشی. سال پنجم، شماره ۱ (۱۷ پیاپی)، صص ۱۱۱-۱۱۹.
- نادعلی، لیلا. (۱۳۸۵). "مدیریت زنان". نشریه مدیریت. شماره ۱۱۶-۱۱۵.
- Celik, Mucahit, and Tatar, Mehmet. (2011). "Employment-unemployment Issues andSolution Suggestions Adiyaman Example". Interdisciplinary Journal

of Contemporary Research in Business. Vol. 3, No. 2, pp. 1211- 1226

- Cotter, D. A.; Hermesen J. M, Ovadia S.; Vanneman R. (2010). **“The glass ceiling effect”**. Social Forces. 80(2), 655–681.
- Cui, Y. (2007). **“striving and thriving: women in national sport organizations”**. International Journal of the History of Sport. 24(3).
- Eguaioje, B.T. (2007). **“Bridging the Gender Gap in Sport Leadership: An Evaluation of Female Soccer Coaches”**. A Dissertation for the degree of Doctor of Education. Nova Southeastern University.
- European commission sport. (2014). **“Gender Equality in Sport Proposal for Strategic Actions 2014 – 2020”**. Approved by the Group of Experts ‘Gender Equality in Sport’ at its meeting in Brussels on 18 February 2014.
- Hoffman, J.L. (2006). **“Title IX and Women’s Leadership in Interco llegiat Athletics”**. A Disseration for the degree of Doctor of philosophy, University of Washington.
- Hovden, J. (2004). **“Gender political consequences of male dominance in leadership position in Norwegian Sport”**.
- International Labor Organization (ILO). (2015). **“Women in Business and Management, GAINING MOMENTUM”**. A bridged Version of the Global Report.
- Kim, Parker, Juliana Menasce, Molly Rhal. (2015). **“RECOMMENDED CITATION: Women and Leadership: Public Says Women are Equally Qualified, but Barriers Persist”**. Washington, D.C.: Pew Research Center
- Krishnan, Hema. (2009). **“What causes turnover among women on top management teams?”**. Journal of Business Research. 62, pp1181–1186.
- Margaret Lovelin & Maylon Hanold. (2014). **“Female Sport Leaders’ Perceptions of Leadership and Management: Skills and Attitudes for Success”**. Seattle University Global Sport Business Journal. Volume 2 Issue 1
- Martel J. (2007). **“Developing female leadership in the Canadian Sportsystem: Recommendation for High-Level sport organizations”**. Canadian Journal for women in coaching. Vol, 7, No, 3.
- Mcallister, S. L. (2006). **“Women administrators’ perceptions of the contribution of competitive sport experiences to their career paths and leadership practices”**. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of DOCTOR of EDUCATIONS. Department of Educational administration and foundations Illinois State University.
- Margaret, Lovelin & Maylon, Hanold. (2014). **“Female Sport Leaders’ Perceptions of Leadership and Management: Skills and Attitudes for Success”**. Seattle University Global Sport Business Journal. Volume 2 Issue 1.
- Leberman, Sarah & Shaw, Sally. (2012). **“Preparing female sport management students for leadership roles in sport”**. REGIONAL HUB PROJET, FUND, AKO AOTEAROA.
- Sartore, M., Cunningham, G. (2007). **“Explaining the Under-Representation of**

Women in Leadership Positions of Sport Organizations: A Symbolic Interactionist Perspective". Quest. 59(2): 244-256.

- Show, S., Hober, L. (2003). **"A Strong Man Is Direct and Direct Women Is Bitch: Gendered discourses and their influence on employment roles in sport organizations"**. Journal of Sport Management. 17(6), pp 347-375.
- (2007). **"Women's sports foundation UK, the voice of women's sport"**.

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت ورزشی جانبازان (مورد مطالعه: جانبازان ورزشکار استان تهران در سال ۱۳۹۵)

بهرام قدیمی^۱
محمد رحیمی^۲
آزاده اسدی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۷/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۸/۱۳

تحقیق حاضر بر آن است تا با دیدی جامعه‌شناختی که مشتمل بر دو بخش نظری و میدانی است، به تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت جانبازان در فعالیتهای ورزشی بپردازد. برای تبیین متغیر مستقل که پایگاه اقتصادی- اجتماعی می‌باشد، از آرای پی‌یر بوردیو- یکی از نظریه‌پردازان معاصر- استفاده گردیده و در مورد متغیر وابسته که مشارکت ورزشی است، از دیدگاه‌های نظریه‌پردازان بزرگ جامعه‌شناسی ورزش نظیر راولند و فریدسون، اسکنلن و سیمون بهره‌گیری شده است. بخش میدانی که بصورت پیمایشی می‌باشد، با استفاده از تکنیک پرسشنامه داده‌ها را سنجیده، توصیف و تحلیل می‌نماید. نمونه تحقیق شامل ۳۷۲ نفر از جانبازان ورزشکار استان تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. پس از تکمیل پرسشنامه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و آزمون‌های آماری اقدام به تحلیل داده‌ها شد. پردازش‌ها و آزمون‌های آماری مبین این واقعیت است که بین ابعاد پایگاه اقتصادی- اجتماعی جانبازان ورزشکار (درآمد، شغل و تحصیلات)، سن، وضعیت تأهل، رشته‌های ورزشی، درصد جانبازی و مشارکت جانبازان در فعالیتهای ورزشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: مشارکت ورزشی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، رشته‌های ورزشی و درصد جانبازی

۱. استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دکترای جامعه‌شناسی، مدرس گروه جامعه‌شناسی، واحد خلیخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلیخال، ایران (نویسنده مسئول)

E-mali: M.rahimi5564@gmail.com

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی ورزش، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

ورزش به عنوان پدیده‌ای اجتماعی در همه جوامع جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. هیأت‌ها، انجمن‌ها نهادها، اتحادیه‌ها و کمیته‌هایی که به موضوع ورزش می‌پردازند و در راستای حمایت از فعالیت‌های ورزشی، چه در سطح محلی و چه در سطح رسمی، کار و تلاش می‌کنند، خود جلوه‌ها و مظاهری از این جایگاه هستند. ارتباط فعالیت‌های بدنی و ورزش با علوم مختلف، زمینه‌های جدیدی را برای مطالعه انسان فراهم کرده است. گستردگی مطالب و مسائل مرتبط با ورزش و تربیت بدنی به حدی است که نیاز به علوم تخصصی و مطالعات ویژه را به وجود آورده است. بدون تردید، پی ریزی یک جامعه سالم و با نشاط در گرو سلامت روحی و جسمی اعضای جامعه و مرهون تلاش نیروهای انسانی سالم، کارآمد و فکور می‌باشد. در عصر حاضر، ورزش در سلامت عمومی افراد، گذران اوقات فراغت سالم، با نشاط و لذت بخش و در آموزش و پرورش به ویژه در نسل نوجوان و جوان، ایجاد روابط اجتماعی سالم در جامعه و پیشگیری از بسیاری مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی، نقش مثبت خود را متجلی ساخته است. در میان طیف گسترده مخاطبان، تنها عده خاصی فعالانه در فعالیت‌های ورزشی مشارکت می‌کنند و الزامات مربوط به آن را می‌پذیرند. جامعه‌شناسان ورزش بر این نکته تأکید می‌کنند که ورزشکاران مادر زادی وجود ندارند. وقتی گفته می‌شود برخی ذاتاً ورزشکار به دنیا می‌آیند، می‌تواند سبب بد فهمی شود، زیرا تنها داشتن توان بدنی برای ورزشکار شدن کافی نیست (اشنایدر و اسپریتزر، ۱۹۸۷). ورزش به عنوان یکی از مظاهر فردی- اجتماعی، ضمن حفظ و بقای سلامت روحی و جسمی آحاد جامعه، در ایفای صحیح نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی حائز اهمیت است. ورزش علاوه بر این دارای منافع اجتماعی خردتری مانند افزایش حرمت و اعتماد به نفس، صاحب قدرت و اختیار شدن گروه‌های فاقد مزیت‌های اجتماعی، اصلاح و بهبود توانایی‌های اجتماع به پذیرش ابتکار و نوآوری، تقلیل در جرم، خرابکاری، تخلف و انحرافات اجتماعی، افزایش وحدت اجتماعی و همکاری، گسترش هویت جمعی و افزایش همبستگی، تشویق بهترین بودن در جامعه، ایجاد اشتغال و درآمدهای جدید، افزایش تولید به وسیله افزایش سطح سلامت نیروی کار، بهبود و افزایش سلامت عمومی در جامعه و ... است (پارسامهر، ۱۳۸۸: ۱۱). با توجه به این که پژوهش حاضر، مسئله مشارکت ورزشی را در بین قشر جانبازان ورزشکار مورد مطالعه قرار می‌دهد، می‌توان از جنبه‌های مختلف به اهمیت آن اشاره کرد. مشارکت اجتماعی جانبازان دارای کارکردهای اجتماعی بسیاری می‌تواند باشد: نخست این که چون عده زیادی از جانبازان، مجروحیت جسمی و روحی خود را از بهترین سال‌های جوانی با خود دارند و سلامتی آن‌ها به سبب مجروحیت از بین رفته است، لذا چنانچه جانبازان به مشارکت داوطلبانه و خود جوش در فعالیت‌های ورزشی ترغیب شوند، این امر می‌تواند بر سلامت جسمانی و روانی آنان تأثیر بگذارد و باعث افزایش شادی و نشاط اجتماعی این قشر شود و توانمندی آنان را در برخورد با مسائل روزمره زندگی فزونی بخشد. دوم آن که پرداختن به موضوع مشارکت ورزشی جانبازان می‌تواند به شناخت مهمترین چالش‌های مشارکت این گروه و عواملی که سبب کاهش یا افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی می‌شود، کمک نماید و مسئولان و مدیران شهری و نهادهای اجتماعی ذی‌ربط را برانگیزد تا برنامه‌ریزی منسجمی برای بهبود وضعیت اجتماعی این قشر انجام دهند.

پیشینه پژوهش

متینی صدر (۱۳۷۰) پژوهشی در قالب پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد با عنوان "بررسی افسردگی و

1. Sport activities
2. Schneider and Spreitzer

تمایلات خودکشی در جانبازان بستری در آسایشگاه تهران و مقایسه آن با جانبازان قطع نخاعی بستری در منزل و افراد سالم" انجام داده است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که حضور جانبازان در منزل و زندگی در کنار خانواده، تأثیر مثبتی بر عملکرد سلامتی آنها داشته است.

ابراهیمی، بوالهری و ذوالفقاری (۱۳۸۱) تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه شیوه‌های مقابله با استرس و حمایت اجتماعی با میزان افسردگی جانبازان قطع نخاعی" انجام دادند. آزمودنی‌های این تحقیق عبارت بودند از ۷۰ جانباز قطع نخاعی که در منزل اقامت داشتند. یافته‌ها نشان داد جانبازانی که کمتر بین میزان افسردگی را داشتند، به طور معنی‌داری از روش‌های مؤثر مقابله‌ای متمرکز بر مسئله، به ویژه روش‌های روی آوردن به مذهب، مقابله فعال و برنامه‌ریزی، جست‌وجوی حمایت اجتماعی و تفسیر مثبت استفاده می‌کردند. همچنین، جانبازانی که بالاترین میزان نشانه‌های افسردگی را داشتند، از حمایت اجتماعی کمتری نسبت به جانبازانی برخوردار بودند که نشانه‌های افسردگی کمتری داشتند و دارای کشمکش‌های میان فرد بیشتری بودند. همچنین اشتغال، اعزام داوطلبانه به جبهه‌ها (شاخصی از اعتقاد و تمرکز کنترل درونی) با نشانه‌های افسردگی، کمتر رابطه داشته است. نتیجه این یافته‌ها مبین نقش مؤثر حمایت اجتماعی و شیوه‌های مقابله‌ای به ویژه در کاهش نشانه‌های افسردگی، احساس بهتر و تحمل پیامدهای بیماری‌ها و آسیب‌های جدی مانند قطع نخاع است.

پورسلطانی زرنیدی (۱۳۸۲) در مقایسه سلامت عمومی جانبازان و معلولان ورزشکار و غیر ورزشکار ایرانی دریافت که ۵۰/۴ درصد از نمونه‌ها، فعالیت ورزشی نداشتند و از بین ۴۹/۶ درصد افرادی که فعالیت ورزشی داشتند، ۱۲/۴ درصد به صورت هر روز، ۲۷/۳ درصد یک روز در میان، ۲۷/۸ درصد هفته‌ای دو بار، ۷/۶ درصد هفته‌ای یک بار و ۲۴/۸ درصد به طور نامنظم فعالیت ورزشی می‌کردند. ۷۰ درصد در هیچ مسابقه‌ای شرکت نداشتند و بیش از ۶۵ درصد نیز از سالن‌های ورزشی عمومی استفاده می‌کردند. این نشان می‌دهد که انگیزه جانبازان از فعالیت‌های ورزشی، بیشتر سلامت فردی و حفظ تندرستی، نشاط و آرامش‌پذیری است، نه ورزش قهرمانی و الویت بیشتر آن‌ها پیاده‌روی و آمادگی جسمانی می‌باشد.

معین نعمتی (۱۳۷۹) در بررسی ورزش جانبازان نشان می‌دهد که رفت و آمد، فقدان امکانات و تجهیزات ورزشی، نداشتن مربی و ترس از آسیب بدنی، جزو بزرگترین موانع و مشکلات این افراد برای فعالیت ورزشی است. بر این اساس و با توجه به آنچه که گفته شد در این موضوع با دو دسته از متغیرها سر و کار داریم؛ برای تبیین متغیر مستقل که پایگاه اقتصادی-اجتماعی می‌باشد، از آرای پی‌یر بوردیو-یکی از نظریه‌پردازان بزرگ معاصر-استفاده می‌کنیم. بوردیو در مباحث خود به طبقه اجتماعی و ورزش اشاره می‌کند. وی معتقد است عادات هر طبقه اجتماعی از طریق ورزش و سایر فعالیت‌های فرهنگی مشخص و آشکار می‌گردد. طبقه اجتماعی در باشگاه‌های ورزشی و انتخاب آن‌ها از سوی ورزشکاران ظهور می‌یابد؛ به طوری که باشگاه‌های ورزشی انحصاری در به عضویت گرفتن اعضای خود، محدودیت‌هایی را در نظر می‌گیرند و افراد سطح بالا را با سطح بالای سرمایه در باشگاه‌های خاص می‌یابیم.

چارچوب نظری پژوهش

تئوری‌های تبیین‌کننده متغیر وابسته

میزان مشارکت ورزشی

پی‌یر بوردیو^۱ به نظر بوردیو مهم‌ترین عامل‌هایی که می‌توانند نحوه توزیع رفتارهای ورزشی در میان اقشار متفاوت جامعه را توضیح دهند عبارت‌اند از:

سرمایه اقتصادی: شامل درآمد پولی، سایر منابع مالی، دارایی‌ها و حقوق مالی.
 سرمایه فرهنگی: شامل گرایش‌ها و عادت‌های دیرپایی که طی فرآیند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و هدف‌های فرهنگی ارزشمندی نظیر قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را به دنبال دارند.
 وقت آزاد (بورديو، ۱۳۸۱: ۲۴۰).

راولند و فریدسون^۱ معتقدند برای ایجاد شرایط لازم برای مشارکت مداوم در فعالیت‌های ورزشی، ورزش باید به صورت لذت بخشی در سنین پایین به افراد ارائه گردد تا آن‌ها بتوانند در آینده دوباره به آن تمایل پیدا نمایند. ارائه ورزش به صورت لذت بخش به افراد سبب می‌شود که مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به صورت یک میل درونی درآمده و مشارکت افراد در آن به طور مداوم ادامه یابد. به نظر آن‌ها ایجاد شرایط لازم برای شکل‌گیری تجارب لذت‌بخش و خوش‌آیند در ورزش، راهکاری مناسب برای افزایش سطح فعالیت‌های ورزشی در سنین پایین می‌باشد که به نوبه خود سبب تغییر نگرش افراد در مورد ارزش تمرین و فعالیت بدنی و از همه مهم‌تر، کسب نتایج بلند مدت و سودمندتری مانند سلامتی برای افراد از طریق مشارکت مداوم در فعالیت‌های ورزشی در طول زندگی‌شان می‌گردد (پارسامهر، ۱۳۹۰). اسکن لن و سیمون^۲ با بهره‌گیری از نظریه راولند و فریدسون مبنی بر لذت بخش نمودن مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، متغیر لذت ورزشی را در مدل انگیزشی بزرگتری به نام "مدل تعهد ورزشی" که به معنی میل و تصمیم به ادامه مشارکت در فعالیت ورزشی است، بکار می‌گیرند. تعهد ورزشی به عنوان یک ساختار روان‌شناختی، نشان‌دهنده میل و خواست فرد جهت شرکت مستمر در فعالیت‌های ورزشی است. تعهد ورزشی منعکس‌کننده نیروهای انگیزشی فرد برای ادامه مشارکت و نشان‌دهنده اهمیت زیر ساخت‌های روانی مبتنی بر پا فشاری بر ادامه یک رفتار یا فعالیت معین می‌باشد. تعهد ورزشی می‌تواند مربوط به یک برنامه ورزشی، یک رشته ورزشی (برای مثال فوتبال) و یا تعهد به شرکت مستمر در انواع فعالیت‌های ورزشی باشد (پارسامهر، ۱۳۹۰).

تئوری‌های تبیین‌کننده متغیرهای مستقل اصلی

تئوری‌های تبیین‌کننده متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی

با توجه به اینکه در این تحقیق مطالعه پایگاه اقتصادی-اجتماعی بر اساس نظریه بورديو صورت می‌گیرد، سه جنبه وضعیت اقتصادی، منزلت و قدرت، برای سنجش پایگاه اقتصادی-اجتماعی جانبازان در نظر گرفته شده است. وضعیت اقتصادی از ترکیب میزان درآمد، وضعیت مسکن و محل سکونت سنجیده می‌شود. متغیرهایی که تبیین‌کننده پایگاه اقتصادی-اجتماعی هستند عبارت‌اند از: وضع اقتصادی، منزلت و قدرت که تقریباً مورد توجه تمامی نظریه پردازان این حوزه بوده است.

تئوری‌های تبیین‌کننده متغیر رشته‌های ورزشی

مطابق با دیدگاه فرد-مداری، صفات و خصیصه‌های شخصی ورزشکار، بیشتر بر رفتار ورزشی مؤثرند و میزان مشارکت در فعالیت‌های مختلف ورزشی تا حدی تحت تأثیر عوامل انگیزشی چون حس رقابت جویی و پیروز شدن قرار می‌گیرد (Reiss, 2001: 1139-1145). فرانکن و همکاران در یک کار تجربی بر روی گروهی از دانشجویان ورزشکار نشان دادند که انتخاب نوع رشته ورزشی در تعامل با عوامل شخصیتی حس رقابت جویی و تسلط در زمینه‌های ورزشی و رقابت می‌باشد (Franken, 1994: 467-476).

تئوری‌های تبیین‌کننده متغیر درصد جانبازی

1. Rowland & Freedson

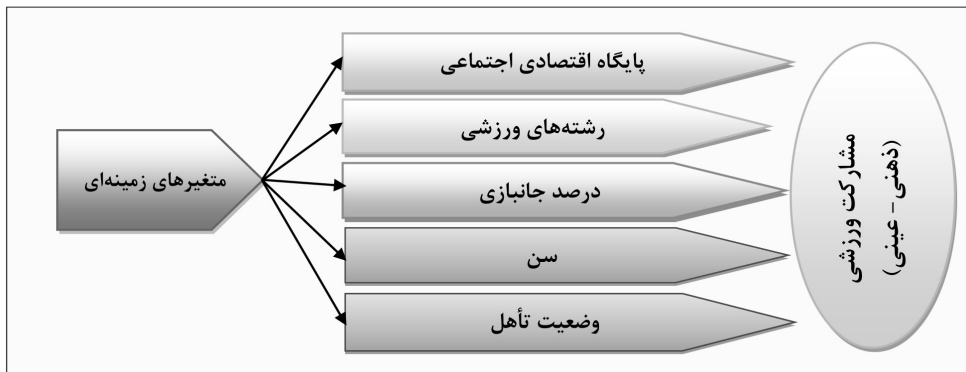
2. Scanlan & Simons

مطابق با نظریه انگیزه‌های مشارکت ورزشی گیل^۱ (۱۹۸۳) که شامل مؤلفه‌های سلامتی و تندرستی، فعالیت با دوستان، شهرت، پایگاه اجتماعی، رویدادهای ورزشی و کسب آرامش از طریق ورزش است (Gill, 1983: 14)، افراد معلول با هر نوع و درجه‌ای از معلولیت، ناخواسته دچار نوعی از سبک زندگی می‌شوند که شاید بتوان آن را سبک زندگی غیرفعال نامید. در این سبک زندگی، بدن از تحرک لازم برخوردار نیست و طبیعی است که سلامتی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد سطح پایین آمادگی جسمانی معلولان مرتبط با محدودیت‌ها و موانع رشد حرکتی، سبک زندگی غیرفعال، شانس کمتر برای شرکت در فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی و کمبود انگیزش برای حداکثر تلاش در حین تمرین باشد (Graham, 2000: 152-161).

تئوری‌های تبیین‌کننده متغیرهای مستقل زمینه‌ای

ریمون توماس (۱۹۸۲) در مورد گرایش به مشارکت ورزشی اظهار می‌دارد که سن و وضعیت تاهل بر گرایش به ورزش و مشارکت‌های ورزشی مؤثر است. اسلنکر^۲ (۱۹۸۴) نیز معتقد است که موانع ادراکی برای مشارکت ورزشی مانند فقدان زمان کافی، مسئولیت‌های شغلی، خانوادگی، بدی آب و هوا و ... به طور معنی داری عامل تمایز میان کسانی می‌باشد که در فعالیت‌های ورزشی مشارکت می‌کنند و آنها که هیچ فعالیت فیزیکی ندارند.

ترسیم مدل علی (براساس فرضیه‌های تحقیق)



فرضیه‌های پژوهش

- پایگاه اقتصادی - اجتماعی (وضع اقتصادی، منزلت و قدرت) با میزان مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار (بعد ذهنی و عینی) رابطه معناداری دارد.
- رشته‌های ورزشی با میزان مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار (بعد ذهنی و عینی) رابطه معناداری دارد.
- درصد جانبازی با میزان مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار (بعد ذهنی و عینی) رابطه معناداری دارد.
- متغیرهای مستقل زمینه‌ای (سن، وضع تاهل) با میزان مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار (بعد ذهنی و عینی) رابطه معناداری دارد.

1. Gill

2. Slanker

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق

روش به کار رفته در این پژوهش بر اساس موضوع تحقیق، از نوع پیمایشی است. با توجه به اینکه پژوهش در مقطع خاصی از زمان انجام می‌شود، بنابراین طرح تحقیق، مقطعی است. پژوهشگر برای کسب اطلاعات مورد نیاز تحقیق از روش پیمایشی استفاده کرده است تا با استفاده از داده‌ها و پاسخ‌های پرسش‌شوندگان به اهداف فرضیه‌ها و سوالات پژوهش دست یابد.

جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری این پژوهش کلیه جانبازان ورزشکار استان تهران می‌باشند که بر اساس آمار بنیاد شهید و امور ایثارگران، تعدادشان ۱۱۶۵۴ نفر برآورد شده است. از این تعداد با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۲ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند.

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در این پژوهش، ترکیبی از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. در این تحقیق ابتدا اماکن ورزشی مختص جانبازان (تحت پوشش موسسه ایثار وابسته به بنیاد شهید و امور ایثارگران) شهر تهران که در تقسیم‌بندی به مناطق (۱)، (۲)، (۳)، (۴)، (۵ و ۶)، (۷ و ۸)، (۹ و ۱۰)، (۱۱ و ۱۲)، (۱۳ و ۱۴) و (۱۶ و ۱۹) تقسیم شده‌اند، مد نظر قرار گرفته است. سپس از بین هر کدام از اماکن ورزشی موجود، چند مکان ورزشی به صورت تصادفی انتخاب و پژوهشگر پس از حضور در اماکن ورزشی انتخاب شده از مناطق مختلف، بر حسب تعداد نمونه در رشته‌های ورزشی متفاوت، اقدام به گردآوری داده‌ها کرده است.

ابزار گردآوری و سنجش داده‌های تحقیق

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار (spss) و آزمون‌های آماری مناسب بر اساس سطح متغیرها استفاده شده است. جهت شناسایی اعتبار شاخص‌های پرسشنامه از اعتبار محتوایی صوری استفاده شد و پرسشنامه طراحی شده با توجه به اجماع نظر اساتید حوزه جامعه‌شناسی تصحیح و نهایی گردید. همچنین، جهت سنجش پایایی ابزار پژوهش از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و پس از کدگذاری و استخراج داده‌ها، آزمون آلفای کرونباخ انجام گردید که آلفای به دست آمده بالای ۰/۷ است. بنابراین گویه‌های طراحی شده دارای قابلیت اعتماد است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

میزان مشارکت ورزشی (متغیر وابسته)

مشارکت ورزشی در این تحقیق با دو بعد ذهنی و عینی سنجیده می‌شود. از مؤلفه‌های مشارکت ورزشی در بعد ذهنی، علاقمندی و در بعد عینی، میزان سرمایه‌گذاری می‌باشد. برای سنجش میزان علاقمندی از مقوله‌های انجام فعالیت‌های ورزشی، رضایت بخش بودن شرکت در فعالیت‌های ورزشی، لذت بردن از موفقیت‌های ورزشی، شرکت در فعالیت‌های ورزشی راه دستیابی به فرصت‌های دیگر می‌باشد، پرداختن به ورزش باعث می‌شود کلیه مسائل و مشکلات روزمره زندگی را فراموش کنم، استفاده شده است و برای سنجش میزان سرمایه‌گذاری از مقوله‌های شرکت در فعالیت‌های ورزشی، اختصاص زمان بیشتر برای کسب اطلاعات از رویدادهای ورزشی از طریق انجام منظم فعالیت‌های ورزشی، کسب مهارت جدید با انجام فعالیت‌های ورزشی، تشویق از سوی دوستان، اساتید و مربیان و اعضای خانواده برای شرکت در فعالیت‌های

ورزشی استفاده شده است.

پایگاه اقتصادی اجتماعی (متغیر مستقل اصلی)

با توجه به اینکه در این تحقیق مطالعه پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر اساس نظریه بورديو صورت می گیرد، سه جنبه وضعیت اقتصادی، منزلت و قدرت، برای سنجش پایگاه اقتصادی اجتماعی جانبازان در نظر گرفته شده است. وضعیت اقتصادی از ترکیب میزان درآمد، وضعیت مسکن و محل سکونت سنجیده می شود. متغیرهایی که تبیین کننده پایگاه اقتصادی اجتماعی هستند عبارت اند از: وضع اقتصادی، منزلت و قدرت که تقریباً مورد توجه تمامی نظریه پردازان این حوزه بوده اند.

رشته های ورزشی (متغیر مستقل اصلی)

رشته های ورزشی در این پژوهش، گرایش به مجموعه فعالیت ها یا مهارت های عادی می باشد که جانبازان بر پایه یک رشته قوانین مورد توافق همگانی و با اهداف تفریحی، یا برای مسابقه، نشاط شخصی، دستیابی به ورزیدگی، مهارت جویی یا آمیزه ای از این اهداف بدان روی می آورند. شاخص هایی که برای سنجش متغیر رشته های ورزشی جانبازان در نظر گرفته شده است شامل کوهنوردی، شنا، دارت، بدنسازی، فوتبال، تنیس روی میز، تیر اندازی، باستانی، بسکتبال با ویلچر و والیبال نشسته می باشد.

درصد جانبازی (متغیر مستقل اصلی)

در حال حاضر، جانباز را فردی می دانند که توانایی کمتر از حد طبیعی (بهنجار) با یک نارسایی کالبد شناختی یا کنشی را داراست و در نتیجه برای او رقابت با همسالان خود مشکل است. در این تحقیق، منظور از درصد جانبازی، تعیین میزان برخورداری جانبازان از اختلالات و نقصان های عارضی جسمانی و روانی است.

متغیرهای مستقل زمینه ای

متغیرهای زمینه ای، اطلاعاتی در زمینه ویژگی های جمعیت شناختی مربوط به جنس، سن، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، وضعیت اقتصادی، تعداد اعضای خانواده و میزان درآمد فرد را می سنجد. منظور از متغیرهای زمینه ای در این پژوهش اطلاعات جمعیت شناختی نظیر سن و وضعیت تأهل جانبازان ورزشکار می باشد.

یافته های پژوهش

نیکویی سنجش متغیرهای تحقیق

بررسی فرض نرمال بودن داده ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف (K-S): برای استفاده از تکنیک های آماری ابتدا باید مشخص شود که داده های جمع آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا غیر نرمال. چون در صورت نرمال بودن توزیع داده های جمع آوری شده برای آزمون فرضیه ها می توان از آزمون های پارامتریک استفاده نمود و در صورت غیر نرمال بودن از آزمون های ناپارامتریک. بدین منظور در این مرحله به بررسی نتایج حاصل از آزمون کولموگروف اسمیرنوف در مورد هریک از متغیرهای وابسته و مستقل می پردازیم و بر اساس نتایج حاصل از آزمون های مناسب، برای بررسی صحت و سقم، فرضیات تحقیق را انتخاب می کنیم.

در صورتی که سطح معنی داری آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر را رد کرده و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت توزیع داده ها نرمال نیست. در صورتی که سطح معنی داری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر پذیرفته می شود و توزیع داده ها نرمال است.

با توجه به نتایج جدول زیر اگر مقدار سطح معنی داری بزرگتر از مقدار خطا باشد، فرضیه صفر را نتیجه می گیریم و در صورتی که مقدار سطح معنی داری از مقدار خطا کوچکتر باشد فرضیه یک را نتیجه می گیریم.

جدول ۱: بررسی توزیع متغیر مشارکت ورزشی و پایگاه اقتصادی- اجتماعی

عامل	سطح معنی‌داری	مقدار خطا	تأیید فرضیه	نتیجه‌گیری
مشارکت ورزشی جانبازان	۰/۱۵۷	۰/۰۵	H۰	توزیع نرمال است
پایگاه اقتصادی- اجتماعی	۰/۵۴۷	۰/۰۵	H۰	توزیع نرمال است

با توجه به نتایج جدول فوق، چون مقدار سطح معنی‌داری برای تمام مؤلفه‌ها بزرگتر از مقدار خطا ۰/۰۵ است، در نتیجه این متغیرها دارای توزیع نرمال هستند.

توصیف آماری متغیرهای تحقیق (آمار توصیفی)

توصیف متغیرهای تحقیق

پایگاه اقتصادی- اجتماعی

برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی ملاک‌ها و شاخص‌های متفاوتی وجود دارد. در این پژوهش سه شاخص درآمد، شغل و تحصیلات برای سنجش پایگاه اقتصادی- اجتماعی جانبازان در نظر گرفته شده است. برای این کار پس از دسته‌بندی درآمد به سه دسته (درآمد کمتر از یک میلیون تومان درآمد کم، بین یک میلیون تومان تا ۲ میلیون تومان درآمد متوسط و بالاتر از ۲ میلیون تومان درآمد بالا) درآمد با ضریب ۳، شغل با ضریب ۲ و تحصیلات با ضریب ۱ تأثیر داده شد و نهایت سه طبقه اجتماعی- اقتصادی دست آمد. جدول زیر توزیع فراوانی بر حسب پایگاه اقتصادی- اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: توزیع فراوانی بر حسب پایگاه اقتصادی اجتماعی- اقتصادی

درصد	تعداد	پایگاه اقتصادی اجتماعی- اقتصادی
۴۲/۴	۱۵۸	طبقه پایین
۳۱/۱	۱۱۶	طبقه متوسط
۲۶/۳	۹۸	طبقه بالا
۱۰۰	۳۷۲	جمع

میانگین سنی مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار

با توجه به جدول زیر، میانگین مشارکت ورزشی در رده سنی ۴۰-۵۰ (۴۰/۱۷) از همه بیشتر و میزان مشارکت ورزشی در رده سنی ۶۰ سال به بالا (۳۸/۰۹) از همه کم تر است.

جدول ۳: مقایسه میزان مشارکت جانبازان ورزشکار با توجه به رده‌های مختلف سنی

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	دامنه تغییرات	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
۳۷۲	۳۹/۳۹	۱۰/۳۰	۶۰	۳۰	۷۶

جدول ۴: مقایسه میانگین مشارکت ورزشی بر حسب رده‌های مختلف سنی

سن	تعداد	میانگین مشارکت ورزشی جانبازان
۳۰-۴۰	۵۷	۳۹/۰۵
۴۰-۵۰	۱۶۸	۴۰/۱۷
۵۰-۶۰	۱۱۸	۳۹/۱۵
۶۰ سال به بالا	۲۹	۳۸/۰۹

میانگین مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار بر حسب وضع تأهل

با توجه به جدول زیر مشاهده می‌شود میانگین متغیر مشارکت ورزشی برای جانبازان متأهل برابر ۳/۸۱ و برای جانبازان مجرد برابر ۳/۴۲ است.

جدول ۵: میانگین مشارکت ورزشی جانبازان مجرد و متأهل

وضعیت تأهل	میانگین مشارکت ورزشی جانبازان	انحراف استاندارد
متأهل	۳/۸۱	۱/۲۴
مجرد	۳/۴۲	۱/۳۳

میانگین مشارکت ورزشی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی جانبازان ورزشکار

با توجه به جدول زیر، گروه‌های اجتماعی - اقتصادی بالا با میانگین ۳/۱۰۴۵ بیشترین مشارکت ورزشی را دارا بودند. گروه‌های اجتماعی - اقتصادی متوسط با میانگین ۲/۸۹۲۵ در گروه دوم و گروه‌های اجتماعی - اقتصادی پایین با میانگین ۲/۳۷۳۸ در گروه سوم مشارکت ورزشی قرار گرفتند.

جدول ۶: مقایسه میانگین مشارکت ورزشی بر حسب پایگاه اقتصادی اجتماعی

خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین مشارکت ورزشی	تعداد	تعداد
۰/۰۵۹۹۸	۰/۵۶۸۹۹	۲/۳۷۳۸	۱۵۸	طبقه پایین
۰/۰۴۸۵۴	۰/۴۵۶۵۷	۲/۸۹۲۵	۱۱۶	طبقه متوسط
۰/۰۳۴۸۱	۰/۴۵۶۵۷	۳/۱۰۴۵	۹۸	طبقه بالا
۰/۰۳۰۳۳	۰/۵۷۳۹۵	۲/۸۴۳۹	۳۷۲	جمع

میزان مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار و درصد جانبازی

با ملاحظه ارقام جدول متوجه می‌شویم که از مجموع ۲۱۵ نفری که جانباز زیر ۲۵ درصدی هستند، ۱۳/۰۲ درصد مشارکت ورزشی پایین دارند و ۲۳/۷ درصد مشارکت ورزشی بالا دارند. همین طور از مجموع ۱۰۸ نفری که جانباز ۲۵ تا ۵۰ درصد هستند، ۳۵/۱ درصد مشارکت ورزشی پایین دارند و ۷/۴ درصد مشارکت ورزشی بالا دارند و از مجموع ۴۹ نفری که جانباز بین ۵۰ تا ۷۰ درصد هستند، ۶۳/۲ درصد مشارکت ورزشی پایین دارند و ۱۰/۲ درصد مشارکت ورزشی بالا دارند.

جدول ۷: توزیع افراد بر درصد جانبازی به تفکیک میزان مشارکت ورزشی

مشارکت ورزشی	درصد جانبازی						
	زیر ۲۵ درصد		۲۵ تا ۵۰ درصد		۵۰ تا ۷۰ درصد		جمع کل
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	درصد
پایین	۲۸	۱۳/۰۲	۳۸	۳۵/۱	۳۱	۶۳/۲	۲۶/۷
متوسط	۱۳۶	۶۳/۲	۶۲	۵۷/۴	۱۳	۲۶/۵	۵۶/۷
بالا	۵۱	۲۳/۷	۸	۷/۴	۵	۱۰/۲	۱۷/۲
جمع کل	۲۱۵	۱۰۰	۱۰۸	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۳۷۲

آزمون‌های آماری متغیرهای تحقیق (آمار استنباطی)

آزمون فرضیه‌های تحقیق

- بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار تفاوت معنی‌داری وجود دارد. جدول زیر تحلیل واریانس برای آزمون فرضیه رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی - اقتصادی و مشارکت ورزشی را نشان می‌دهد. با توجه به جدول زیر، از نظر آماری بین مشارکت ورزشی و گروه‌های مختلف پایگاه اقتصادی اجتماعی - اقتصادی اختلاف معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. بنابراین فرضیه رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی - اقتصادی و مشارکت ورزشی مورد تأیید قرار می‌گیرد. جدول زیر نشان می‌دهد که سه طبقه در سه گروه مختلف مشارکت ورزشی قرار دارند.

جدول ۸: تحلیل واریانس گروه‌های اجتماعی - اقتصادی

	Sum of square	Df	Mean square	F	Sig
Between groups	۲۹/۴۳۹	۲	۱۷/۴۶۲	۳۷۱	۰/۰۰۰
within groups	۸۷/۲۳۱	۳۶۹	۰/۲۵۱	۰/۵۹	۰/۰۰۰
جمع	۱۱۹/۵۲۶	۳۷۱			

جدول ۹: گروه‌بندی میانگین مشارکت ورزشی طبقات اجتماعی - اقتصادی

	تعداد	Subset for alpha= ۰/۰۵		
		۱	۲	۳
طبقه پایین	۱۵۸	۲/۳۷۳۸		
طبقه متوسط	۱۱۶		۲/۸۹۲۵	
طبقه بالا	۹۸			۳/۱۰۴۵
Sig		۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰

• بین وضعیت تأهل جانبازان ورزشکار و مشارکت ورزشی آنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با کمک آزمون t مستقل می‌توان گفت مشارکت ورزشی بین جانبازان مجرد و متأهل دارای تفاوت معنی‌داری است یا خیر؟ جدول زیر به بررسی آزمون میانگین مشارکت ورزشی جانبازان به تفکیک وضعیت تأهل می‌پردازد. ابتدا فرض برابری واریانس دو جامعه بررسی می‌شود. با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون (۰/۱۴۲) بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض صفر (برابری واریانس‌ها) تأیید می‌شود. بنابراین جهت بررسی میانگین‌ها از سطر اول جدول (سطر برابری واریانس‌ها) استفاده می‌شود. با توجه به سطح معنی‌داری آزمون t مستقل می‌توان گفت چون سطح معنی‌داری (۰/۶۲۷) بیشتر از ۰/۰۵ است فرض صفر تأیید می‌شود. با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت تفاوت معنی‌داری در میانگین مشارکت ورزشی جانبازان مجرد و متأهل وجود ندارد.

جدول ۱۰: بررسی آزمون t مستقل مشارکت ورزشی جانبازان مجرد و متأهل

آزمون برابری میانگین (Independent sample T-test)		آزمون برابری واریانس		
سطح معنی‌داری	t آماره	سطح معنی‌داری	F آماره	
۰/۶۲۷	۰/۸۶۴	۰/۱۴۲	۱/۴۸	فرض برابری واریانس‌ها
۰/۶۱۴	۰/۸۸۳	-	-	فرض عدم برابری واریانس‌ها

• بین سن جانبازان ورزشکار و مشارکت ورزشی آنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. با توجه به جدول زیر مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۵ می‌باشد و نتیجه آن این است که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_1 (فرضیه پژوهش) مبنی بر این که بین سن جانبازان و مشارکت ورزشی جانبازان تفاوت ناچیزی وجود دارد، پذیرفته می‌شود.

جدول ۱۱: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه مشارکت ورزشی و سن

متغیر	Df درجه آزادی	F	Mean میانگین	Sig سطح معناداری
سن	۲	۴/۸۳۹	۰/۳۵۰	۰/۰۵

- بین میزان مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار در رشته‌های مختلف ورزشی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

با توجه به این که مشارکت ورزشی در سطح ترتیبی سنجیده شده و رشته ورزشی متغیر اسمی چند مقوله‌ای است، از آماره فریدمن محاسبه و در جداول زیر به آن پرداخته شده است. در جدول زیر چون سطح معنی‌داری آزمون فریدمن کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین مشخص می‌گردد که بین مؤلفه‌ها از نظر پاسخ‌دهندگان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در ادامه بر اساس میانگین رتبه‌های محاسبه شده، گویه‌ها به ترتیب اهمیت، رتبه‌بندی می‌شوند. یافته‌های جدول زیر بیانگر این امر است که بالاترین میزان مشارکت ورزشی در رشته ورزشی کوهنوردی و پس از آن در بین افراد، در رشته‌های ورزشی شنا، دارت، وزنه برداری و بدنسازی و فوتبال به ترتیب به میزان ۲۶/۳۴، ۱۳/۹۷، ۱۱/۸۲، ۹/۶۷ و ۸/۶۰ درصد مشاهده می‌شود. داده‌های جدول ارتباط خاصی بین نوع رشته ورزشی و مشارکت ورزشی را نشان می‌دهد. آمارهای مربوطه نیز مؤید تفاوت معنادار بین دو متغیر فوق می‌باشند.

جدول ۱۲: نتایج آزمون فریدمن جهت بررسی رابطه مشارکت ورزشی و رشته‌های ورزشی

شرح	مقدار
حجم نمونه آماری	۳۷۲
آماره کی دو	۸۲۳/۴۷۲
درجه آزادی	۵
سطح پوشش آماره آزمون	۰/۰۰۰

جدول ۱۳: مقایسه میانگین‌های رشته‌های ورزشی جانبازان ورزشکار

رشته ورزشی	N	Mean rank
کوهنوردی	۹۸	۹۳۷/۷۱
شنا	۵۲	۸۵۰/۷۳
دارت	۴۴	۸۲۳/۴۶
بدنسازی	۳۶	۷۹۶/۱۱
فوتبال	۳۲	۷۶۷/۹۱
تنیس روی میز	۳۰	۷۵۹/۶۸
تیر اندازی	۲۲	۷۵۹/۴۲
باستانی	۲۱	۷۴۶/۴۷
بسکتبال با ویلچر	۱۹	۷۴۴/۱۵

۷۱۸/۷۹	۱۸	والیبال نشسته
	۳۷۲	جمع

• بین درصد جانبازی و میزان مشارکت ورزشی جانبازان ورزشکار تفاوت معنی داری وجود دارد. جدول فوق ارتباط سطوح مشارکت ورزشی را با درصدی جانبازی نشان می‌دهد. با توجه به این که متغیر وابسته در سطح ترتیبی و متغیر مستقل در سطح اسمی سنجش شده است، مقدار کای اسکوئر به دست آمده ۱۵۴/۳۴ در سطح معنی داری ۰/۰۰۰ در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. لذا مدارک کافی برای رد فرض صفر داریم و فرضیه تفاوت بین درصد جانبازی و مشارکت ورزشی جانبازان تأیید می‌گردد. نتایج آزمون F علاوه بر تفاوت معنی دار در میانگین مشارکت ورزشی جانبازان با درصد جانبازی آنان، بیانگر این است که جانبازان زیر ۲۵ تا ۵۰ درصد، بالاترین میانگین مشارکت ورزشی و جانبازان ۵۰ تا ۷۰ درصد پایین ترین مشارکت ورزشی را به دست آورده‌اند.

جدول ۱۴: توزیع افراد بر درصد جانبازی به تفکیک میزان مشارکت ورزشی

مشارکت ورزشی	درصد جانبازی							
	زیر ۲۵ درصد		۲۵ تا ۵۰ درصد		۵۰ تا ۷۰ درصد		جمع کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۲۸	۱۳/۰۲	۳۸	۳۵/۱	۳۱	۶۳/۲	۹۷	۲۶/۷
متوسط	۱۳۶	۶۳/۲	۶۲	۵۷/۴	۱۳	۲۶/۵	۲۱۱	۵۶/۷
بالا	۵۱	۲۳/۷	۸	۷/۴	۵	۱۰/۲	۶۴	۱۷/۲
جمع کل	۲۱۵	۱۰۰	۱۰۸	۱۰۰	۴۹	۱۰۰	۳۷۲	۱۰۰
Sig= ۰/۰۰۰								$\chi^2 = ۱۵۴/۳۴$

بحث و نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین مشارکت ورزشی در بین جانبازان ورزشکار استان تهران (۲/۸ از ۵) و در حد متوسط رو به پایین می‌باشد و نتایج تبیینی تحقیق نیز مبین این است که انگیزه‌های متفاوتی برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی در میان جانبازان دارای پایگاه‌های اجتماعی مختلف وجود دارد که شناسایی آن‌ها برای برنامه‌ریزی و گسترش فعالیت‌های ورزشی در میان قشر جانباز مؤثر خواهد بود. یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که ارتباط مثبت و معناداری بین وضعیت اجتماعی اقتصادی و مشارکت در فعالیت‌های ورزشی جانبازان و معلولان ورزشکار وجود دارد؛ به طوری که گروه‌های اجتماعی-اقتصادی بالا با میانگین ۳/۱۰۴۵ بیشترین مشارکت ورزشی را دارا بودند، گروه‌های اجتماعی-اقتصادی متوسط با میانگین ۲/۸۹۲۵ در گروه دوم و گروه‌های اجتماعی-اقتصادی پایین با میانگین ۲/۳۷۳۸ در گروه سوم مشارکت ورزشی قرار گرفتند. این نتیجه با نتایج تحقیق سبیرا و همکاران (۲۰۱۳)، وندن‌دریش و همکاران (۲۰۱۲)،

رضوی و طاهری (۱۳۸۹)، قدرت نما و همکاران (۱۳۹۲) و اسلامی و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی دارد. در این رابطه با توجه به نظریه بوردیو می‌توان گفت سرمایه اقتصادی شامل درآمد پولی، سایر منابع مالی، دارایی‌ها و حقوق مالی و سرمایه فرهنگی شامل گرایش‌ها و عادت‌های دیر پایی که طی فرآیند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و هدف‌های فرهنگی ارزشمندی نظیر قابلیت‌های تحصیلی و مهارتی را به دنبال دارند، مهم‌ترین عامل‌هایی هستند که می‌توانند نحوه توزیع رفتارهای ورزشی در میان اقشار متفاوت جامعه را توضیح دهند. همچنین، مشارکت ورزشی در میان گروه‌های مختلف سنی جانبازان ورزشکار نیز تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد. برای وضعیت سنی جانبازان ورزشکار، میانگین مشارکت ورزشی در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال (۴۰/۱۷) از همه بیشتر و میزان مشارکت ورزشی در رده سنی ۶۰ سال به بالا (۳۸/۰۹) از همه کم تر است. می‌توان گفت جانبازان در رده سنی ۴۰ تا ۵۰ سال به دلیل پویایی خاصی که حاصل مشارکت آنان در فعالیت‌های ورزشی است، به تداوم مشارکت در ورزش ترغیب می‌شوند، اما با بالا رفتن سن، فعالیت‌های ورزشی برای آن‌ها پویایی و نشاط لازم را فراهم نمی‌کند. در مورد پایین بودن میزان مشارکت ورزشی در رده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال نسبت به ۴۰ تا ۵۰ سال نیز می‌توان گفت با توجه به اینکه تعداد اندکی از جانبازان در این رده سنی قرار دارند و همچنین به دلیل اینکه جوانان جانباز در اوایل دوران زندگی با فشارهای شغلی و زندگی بیشتری مواجه هستند، کمتر به فعالیت‌های ورزشی روی می‌آورند و پس از گذار از دوران جوانی، نیاز به فعالیت‌های ورزشی را بیشتر احساس می‌کنند. لذا باید به موانع مشارکت ورزشی جانبازان سنین بالاتر و جانبازان جوان بیشتر توجه شود و در مجموع، زمینه‌ای فراهم شود که جانبازان از سنین مختلف امکان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی را داشته باشند.

متغیر بعدی که رابطه معنی‌داری آن با مشارکت ورزشی تأیید گردید، رشته ورزشی بود. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که در برخی از رشته‌های ورزشی، جانبازان تمایل بیشتر به مشارکت دارند؛ به‌طوری که در رشته‌های کوهنوردی، شنا و دارت، بدنسازی، بیشترین میزان مشارکت وجود دارد. نتایج آزمون‌های استنباطی (آزمون کای اسکور) نیز بیانگر وجود تفاوت معنادار بین رشته ورزشی و مشارکت ورزشی می‌باشد. معینی (۱۳۷۹)، سکاکی (۱۳۸۶) و نیک‌پور (۱۳۸۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نوع رشته ورزشی تأثیر مستقیمی بر مشارکت‌پذیری جانبازان در فعالیت‌های ورزشی دارد. برخی از رشته‌های ورزشی به دلیل جذابیت خاصی که برای جانبازان دارند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و در این راستا شناخت انگیزه‌های جانبازان ورزشکار می‌تواند در برنامه‌ریزی برای جذب آنان به فعالیت‌های ورزشی مثر ثمر واقع شود. همچنین در تحلیل تأیید این فرضیه می‌توان گفت برخی از رشته‌های ورزشی سازگاری بیشتری با شرایط جسمانی جانبازان و معلولان دارند و جانبازان بر حسب برخورداری از درصد‌های متفاوت جانبازی بدن‌ها روی می‌آورند و امکان پرداختن به همه رشته‌های ورزشی به طور یکسان در میان قشر جانباز وجود ندارد. لذا باید زمینه‌های گرایش جانبازان به سایر رشته‌های ورزشی را نیز فراهم کرد تا این قشر بتواند با آرامش بیشتری به آنها روی بیاورند.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که بین درصد جانبازی و مشارکت ورزشی جانبازان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش میزان درصد جانبازی، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی کاهش می‌یابد و برعکس. جانبازان زیر ۲۵ تا ۵۰ درصد، بالاترین میانگین مشارکت ورزشی و جانبازان ۵۰ تا ۷۰ درصد پایین‌ترین مشارکت ورزشی را به دست آورده‌اند. این نتیجه با نتایج تحقیق سکاکی (۱۳۸۶) مطابقت دارد. در این زمینه می‌توان گفت با افزایش درصد جانبازی به دلیل مشکلات جسمانی و روحی که برای قشر جانباز ایجاد می‌شود، محدودیت‌هایی برای گرایش به فعالیت‌های ورزشی به وجود می‌آید و در این راستا تسهیل شرایط لازم برای ورزش جانبازان دارای معلولیت جسمانی بالاتر می‌تواند در گرایش به فعالیت‌های ورزشی

مؤثر واقع گردد.

پیشنهاها

بر مبنای یافته‌های این پژوهش و با تکیه بر چهارچوب نظری می‌توان راهبردهای زیر را برای افزایش مشارکت ورزشی جانبازان پیشنهاد نمود:

- ۱- لزوم ارائه برنامه‌ریزی دقیق از سوی مسئولان بنیاد شهید و امور ایثارگران و فدراسیون جانبازان برای استفاده بیشتر آنان از سالن‌های ورزشی و اطلاع‌رسانی بیشتر در مورد برنامه‌های ورزشی؛
- ۲- افزایش مشوق‌های مالی به منظور جذب جانبازان به ورزش و تشویق به ورزش از طریق خانواده، خویشاوندان و دوستان به عنوان منبع شبکه روابط اجتماعی جانبازان؛
- ۳- تخصیص بودجه مناسب جهت برگزاری مسابقات ورزشی و جشنواره‌های تجلیل از جانبازان ورزشکار جهت ترویج مشارکت داوطلبانه ورزشی جانبازان؛
- ۴- توزیع مناسب اماکن و تجهیزات ورزشی جهت سهولت دسترسی جانبازان به تمرینات ورزشی؛
- ۵- استفاده از مربیان مجرب و متخصص در رشته‌های ورزشی مربوطه جهت ایجاد انگیزه مشارکت ورزشی؛
- ۶- استاندارد سازی اماکن ورزشی مخصوص جانبازان جهت اطمینان از عدم آسیب‌های بدنی؛
- ۷- همکاری و مشارکت بیشتر شهرداری و نهادهای اجتماعی متولی ورزش جانبازان جهت استفاده جانبازان از امکانات ورزشی و رفاهی به صورت رایگان.

منابع

- ابراهیمی، بوالهروی و ذوالفقاری. (۱۳۸۱). "بررسی رابطه شیوه‌های مقابله با استرس و حمایت اجتماعی با میزان افسردگی جانبازان قطع نخاعی".
- اسلامی، ایوب؛ محمودی، احمد؛ خبیری، محمد و نجفیان رضوی، سید مهدی. (۱۳۹۲). "نقش وضعیت اجتماعی اقتصادی در انگیزه مشارکت شهروندان به ورزش‌های همگانی تفریحی". پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی. دوره ۲. شماره ۳.
- آقا علی‌نژاد، حمید؛ رجبی، حمید؛ صدیق، رحمت‌اله و امیرزاده، فرزانه. (۱۳۸۴). "ارتباط میزان فعالیت بدنی، آمادگی جسمانی و ترکیب بدنی با وضعیت اقتصادی اجتماعی دانش‌آموزان دختر ۱۵-۱۷ ساله تهران". نشریه علوم حرکتی و ورزش. شماره ۶.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۴). "شکل‌های سرمایه". از کتاب سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه). افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ اول، تهران: نشر شیرازه
- پارسامهر، مهربان. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی ورزش. انتشارات: دانشگاه یزد
- پارسامهر، مهربان. (۱۳۹۰). "بررسی انگیزه‌های مرتبط با مشارکت مستمر در فعالیت‌های ورزشی در بین دانشجویان تربیت بدنی (مورد مطالعه دانشجویان تربیت بدنی دانشگاه یزد)". پژوهش‌نامه علوم ورزشی. سال هفتم. شماره سیزدهم.
- پورسلطانی، حسین. (۱۳۸۲). "مقایسه سلامت عمومی جانبازان و معلولان ورزشکار و غیر ورزشکار ایران". پایان‌نامه دکتری، رشته تربیت بدنی، دانشگاه تربیت معلم.
- قدرت‌نما، اکبر؛ حیدری‌نژاد، صدیقه و داوودی، ایران. (۱۳۹۲). "رابطه وضعیت اقتصادی-اجتماعی با میزان فعالیت بدنی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز". نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۱۶.
- متین صدر، محمد رضا. (۱۳۷۰). "بررسی افسردگی و تمایلات خودکشی در جانبازان بستری در آسایشگاه تهران و مقایسه آن با جانبازان قطع نخاعی بستری در منزل". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی. انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital* in Richardson J. (ed) *Handbook of theory and research for the sociology of education*. Greenwood Press.
- Franken, R. E., Hill, R., & Kierstead, J. (1994). "Sport interest as predicted by the personality measures of competitiveness, mastery, instrumentality, expressivity, and sensation seeking". *Personality and Individual Differences*. 17, 467-476.
- Gill, D. L., Gross, J. B., Huddleston, S. (1983). "Participation motivation in youth sports". *International Journal of Sport Psychology*. 14, pp: 1-14.
- Graham, A., Reid, G. (2000). "Physical fitness of adults with an intellectual disability: A 13-year follow up study". *Research Quarterly for Exercise and Sport*. 71(2), pp: 152-161.
- Reiss, S., Wiltz, J., & Sherman, M. (2001). "Trait motivational correlates of athleticism". *Personality and Individual Differences*. 30, 1139-1145
- Roberts (Ed.) *Motivation in sport and exercise*. Champaign, IL: Human Kinetics. pp. 199-215.
- Rowland, T. W. & Freedson, P. S. (1994). "Physical activity, fitness, and Health in children". *Close look pediatrics* 93, 669, 672.

- Scanlan, T.K., & Simons, J.P. (1992). **"The construct of sport enjoyment"**. In G.C. Science, 24, pp: 113-12.
- Seabra, A., Mendonc, D., Maia, J., Welk, G., Brustad, R., Fonseca, A. M., Seabra, A. F. (2013). **"Gender, weight status and socioeconomic differences in psychosocial correlates of physical activity in schoolchildren"**. Journal of Science and Medicine in Sport. 16, pp: 320– 326.
- Vandendriessche, J. B., Vandorpe, B. F., Vaeyens, R., Malina, R. M., Lefevre, J., Lenoir, M., Philippaerts, R. M. (2012). **"Variation in sport participation, fitness and motor coordination with socioeconomic status among Flemish children"**. Pediatric Exercise.



ضرورت تاسیس فدراسیون حقوق ورزشی و نقش آن در پیشگیری از جرایم ورزشی

حمید باقرنیا^۱

مهدی ساقیان^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۲

وجود جرایم ورزشی در طول تاریخ ورزش مسئله ای است که ابعاد مختلف زندگی ورزشکاران و دست اندرکاران این حوزه را تحت تاثیر قرار داده و همواره به عنوان پدیده ای که نشانه تخطی گروهی از افراد جامعه ورزشی نسبت به هنجارهای اجتماعی است، مورد توجه قرار گرفته است. علیرغم تلاش های متخصصان و کارشناسان علم حقوق ورزشی، متأسفانه روز به روز شاهد ظهور و بروز جرایمی از قبیل دوپینگ، خشونت، فساد و ... در سطح جامعه ورزشی هستیم که عواقب و پیامدهای ناخوشایند آن روح ورزش و کرامت انسانی را تحت تاثیر قرار داده است. از این رو، پیشگیری از جرایم و شناخت ریشه های اصلی وقوع تخلفات ورزشی از جمله آرمان هایی است که صاحب نظران علم حقوق ورزشی از دیرباز در ذهن داشته اند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر ایجاد ورزشی پاک و اخلاق مدار و با هدف پیشگیری از وقوع جرایم و تخلفات ورزشی با بهره گیری از ابزارهای موثر آن همچون مدیریت و آموزش با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای به بررسی حقوق ورزشی، جرایم ورزشی و راه های پیشگیری از این جرایم پرداخته است. نتایج به دست آمده، ضرورت تاسیس "فدراسیون حقوق ورزشی" را به عنوان نهادی در کاهش جرایم و تخلفات ورزشی مشخص کرد تا امکان صیانت از حقوق وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون های ورزشی را در سطح ملی و بین المللی و حمایت قضایی از جامعه ورزش را در مراجع حقوقی و کیفری فراهم نماید.

واژگان کلیدی: حقوق ورزشی، جرایم ورزشی و فدراسیون حقوق ورزشی

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیک، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E-mail: Hamid.bagherniya@gmail.com

۲. دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

در جهان کنونی، ورزش یکی از راه های موثر تربیتی و اخلاقی به ویژه برای جوانان می باشد و وسیله ای است که روزبه روز چهره علمی بیشتری پیدا می کند. این اهمیت روز افزون باعث شده تا اندیشمندان حقوقی متمایل به تأسیس رشته خاصی با عنوان "حقوق ورزشی" شوند و مانند حقوق کار و تجارت یا کشاورزی به ابعاد گوناگون این رابطه اجتماعی پردازند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۹). حقوق ورزشی، وظایف، اختیارات و مسئولیت های قانونی همه کسانی را که به نحوی با فعالیت های ورزش درگیر هستند روشن می سازد. اما باید دانست که ورزش جدای از خطرات و آسیب ها نبوده و ممکن است یکی از ورزشکاران بر روی دیگری مرتکب خطایی گردد. قانونگذار نیز این خطرات و آسیب ها را از چشم دور نداشته و آن ها را مد نظر قرار داده است. لذا آنچنان که در بند ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است، اگر این حرکات بر طبق مقررات آن ورزش صورت گرفته و آن مقررات هم بر خلاف موازین شرعی نباشد، جرمی ارتکاب نیافته است، ولی طبق قانون کماکان مسئولیت مدنی پا بر جاست. (یعقوبی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۷) بسیاری از تخلفات ورزشکاران، مربیان و داوران در ارتباط با ورزش به لحاظ مسئولیت آن ها، می تواند حتی جرم تلقی گردد و اغلب عملی واحد می تواند موجب مسئولیت جزایی و مدنی شود. از این رو، مراجع قضאותی مانند دادگاه های عمومی، مراجع اختصاصی، کمیته های انضباطی، هیئت های حل اختلاف، داور و دادگاه بین المللی حکمیت برای ورزش^۱ برای رسیدگی به این جرایم به وجود آمده است (آقایی، ۱۳۸۶: ۳۹).

اندیشه ها و نظریاتی که در پرتو مکاتب علمی حقوق کیفری و جرم شناسی شکل گرفت، به مرور این واقعیت را روشن ساخت که مجازات به تنهایی نمی تواند محو یا ریشه کنی نقض ارزش های هنجارمند را تأمین کند و رفته رفته اندیشمندان نیز ضرورت استفاده از تدابیر غیرسرکوبگر را در کنار مجازات با هدف جلوگیری از ارتکاب جرم، مورد تأکید قرار دادند (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۱). با این تأکید، بسیاری از کشورها برنامه های مدون برای پیشگیری از جرم ترتیب داده اند؛ به طوری که بعضی از این برنامه های مدون مورد توجه مراکز بین المللی از جمله "مرکز بین المللی پیشگیری از جرم" که طرف مشورت سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از جرم تلقی می شود، قرار گرفته است. در مورد مقابله با جرایم در ایران باید اذعان داشت که نمی توان صرفاً پیشگیری کنشی را مورد توجه قرار داد، زیرا از یک سو طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، پیشگیری از جمله وظایف قوه قضائیه است و از سوی دیگر، اهتمام به امر پیشگیری از جرم و آسیب های اجتماعی در کشور امری نوپاست. به نظر می رسد بتوان با رویکردی بینابین، پیشگیری کیفری و غیر کیفری را در این رابطه مدنظر قرار داد (ابراهیمی، ۱۳۸۸: ۸).

مطابق اساسنامه فدراسیون های ورزشی جمهوری اسلامی ایران، بدیهی است در صورت احراز تخلف از مقررات فنی، با توجه به رشته ورزشی مربوطه، تنبیه خاصی از سوی کمیته انضباطی در نظر گرفته می شود که این مقررات نیز بیشتر در قالب آیین نامه ها و دستورالعمل ها می باشد (کاشف، ۱۳۸۹: ۱۳). مع الوصف با توجه به ماهیت خطرزا بودن فعالیت های ورزشی، عدم وجود متخصصان حقوق ورزشی در مراحل مختلف، تدوین قوانین و مقررات، آیین نامه ها، وجود ایرادات اساسی در روند تصویب مقررات، قضاوت و اجرای آرا (واحد بودن سه قوه مقننه، قضائیه و مجریه در کمیته های انضباطی فدراسیون های ورزشی)، عدم توجه به مسائل پیشگیرانه در وقوع تخلفات اعم از پیشگیری عام، خاص و تخصصی یا وضعی موجب زمینه سازی در ارتکاب جرایم ورزشی و سلیقه ای شدن رسیدگی ها در کمیته های انضباطی و در نهایت اضرار و تضییع حقوق ورزشکاران و دست اندرکاران حوزه ورزش گردیده است. با توجه به شرایط معروض

و نظر به اینکه قوانین موجود در رشته های مختلف ورزشی از بروز حوادث جبران ناپذیر ورزشی بر جسم و روح ورزشکاران کم نکرده و از طرف دیگر، کمیتة های انضباطی، استیناف و... و مراجع قضایی خارج از حوزه ورزش کشور- به دلیل تکرار حوادث در مسابقات ورزشی- نقش چندان موثری در بهبود و یا کاهش حوادث، تخلفات و جرایم ورزشی نداشته اند، به نظر می رسد تکرار حوادث جبران ناپذیر، تخلفات و جرایم در ورزش ایران نشانگر محدود بودن آگاهی دست اندرکاران ورزش اعم از ورزشکاران، مربیان، داوران و... از مسئولیت های کیفری و مدنی خود بوده و تأسیس و یا ایجاد مرجعی هم سنخ با فدراسیون های ورزشی با تخصص حقوق ورزشی، می تواند حلقه واسطه یا مفقوده ورزش کشور باشد. (شکری، ۱۳۹۰: ۲۸) از سوی دیگر، بدیهی است تخصیص یک حکم حقوقی در امر ورزش نقش به سزایی در حل و فصل مطلوب، دقیق و کم هزینه دعاوی ورزشی خواهد داشت. لیکن به رغم استفاده از داوری در رفع منازعات بین المللی، متأسفانه ورزش در سطح ملی از آن بهره اندکی برده و برای رفع این معضل باید نقش و جایگاه داوری را در سیستم حقوقی کشور به خصوص در مسائل و دعاوی ورزشی پررنگ تر نمود. با توجه به نقش حکم ورزشی که مربوط به پس از وقوع تخلفات و جرایم است، در تحقیق حاضر با نگاهی پیشگیرانه برای کاهش جرایم و تخلفات ورزشی، به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا تأسیس فدراسیون حقوق ورزشی در این راستا امری ضروری است یا خیر؟

روش شناسی پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه در این پژوهش و توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم و شرایط موجود، روش تحقیق از نوع توصیفی و تحلیلی است. اطلاعات به روش کتابخانه ای با استفاده از مجلات و نشریات معتبر علمی و مقالات چاپ شده در آن ها، مراجعه به کتابخانه های مهم و معتبر کشور از قبیل سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و مراجعه به سایت های معتبر علمی گردآوری شده است.

راهبردهای پیشگیری

پیشگیری به عنوان یکی از سیاست ها و اقدامات اساسی در حوزه کنترل و نظارت اجتماعی محسوب می شود. این سیاست ها به تمامی اقدامات و راهکاری مستقیم و غیرمستقیم بازدارنده از وقوع جرم و انحراف و کز رفتاری معطوف می باشد و از این جهت سیاست پیشینی است که در برابر انواع مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که سیاست پسینی است، قرار می گیرد و از آن کارآمدتر و مؤثرتر و از نظر هزینه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز به صرفه تر است (حسنوند، ۱۳۹۱: ۳۷). در مجموعه سیاست های پیشگیری باید سه مرحله را در پیشگیری از جرم مورد توجه قرار داد: در مرحله اول (پیش از وقوع جرم) باید به اصل فراگیری سلامت اجتماعی توجه نمود و تمامی اقدامات و برنامه ها را بر اساس آن سازماندهی کرد. در مرحله دوم (وقوع جرم) سیاست های پیشگیری شکل خاصی به خود می گیرد و پدیده جرم و بزهکاری از منظر پیشگیری به طور جدی مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. علل و عوامل شکل گیری و گسترش آن شناسایی می شوند، انواع جرائم، میزان شیوع و گستردگی آن ها، گسترش جغرافیایی جرم و نقشه جهانی آن ترسیم و امکانات نهادهای فعال، همانند پلیس و نیروی انتظامی، دادگاه ها و نهادهای قضایی، مؤسسات مشاوره و مددکاری افزایش داده می شود و مرحله سوم (مرحله پس از وقوع جرم) تأکید بر کشف، تعقیب و مجازات و تنبیه مجرمان و بزهکاران است. (شاملو، موسی زاده، ۱۳۸۹: ۴۴)

تا قبل از ظهور مکتب تحقیقی، پیشگیری از نوع کیفری وجود داشت و مبانی نظری پیشگیری کیفری، اصرار

بر روش‌های رسمی یا قانونی برخورد با جرم یعنی اعمال مجازات و اقدامات مؤثر برای دستگیری مرتکبین بود. ولی با تولد مکتب تحقیقی در رشته‌های انسان‌شناسی جنایی و جرم‌شناسی، پیشگیری از جرم وارد مرحله نوینی شد و پیشگیری غیرکیفری اهمیت بیشتری یافت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۲۰). از جمله پیشگیری‌های غیر کیفری می‌توان به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی اشاره کرد. پیشگیری وضعی شامل مجموعه اقدام‌ها و تدابیری است که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم (وضعیت شرف جرم) متمایل است. این امر از یک‌سو، از طریق کاهش وضعیت‌های ماقبل بزهکاری، یعنی وضعیت‌های پیش جنایی که وقوع جرم را تسهیل می‌کند، انجام می‌شود و از سوی دیگر، خطرات شناسایی و دستگیری بزهکاران را افزایش می‌دهد. بنابراین پیشگیری وضعی بیشتر با حمایت از آماج‌های جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد یا آماج در برابر بزهکاران است که در نهایت به‌طور غیرمستقیم، کاهش بزهکاری نتیجه آن خواهد بود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۲۵) پیشگیری اجتماعی به تدابیر و روش‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های غیردولتی و مردمی در زمینه سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط فیزیکی برای حذف یا کاهش عوامل اجتماعی وقوع جرم گفته می‌شود. رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرم، تقویت روابط اجتماعی، افزایش سطح کنترل غیررسمی اجتماعی و در نتیجه بازدارندگی بزهکاران بالقوه و بالفعل از ارتکاب جرم است. (ساتن، ۱۹۹۴: ۲۰)

گسترده‌گی تدابیر پیشگیرانه و متولیان متعددی که در این زمینه وجود دارند، باعث اهمیت بیشتر مدیریت این امر شده است. می‌توان مفهوم مدیریت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی را "پیش‌بینی و شناسایی علل و عوامل خطر وقوع جرم و به کارگیری و هدایت موثر و کارآمد منابع مادی و انسانی به منظور پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی یا برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی، نظارت و ارزیابی" دانست. با توجه به این مفهوم، مدیریت پیشگیری از جرم و آسیب‌های اجتماعی در فرایندی چند مرحله‌ای به الگوهای عملی شناسایی مسئله جرم و هدف‌گذاری، آسیب‌شناسایی علل جرم، انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه حل‌های عملیاتی و کاربردی، اجرای راهکارهای پیشگیرانه و ارزیابی و تعدیل نتایج اجرای برنامه می‌پردازد. (محمدنسل، ۱۳۸۹: ۵)

به لحاظ اهمیت مدیریت پیشگیری و فقدان این مدیریت در حوزه جرایم ورزشی، به نظر می‌رسد با تاسیس نهادی مستقل در این زمینه به نام "فدراسیون حقوق ورزشی" بتوان اقدام به طراحی مدلی در این زمینه نمود. در این مدل ابتدا جرایم و آسیب‌های ورزشی شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی می‌شوند. سپس جرایم و آسیب‌های مهم و اولویت‌دار مورد تجزیه و تحلیل و ماهیت‌شناسی قرار می‌گیرند. در مرحله سوم، راهکارهای پیشگیرانه تعیین و در گام چهارم، راهکارها به اجرا گذاشته خواهند شد و در نهایت نظارت، کنترل و ارزشیابی صورت خواهد گرفت. همچنین این فدراسیون در راستای مدیریت پیشگیری از جرایم ورزشی دوره‌های آموزشی را برگزار خواهد نمود که مهمترین اهداف این دوره‌ها، آموزش فرایند علمی مدیریت پیشگیری از جرم، ایجاد وحدت رویه در کارکرد پیشگیری هیئت‌های استانی فدراسیون، گسترش ادبیات نظری پیشگیری در گستره ملی، ارتقای توان علمی هیئت‌های استانی برای هدایت مقوله پیشگیری و افزایش اثربخشی هیئت‌های استانی در پیشگیری است.

در دنیای حقوقی امروز قضازدایی، موضوعی مهم است که نهادهایی که در این راستا تشکیل شده‌اند، می‌توانند در تحقق بیشتر عدالت و فصل واقعی خصومت و همچنین کم‌نمودن بار سنگین دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده‌ها فوق‌العاده موثر و کارساز باشند. تجمع و ارجاع پرونده‌های مختلف به مراجع قضایی و دادگاه‌ها موجب افزایش هزینه‌های جامعه و هدر رفتن وقت افراد جامعه می‌شود و در مقابل حاکمیت و دستگاه قضایی نیز متحمل هزینه بسیاری می‌گردد. (لبخنده، یوسفوند، ۱۳۹۴: ۳۹) به همین دلیل، معاونت

اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم در سال ۱۳۸۹ به استناد دستور ریاست محترم قوه قضائیه تشکیل گردید. این معاونت در استان ها نیز در ساختار دادگستری کل استان تشکیل و راه اندازی شد. معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم در قالب مدیریت پیشگیری از وقوع جرم، مدیریت اجتماعی و مشارکت های مدنی بر اساس وظایف ابلاغی انجام وظیفه می نماید تا با ساز و کارهای مناسب زمینه های ارتکاب جرم را کاهش دهند.

بدیهی است که قوه قضائیه به تنهایی نمی تواند در این راه پر پیچ و خم توفیقات لازم را برای پیشگیری از وقوع جرم به دست آورد، زیرا برای اجرای درست آن پیشتر باید عوامل جرم را شناسایی کرد و از آنجایی که ریشه های وقوع جرم برگرفته از عوامل گوناگونی مانند عوامل تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و... است و خشکاندن ریشه های ارتکاب جرم ایجاب می کند تا تمامی عوامل دست اندرکار در کنار هم به پیشگیری از وقوع جرم کمک کنند، به نظر می رسد فعالیت فدراسیون حقوق ورزشی می تواند نقش مکملی برای معاونت پیشگیری قوه قضائیه و معاونت پیشگیری نیروی انتظامی در حوزه ورزش کشور ایفا نماید و با الهام گرفتن از این معاونت ها و ارائه راهکارهای پیشگیرانه در راستای کنترل و پیشگیری از وقوع جرایم ورزشی، اقدامات موثری را در تعامل با سایر نهادهای فعال در امر پیشگیری به عمل آورد. همچنین، در کنار نقشی که در کاهش جرایم ورزشی ایفا خواهد نمود، می تواند از طریق نقش آفرینی در تربیت داوران متبحر، به کاهش تعداد و هزینه های رسیدگی قضایی در مراجع ذی ربط کمک نماید که به دنبال آن، جامعه و دولت بار هزینه های کمتری را تحمل خواهد نمود.

جایگاه حقوق ورزشی

حقوق ورزشی، مجموعه قواعد و مقرراتی است که به تنظیم روابط حقوقی ورزشکاران، مربیان، مدیران، صنایع تولید تجهیزات ورزشی، باشگاه ها، ادارات و سازمان های مرتبط با ورزش نسبت به یکدیگر می پردازد و ضمن ترسیم سیاست های کلان عدالت ورزشی، تمامی امور مالی و قراردادی، جرایم، حوادث و تخلفات ورزشی، مسئولیت های کیفری و مدنی، تدوین قوانین ورزشی، تحلیل اسناد بین المللی و داخلی و مواردی از این دست را در بر می گیرد. اهداف آن نیز عبارت اند از: افزایش آگاهی های حقوقی جامعه ورزش در محدوده حقوق ورزشی، استفاده از این آگاهی ها در راستای جلوگیری از وقوع جرایم و تخلفات ورزشی، شفاف نمودن نقش حیاتی ورزش از دیدگاه حقوق ایران، تشریح وظایف و اختیارات مدیران ورزشی از نظر حقوقی، ارائه انواع تدابیر حقوقی که قبل و بعد از وقوع حوادث ورزشی باید اتخاذ شود، مطلع نمودن جامعه ورزشی از پیامدهای حقوقی تخلفات در ورزش که مهمترین نتیجه حاصل از این اهداف، در امان نگه داشتن سلامت جسمی، روانی و حیثیتی ورزشکاران و نیز مصون داشتن مدیریت های ورزشی از مسئولیت های قانونی است. (یعقوبی نژاد، ۱۳۹۲: ۱۳)

اصلی ترین بحث در حیطه حقوق ورزشی، آشنایی ورزشکاران از قوانین و مقررات مورد عمل می باشد که این قوانین به طور کلی در سه مولفه قوانین پیشگیرانه، قوانین حمایتی و قوانین تنبیهی قابل بررسی است. منظور از قوانین پیشگیرانه، قوانین و مقرراتی است که توسط مقام صلاحیت دار وضع شده است و هدف آن پیشگیری یا بازدارندگی اشخاص از ارتکاب جرائم یا تخلفات ورزشی و یا ممنوعیت انجام برخی از فعالیت ها یا اقدامات در حیطه ورزش است. منع شرط بندی، ماده ۶۵۴ قانون مدنی، منع تبعیض بند ۲۲ و منع استفاده از مواد نیروزا بند ۲۸ از ماده سوم اساسنامه کمیته ملی المپیک از جمله این قوانین می باشند (احسنی افروز، ۱۳۹۱: ۵). قوانین حمایتی، کلیه قوانین و مقرراتی است که توسط مقام صلاحیت دار به منظور ایجاد شرایط مناسب برای توسعه و گسترش فعالیت های ورزشی و یا حمایت از ورزشکاران و دست اندرکاران

ورزش وضع شده است که می توان به تربیت بدنی رایگان، بند ۳ از اصل سوم قانون اساسی اشاره نمود و قوانین تنبیهی، قوانین و مقرراتی هستند که توسط مقامات صلاحیت دار برای تنبیه متخلفان یا مجرمان وضع شده است. اعمال این قوانین پس از ارتکاب فعل مجرمانه یا نقض مقررات ورزشی بوده، لذا اقدامی ثانویه در مقابل اقدامات پیشگیرانه محسوب می شود. با وجود این که در فعالیت های ورزشی اغلب احتمال بروز حوادث مختلف (وقوع جرم، شبه جرم، تخلف) متصور است، متأسفانه قوانین و مقررات خاصی برای کنترل این حوادث وضع نشده است و در صورت وقوع جرم یا شبه جرم در رشته های مختلف ورزشی، قواعد کلی مجازات و مسئولیت حاکم است که در این خصوص می توان به قانون مجازات اسلامی و نیز قانون مسئولیت مدنی در باب شبه جرم اشاره کرد. ولی در صورت احراز تخلف از مقررات فنی با توجه به رشته ورزشی مربوطه، تنبیه خاصی از سوی کمیته های انضباطی در نظر گرفته می شود که این مقررات نیز بیشتر در قالب آیین نامه ها و دستورالعمل ها می باشند (فراهانی، ۱۳۹۱: ۶). تصویب و اجرای این قوانین و مقررات بر عهده مراجع قضائتی رسیدگی کننده به دعاوی و اختلافات در حوزه ورزش اعم از داخلی و بین المللی می باشد که شامل مراجعی همچون: محاکم دادگستری، کمیته های انضباطی، هیئت های حل اختلاف و حکمیت (داوری) و دادگاه بین المللی حکمیت برای ورزش است. به طور کلی، این مراجع به دو دسته مراجع قضائتی داخلی که شامل دادگاه های عمومی، مراجع استثنائی (اختصاصی)، کمیته های انضباطی، هیئت حل اختلاف و حکمیت است و مراجع قضائتی خارجی همانند دادگاه بین المللی حکمیت برای ورزش تقسیم می شوند. با بررسی قوانین و مقررات مرتبط با جرایم ورزشی در ایران و تطبیق آن با کشورهای توسعه یافته ایرادات بسیاری آشکار می گردد که مهمترین آن عدم وجود متخصصان حقوق ورزشی در مراحل مختلف تدوین قوانین و مقررات حقوقی و انضباطی ورزش می باشد. از سوی دیگر، بررسی های به عمل آمده حاکی از آن است که ترکیب اعضای کمیته های انضباطی فدراسیون های ورزشی به لحاظ تخصص و تسلط آنان به معیارها و آموزه های حقوق ورزشی مناسب نبوده و آنچه مسلم است تعداد کم متخصصان حقوق ورزشی در این ترکیب است. شاید بتوان گفت این موضوع یکی از مهمترین دلایلی است که از سوی کمیته های انضباطی شاهد بی عدالتی های مختلف و عدیده به ضرر ورزشکاران، قهرمانان و مربیان هستیم (فروغی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۸). همچنین، با در نظر گرفتن این موضوع که در عرصه ورزش، صرفاً دعاوی و اختلافات حقوقی همچون نقل و انتقال بازیکنان، دعاوی خسارت و مسئولیت مدنی و ... را می توان از طریق داوری، سریع تر و با هزینه کمتر حل و فصل نمود و با توجه به ماده ۳ اساسنامه فدراسیون های ورزشی آماتوری و تأکید هیئت وزیران در سال ۱۳۹۲ بر تأسیس مرکز حکمیت ورزشی در ایران، به نظر می رسد در صورت تأسیس نهادی با عنوان "فدراسیون حقوق ورزشی" - با حیطه تخصصی فعالیت در زمینه حقوق ورزشی - می توان با جلب همکاری و تعامل موثر با دانشگاه ها، کانون وکلای دادگستری، کانون کارشناسان رسمی و سایر ارگان های ذی مدخل در حوزه فعالیت حقوق ورزشی ضمن تسهیل در روند تأسیس مرکز داوری (حکمیت) ورزشی، از طریق تأسیس مرکز علمی-کاربردی حقوق ورزش در صدد آموزش تخصصی منابع انسانی از جمله قضات، حکم ورزشی، وکلا و ... در زمینه مسائل ورزشی برآمد و نقش مهمی در حمایت از حقوق تضییع شده ورزشکاران و دست اندرکاران ورزش ایفا نمود.

پیشگیری از تخلفات و جرایم ورزشی

مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ جرم عبارت است از: "هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است." (صالح ولیدی، ۱۳۷۴: ۳۷). ضمن آن که قانونگذار در مورد جرایم ورزش در بند ث ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ چنین اظهار می دارد: "در صورتی که عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش

نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد، جرم محسوب نمی شود. " (یعقوبی نژاد، ۱۳۹۲: ۴۳)

با در نظر گرفتن این دو ماده قانونی و بررسی های انجام شده در حوزه جرایم ورزشی، تخلفات و جرایمی از قبیل دوپینگ، فساد و خشونت در ورزش از جمله جرایم ورزشی رایج میان ورزشکاران و دست اندرکاران ورزش می باشد. (رضایی، اسدی نژاد، ۱۳۹۰: ۴۸) که به اختصار به بررسی هر یک می پردازیم.

- دوپینگ عبارت است از: "استفاده ورزشکار از مواد شیمیایی غیرمجاز". کاربرد داروها، طیفی از اثرات جانبی ناخواسته و زیانبار را بر روی بدن فرد بر جای می گذارد که در پاره ای از موارد، برگشت ناپذیرند و صدمات جبران ناپذیری را برای سلامت ورزشکار در پی دارند. دوپینگ با اهداف عالی و ورزش که سالم سازی جسم و روح می باشد، منافات دارد و به دلیل ایجاد برتری غیر منصفانه در صحنه ورزش، برخلاف مقررات جاری سازمان های اجرایی ورزش می باشد. بنابراین دوپینگ به دلایل اساسی فیزیکی، اخلاقی و قانونی ذکر شده ممنوع است و تخلف محسوب می گردد. واکنش کشورهای مختلف به دوپینگ متفاوت است؛ گاهی چنین اقدامی را جرم شناخته و در مقابل آن واکنش های قانونی و انضباطی شدیدی علیه مرتکب اعمال می کنند و در بعضی از کشورها مانند ایران، تنها به ضمانت اجرای انضباطی بسنده می کنند. تلفیق ورزش در سطح داخلی یا بین المللی با منافع اقتصادی و امتیازات مالی گزافی که به مناسبت های مختلف به ورزشکاران و مربیان تعلق می گیرد و یا در کشورهایی که اساسی ترین شرط بقای مدیران و مسئولان ورزشی دستیابی به مدال است، زمینه را برای دوپینگ برخی از ورزشکاران مساعد نموده است. برنامه جهانی مبارزه با دوپینگ با اهداف صیانت از حقوق اولیه ورزشکار جهت شرکت در ورزش عاری از دوپینگ و ارتقای سلامت، انصاف، جوانمردی، تساوی و برابری ورزشکاران در سراسر جهان و حصول اطمینان از پیاده شدن برنامه های مبارزه با دوپینگ هماهنگ، یکنواخت و موثر و کارآمد در سطح بین المللی و ملی جهت شناسایی، ممانعت و پیشگیری از دوپینگ، آیین نامه هایی را تعیین کرده است. آیین نامه های جهانی مبارزه با دوپینگ آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ مصوب ۲۰۰۳، از جمله قوانین ورزشی محسوب می شود که به منظور مبارزه با دوپینگ و سالم سازی ورزش در پهنه بین المللی به تصویب رسیده است. ورزشکاران و پرسنل حامی ورزشکار، به علت توافقی که جهت عضویت و معتبر شمردن آن ها در سازمان های ورزشی با مسابقات ورزشی دارند، بر اساس فصل دوم این آیین نامه ملزم به تبعیت از قوانین مبارزه با دوپینگ می باشند. هر یک از امضا کنندگان آیین نامه ملزم است تا اقدامات لازم را جهت اطمینان از تعهد ورزشکاران و پرسنل حامی ورزشکار به قوانین مبارزه با دوپینگ به عمل آورد (چلبی، ۱۳۸۹: ۸۲). برابر مواد این آیین نامه اقداماتی جهت تسهیل در امر کنترل دوپینگ از طریق آموزش، اطلاع رسانی، تحقیق و ... باید صورت گیرد (همان منبع، ۱۶۸). در این راستا فدراسیون حقوق ورزشی می تواند با نظارت بر تدوین و اجرای آیین نامه های انضباطی مناسب و الگوهای بهینه رفتار و اخلاق ورزشی در ارتباط با مبارزه با دوپینگ، به کاهش دوپینگ کمک نماید همچنین، می تواند با انجام اقداماتی از قبیل آموزش و اطلاع رسانی از تبعات حقوقی و کیفری ناشی از مصرف داروهای غیرمجاز به ورزشکاران، مربیان و دست اندرکاران ورزشی، شناخت راه های دسترسی و تهیه داروهای غیرمجاز و تبیین سیاست های پیشگیرانه، آگاه ساختن ورزشکاران از خطرات و عواقب اجتماعی دوپینگ، ارائه پیشنهادهای موثر در راستای کنترل تردد و حضور افراد مشکوک در اماکن ورزشی و انجام تحقیقات و پژوهش های کارشناسی پیرامون دلایل روی آوردن ورزشکاران به دوپینگ و بررسی های اجتماعی، رفتاری، قضایی، اخلاقی و با در نظر گرفتن اصول پیشگیری نقش موثری در کنترل و پیشگیری از دوپینگ ایفا کند.

- علاقه ای که ورزش برای همگان به ارمغان می آورد، جذابیت ذاتی ورزش و جذابیت فزاینده ای که هنگام تماشای نزدیک یک رویداد ورزشی وجود دارد، باعث شده است که عده بسیار زیادی از افراد جامعه با عنوان طرفداری شدید از تیم مورد علاقه شان، تفریح و سرگرمی و یا به علت مواردی همچون انجام برخی

از جرایم که ورزشگاه محیط مناسبی برای انجام آن است، به ورزشگاه ببیند. اما این پایان کار نیست و مسائلی مانند مشکلات اجتماعی یا روانی طرفداران، مشکلات امنیتی ورزشگاه‌ها، تحریک تماشاگران توسط داور یا بازیکنان و نحوه ساخت ناصحیح ورزشگاه باعث شده است که مسئله‌ای به نام خشونت در ورزشگاه‌ها با تبعات سنگین اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی به وجود بیاید (جکسون، ۲۰۱۳: ۱۴۳). به طور کلی، در عرصه فعالیت‌های ورزشی سه سطح برای بررسی و تحلیل خشونت ملاحظه می‌شود:

الف) خشونت و پرخاشگری تماشاگران بر ضد یکدیگر و بعضاً دارایی‌های عمومی؛

ب) خشونت و پرخاشگری تماشاگران بر ضد ورزشکاران؛

ج) خشونت و پرخاشگری توسط ورزشکاران نسبت به یکدیگر، علیه تماشاگر و داور. (شیخوند، ۱۳۹۰: ۴۴)

در مورد ورزش‌های خشن که علت وقوع آن طبیعت و عرف اجرای چنین ورزش‌هایی است، سبب حوادث ممکن است نقض مقررات آن ورزش نباشد. ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ ذکر نموده که این اعمال جرم محسوب نمی‌شوند، چرا که در حوادث ناشی از عملیات ورزشی در صورتی که مقررات آن ورزش رعایت شده باشند و با موازین شرعی نیز مخالف نداشته باشند، عامل ارتکاب آن‌ها مجرم نبوده و بنابراین حوادث ناشی از عملیات ورزشی بخصوص ورزش‌های خشن که آمار مصدومیت آنها بالاست، به شرط رعایت مقررات از مصادیق بارز علل موجه جرم می‌باشند و مرتکب را مبری از مسئولیت کیفری و مدنی می‌نمایند. لذا حقوق دانان بیان می‌کنند که ورزش‌های خشن که بین مردم رایج است و احتمال خطر جانی دارد و بر اساس رضایت طرفین انجام می‌پذیرد، مثل بوکس، راگبی، کشتی کج و ... اگر با توافق طرفین صورت گرفته باشد و در نتیجه آن صدمات و جراحاتی وارد آید و یا حتی منتهی به فوت یکی از طرفین مسابقه شود، مسئولیت جزایی و مدنی مصداق پیدا نمی‌کند- البته به شرط آن که رعایت مقررات ورزش خاص شود و قصد ایراد ضرب و جرح یا قتل هم مفقود باشد. در این ورزش‌ها آداب و رسوم اجتماعی به ضمیمه اجازه قانونی، علل موجه را تشکیل می‌دهند. (فراهانی، ۱۳۹۱: ۱۴۴)

خشونت در ورزش از آن جهت قابل بررسی است که می‌تواند تهدیدی برای ساختار اخلاقی جامعه محسوب شود، مانند بوکس که هدف اصلی این فعالیت وارد کردن آسیب توسط یک حریف بر حریف دیگر است و این ورزش در بطن خود دارای خشونت است. در نگاه اول شاید چنین به نظر برسد که این فقط برای مشت زن‌ها می‌تواند آسیب‌زا باشد، اما با دو استدلال می‌توان گفت اثرات زیان‌بخش این فعالیت هم متوجه افرادی است که در این فعالیت شرکت دارند و هم متوجه تماشاگران این فعالیت است. بر اساس استدلال اول، نمایش همگانی مشت زنی موجب می‌شود تا غیر شرکت‌کنندگان به گونه‌ای نامطلوب تحت تأثیر قرار گرفته و در نتیجه خشن‌تر شوند یا خودشان بیشتر خشونت را تحمل کنند که در نتیجه آن، خطر را برای دیگران افزایش می‌دهند. در این استدلال، نمایش مشت زنی به افزایش خشونت در سراسر جامعه کمک می‌کند. بر اساس استدلال دوم، ستایش خشونت ذاتی مشت زنی، معیارهای قوام‌بخش ارزش اخلاق جامعه را تضعیف می‌کند. تجلیل همگانی خشونت، جامعه را به فروپاشی می‌کشاند و آن را تبدیل به جامعه‌ای می‌کند که بیشتر مبتذل و ابتدایی است تا متمدن. بر این اساس استدلال اول بیشتر فردگرایانه و بیشتر بر آسیب افراد تأکید می‌ورزد و استدلال دوم بیشتر اجتماع‌گرایانه است (کاشف، ۱۳۸۹: ۱۳۴). از این رو نهادهای مانند فدراسیون حقوق ورزشی می‌تواند با اتخاذ تدابیر و اقداماتی از قبیل آموزش و اطلاع‌رسانی از تبعات حقوقی و کیفری ارتکاب خشونت، انجام تحقیقات و پژوهش‌های کارشناسی پیرامون دلایل روی آوری ورزشکاران به خشونت، اتخاذ سیاست‌های کنترل وضعی در راستای پیشگیری از خشونت و برگزاری کارگاه‌های آموزشی مدیریت پیشگیری از خشونت، نقش بهینه‌ای در کنترل و پیشگیری از خشونت در ورزش ایفا نماید و از اثرات جبران‌ناپذیر آن بر جامعه جلوگیری کند.

- مشخص کردن وسعت فساد در ورزش تا حدودی مشکل است. تشخیص میزان فساد در ورزش بستگی به تعاریفی دارد که ما از فساد در ورزش ارائه می دهیم. تعریف مفهوم فساد در ورزش از کشوری به کشور دیگر تغییر می کند و شکل های متفاوتی به خود می گیرد و به قوانین سازمان ورزشی و نگرش جامعه وابسته است. (همان منبع: ۲۰۲) (نجفی کلوری، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

فسادهای انجام شده در ورزش عموماً در ۲ طبقه انجام می شود:

نتیجه رقابت (فساد رقابتی) که در این صورت تأمین کننده و یا دریافت کننده رشوه می تواند ورزشکار، مسئولان ورزشی، داوران و یا افراد غیرورزشکار ولی درگیر در ورزش باشد.

تصمیمات و اعمال غیرقانونی از رقابت ورزشی به وسیله افراد و مسئولان ورزشی (فساد مدیریتی) که می تواند در قالب شهرهای رقیب برای میزبانی رقابت های مهم ورزشی، تخصیص حقوق و درآمدها (برای مثال حق پخش های تلویزیونی)، نامزدی برای موقعیت ها و پست های سازمانی و موارد مربوط به ساخت و ساز در ورزش باشد. (نجفی کلوری، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

فساد می تواند سلطه سرمایه داری در ورزش را افزایش دهد، چون در طول زمان افراد توانمند از حیث مالی می توانند با دادن رشوه به تصمیمات و مقاصد خود جامعه عمل ببوشانند. رواج فساد در ورزش و سازمان های ورزشی باعث می شود که فلسفه ورزش که همانا رقابت سالم و جوانمردانه برای پیروزی و موفقیت است، نقض شود. با وجود فساد، شهرت و آوازه سازمان های ورزشی، رشته های ورزشی و افراد درگیر در ورزش آسیب می بیند که این امر عواقب سنگینی در پی دارد. به طور مثال، هنگامی که فساد مالی و اداری در میان اعضای کمیته بین المللی المپیک به عنوان یک سازمان بزرگ ورزشی مشخص می شود و رسانه ها همگی توجه خود را بر روی این مطلب متمرکز می کنند، حامیان مالی از این امر نگران می شوند که بدنامی کمیته بین المللی المپیک می تواند دامن آن ها را نیز بگیرد و این امر در جدا ساختن این حامیان از جنبش المپیک و در نتیجه ایجاد ضرر و زیان هایی برای کمیته بین المللی المپیک و جنبش المپیک بسیار موثر است (ماسون، ۲۰۰۶: ۵۸). حال این امر در وزارت ورزش و جوانان نیز به عنوان سازمان ورزشی مادر در کشورمان می تواند اتفاق بیافتد. چه بسا با بدنامی این وزارت در امر فساد، سرمایه گذاری های داخلی و خارجی چه در خود سازمان و چه در بخش های تابعه آن بسیار کاهش یابد که مطمئناً این امر در پیشرفت ورزش کشور خلل ایجاد می نماید. از سوی دیگر فساد، شایسته سالاری در ورزش را از بین می برد که این امر ورزشکاران بالقوه (کسانی که به ورزش به عنوان الگو نگاه می کنند) را از ورزش ناامید و روگردان می کند. همچنین، انگیزه کارکنان را نیز در سازمان های ورزشی کاهش می دهد. با وجود فساد، ورزش هواداران، تماشاگران و بینندگان تلویزیونی خود را از دست می دهد و به حضور مستمر آن ها را در ورزش لطمه می زند که بدین ترتیب حامیان مالی و مقامات شهری نیز به دلیل این که نمی خواهند به شهرت و نام آن ها آسیب برسد، از حمایت شان صرف نظر می کنند. (نجفی کلوری، ۱۳۹۱: ۱۱۴)

فدراسیون حقوق ورزشی با اتخاذ راهکارها و اقداماتی از قبیل آموزش و اطلاع رسانی از تبعات حقوقی و کیفری ارتکاب فساد به ورزشکاران و دست اندرکاران ورزش، انجام تحقیقات و پژوهش های کارشناسی پیرامون دلایل روی آوری ورزشکاران به فساد، اتخاذ سیاست های کنترل وضعی در راستای پیشگیری از فساد، برگزاری کارگاه های آموزشی مدیریت پیشگیری از فساد، کاهش حاشیه امنیت و قدرت پنهان کاری، کاهش رانت های اقتصادی، افزایش پاسخگویی و جلوگیری از عدم تمرکز می تواند به کنترل و پیشگیری از فساد کمک وافری نماید.

بحث و نتیجه گیری

دستاوردها و پیامدهای توسعه ورزش ملی، دایره گسترده ای دارد و موجب رونق اقتصادی و شکوفایی اجتماعی خواهد شد. بر این مبنا پیروزی پیوسته ملت ها در عرصه رقابت های ورزشی فراملی، موضوعی در خور اعتنا و ویژه بوده و دولت ها با تهیه برنامه و اتخاذ استراتژی های راهبردی و با تدوین قوانین و مقررات لازم در بروز و تحقق این توسعه در آحاد جامعه متعهد می باشند. از این رو، فراهم آوردن قانون جامع ورزش و تربیت بدنی کشور، گام آغازین برای سامان دادن به تلاش های گسترده و گوناگون در پهنه ورزش خواهد بود. (رضایی، اسدی نژاد، ۱۳۹۰: ۲۷)

مطابق قوانین برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دولت موظف به ارائه طرح جامع ورزش با تأکید بر علمی نمودن، توسعه قهرمانی، گسترش ورزش همگانی، پرورشی و حرفه ای شده است. با بررسی قوانین و مقررات مرتبط با جرایم ورزشی در ایران و تطبیق آن با کشورهای توسعه یافته ایرادات بسیاری قابل بیان بوده که مهمترین آن عدم وجود متخصصان حقوق ورزشی در مراحل مختلف تدوین قوانین و مقررات حقوقی و انضباطی ورزش می باشد. از سوی دیگر، بررسی های به عمل آمده حاکی از آن است که ترکیب اعضای کمیته های انضباطی فدراسیون های ورزشی به لحاظ تخصص و تسلط آنان بر معیارها و آموزه های حقوق ورزشی مناسب نبوده و آنچه مسلم است، تعداد کم متخصصان حقوق ورزشی در این ترکیب است. شاید بتوان گفت این موضوع یکی از مهمترین دلایلی است که از سوی کمیته های انضباطی شاهد بی عدالتی های مختلف و عدیده به ضرر ورزشکاران، قهرمانان و مربیان هستیم (فروغی نژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۸). از این رو به نظر می رسد در صورت تأسیس نهادی با عنوان "فدراسیون حقوق ورزشی" با حیطه تخصصی فعالیت در زمینه حقوق ورزشی می توان با جلب همکاری و تعامل موثر با دانشگاه ها، کانون وکلای دادگستری، کانون کارشناسان رسمی و سایر ارگان های ذی مدخل در حوزه فعالیت حقوق ورزشی ضمن تسهیل در روند تأسیس مرکز داوری (حکمت) ورزشی از طریق تأسیس مرکز علمی-کاربردی حقوق ورزش در صدد آموزش تخصصی قضات، حکم یا داور ورزشی، وکلا و ... در خصوص مسائل ورزشی برآمد.

با توجه به مطالب ذکر شده در بخش پیشگیری، اهمیت و ضرورت پیشگیری از جرم امری بدیهی است و با توجه به این که حل مسئله پیشگیری از جرم را می توان یک نظام جامع تحلیل مسائل اجتماعی تلقی نمود و علی رغم تحقیقات نظری فراوان صورت گرفته، اما هم چنان به نظر می رسد که در بسیاری از کشورها از جمله ایران، چارچوب و مبنای مدونی وجود ندارد تا موارد موثر در این زمینه را از موارد غیر موثر تفکیک کند. این مسئله در آن جا نمود بیشتری می یابد که اولاً، راه کارها و تدابیر پیشگیرانه با سرعت غیر قابل وصفی رو به تغییر و پیشرفت هستند؛ ثانیاً، در مواردی که به صورت پراکنده به کارآیی یا عدم کارآیی راهبرد یا راهکاری اشاره می شود، این اشارات فاقد مبنای علمی قوی یا متقاعد کننده ای هستند و صرفاً متکی به تجربه یا مقطعی اند. (صفاری، ۱۳۸۹: ۷۵)

لذا در زمینه پیشگیری از جرم در کنار عدالت کیفری، باید راه حل های جدیدی را جستجو نمود، چرا که جایگاه روبه رشد و درک اهمیت و ضرورت این موضوع از سوی جوامع، علی رغم بهبود شرایط، تجهیزات و امکانات به کاهش وقوع جرم کمک موثری ننمود، بلکه به دلیل فن آوری های جدید، منجر به افزایش بیشتر آن نیز شده است. با توجه به بررسی های انجام شده، جرایم ورزشی از این موضوع مستثنی نبوده و روز به روز شاهد افزایش جرایمی از قبیل دوپینگ، فساد، خشونت و ... هستیم. (رضایی، اسدی نژاد، ۱۳۹۰: ۴۰)

ضمن آن که عدم توجه به مسائل پیشگیرانه در وقوع تخلفات و جرایم ورزشی اعم از پیشگیری عام، خاص و یا وضعی، عملاً زمینه ساز ارتکاب جرایم ورزشی و سلیقه ای شدن رسیدگی ها در کمیته های انضباطی و تضییع حقوق ورزشکاران و دست اندرکاران حوزه ورزش گردیده است. لذا همان طور که شاهد آن هستیم

شرایط و قوانین موجود در رشته های مختلف ورزشی نتوانسته است از بروز حوادث جبران ناپذیر ورزشی بر جسم و روح ورزشکاران پیشگیری نماید (رضایی، اسدی نژاد، ۱۳۹۰: ۸۳) و قطعاً در این خصوص فدراسیون حقوق ورزشی می تواند ضمن بررسی و تحلیل جرایم مختلف ورزشی و تبیین وضعیت موجود در هر جرم، با تدوین طرح و برنامه ریزی صحیح و علمی و با نگاه جرم شناسانه در راستای کاهش یا حذف جرایم و اجرای برنامه های پیشگیری، نقش موثری در پیشگیری و کنترل وقوع جرایم و تخلفات در حوزه ورزش ایفا نماید. با توجه به پیشرفت های روزافزون علوم و ازدیاد بی حد و حصر فرصت های مجرمانه، تخصص گرایی و انتخاب تدابیر و راه کارهای پیشگیری و یا کاهش جرم با حداقل زمان و هزینه ممکن، امری اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. از این رو، شایسته است که فدراسیون حقوق ورزشی با نگاهی ویژه به تربیت تحلیل گران پدیده های مجرمانه در ورزش بپردازد تا با تحقیق و تفحص در این باره به کاهش فرصت های مجرمانه و هزینه های ناشی از وقوع جرم کمک نماید.

در دنیای حقوقی امروز قضازدایی، موضوعی مهم است که نهادهایی که در این راستا تشکیل شده اند، می توانند در تحقق بیشتر عدالت و فصل واقعی خصومت و همچنین کم نمودن بار سنگین دستگاه قضایی در رسیدگی به پرونده ها فوق العاده موثر و کارساز باشند. تجمع و ارجاع پرونده های مختلف به مراجع قضایی و دادگاه ها، موجب افزایش هزینه های جامعه و هدر رفتن وقت افراد جامعه می شود و در مقابل حاکمیت و دستگاه قضایی نیز متحمل هزینه بسیاری می گردد. در این راستا فدراسیون حقوق ورزشی ضمن نقشی که در کاهش جرایم ورزش ایفا خواهد نمود، از طریق نقش آفرینی در تربیت داوران متبحر می تواند به کاهش تعداد و هزینه های رسیدگی قضایی در مراجع ذی ربط کمک شایانی نماید و به همین دلیل بر جامعه و دولت نیز هزینه های کمتری تحمیل خواهد شد. این فدراسیون با تعامل و همکاری با سازمان های داخلی و خارجی در حوزه ورزش و حقوق موجب پیشرفت روزافزون حقوق ورزشی خواهد شد و این موضوع به نوبه خود خلاء های حقوق ورزشی در کشور را تکمیل خواهد کرد. ضمن آن که این پیشرفت می تواند موجب ارتقای مقام و جایگاه ورزشی کشور در میان سایر ملل گردد و به افزایش وجهه ورزشی و حقوقی ایران و اطمینان حضور کشورها در تعامل با ورزش ایران منجر شود.

پیشنهادهای

با توجه به بررسی های صورت گرفته در زمینه حقوق ورزشی و پیشگیری از جرایم ورزشی پیشنهاد می شود با تأسیس فدراسیون حقوق ورزشی و تمرکز بر ایجاد محیط ورزش پاک و اخلاق مدار در راستای صیانت از حقوق وزارت ورزش و جوانان و فدراسیون های ورزشی در مراجع ملی و بین المللی ورزشی اقدام نمود و امکان حمایت قضایی از ورزشکاران و دست اندرکاران این حوزه اعم از مربیان، سرپرستان و داوران و... در مراجع حقوقی، کیفری ملی و بین المللی همچون دادگاه حکمیت ورزشی را فراهم آورد. در این زمینه پیشنهادات زیر قابل تأمل و پیگیری خواهد بود:

- حمایت آموزشی از برنامه های پیشگیرانه کمیسیون بین المللی و کمیته ملی مبارزه با دوپینگ در راستای کاهش این معضل مذموم؛
- انجام تحقیقات و پژوهش های علمی در مورد علل و عوامل وقوع جرایم و بزهکاری ورزشی؛
- سرمایه گذاری و حمایت از طرح های تحقیقاتی و پژوهشی با موضوع حقوق ورزشی، پیشگیری از جرایم ورزشی، آموزش های حقوق ورزشی با هدف کاهش آسیب های حقوقی و کیفری ناشی از فعالیت های ورزشی؛
- حمایت از سازمان های مردم نهاد فعال در حوزه حقوق ورزشی.

منابع

- احسنی افروز، محمد. (۱۳۹۱). حقوق ورزشی با نگرشی به ورزش تکواندو. چاپ اول، تهران: دادگستر
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۸). مجموعه رویه های بین المللی پیشگیری از جرم. بنیاد حقوق میزان
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۸). "رویکردهای موسع و مضیق پیشگیری و آثار آن". مجله آموزه های حقوقی. دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۱
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). "راهنمادهای جهانی برای مقابله با چالش های جهانی". نشریه جرم شناسی پیشگیری. پیش شماره ۱.
- آقایی نیا، حسین. (۱۳۸۶). حقوق ورزشی. چاپ هشتم، نشر میزان.
- (۱۳۸۸). آیین نامه جهانی مبارزه با دوپینگ. ستاد ملی مبارزه با دوپینگ ایران.
- جکسون، راجر. (۱۳۹۱). راهنمای مدیریت ورزشی. محمد خیبری. نشر کمیته ملی المپیک
- چلبی، البرز. (۱۳۸۹). حقوق ورزشی. چاپ اول، نشرات جنگل
- رضایی، محمدعلی و اسدی نژاد، محمد. (۱۳۹۰). "وضعیت حقوق ورزشی در ایران با تاکید بر رشته فوتبال". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- حسونند، احسان. (۱۳۹۱). "بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر کاهش جرم". نشریه مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۲۳.
- ساگانت، والری و مارگارت، شاو. (۱۳۹۲). پیشگیری از جرم و امنیت جامعه. محمد شمسایی. مرکز تحقیقات پلیس ناجا.
- شاملو، باقر و موسی زاده، مهدی. (۱۳۸۹). "پیشگیری از تکرار جرم در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا". فصل نامه مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۱۷.
- شکری، نادر. (۲۰۱۲). "شرط بندی در ورزش". ارائه در نوزدهمین کنگره بین المللی ورزش.
- شکری، نادر. (۱۳۹۰). حقوق ورزشی؛ بررسی نظم حاکم بر حقوق ورزشی ایران. نشر جنگل
- شیخوند، صادق. (۱۳۹۰). "جرم شناختی خشونت در ورزشگاه های کشور". پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- صالح ولیدی، محمد. (۱۳۷۴). حقوق جزای عمومی. جلد ۳، نشر داد
- صفاری، علی. (۱۳۸۹). "تحولات پیشگیری از جرم و اهمیت آن". نشریه تحقیقات حقوقی. شماره ۵۲.
- فراهانی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). حقوق ورزشی. تهران: نشر حتمی
- فروغی نژاد، حمید. (۱۳۸۳). "بررسی میزان آشنایی معلمان، مربیان و مدیران ورزشی شهر تهران با حقوق ورزشی و ارائه راه کارهای آموزشی". پژوهشکده تربیت بدنی.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). "خطای ورزشی و مسئولیت ورزشی". مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۴۳.
- کاشف، میرمحمد. (۱۳۸۹). حقوق و اخلاق ورزشی. تهران: بامداد کتاب
- لبخنده، نرجس و یوسفوند، یوسف. (۱۳۹۴). "سبک زندگی اسلامی و ارتباط با پیشگیری از جرم". پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیردولتی، دانشکده اصول الدین.
- محمد نسل، غلامرضا. (۱۳۸۹). "فرایند پیشگیری از جرم". فصلنامه حقوق، دانشگاه تهران، شماره ۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). "کیفر شناسی نو-جرم شناسی نو: درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار". مجموعه مقالات تازه های علوم جنایی. نشر میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۹). "روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری". مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۵.
- نجفی کلوری، علی. (۱۳۹۱). "عوامل موثر بر بروز فساد در سازمان های ورزشی". نشریه مدیریت ورزشی. شماره ۱۴.
- ولیدی، محمد صالح. (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی. جلد ۳، تهران: نشر داد
- یعقوبی نژاد، هرمزد. (۱۳۹۲). مسئولیت های قانونی ناشی از عملیات ورزشی. تقریرات: مرکز علمی- کاربردی پرسپولیس
- Mason ,D.S ,thibault ,L & ,Misener,L. (2006). "An agency theory perspective on corruption in sport :The case of the international Olympic Committee ."Journal of sport management, No 20(1),52.
- Sutton, A. (1994). "Crime prevention :promise or threat ."Australian & New Zealand journal of Criminology, 27(1), 5-20.



مقایسه ویژگی شخصیتی، تصویر بدنی و میزان اضطراب در ورزشکاران ورزش های تیمی و انفرادی

حسن نوروزی^۱
شهناز محمدی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۵

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه ویژگی شخصیتی، تصویر بدنی و میزان اضطراب در ورزشکاران ورزش های تیمی و انفرادی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی ورزشکاران انفرادی و تیمی غرب تهران در سال ۱۳۹۳ بود که به علت محدودیت تعداد دقیق آن در دسترس نیست. بنابراین، برحسب نمونه گیری خوشه ای تصادفی، ۱۴۰ ورزشکار (۷۰ ورزشکار انفرادی و ۷۰ ورزشکار تیمی) انتخاب شدند و پرسشنامه ها را تکمیل نمودند. ابزارهای به کار برده شده در این پژوهش شامل سه پرسشنامه "فرم کوتاه پنج عامل بزرگ شخصیت نئو"، "فرم کوتاه خود تصویرگری بدنی مارش" و "اضطراب بک" بود که توسط دو گروه از ورزشکاران انفرادی و تیمی تکمیل گردید. برای تجزیه و تحلیل داده از آمار توصیفی و تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) و تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل ها نشان داد که ورزشکاران تیمی و انفرادی در مؤلفه شخصیتی توافق و تصویر بدنی به همراه زیر مؤلفه فعالیت بدنی، تفاوت معنی داری با یکدیگر نشان می دهند و ورزشکاران تیمی میانگین بالاتری دارند. به علاوه یافته های پژوهش نشان داد که بین ورزشکاران انفرادی و تیمی در متغیر اضطراب تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که ورزشکاران ورزش های تیمی برخلاف ورزش های انفرادی میزان بیشتری از اعتماد، همکاری و همدلی دارند و همه اعضای تیم در جهت اثبات توانایی خود و حضور مستمر در تیم در تلاش برای بالا بردن آمادگی خود می باشند. همچنین می توان دریافت که اضطراب در زمینه عملکرد در محیط های ورزشی جزء جدایی ناپذیر تمامی ورزش ها می باشد. بر این اساس آشنایی هر چه بیشتر ورزشکاران و مربیان با ابعاد روانی و آگاهی از چگونگی اثرگذاری این ابعاد بر عملکرد ورزشکاران تأثیر مثبتی می گذارد.

واژگان کلیدی: ویژگی شخصیتی، تصویر بدنی، اضطراب، ورزش های تیمی و ورزش های انفرادی

۱. کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول) E-mail: H.noroozy@gmail.com

۲. استادیار، گروه روان شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

مطالعه رفتارهای فردی در ورزش و تأثیر عوامل روانی بر فعالیت‌های حرکتی از موضوعات مورد توجه روان‌شناسان ورزش است. روان‌شناسان ورزش به‌طور مداوم در پی یافتن اطلاعات جدید در زمینه چگونگی بهبود وضعیت روانی و سطح فعالیت ورزشی افراد در حیطه‌های مختلف ورزشی از جمله ورزش‌های تیمی و انفرادی هستند (محرم زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۴). به همین منظور یکی از مفاهیمی که امروزه بسیار اهمیت یافته است، بررسی ویژگی شخصیتی^۱ ورزشکاران است. شخصیت یک مفهومی کلی است. بنابراین، بین روانشناسان مختلف برای تعریف ماهیت آن توافق نظر وجود ندارد (شولتز و شولتز^۲، ۲۰۰۵؛ سید محمدی، ۱۳۹۱: ۲۴۰). بسیاری از روان‌شناسان معتقدند ساخت اصلی شخصیت آدمی از طریق پنج صفت کلی نشان داده می‌شود. بر اساس این مدل، شخصیت از پنج بعد اصلی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: روان رنجور خویی^۳ (N)، برون‌گرایی^۴ (B)، انعطاف‌پذیری^۵ (O)، سازگاری^۶ (A)، وظیفه‌شناسی^۷ (C)، حجم انبوهی از تحقیقات در زبان‌های مختلف و با ابزارها و نمونه‌های متفاوت، اصلی بودن این پنج عامل را تأیید کرده و نشان داده‌اند. پنج عامل مذکور از اعتبار همگرا و اعتبار تفکیکی مطلوبی برخوردارند و طی تحول فرد نیز نسبتاً پایدار می‌مانند. بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که شناسایی ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران موفق و آموزش آن‌ها، راهی در جهت بهبود عملکرد و نتیجه مسابقات ورزشی می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۷: ۲۷). با این حال، لاکمن و وپور^۸ (۱۹۹۷) طبقه‌بندی پنج عاملی را اصلاح کردند و عامل ششمی را با عنوان "سلطه‌گری"^۹ به این طبقه‌بندی اضافه نمودند که بر این اساس مدل شش عامل بزرگ شخصیت ایجاد شد. سلطه‌گری، زیر مجموعه ویژه برون‌گرایی می‌باشد که به تسلط اجتماعی افراد اشاره دارد (نلسون^{۱۰}، ۲۰۱۰: ۷).

از دیگر مفاهیمی که روان‌شناسان ورزشی توجه ویژه‌ای به آن دارند، تصویر بدنی^{۱۱} است. محققان علوم ورزشی معتقدند که تصویر بدنی، می‌تواند تحت تأثیر برنامه‌های مداخله‌ای چون ورزش و تمرین بدنی یا برنامه‌های کاهش وزن قرار گیرد (حسنلی^{۱۲}، ۱۹۸۹: ۸). تصویر بدنی، بازنمایی درونی فرد از ظاهرش است که این بازنمایی ابعاد جسمانی، ادراکی و نگرشی نسبت به آن‌ها را در برمی‌گیرد. ابعاد اصلی این نگرش‌ها شامل مؤلفه‌های نارضایتی از بدن و اهمیت ظاهر ایده آل است (کاش^{۱۳}، ۲۰۰۲: ۴۰). نارضایتی از تصویر بدنی از طریق احساس‌ها و باورهای منفی و ناکارآمد درباره وزن و فرم بدن توصیف می‌شود (پریچارد^{۱۴}، ۲۰۱۰: ۲۲۶). تصویر بدنی ضعیف اغلب سبب اضطراب و عزت‌نفس پایین در افراد و به‌خصوص ورزشکاران می‌گردد. مطالعات نشان داده است که بین یک‌سوم تا یک‌چهارم از اضطراب‌های فرد به منفی بودن فرد از

-
1. Personality feature
 2. Sholtz & Sholtz
 3. Neuroticism
 4. Extroversion
 5. Flexibility
 6. Compatibility
 7. Loyalty
 8. Lachman & Weaver
 9. Agency
 10. Nelson
 11. Body image
 12. Hossenly
 13. Cash
 14. Pritchard

تصویر بدنی‌اش مربوط است. به همین منظور بهبود تصویر بدنی می‌تواند باعث کاهش اضطراب و افزایش عزت نفس گردد (پور شریفی و مبعث زمانی، ۱۳۹۰: ۲۹).

یکی از متغیرهایی که با عملکرد ورزشی ارتباط نزدیکی دارد، اضطراب است که در موقعیت رقابت‌های ورزشی ظاهر می‌گردد. اضطراب^۱ حالت هیجانی منفی است که با بیقراری، اندیشناکی و نگرانی توصیف می‌شود و با فعال‌سازی و انگیزش بدن همراه است (واینبرگ و گولد^۲، ۲۰۱۱، ترجمه واعظ موسوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۶). لویل^۳ اضطراب را نوعی احساس نگرانی ذهنی همراه با افزایش سطح برانگیختگی می‌داند و اعتقاد دارد که سطوح انگیزش از عوامل بسیار مؤثر در بروز اضطراب و چگونگی اجرای مهارت‌های ورزشی است (کالوجیانیس^۴، ۲۰۰۶: ۲۹۹). یافته‌های متعددی بر ارتباط بین اضطراب و عملکرد تأکید می‌کنند و بررسی‌ها حاکی از تأثیر منفی اضطراب بر عملکرد ورزشکاران می‌باشند (اسکات^۵ و همکاران، ۲۰۰۷: ۴۰۰). دوبرسک و بارتلینگ^۶ (۲۰۰۸) ورزشکاران چهار رشته مختلف (سه رشته انفرادی و یک رشته تیمی) را با غیر ورزشکاران مورد مقایسه قرار دادند و نتایج نشان داد ورزشکاران رشته‌های تیمی از ورزشکاران رشته‌های انفرادی میزان توافق^۷ و پرخاشگری^۸ بیشتری دارند (دوبرسک و بارتلینگ، ۲۰۰۸: ۲۶). مارک، آلن، لس و جونز^۹ (۲۰۱۰) مدل پنج عاملی شخصیت و رفتارهای مقابله‌ای در ورزش را بررسی کردند و ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی بین ورزشکاران سطح بالا و سطح پایین و بین مردان و زنان ورزشکار و بین ورزشکاران ورزش‌های انفرادی و تیمی مشاهده شد (آلن، گرینلس و جونز، ۲۰۱۱: ۸۴۶). اعتماد نیا و بشارت (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان دادند که ورزشکاران ورزش‌های انفرادی در مؤلفه وظیفه‌شناسی و خود پیروی و ورزشکاران ورزش‌های تیمی در مؤلفه همسازی و روابط اجتماعی از شرایط بهتری برخوردار بودند. در این پژوهش تفاوت معناداری بین دو گروه در عوامل روان رنجورخویی، برون‌گرایی و انعطاف‌پذیری به دست آمد (اعتماد نیا و بشارت، ۱۳۸۸: ۱۶). نتایج پژوهش دیگری نشان داد که نمره ورزشکاران ورزش‌های انفرادی در متغیرهای وظیفه‌شناسی و خود پیروی به صورت معنی‌داری بیش از نمره ورزشکاران ورزش‌های تیمی است و نمره ورزشکاران ورزش‌های تیمی در متغیرهای همسازی و جامعه‌گرایی به صورت معنی‌داری بیش از نمره ورزشکاران ورزش‌های فردی در این متغیر شخصیتی است (بشارت، ۱۳۸۶: ۲۴۲). ویلی^{۱۰} و همکاران (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که ورزشکاران رشته‌های انفرادی نسبت به رشته‌های بسکتبال، راگبی و فوتبال از ثبات شخصیتی بیشتری برخوردار بودند، اما ورزشکاران رشته‌های بسکتبال، راگبی و ساکر نسبت به ورزشکاران رشته‌های انفرادی برون‌گراتر بودند (ویلی و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۶۲). نتایج پژوهش هادی پور (۱۳۸۵) نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی درون‌گرایی، برون‌گرایی، باثباتی و بی‌ثباتی ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی اختلاف معنی‌داری وجود دارد (هادی پور، ۱۳۸۵: ۹۸).

فیشر و تامسون^{۱۱} (۱۹۹۴) به بررسی تأثیر ورزش‌های انفرادی بر تصویر بدنی افراد پرداختند. آن‌ها اظهار

1. Anxiety
2. Weinberg & Gold
3. Levil
4. Kalogiannis
5. Scott
6. Dobersek & Bartling
7. Agreement
8. Aggression
9. Mark, Allen, lees, Jones
10. Willie
11. Fisher & Thompson

کردند که ورزش‌های انفرادی بیشتر بر ابعاد جسمانی تصویر بدنی اثر مثبت دارد و کمتر بر ابعاد ادراکی و عاطفی اثر می‌گذارد (فیشر و تامسون، ۱۹۹۴: ۱۷۹). در پژوهشی پاولا، پارک و مارشا^۱ (۱۹۹۷) به مقایسه تصویر بدنی، نگرش به خوردن (رژیم غذایی) و تمرینات بدنی در دو گروه از ورزشکاران فوتبالیست و دومیدانی پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ورزشکاران فوتبالیست تصویر بدنی مثبت‌تری نسبت به ورزشکاران دومیدانی دارند و ورزشکاران دومیدانی دارای آشفتگی بدنی بیشتر به همراه الگوی رژیمی خوردن و نگرانی بیشتر نسبت به وزن خود هستند (پارکس و همکاران، ۱۹۹۷: ۵۹۳). مورانو، کولیللا و کابرانلیک^۲ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی تصویر بدنی، ادراک از توانایی بدنی و رضایتمندی در ۱۶۲ ورزشکار تیمی (فوتبال، والیبال و هندبال) و انفرادی (جودو، شمشیربازی و تنیس) پرداختند و نتیجه گرفتند که ورزشکاران تیمی از تصویر بدنی خود کمتر آشفتگی دارند و به نسبت ورزشکاران انفرادی میزان رضایتمندی بیشتری را تجربه می‌کنند (مورانو، کولیللا، کابرانلیک، ۲۰۱۱: ۳۵۸). در پژوهشی فیروزجاه، شیخ و همایونی (۱۳۹۳) ارتباط بین هوش هیجانی^۳، تصویر بدنی با اختلالات تغذیه‌ای^۴ در ورزشکاران تیمی و انفرادی را مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که ورزش‌های گروهی نسبت به ورزش‌های انفرادی از هوش هیجانی و تصویر بدنی بالاتری برخوردارند. (فیروزجاه، شیخ و همایونی، ۱۳۹۳: ۳۰). آکندر و تکین^۵ (۲۰۱۰) در پژوهشی دریافتند که ادراک‌های مطلوب‌تر فرد از توانایی بدنی باعث افزایش سطوح شرکت در فعالیت بدنی می‌شود (آکندر و تکین، ۲۰۱۰: ۳۹).

لات^۶ (۲۰۱۰) در پژوهشی به این نتیجه رسید که شرکت در فعالیت ورزشی اثر مثبتی بر اضطراب ورزشکاران و تیم‌های ورزشی دارد؛ بدین معنی که باعث کاهش میزان اضطراب ورزشکاران می‌گردد (لات، ۲۰۱۰: ۴۰). هانتون، توماس و می نارد^۷ (۲۰۰۴) نشان دادند که شدت اضطراب شناختی و اضطراب جسمی ورزشکاران با نزدیک شدن به زمان مسابقه افزایش و میزان اعتماد به نفس آنان کاهش می‌یابد. همچنین، بین اضطراب و عملکرد ورزشی همبستگی معنی‌دار و منفی به دست آمد (هانتون، توماس، می نارد، ۲۰۰۴: ۱۷۶). شریفی فر و واعظ موسوی (۱۳۹۱) در پژوهشی به مقایسه اضطراب ورزشی در ورزشکاران تیمی و انفرادی پارالمپیک پرداختند و نشان دادند که ورزشکاران تیمی به مقایسه با ورزشکاران انفرادی اضطراب و نگرانی کمتری داشتند و در میانگین تمرکز، دو گروه نتایج نسبتاً مشابه‌ای کسب نمودند (شریفی فر و واعظ موسوی، ۱۳۹۱: ۴۳). زمانی و مرادی (۱۳۸۸) دریافتند که بین ورزشکاران انفرادی و تیمی از نظر اضطراب تفاوت معنی‌داری وجود دارد؛ به‌طوری‌که میانگین اضطراب صفتی شرکت‌کنندگان ورزش‌های انفرادی بیشتر از میانگین اضطراب صفتی شرکت‌کنندگان ورزش‌های تیمی بود (زمانی و مرادی، ۱۳۸۸: ۳۷). ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۸۵) دریافتند که اضطراب با عملکرد ورزشی رابطه منفی دارد، این همبستگی در ورزشکاران تیمی نسبت به ورزشکاران انفرادی بیشتر بود (ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۶).

امروزه با تخصصی شدن علوم ورزشی، هر یک از ورزش‌های تیمی و انفرادی اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند. در همین راستا به نظر می‌رسد هریک دارای ملزومات روان‌شناختی متفاوتی نیز باشند که شناخت و پایش این نیازها و ابعاد و برنامه‌ریزی در جهت فراگیری آن‌ها گام مهمی در مسیر بهبود عملکرد و سلامت روانی ورزشکاران محسوب می‌شود. پژوهش حاضر در پی آن است که برخی از ابعاد منحصر به فرد هر کدام

1. Pamela, parks & Marsha
2. Moranoab, Colellaa & Capranicab
3. Emotional intelligence
4. Nutritional Disorders
5. Akandere & Tekin
6. Lut
7. Hanton, Thomas & Maynard

از ورزش‌های تیمی و انفرادی را برای ورزشکاران و مربیان مشخص نماید. مطابق با ادبیات پیشینه افراد دارای صفات شخصیتی مطلوب‌تر از تصویر بدنی مناسب‌تری نیز برخوردارند. بنابراین، رضایت از تصویر بدنی با ویژگی‌های شخصیتی در ارتباط است. به همین منظور آگاهی افراد از ویژگی‌های شخصیتی و بهبود تصویر بدنی، منجر به تخصصی شدن تمرین‌های روانی و کاهش عواقب احتمالی همچون اضطراب و رفتارهای مخاطره‌آمیز در ورزشکاران می‌گردد (بهنوا، نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۰: ۱۱). اثرگذاری متقابل و تعامل بین برخی متغیرهای روانی همچون ویژگی شخصیتی، تصویر بدنی و اضطراب، ضرورت انجام پژوهش در این حیطه را برای بررسی ویژگی‌های منحصربه‌فرد ورزشکاران و ورزش‌های تیمی و انفرادی ایجاب می‌کند. از طرفی دیگر، مطالعات صورت گرفته در زمینه ویژگی‌های شخصیتی و اضطراب ورزشکاران درک مشخصی از تفاوت متغیرهای روانی ورزش‌های تیمی و انفرادی نشان نمی‌دهند (لات، ۲۰۱۰؛ شریفی فر و واعظ موسوی، ۱۳۹۱؛ دوبرسک و همکاران، ۲۰۱۱؛ ویلی و همکاران، ۲۰۰۳). لذا هدف از پژوهش حاضر مقایسه ویژگی شخصیتی، تصویر بدنی و میزان اضطراب در ورزشکاران و ورزش‌های تیمی و انفرادی بود.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای بود. روش‌های علی-مقایسه‌ای یا روش‌های پس رویدادی، به تحقیقاتی اطلاق می‌شود که در آن‌ها پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته، به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. به عبارت دیگر، تحقیق علی-مقایسه‌ای، گذشته‌نگر است و سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی پی برد (دلاور، ۱۳۹۴: ۱۵۸).

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی ورزشکاران تیمی و انفرادی در مجموعه‌های ورزشی غرب تهران در سال ۱۳۹۳ بود، اما - به علت محدودیت دسترسی به آمار دقیق ورزشکاران، هزینه‌های گزاف دسترسی به تمامی ورزشکاران و زمان‌بر بودن این فرایند- تعداد دقیق جامعه آماری در دسترس نیست. با احتساب این ویژگی و پس از تقسیم‌بندی مناطق غرب تهران، ۴ مجموعه ورزشی و تعداد ۱۴۰ ورزشکار، ۷۰ ورزشکار ورزش‌های تیمی (فوتبال، والیبال، بسکتبال) و ۷۰ ورزشکار ورزش‌های انفرادی (شنا، کشتی، ووشو) با معیار ورود (حداقل ۶ ماه سابقه ورزشی، سنین بالای ۲۰ سال و تحصیلات سیکل و بالاتر به منظور توانایی تکمیل پرسشنامه‌ها) در پژوهش مشارکت نمودند. شیوه نمونه‌گیری پژوهش بدین صورت بود که برحسب نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی، از ۴ منطقه غرب تهران و ۲۵ مجموعه ورزشی معتبر آن، از هر منطقه یک مجموعه ورزشی معتبر (مجموعه‌های ورزشی بدر، یاس، خوراکیان و تختی) برگزیده شد. لازم به ذکر است که تمامی مجموعه‌های ورزشی نامبرده شده دارای رشته‌های ورزشی تیمی و انفرادی موردنظر پژوهش حاضر بودند. سپس از هر مجموعه تعداد ۳۵ ورزشکار واجد معیارهای ورود پژوهش، پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. ابزارهای مورد استفاده به منظور سنجش متغیرهای پژوهش شامل پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت نئو^۱، فرم کوتاه خود تصویرگری بدنی مارش^۲ و اضطراب بک^۳ به همراه ضمیمه سؤالات دموگرافیک بود.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت: این پرسشنامه توسط کاستا و مک کری^۴ (۱۹۹۲) ایجاد شد که

1. Neo Five Factor Personality Inventory
2. Physical Self Description inventory_Short Form
3. Beck Anxiety Inventory
4. Costa & Mccrea

دارای ۶ سؤال است. شاخص‌های موردبررسی شامل پنج عامل شخصیتی روان رنجور خوئی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وظیفه‌شناسی می‌باشد که هرکدام از طریق ۱۲ گویه، اندازه‌گیری می‌شوند. تمامی گویه‌های این پرسشنامه، به صورت پنج گزینه‌ای (طیف لیکرت) پاسخ داده می‌شوند و هر گویه، امتیازی بین ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می‌دهد. بر اساس نتایج تحقیق کاستا و مک کری (۱۹۹۲)، در هرکدام از شاخص‌های پنج‌گانه موردبررسی، هرچه نمره پاسخگو بیشتر باشد، شدت شاخص موردنظر نیز بیشتر خواهد بود. این پرسشنامه را گروسی فرشی (۱۳۸۸) به فارسی ترجمه کرده و روی دانشجویان ایران هنجاریابی شده است. در ایران نیز ضریب پایایی به دست آمده برای عوامل C-A-O-E-N به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ بوده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۸: ۷۱).

۲. پرسشنامه فرم کوتاه خود توصیف گری بدنی: این پرسشنامه توسط مارش^۱ (۱۹۹۶) برای اندازه‌گیری خودپنداره بدنی ورزشکاران ایجاد شده است که به وسیله ۹ زیر مقیاس اختصاصی (فعالیت، ظاهر، چربی بدن، تناسب، مقاومت، انعطاف‌پذیری، سلامتی، ورزش، قدرت) و ۲ زیر مقیاس کلی خودپنداره بدنی کلی و خود توصیف گری عزت نفس که شامل توانایی بدنی، ظاهر بدنی، حرمت خود است، خودپنداره بدنی را اندازه‌گیری می‌کند. این ابزار از نظر روان‌سنجی قوی است. فرم اصلی آن شامل ۷۰ عبارت است که توسط مارش در سال (۱۹۹۶) تهیه شده است. فرم جدید و کوتاه این پرسشنامه شامل ۴۷ عبارت بوده و دارای پایایی خوب و قابلیت تکرارپذیری مطلوبی است. هر زیرمقیاس شامل ۶ یا ۸ گزینه است و هر عبارت به صورتی ارائه می‌شود که آزمودنی به صورت مقیاس ۶ درجه‌ای درست - غلط پاسخ می‌دهد (تیلور، فوکس، ۲۰۰۵) و اعتبار و پایایی آن توسط بهرام و شفیع‌زاده در حدود ۸۸ درصد به دست آمد (بهرام و شفیع، ۱۳۸۳: ۴۶).

۳. پرسشنامه اضطراب بک: این پرسشنامه که توسط بک (۱۹۸۸) ساخته شد یک مقیاس ۲۱ سؤالی برای اندازه‌گیری شدت بی‌قراری و اضطراب در افراد است. در مجموع، نمره آزمودنی‌ها بین ۶۳-۰ متغیر است. نمره کمتر از ۹ نشانه عدم اضطراب، ۲۰-۱۰ نشانگر اضطراب خفیف، نمره ۳۰-۲۱ نشانه اضطراب متوسط و ۳۱ به بالا بیانگر اضطراب شدید می‌باشد. این پرسشنامه توسط کاویانی و موسوی (۱۳۸۷) در ایران هنجاریابی شده است. نتایج نشان داد، آزمون مورد نظر دارای روایی ($r=0/72, > P/0/01$)، پایایی ($r=0/83, > P/0/01$) و ثبات درونی (آلفا = ۰/۹۲) مناسبی است (کاویانی، موسوی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

شیوه اجرا بدین صورت بود که پس از تقسیم‌بندی مناطق غرب تهران محقق با حضور در مجموعه‌های ورزشی و هماهنگی با مسئولان مجموعه‌ها و پس از تکمیل فرم رضایت شرکت در آزمون، پرسشنامه‌ها را در میان ورزشکاران تیمی و انفرادی توزیع کرد و برای جلوگیری از سوگیری مطلوبیت اجتماعی یا جامعه‌پسندی در بین پاسخ‌دهندگان، به آن‌ها اطلاع داده شد که نتایج پژوهش هیچ تأثیری جز در زمینه پژوهشی نداشته و پاسخ درست یا غلطی برای سؤالات پرسشنامه‌ها وجود ندارد (هاشیم زولکیفلی و یوسف، ۲۰۱۰: ۱۸۵). لازم به ذکر است که در زمان تکمیل پرسشنامه‌ها توسط ورزشکاران، مسئولان مجموعه‌ها سعی در ایجاد محیطی آرام برای انجام هرچه بهتر فرایند تکمیل پرسشنامه‌ها نمودند. فرایند پخش و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به مدت سه هفته به طول انجامید. در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های جمعیت شناختی ورزشکاران شرکت‌کننده در این پژوهش دارای میانگین (سنی) $7/1 \pm$

1. Marsh

2 Hashim, Zulkifli & Yousof

۲۷/۴) و سابقه ورزشی ($7 \pm 6/5$) بودند.

جهت پی بردن به این موضوع که آیا بین دو گروه ورزشکاران انفرادی و تیمی در عوامل شخصیتی تفاوت معناداری وجود دارند یا خیر، از تحلیل واریانس چند متغیری^۱ استفاده شد. با توجه به اینکه همگنی واریانس گروه‌ها از پیش فرض‌های اصلی تحلیل واریانس است، قبل از ارائه نتایج تحلیل از آزمون لون^۲ برای بررسی فرض برابری واریانس خطای متغیر وابسته استفاده شد.

جدول ۱: نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس گروه‌ها در عوامل شخصیتی

متغیر	نسبت F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	معناداری
روان رنجوری	۲/۳۴	۱	۱۳۶	۰/۱۲۹
برون گرایی	۰/۱۵۱	۱	۱۳۶	۰/۶۹۸
گشودگی	۰/۷۵۲	۱	۱۳۶	۰/۳۸۷
توافق	۳/۸۳	۱	۱۳۶	۰/۰۵۵
وظیفه‌شناسی	۷/۵۸	۱	۱۳۶	۰/۰۰۷

مطابق اطلاعات جدول ۱، آزمون لون فرض برابری واریانس گروه‌ها را در تمام عوامل به‌استثنای وظیفه‌شناسی نشان می‌دهد، زیرا در این موارد نسبت‌های F مشاهده‌شده معنی‌دار نشده است. بنابراین فرض همسانی واریانس‌های این نمره‌ها برقرار بود و استفاده از مدل تحلیل واریانس چندمتغیری این داده‌ها بلامانع است. با توجه به برابری حجم دو گروه می‌توان ناهمگنی واریانس دو گروه در وظیفه‌شناسی را نادیده گرفت.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری تفاوت دو گروه در عوامل شخصیتی

متغیر وابسته	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	معنی‌داری
روان رنجوری	۲۳/۲۰	۱	۲۳/۲۰	۰/۴۹	۰/۴۸۷
برون گرایی	۴۳/۵۴	۱	۴۳/۵۴	۱/۴۰	۰/۲۳۹
گشودگی	۰/۶۵	۱	۰/۶۵	۰/۰۲۸	۰/۸۶۷
توافق	۱۷۷/۹۶	۱	۱۷۷/۹۶	۶/۴۴	۰/۰۱۲
وظیفه‌شناسی	۳۵/۷۲	۱	۳۵/۷۲	۰/۶۸	۰/۴۱۰

اطلاعات جدول ۲، حاکی از آن است که دو گروه تنها در میانگین عامل توافق، تفاوت معناداری دارند؛ به این ترتیب که میانگین گروه ورزشکاران تیمی بالاتر از گروه ورزشکاران انفرادی است. برای متغیر تصویر بدنی نیز جهت پی بردن به این موضوع که آیا بین دو گروه ورزشکاران انفرادی و گروهی

1. Multivariate Analysis of Variance (MANOVA)

2. Levenys Test of Equality of Error Variance

در تصویر بدنی تفاوت معناداری وجود دارند یا خیر، از تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد و ابتدا قبل از ارائه نتایج تحلیل از آزمون لون برای بررسی فرض برابری واریانس خطای متغیر وابسته استفاده شد.

جدول ۳: نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس گروه‌ها در تصویر بدنی

متغیر	نسبت F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	معناداری
فعالیت بدنی	۰/۰۰۴	۱	۱۳۸	۰/۹۵۳
ظاهر بدن	۰/۱۴۵	۱	۱۳۸	۰/۷۰۴
چربی بدن	۱/۳۸۰	۱	۱۳۸	۰/۲۴۲
هماهنگی	۱/۲۱۹	۱	۱۳۸	۰/۲۷۱
استقامت	۲/۰۱۴	۱	۱۳۸	۰/۱۵۸
انعطاف‌پذیری	۱/۸۴۶	۱	۱۳۸	۰/۱۷۶
سلامتی	۰/۰۰۸	۱	۱۳۸	۰/۹۲۹
صلاحیت ورزشی	۳/۳۹۲	۱	۱۳۸	۰/۰۶۸
قدرت	۰/۰۱۸	۱	۱۳۸	۰/۸۹۴
خودپنداره بدنی کلی	۴/۹۳۲	۱	۱۳۸	۰/۰۲۸
عزت نفس کلی	۴/۰۷۰	۱	۱۳۸	۰/۰۵۶

مطابق اطلاعات جدول ۳، آزمون لون فرض برابری واریانس گروه‌ها را در تمام مؤلفه‌ها به‌استثنای خودپنداره بدنی کلی نشان می‌دهد، زیرا در این موارد نسبت‌های F مشاهده‌شده معنی‌دار نشده است. بنابراین فرض همسانی واریانس‌های این نمره‌ها برقرار بود و استفاده از مدل تحلیل واریانس چندمتغیری این داده‌ها بلامانع است. با توجه به برابری حجم دو گروه می‌توان ناهمگنی واریانس دو گروه در خودپنداره بدنی کلی را نادیده گرفت.

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری تفاوت دو گروه در تصویر بدنی

متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معنی‌داری
فعالیت بدنی	۷۱/۴۳	۱	۷۱/۴۳	۶/۰۲	۰/۰۱۵
ظاهر بدن	۳۳/۰۳	۱	۳۳/۰۳	۲/۲۶	۰/۱۳۵
چربی بدن	۳۷/۰۳	۱	۳۷/۰۳	۲/۳۸	۰/۱۲۵
هماهنگی	۴۸/۰۳	۱	۴۸/۰۳	۳/۱۰	۰/۰۸۰

استقامت	۰/۷۱۴	۱	۰/۷۱۴	۰/۰۵	۰/۸۲۴
انعطاف پذیری	۰/۷۱۴	۱	۰/۷۱۴	۰/۰۵	۰/۸۵۷
سلامتی	۱۶/۴۶	۱	۱۶/۴۶	۰/۹۷	۰/۳۲۷
صلاحیت ورزشی	۱/۸۳	۱	۱/۸۳	۰/۲۰	۰/۶۵۹
قدرت	۴۳/۴۶	۱	۴۳/۴۶	۳/۴۲	۰/۰۶۶
خودپنداره بدنی کلی	۱۹/۳۱	۱	۱۹/۳۱	۱/۶۴	۰/۲۰۳
عزت نفس کلی	۳۳/۰۳	۱	۳۳/۰۳	۲/۱۹	۰/۱۴۱

اطلاعات جدول ۴، حاکی از آن است که دو گروه در متغیر تصویر بدنی و همچنین در زیر مؤلفه فعالیت بدنی تفاوت معناداری دارند، به این ترتیب که میانگین گروه ورزشکاران تیمی بالاتر از گروه ورزشکاران انفرادی است.

برای مقایسه اضطراب دو گروه ورزشکاران انفرادی و تیمی از آزمون تحلیل واریانس یک راهه^۱ استفاده شد و ابتدا برای فرض برابری واریانس ها از آزمون لون استفاده شد.

جدول ۸: نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس گروه‌ها در اضطراب

متغیر	نسبت F	درجه آزادی صورت	درجه آزادی مخرج	معناداری
اضطراب	۰/۰۵	۱	۱۳۸	۰/۸۱۹

مطابق اطلاعات جدول ۵، آزمون لون فرض برابری واریانس گروه‌ها را در اضطراب نشان می‌دهد و استفاده از تحلیل واریانس بلا مانع است.

جدول ۹: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه اضطراب در بین دو گروه

متغیر	منبع واریانس	مجموع مجزورات	df	نسبت F	معنی داری
اضطراب	بین گروهی	۸۹/۶۰	۱	۱/۴۳۵	۰/۲۳۳
	درون گروهی	۸۶۱۴/۹۷	۱۳۸		
	کل	۸۷۰۴/۵۷	۱۳۹		

اطلاعات جدول ۶، نشان می‌دهد که بر اساس تحلیل واریانس یک راهه اضطراب دو گروه ورزشکاران تیمی

و انفرادی، تفاوت معناداری با هم ندارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه ویژگی شخصیتی، تصویر بدنی و اضطراب در ورزشکاران تیمی و انفرادی بود. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که در ویژگی‌های شخصیتی دو گروه تنها در میانگین عامل توافق، تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین گروه ورزشکاران تیمی بالاتر از گروه ورزشکاران انفرادی است. این یافته‌ها با نتایج دوبرسک و همکاران (۲۰۱۱)، پژوهش مارکس و همکاران (۲۰۱۱)، اعتماد نیا و بشارت (۱۳۸۸) و بشارت (۱۳۸۶) همخوانی دارد؛ اما با نتایج پژوهش ویلی و همکاران (۲۰۰۳) همخوانی ندارد. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان تبیین کرد که در ورزش‌های تیمی برخلاف ورزش‌های انفرادی به دلیل حضور افراد در کنار هم به‌عنوان هم‌تیمی و لزوم همسازی و اتفاق نظر با یکدیگر در جهت رسیدن به اهداف مشترک تیم، ورزشکاران توجه بیشتری به هم تیمی‌های خود دارند و میل مساعدت و توافق بیشتری نشان می‌دهند، چراکه یک از مؤلفه‌های مهم در تحقق اهداف مورد نظر تیم، میل به همکاری و جهان‌بینی مشترک بین آن‌ها می‌باشد. از دلایل احتمالی عدم همسویی با پژوهش ویلی و همکاران (۲۰۰۳) می‌توان در تعداد و نوع ورزش‌های به‌کاربرده شده برای نمونه‌گیری اشاره کرد که پژوهش ذکرشده از ورزش‌های انفرادی (جودو، دومیدانی) و ورزش‌های تیمی (راگبی، ساکر و بسکتبال) استفاده نمودند، ولی پژوهش حاضر از ورزش انفرادی (شنا، ووشو، کشتی) و ورزش‌های تیمی (فوتبال، والیبال و بسکتبال) برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده نموده است. هم‌چنین از دیگر دلایل احتمالی عدم همسویی نیز می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در پژوهش ویلی و همکاران (۲۰۰۳) از ورزشکاران نخبه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، درحالی‌که پژوهش حاضر از ورزشکاران عادی استفاده کرده است.

در متغیر تصویر بدنی، نتایج تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که دو گروه در متغیر تصویر بدنی و زیر مؤلفه فعالیت بدنی تفاوت معنی‌داری دارند؛ به‌این‌ترتیب که میانگین گروه ورزشکاران تیمی بالاتر از گروه ورزشکاران انفرادی است. نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش‌های پاولا و همکاران (۱۹۹۷)، مورانوب و همکاران (۲۰۱۱)، همایون نیا و همکاران (۱۹۹۳) و آکندر و تکین (۲۰۱۰) همسوست و با پژوهش فیشر و تامسون (۱۹۹۴) همخوانی ندارد. شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که در ورزش‌های تیمی به دلیل محدودیت افراد شرکت‌کننده در تیم، همه اعضای تیم در جهت اثبات توانایی خود و حضور مستمر در تیم تلاش مضاعف از خود نشان می‌دهند و به همین دلیل میزان فعالیت بدنی و تمرین در جهت رسیدن به این هدف در آنان بیشتر است. از دلایل عدم همسویی با پژوهش فیشر و تامسون (۱۹۹۴) می‌توان به این نکته اشاره کرد که در این پژوهش به بررسی تصویر بدنی تنها در رشته‌های انفرادی پرداخته شده است، درحالی‌که پژوهش حاضر به مقایسه تصویر بدنی در رشته‌های انفرادی و گروهی مبادرت کرده است.

در متغیر اضطراب، نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان دادند که بین ورزشکاران تیمی و انفرادی در متغیر اضطراب تفاوت معناداری وجود ندارد. یافته‌های به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌های لات (۲۰۱۰) و هانتون و همکاران (۲۰۰۴) همخوانی دارد. هم‌چنین با نتایج پژوهش‌های شریفی فر و واعظ موسوی (۱۳۹۱)، زمانی و مرادی (۱۳۸۸) و ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۸۵) همخوانی ندارد. در تبیین نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت که در همه موقعیت‌های ورزشی، اضطراب به انواع گوناگون می‌تواند بروز کند چراکه در همه این موقعیت‌ها اعم از ورزش‌های تیمی و انفرادی ترس از شکست و هم‌چنین ارزیابی توسط مربیان و تماشاگران در ورزشکاران وجود دارد و می‌تواند بر عملکرد ورزشی آنان مؤثر باشد. از دلایل عدم همسویی با پژوهش شریفی فر

و واعظ موسوی (۱۳۹۱) می‌توان به تفاوت در نمونه و بررسی این پژوهش بر روی ورزشکاران نخبه ملی با تجربه‌های بین‌المللی اشاره کرد. هم‌چنین از دلایل احتمالی عدم همسویی با پژوهش زمانی و مرادی (۱۳۸۸) و ابوالقاسمی و همکاران (۱۳۸۵) می‌توان تفاوت در ابزار به‌کاربرده شده را مورد نظر قرارداد، زیرا که این دو پژوهش از ابزار اضطراب ورزشی (SAT^۱) استفاده نمودند، ولی پژوهش حاضر از مقیاس اضطراب جسمانی بک استفاده نموده است.

نظر به اینکه هیچ پژوهشی خالی از محدودیت نیست، از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به قلمرو مکانی و زمانی مطالعه اشاره کرد، زیرا این مطالعه بر جامعه ورزشکاران تیمی و انفرادی غرب تهران و با نمونه محدود صورت گرفته است و لذا نمی‌توان یافته‌های آن را به سایر شهرها و بخش‌ها تعمیم داد و در صورت تعمیم دهی باید جوانب احتیاط رعایت شود.

هم‌چنین مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود مطالعات دیگری در سایر جوامع و با نمونه‌های وسیع‌تری صورت گیرد، تمرکز بیشتری بر راهکارهای مقابله با اضطراب و بهبود تصویر بدنی ورزشکاران معطوف گردد و در مسیر شناخت ویژگی‌های شخصیتی و تأثیر آن بر عملکرد ورزشی ورزشکاران، در طی تمرین و مسابقه اهتمام ورزیده شود. در سطح کلان و نیز با عنایت بر نقش بسزای متغیرهای روانی بر موفقیت ورزشکاران پیشنهاد می‌شود متصدیان و مسئولان ورزشی کشور با برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی و دانش‌افزایی برای مربیان و ورزشکاران گام مهمی در جهت تلفیق هر چه بهتر ابعاد روانی در حوزه ورزش بردارند.

منابع

- اعتماد نیا، مهین و بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۸). "مقایسه ویژگی شخصیتی ورزشکاران در ورزش‌های انفرادی و گروهی". مجله علوم رفتاری- اجتماعی. سال ۵. شماره ۸. ص ۱۸-۸.
- ابوالقاسمی، عباس؛ کیامرثی، آذر؛ آریا پوران، سعید و درتاج، فریبرز. (۱۳۸۵). "بررسی ارتباط ابهام نقش، تعارض نقش و اضطراب رقابتی با عملکرد ورزشی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان ورزشکار". پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. سال ۷. دوره ۱۲. شماره ۲. ص ۵۴-۳۹.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۶). "مقایسه ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران در ورزش‌های فردی و گروهی". مجله علوم شناختی. سال ۳. دوره ۶. شماره ۲۳. ص ۲۴۷-۲۳۳.
- بهرام، عباس و شفیع‌زاده. محسن. (۱۳۸۳). "بررسی اعتبار و پایایی پرسشنامه تصویر بدنی در بین افراد نوجوان و بزرگسال". پژوهش‌کنده تربیت بدنی وزارت علوم. سال ۴. شماره ۱۶. ص ۵۹-۴۲.
- بهنوا، حمیرا؛ نادری، عزت اله و سیف نراقی، مریم. (۱۳۹۰). "رابطه بین تصور بدنی و ویژگی‌های شخصیتی". مجله رشد آموزش مشاور مدرسه. دوره ۲۶. شماره ۷. ص ۱۴-۸.
- پور شریفی، حمید و مبعث زمانی، مریم. (۱۳۹۲). "رابطه عزت نفس و درونی سازی ایده آل لاغری با نارضایتی از تصویر بدن". فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناختی. سال ۸. شماره ۳۱. ص ۳۳-۱۶.
- دلاور، علی. (۱۳۹۴). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش
- زمانی علیرضا و مرادی، علی. (۱۳۸۸). "مقایسه اضطراب حالتی و اعتمادبه نفس ورزشکاران مرد در ورزش‌های گروهی و انفرادی". دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی. سال ۱۱. شماره ۴۰. ص ۴۲-۳۱.
- شولتز، دوان. پ و شولتز، سیدنی، آلن. (۲۰۰۵). نظریه‌های شخصیت. یحیی سید محمدی (۱۳۹۱) تهران: نشر ارسباران
- غیور، محمدرضا. (۱۳۷۷). "بررسی و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مرد ورزشکار و غیر ورزشکار دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد". پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی. دانشگاه اصفهان.
- کاویانی، حسین و موسوی، اشرف سادات. (۱۳۸۷). "ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه اضطراب بک در طبقات سنی و جنسی جمعیت ایرانی". مجله دانشکده علوم پزشکی تهران. دوره ۶۶. شماره ۲. ص ۱۴۰-۱۲۶.
- گروسی فرشی، محمد. (۱۳۸۱). "کاربرد آزمون جدید شخصیتی نئو (NEO) و بررسی تحلیلی ویژگی‌ها و ساختار عاملی آن در بین دانشجویان". دومین کنگره روانشناسی بالینی ایران. دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- محرم زاده، مهرداد. (۱۳۸۳). مبانی روانی اجتماعی در تربیت بدنی. چاپ سوم، تهران: دانشگاه پیام نور، ص ۱۱۴.
- محمودی، نادر. (۱۳۸۷). "بررسی رابطه علی پنج عامل شخصیتی حجم تمرین و عملکرد ورزشی ورزشکاران رشته کشتی و فوتبال". پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه محقق اردبیلی.
- واینبرگ، رابرت. اس و گولد، دانیل. (۲۰۱۱). مبانی روان‌شناسی ورزش و تمرین. سید محمدکاظم واعظ موسوی، علی حجتی، نجمه رضا سلطانی، میلاد اسماعیلی و ریحانه راهدار بیگ. (۱۳۹۲). تهران: انتشارات حتمی. ص ۱۱۶.

- هادی پور، مجتبی. (۱۳۸۵). "بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و میزان پرخاشگری ورزشکاران مرد رشته‌های منتخب ورزشی". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی سینای همدان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی.
- همایون نیا، مهدی؛ همایونی، علی؛ شیخ، محمد و نظری، سعید. (۲۰۱۴). "ارتباط بین هوش هیجانی و تاب‌آوری روان‌شناختی در بین کشتی گیران لیگ برتر ایران". نشریه رشد و یادگیری حرکتی. سال ۶. شماره ۱. ص ۱۵۴-۱۴۱.

- Akandere, M. & Tekin, A. (2010). **"The Effect of Physical Exercise on Anxiety Submitted"**. The sport journal. 13(3): 34-42.
- Allen, M. S., Greenlees, I. & Jones, M. (2011). **"An investigation of the five-factor model of personality and coping behavior in sport"**. Journal of sports sciences. 29 (8): 841-850.
- Cash, T. F. (2002). **"Cognitive-behavioral perspectives on body image"**. Body image: A handbook of theory, research and clinical practice research.
- Dobersek, U. & Bartling, C. (2008). **"Connection between personality type and sport"**. American journal of psychological research. 4 (1):18-26.
- Etu, S. F. & Gray, J. J. (2010). **"A preliminary investigation of the relationship between induced rumination and state body image dissatisfaction and anxiety"**. Body image. 7 (1): 82-85.
- Fisher, E. & Thompson, J. K. (1994). **"A Comparative Evaluation of Cognitive-Behavioral Therapy (CBT) Versus Exercise Therapy (ET) for the Treatment of Body Image Disturbance Preliminary Findings"**. Behavior Modification. 18 (2): 171-185.
- Fletcher, D. & Hanton, S. (2001). **"The relationship between psychological skills usage and competitive anxiety responses"**. Psychology of Sport and Exercise. 2 (2): 89-101.
- Hashim, H. A., Zulkifli, E. Z. & Yusof, H. A. (2010). **"Factorial validation of Malaysian adapted Brunel Mood Scale in an adolescent sample"**. Asian journal of sports medicine, 1 (4): 185.
- Hanton, S., Thomas, O. & Maynard, I. (2004). **"Competitive anxiety responses in the week leading up to competition: the role of intensity, direction and frequency dimensions"**. Psychology of Sport and Exercise. 5 (2): 169-187.
- Hossenly, S. H. (1989). **The effect of aerobic on state and trait body image and physical fitness among college women.** (Ph.D. dissertation of philosophy). Old Dominion University: publisher.
- Kalogiannis, P. (2006). **"The role of sport and physical education in self-concept development of children and adolescents"**. Inquiries in Sport & Physical Education. 4 (2): 10-25.
- Lut, T. (2010). **"The influence of sports on anxiety, depression, and perceived problem solving ability"**. Anatolian Journal of Psychiatry. 11 (1): 38-43.
- Mark, S., Allen, I., Lees, G., & Jones, M. (2011). **"An investigation of the five**

- **factor model of personality and coping behavior in sport**". Journal of sports sciences. 29(8): 481-850.
- Morano, M., Colella, D. & Capranica, L. (2011). **"Body image, perceived and actual physical abilities in normal-weight and overweight boys involved in individual and team sports"**. Journal of sports sciences. 29 (4): 355-362.
 - Nelson, E. M. (2010). **"Big Six Personality Traits and Student Performance in Freshman Mathematics"**. (M.S Thesis in Mathematics) Central Connecticut State University.
 - Parks, P. S. M. & Read, M. H. (1997). **"Adolescent male athletes: Body image, diet, and exercise"**. Adolescence behavior. 32 (12): 593.
 - Pritchard, M. (2010). **"Does self-esteem moderate the relation between gender and weight preoccupation in undergraduates?"**. Personality and Individual Differences. 48 (2): 224-227.
 - Scott, M. M., Cohen, D. A., Evenson, K. R., Elder, J., Catellier, D., Ashwood, J. S. & Overton, A. (2007). **"Weekend schoolyard accessibility, physical activity, and obesity: the Trial of Activity in Adolescent Girls (TAAG) study"**. Preventive medicine. 44 (5): 398-403.
 - Willie, F. (2003). **"Narcissus in football players. Stereotype or reality"**. Journal of sport psychology. 34 (10): 161-163.

اثر تمرینات استقامتی، قدرتی و موازی بر مقادیر اینترلوکین-۶ و کورتیزول پلاسمای مردان تمرین نکرده

علی گُری^۱

امید مهربابی^۲

حمید آقاعلی نژاد^۳

احمد رحمانی^۴

آقاعلی قاسمیان^۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۲

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثر ۱۰ هفته تمرین استقامتی، قدرتی و موازی بر میزان اینترلوکین-۶ و کورتیزول پلاسمای مردان تمرین نکرده بود. به همین منظور، تعداد ۳۸ آزمودنی مرد سالم (با میانگین سنی $24/89 \pm 1/21$ سال و میانگین قد $175/87 \pm 6/52$ سانتی متر و وزن $71/98 \pm 9/33$ کیلوگرم) به صورت تصادفی در گروه های تمرین استقامتی ($n=10$)، قدرتی ($n=9$)، موازی ($n=10$) و کنترل ($n=9$) جایگزین شدند. آزمودنی ها هفته ای سه جلسه به تمرین دویدن بر روی نوارگردان، تمرینات قدرتی با وزنه های آزاد و یا ترکیبی از این دو (تمرین قدرتی در ابتدای جلسه) پرداختند. پس از ۱۰ هفته تمرین، افزایش معناداری در قدرت بیشینه حرکات اسکوات و پرس سینه در گروه های قدرتی و موازی مشاهده شد ($P=0/00$). افزایش مشابهی نیز در $Vo_2 \max$ گروه های استقامتی و موازی ملاحظه گردید ($P=0/00$). تمرینات استقامتی منجر به

۱. دانشیار، گروه فیزیولوژی ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Ali_gorzi@znu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی، آموزش و پرورش مازندران، مازندران، ایران

۳. دانشیار، گروه فیزیولوژی ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۴. استادیار، گروه رفتار حرکتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

۵. استادیار، گروه فیزیولوژی ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

تغییر معناداری در سطوح پلاسمایی اینترلوکین-۶ ($p=0/107$) و کورتیزول ($p=0/38$) نشد. تمرینات قدرتی نیز تأثیر معناداری بر سطوح پلاسمایی اینترلوکین-۶ نداشت ($p=0/630$)، اما موجب افزایش معناداری در سطوح پلاسمایی کورتیزول شد ($p=0/001$). در نتیجه اجرای تمرینات موازی هم تغییرات معناداری در سطوح پلاسمایی اینترلوکین-۶ مشاهده نگردید ($p=0/630$) و سطوح پلاسمایی کورتیزول نیز افزایش غیرمعناداری داشت ($p=0/83$). با این حال، تنها تفاوت تغییرات (D) در میزان اینترلوکین-۶ گروه موازی به صورت معناداری پایین تر از گروه کنترل بود ($0/71 \pm 1/475$ در مقابل $0/855 \pm 1/31$) ($p=0/016$). در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که افزودن تمرین قدرتی به برنامه تمرین استقامتی به عنوان عامل مخل در عملکرد دستگاه ایمنی افراد تمرین نکرده مطرح نیست و حتی می تواند در بهبود آن مؤثر باشد.

واژگان کلیدی: اینترلوکین-۶، کورتیزول، تمرین استقامتی، تمرین قدرتی و تمرین موازی

مقدمه

انواع ورزش ها و فعالیت های بدنی، دستگاه های انرژی مختلفی را درگیر می کنند و موجب سازگاری های متفاوتی می شوند. تمرینات استقامتی موجب ایجاد برخی سازگاری های فیزیولوژیکی مانند افزایش آنزیم های اکسایشی، چگالی مویرگی، چگالی میتوکندریایی، توان هوازی بیشینه ($\dot{V}O_2 \max$) و کارایی دستگاه قلبی عروقی می گردد که بهبود و حفظ فعالیت های هوازی بلندمدت را در پی دارد. در مقابل، تمرینات قدرتی موجب افزایش توده عضلانی، افزایش پروتئین های انقباضی و در نتیجه افزایش قدرت عضلانی می شود. تمرین موازی، تمرین همزمان چند دستگاه تولید انرژی و اجرای موازی چند نوع تمرین (مانند تمرینات قدرتی و استقامتی) را دربر می گیرد. امروزه بسیاری از ورزشکاران و کسانی که به دنبال بهبود ترکیب بدنی خود هستند، از این نوع تمرینات استفاده می کنند (کرایمر و هاکینن، ۲۰۰۲:۱۲۱). بنابراین، طراحی یک برنامه تمرینی بهینه و مناسب برای رسیدن به اهداف مورد نظر هر فرد در زمینه آمادگی جسمانی حائز اهمیت است. با این حال، روش های تمرینی مختلف می تواند عملکرد دستگاه های مختلف بدن از جمله دستگاه ایمنی را دستخوش تغییر نماید و پاسخ های ایمنی غدد درون ریز را برانگیزد. یکی از این پاسخ ها، رهایی کورتیزول است. کورتیزول، گلوکوکورتیکوئیدی است که به دنبال محرک های استرس زا آزاد می شود و اثرات ضدالتهابی را از خود نشان می دهد. پژوهش های انجام شده نشان داده اند که کورتیزول در توزیع مجدد سلول های ایمنی حین تمرین مداخله می کند (کاپس و همکاران، ۱۹۸۲:۱۳۳) و از پاسخ اولیه دستگاه ایمنی به التهاب می کاهد (شفارد و همکاران، ۱۹۹۱:۱۶۳). پروتئین دیگری که ادعا می شود در پاسخ ایمنیونانودوکرینی دارای اهمیت است، اینترلوکین ۶ می باشد. این سایتوکین به وسیله سلول های مختلف ترشح می شود (کلر و همکاران، ۲۰۰۱:۲۷۴۸) و در تنظیم متابولیسم انرژی و نیز در تحریک پاسخ های التهابی نقش دارد (سوزوکی و همکاران، ۲۰۰۰:۲۸۱). این قبیل هورمون ها و عوامل عصبی می توانند عملکرد ایمنی را تحت تأثیر قرار دهند (کوهن و همکاران، ۲۰۰۱:۴۸۷-۲۰۰۳:۵).

در مورد ارتباط تمرین و دستگاه ایمنی، فرض عمومی بر این است که تمرین با شدت و مدت متوسط موجب بهبود عملکرد ایمنی و در مقابل تمرین شدید و طولانی موجب سرکوب آن می شود (نیمن و همکاران، ۲۰۰۴، ص ۱۲۹۲ - پیجای و همکاران، ۲۰۰۳:۲۲۵۵). مطالعات پیشین در مورد ورزش و عملکرد ایمنی، نتایج بسیار متفاوتی را ارائه داده اند که هنوز به طور کامل مورد تأیید قرار نگرفته است. یافته ها بیانگر اثر تضعیف کنندگی تمرینات استقامتی بر دستگاه ایمنی (ریکاردی و همکاران، ۲۰۰۲:۳۶۱ - ساینگ و همکاران، ۱۹۹۴:۲۲۹۸) و اثر تقویت کنندگی تمرینات مقاومتی بر آن هستند (گلیسون و بی شاپ، ۲۰۰۵:۴۴ - گوردون و همکاران، ۲۰۱۲:۴۴۳، نیمن و همکاران، ۲۰۱۱:۹۸۷). دوره های شدید تمرینی در ورزشکاران آماده نیز به سرکوب دستگاه ایمنی در وضعیت استراحتی منجر خواهد شد که ممکن است در اثر تجمع تأثیر تکرار وهله های فعالیت ورزشی شدید باشد که به افزایش هورمون استرس به ویژه کورتیزول و سایتوکاین های ضدالتهابی همچون IL-6 منجر می شود (استینس برگ و همکاران، ۲۰۰۲:۲۷۲). این موضوع به جز در چند مورد استثنایی، طبیعت دوگانه پاسخ ایمنی نسبت به ورزش را نشان می دهد. با توجه به ماهیت دوگانه تمرین و این واقعیت که ورزشکاران استقامتی نیز علاوه بر تمرینات اختصاصی، از تمرینات مقاومتی مکمل نیز استفاده می کنند و یافته های موجود مبنی بر اثر تقویت کنندگی تمرینات مقاومتی بر دستگاه ایمنی (گلیسون و بی شاپ، ۲۰۰۵:۴۴ - گوردون و همکاران، ۲۰۱۲:۴۴۳)، در این پژوهش فرض ما بر این بود که تمرین موازی از برانگیختن پاسخ های شدید ایمنیونانودوکرینی جلوگیری می کند. مطالعات اندکی پاسخ

شاخص های التهابی و ایمنی ورزشکاران به تمرینات مختلف از جمله تمرینات موازی را بررسی کرده اند. لذا پژوهش حاضر اثر سه نوع تمرین استقامتی، قدرتی و موازی بر پاسخ ایمنی مردان تمرین نکرده را مورد بررسی قرار داده است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نوع نیمه تجربی است. جامعه آماری پژوهش را ۲۹۴۲ دانشجوی مرد ۲۳ تا ۲۸ ساله دانشگاه تربیت مدرس تشکیل می دادند. به همین منظور، فرم فراخوانی جهت شرکت در پژوهش در بین کلیه دانشجویان توزیع شد و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، ۴۸ دانشجوی غیرورزشکار سالم مرد که در ۶ ماه قبل از آغاز پژوهش حاضر هیچ گونه تمرین ورزشی منظمی در هیچ رشته ورزشی خاصی نداشتند، به صورت داوطلبانه به عنوان نمونه آماری پژوهش (با میانگین سنی $24/89 \pm 1/21$ سال و میانگین قد $175/87 \pm 6/52$ سانتی متر و وزن $71/98 \pm 9/33$ کیلوگرم) انتخاب شدند (نمونه گیری در دسترس) و به صورت تصادفی در گروه های مورد مطالعه- استقامتی (۱۲ نفر)، قدرتی (۱۲ نفر)، موازی (۱۲ نفر) و کنترل (۱۲ نفر)- قرار گرفتند. پس از ۱۰ هفته به دلایلی از قبیل آسیب دیدگی، بی علاقهگی، مشکلات خانوادگی و ... تعداد آزمودنی ها در گروه های ۴ گانه کاهش یافت و در پس آزمون تعداد آزمودنی های هر گروه به صورت زیر در آمد: ۱- گروه استقامتی (۱۰ نفر)؛ ۲- گروه قدرتی (۹ نفر)؛ ۳- گروه موازی (۱۰ نفر)؛ ۴- گروه کنترل (۹ نفر).

ابتدا شاخص های قد، وزن و نمایه توده بدن اندازه گیری شد. برای محاسبه درصد چربی بدن نیز ابتدا ضخامت چربی زیرپوستی سه نقطه: سه سر، شکم و فوق خاصره آزمودنی ها با استفاده از کالیپر (MEIKOSHA، ساخت ژاپن) اندازه گیری و سپس محاسبه شد. برای اندازه گیری متغیرهای پژوهش از ابزارهای نوارگردان (Fitness Vision HRT ۹۷۰۰ T، ساخت کشور آمریکا)، وزنه های آزاد تمرینی، ضربان سنج پولار (ساخت کشور فنلاند)، ضخامت سنج چربی (میکوشا، ساخت کشور ژاپن) و وسایل خون گیری استفاده شده است. توان هوازی آزمودنی ها نیز از طریق آزمون جورج اندازه گیری شد. کورتیزول پلاسمایی با استفاده از کیت الایزای مونوبایند (ساخت کشور آمریکا) و اینترلوکین-۶ با استفاده از کیت الایزای رندوکس^۱ (ساخت کشور انگلستان)، در آزمایشگاه مرکز تحقیقات ایمونولوژی، آسم و آلرژی دانشگاه علوم پزشکی تهران اندازه گیری شد.

برنامه تمرین گروه تمرین قدرتی و گروه تمرین موازی بر اساس میزان قدرت یک تکرار بیشینه اندازه گیری شده در جلسه اول طراحی شد. برنامه تمرین در گروه استقامتی و تمرین استقامتی در گروه موازی بر اساس ضربان قلب بیشینه (سن - ۲۲۰) آزمودنی ها طراحی شد.

به منظور کاهش برخی عوامل مداخله گر و مخدوش کننده مؤثر در نتایج پژوهش و به منظور کاهش آثار نوع غذا بر شاخص های التهابی از آزمودنی ها خواسته شد به مدت حداقل ۲۴ ساعت قبل از خون گیری از خوردن غذاهای آماده^۲، آشامیدن های کافئین دار و انجام فعالیت های سنگین خودداری کنند. همچنین، طی دوره پژوهش از آزمودنی ها خواسته شد تا در حد امکان شیوه غذایی خود را تغییر ندهند. خون گیری (۷ میلی لیتر) از ورید کابیتال میانی بازو^۳ و در حالت نشسته انجام شد. نمونه گیری خونی یک بار در ابتدای دوره تمرینی در حالت استراحت و یک بار دیگر پس از ۱۰ هفته تمرین در حالت استراحت و ۲۴ ساعت پس از آخرین جلسه تمرین گرفته شد. نمونه های خونی در ساعت ۹ تا ۱۰ صبح گرفته شد، چون طبق ریتم

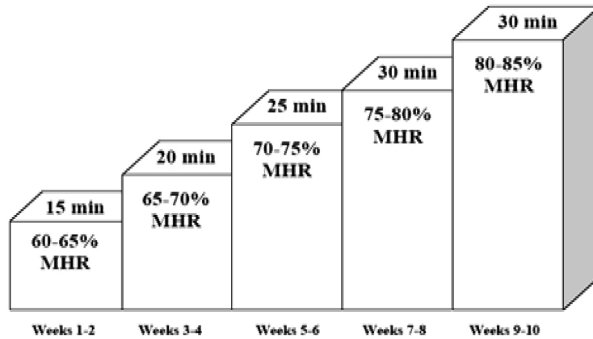
1. Randox
2. Fast food
3. Median cubital vein

شبانه روزی هورمونی، کورتیزول در این زمان در سطح نسبتاً یکنواختی قرار دارد (استینس برگ و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۲۷۲). پس از ریختن خون در لوله های محتوی ماده ضد انعقاد (اتیلن دی آمین تترا استیک اسید) و سانتریفیوژ، پلاسما جدا شده و در منفی ۸۰ درجه سانتی گراد برای آنالیزهای بعدی فریز شد.

برنامه تمرینی استقامتی (E)

برنامه تمرین استقامتی شامل دویدن بر روی نوارگردان بر اساس درصدهایی از حداکثر ضربان قلب بود (شکل ۱).

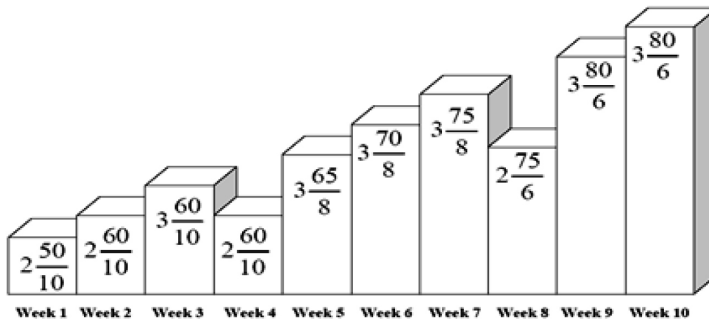
شکل ۱: برنامه تمرین استقامتی



برنامه تمرین قدرتی (S)

انجام حرکات نیم اسکوات، پرس سینه، پشت ران با دستگاه، کشش زیربغل با دستگاه (سیم کش). این حرکات برای ۳ جلسه در هفته و به مدت ۱۰ هفته اجرا شد (شکل ۲). حرکات فوق به صورت دایره ای انجام می شد. بین هر ایستگاه ۶۰ تا ۹۰ ثانیه استراحت و بین دورها ۲ تا ۳ دقیقه استراحت وجود داشت. در هفته های چهارم و هشتم به منظور جلوگیری از بیش تمرینی، یک دوره کاهش بار اعمال شد. برنامه تمرین قدرتی ۴ هفته دوم و ۲ هفته آخر بر اساس قدرت یک تکرار بیشینه آزمودنی ها در پس آزمون ها تعیین شد. الگوی باردهی تمرین به صورت پلکانی ساده صورت گرفت (شکل ۲).

شکل ۲: برنامه تمرین قدرتی



برنامه گروه موازی (C)

این گروه، تمرینات هر دو گروه فوق را در هر جلسه تمرین انجام می دادند. تمرینات قدرتی همیشه در ابتدای جلسه انجام می شد. تمام تمرینات فوق، هفته ای ۳ مرتبه انجام می شد. گرم کردن شامل دویدن به مدت ۱۰ دقیقه روی نوارگردان با ۵۰ تا ۵۵ درصد ضربان قلب بیشینه و چند حرکت کششی ساده بود که برای همه گروه ها به صورت یکسان انجام می شد. این کار به منظور حذف اثرات آشنایی با دستگاه بود. پژوهش حاضر در مرکز تندرستی و مشاوره ورزشی دانشگاه تربیت مدرس انجام شد.

برای توصیف داده ها از آمار توصیفی شامل شاخص های مرکزی و پراکندگی و جداول و نمودارها (در Excel)، برای بررسی طبیعی بودن توزیع داده ها از آزمون شاپیروویلک و سپس برای آزمون همگنی واریانس ها از آزمون لون و برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار استنباطی تحلیل واریانس تک متغیری (ANOVA) بر روی اختلاف پیش آزمون و پس آزمون (D) و آزمون های تعقیبی مربوط به آن (تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون توکی) و برای مقایسه پیش آزمون ها با پس آزمون های هر گروه از آزمون t همبسته استفاده شد. تمامی آزمون ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ در سطح معنی داری $P < 0.05$ انجام شد.

یافته های پژوهش

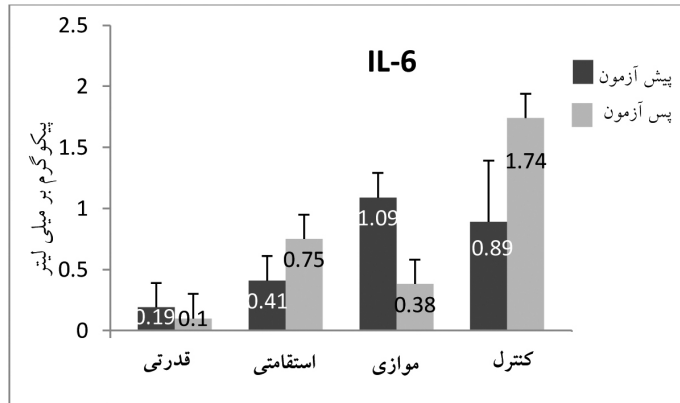
جدول ۱: تغییرات قدرت نسبی بیشینه (اسکوات و پرس سینه)، چربی بدن و $\dot{V}O_2 \max$ پس از ۱۰ هفته تمرین در ۳ گروه تمرینی و گروه کنترل

متغیر	گروه ها	پیش آزمون	پس آزمون	معناداری
اسکوات (کیلوگرم بر کیلوگرم توده بدن)	استقامتی	0.21 ± 0.18	0.25 ± 0.18	۰/۱۸۰
	قدرتی	0.14 ± 0.16	0.15 ± 0.15	* ۰/۰۰۰
	موازی	0.22 ± 0.16	0.17 ± 0.18	* ۰/۰۰۰
	کنترل	0.20 ± 0.19	0.18 ± 0.18	۰/۲۰۱
پرس سینه (کیلوگرم بر کیلوگرم توده بدن)	استقامتی	0.16 ± 0.16	0.14 ± 0.16	۰/۱۲۱
	قدرتی	0.11 ± 0.15	0.15 ± 0.17	* ۰/۰۰۰
	موازی	0.18 ± 0.16	0.16 ± 0.18	* ۰/۰۰۰
	کنترل	0.15 ± 0.16	0.17 ± 0.16	۰/۲۱۱
چربی بدن (درصد)	استقامتی	18.73 ± 4.94	16.81 ± 5.39	* ۰/۰۰۱
	قدرتی	16.12 ± 7.12	14.72 ± 5.76	* ۰/۰۰۵
	موازی	16.73 ± 5.00	14.49 ± 6.12	* ۰/۰۰۰
	کنترل	16.52 ± 3.71	16.79 ± 3.57	۰/۱۲۷
$\dot{V}O_2 \max$ (میلی لیتر به ازای هر کیلوگرم از وزن بدن در دقیقه)	استقامتی	47.13 ± 3	49.22 ± 2.30	* ۰/۰۰۰
	قدرتی	47.83 ± 3.66	48.06 ± 3.46	۰/۳۰۳
	موازی	47.04 ± 3.80	49.40 ± 3.38	۰/۰۰۰
	کنترل	47.08 ± 3.31	47.02 ± 3.35	۰/۵۰۴

* = اختلاف معنی دار در سطح ۵ درصد.

شکل های ۳ و ۴ به ترتیب میزان IL-6 و کورتیزول پلاسمایی آزمودنی ها پیش از شروع برنامه های تمرینی و پس از پایان آن در گروه های چهارگانه مورد مطالعه را نشان داده است.

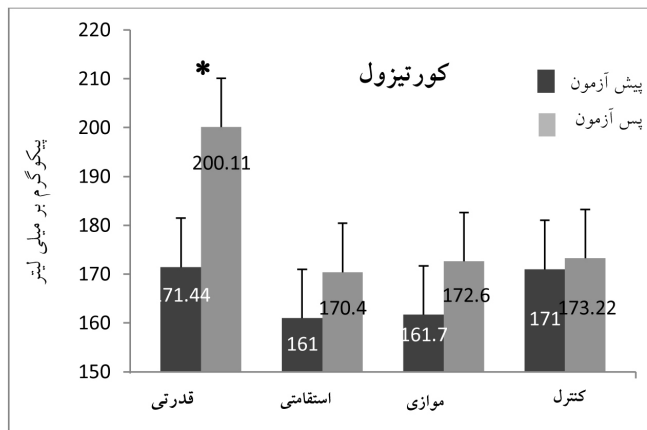
شکل ۳: میزان IL-6 پلاسمایی آزمودنی ها



* نشان دهنده $P < 0.05$ می باشد.

همان طور که در شکل ۳ ملاحظه می شود هیچ یک از ۳ نوع تمرین استقامتی ($p=0.107$ ، 0.750 ± 1.34 ، در مقابل 0.410 ± 0.962)، قدرتی ($p=0.630$ ، 0.380 ± 0.264 در مقابل 0.189 ± 0.413) و موازی ($p=0.162$ ، 0.110 ± 0.380 در مقابل 0.092 ± 1.09) و همچنین گروه کنترل ($p=0.086$ ، 0.361 ± 1.74 در مقابل 0.888 ± 1.86) تغییر معناداری را در سطوح پلاسمایی IL-6 به وجود نیاورده اند.

شکل ۴: میزان کورتیزول پلاسمایی آزمودنی ها



* نشان دهنده $P < 0.05$ می باشد.

همان طور که در شکل ۴ ملاحظه می شود تمرینات قدرتی موجب افزایش معناداری در سطوح پلاسمایی کورتیزول شد ($Pg/ml\ p\ 0/001 = Pg/ml\ 200/11 \pm 17/61$ در مقابل $Pg/ml\ 171/44 \pm 13/99$)، در حالی که پس از تمرینات استقامتی ($p=0/38$) $pg/ml\ 170/4 \pm 30/ml\ 41/pg$ در مقابل $pg/ml\ 161 \pm 14/4$) و موازی ($pg/0/38 = pg/ml\ p\ 0/828$) در مقابل $pg/ml\ 172/60 \pm 31/33 = ml\ p$ در مقابل $pg/ml\ 173/22 \pm 23/44$) تغییرات معناداری مشاهده نشد.

جدول ۲: تفاوت اختلاف پیش آزمون و پس آزمون (D) اینترلوکین-۶ بین ۴ گروه

گروه تمرینی	استقامتی (انحراف استاندارد $\pm$ میانگین)	قدرتی (انحراف استاندارد $\pm$ میانگین)	موازی (انحراف استاندارد $\pm$ میانگین)	کنترل (انحراف استاندارد $\pm$ میانگین)
D (اختلاف پیش آزمون و پس آزمون)	$0/34 \pm 0/60$	$-0/088 \pm 0/053$	$-0/71 \pm 1/47$	$0/855 \pm 1/31$
P قدرتی	$0/819$	—	$0/592$	$0/258$
P استقامتی	—	$0/819$	$0/145$	$0/722$
P موازی	$0/145$	$0/592$	—	$0/016^*$
P کنترل	$0/722$	$0/258$	$0/016^*$	—

* = اختلاف معنی دار در سطح ۵ درصد.

جدول ۳: تفاوت اختلاف پیش آزمون و پس آزمون (D) کورتیزول بین ۴ گروه

گروه تمرینی	استقامتی (انحراف استاندارد $\pm$ میانگین)	قدرتی (انحراف استاندارد $\pm$ میانگین)	موازی (انحراف استاندارد $\pm$ میانگین)	کنترل (انحراف استاندارد $\pm$ میانگین)
D (اختلاف پیش آزمون و پس آزمون)	$9/4 \pm 32/43$	$28/66 \pm 16/91$	$10/9 \pm 37/91$	$2/22 \pm 29/74$
P قدرتی	$0/525$	—	$0/591$	$0/275$
P استقامتی	—	$0/525$	$1/000$	$0/956$
P موازی	$1/000$	$0/591$	—	$0/926$
P کنترل	$0/956$	$0/275$	$0/926$	—

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که اجرای ۱۰ هفته تمرین استقامتی، قدرتی و موازی، با وجود اثرگذاری مناسب بر شاخص های تمرینی مورد انتظار (بهبود قدرت در گروه های قدرتی و موازی، کاهش چربی در گروه های استقامتی، قدرتی و موازی و بهبود $Vo_2\ max$ در گروه های استقامتی و موازی)، تأثیری بر

میزان IL-6 پلاسمایی مردان تمرین نکرده نداشت. عدم تغییر میزان IL-6 پلاسمایی، با یافته های دلموس و همکاران (۲۰۱۱) و رابسون و همکاران (۲۰۰۹) ناهمسو می باشد. دلموس و همکاران (۲۰۱۱) با بررسی اثر ۱۱ هفته تمرین شنا بر روی ۱۶ موش لاغر با عمر ۸ هفته، کاهش معناداری در میزان IL-6 خون گزارش کردند (دلموس و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۱). رابسون و همکاران (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود بر روی ۱۳ مرد ورزشکار و با تمرینی معادل ۴۸۶ کیلومتر دوچرخه سواری در مدت ۶ روز افزایش IL-6 خون آزمودنی ها را پس از تمرین گزارش کرده بودند (رابسون و همکاران، ۲۰۰۹، ۱۱۱).

نشان داده شده است که تمرینات سنگین موجب افزایش گونه های واکنشی اکسیژن (ROS) می گردد و آن نیز به نوبه خود موجب افزایش سایتوکاین ها می شود (یاماشیتا و همکاران، ۱۹۹۹، ۱۶۹۹). به نظر می رسد که در پژوهش حاضر شدت تمرین استقامتی در حدی نبوده است که بتواند با ایجاد تغییرات فیزیولوژیکی مؤثر، موجب تغییرات معنادار در سطح سایتوکاین کاتابولیکی مورد مطالعه در پژوهش حاضر (IL-6) شود. با این حال، شدت تمرین در حدی بوده است که موجب بهبود حداکثر اکسیژن مصرفی در گروه های استقامتی و موازی شده است. همچنین این امکان نیز وجود دارد که افزایش فصلی این سایتوکاین مانع از معنادار شدن کاهش آن بر اثر اجرای تمرین استقامتی در پژوهش حاضر شده باشد. افزایش نزدیک به سطح معنی داری IL-6 در گروه کنترل تأیید خوبی برای این موضوع می باشد. این امکان زمانی قوت می یابد که بدانیم افراد جوان بیشتر از افراد مسن تحت تأثیر نوسانات فصلی سایتوکاین ها قرار می گیرند (استیوارت و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۳۸۹). از سویی دیگر، شاید بتوان گفت که به دلیل پایین تر بودن شدت تمرین در گروه استقامتی، نوعی سازگاری مطلوب در آزمودنی ها ایجاد شده و سطح سایتوکاین ها کاهش یافته است (اسچیت، ۲۰۰۲، ۴۹۱). برخی دیگر از پژوهشگران معتقدند مردان کمتر از زنان تغییرات سایتوکاینی ایجاد شده بر اثر تمرین را از خود نشان می دهند (فربایو، ۲۰۰۳، ۹۳۹). بنابراین به نظر می رسد که این عامل نیز می تواند یکی از عوامل مؤثر بر نتایج پژوهش حاضر باشد. علاوه بر موارد ذکر شده باید گفت که روش های تمرینی، شیوه های باردهی و استفاده از آزمودنی های حیوانی در پژوهش های دیگر نیز می تواند علت ناهمسوایی پژوهش حاضر با نتایج سایر پژوهشگران باشد.

در آزمون بین گروه ها، بین گروه کنترل و موازی تفاوت معناداری در غلظت اینترلوکین-6 وجود داشت. در این رابطه، بیتاون و همکاران (۲۰۰۵) با بررسی اثر ۴ ماه تمرینات استقامتی و قدرتی تغییری در میزان IL-6 پلاسمایی ۲۳ بیمار نارسایی قلبی مشاهده نکردند (بیتاون و همکاران، ۲۰۰۵، ۳۳۶). نوا و همکاران (۲۰۰۱) نیز در بررسی اثر تمرینات ژیمناستیک (۴۸ ساعت تمرین ژیمناستیک در هفته به مدت ۱۲ هفته) در ۱۳ زن ژیمناستیک کار تفاوتی را در محتوای IL-6 و TNF آلفا پلاسمایی ژیمناستیک کاران و افراد کنترل مشاهده نکردند (نوا و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۱۵). پیش بینی بر این بود که اجرای موازی دو نوع تمرین در یک جلسه، فشار مضاعفی را بر آزمودنی ها وارد می کند و سرانجام میزان سایتوکاین های آنها را افزایش خواهد داد (کرن و همکاران، ۲۰۰۵، ۷۴۵). با این حال، نتایج پژوهش حاضر، فرض ما مبنی بر ایجاد حالت کاتابولیکی تمرین بر اثر ترکیب دو نوع تمرین استقامتی و قدرتی در مقایسه با اجرای یک نوع تمرین واحد را تأیید نکرد. بنابراین به نظر می رسد که اجرای تمرین موازی به صورت سه روز در هفته در پژوهش حاضر، در مقایسه با اجرای آن به صورت ۶ روز در هفته در پژوهش های دیگر، فرصت کافی برای بازیافت را به وجود آورده است. همچنین، پایین بودن معنی دار تغییرات (D) در IL-6 گروه موازی در مقایسه با گروه کنترل می تواند فرض اولیه ما مبنی بر ایجاد حالت کاتابولیکی ترکیب دو نوع تمرین را کاملاً رد نماید.

بخش دیگری از نتایج پژوهش حاضر نشان داد که اجرای ۱۰ هفته تمرین استقامتی و موازی تأثیری بر میزان کورتیزول پلاسمای مردان تمرین نکرده ندارد. اسچیت و همکاران (۲۰۰۲) نیز تغییر معناداری را

در میزان کورتیزول خون آزمودنی های سن بلوغ پس از اجرای ۵ هفته تمرین استقامتی مشاهده نکردند (اسپیت، ۲۰۰۲، ۴۹۱). همچنین هاکینن و همکاران (۲۰۰۵) با بررسی اثر ۲۱ هفته تمرین موازی استقامتی و قدرتی تغییری را در کورتیزول سرمی زنان روماتوئیدی و سالم به دست نیاوردند (هاکینن و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۵۰۵). از طرفی دیگر، با بررسی اثر ۱۲ هفته تمرین استقامتی، کاهش معناداری در میزان کورتیزول ادراری مردان تمرین نکرده و با اجرای ۱۲ هفته تمرین موازی (استقامتی و قدرتی) افزایش معناداری در کورتیزول ادراری زنان به دست آمده است (بل و همکاران، ۲۰۰۰، ۴۱۸). با توجه به این که استرس های فیزیکی و آسیب بافتی ناشی از تمرینات، یکی از عوامل محرک محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال است و همچنین پاسخ کورتیزول به تمرین به شدت، مدت، حجم تمرین و دوره های استراحت بستگی دارد، و هر چقدر شدت، مدت و حجم تمرین بالا و دوره های استراحت کوتاه باشد، پاسخ کورتیزول به تمرین بیشتر است (پاورز، ۲۰۰۴، ص ۲۱۲)، به نظر می رسد در پژوهش حاضر شدت تمرین استقامتی به حدی نبوده است که بتواند باعث ایجاد تغییرات معنادار در سطح هورمون کاتابولیکی مورد نظر پژوهش حاضر یعنی کورتیزول شود. همچنین پژوهش ها نشان داده اند که کورتیزول تنها در ارتباط با فعالیت های طولانی مدت و سنگین افزایش می یابد (پدرسن و همکاران، ۲۰۰۰، ص ۱۰۵۵). از آنجا که مدت زمان تمرین استقامتی در پژوهش حاضر در بالاترین حجم آن در هفته های آخر تنها ۳۰ دقیقه بوده است، بنابراین عدم تغییر کورتیزول در این گروه تمرینی چندان هم دور از انتظار نبوده است. از طرفی دیگر، به نظر می رسد که در پژوهش حاضر شدت تمرین در گروه قدرتی به ویژه در هفته های آخر بالا بوده و از این رو باعث افزایش معنادار کورتیزول شده است؛ چرا که سطوح فعالیت جسمانی بر پاسخ های هورمونی و سایتوکاینی بدن به انواع تمرین مؤثر است (اسپیت، ۲۰۰۲، ۴۹۱). هم چنین شیوه اجرای دایره ای تمرین قدرتی نیز احتمالاً در این امر نقش داشته است. این امکان وجود دارد که میزان تستوسترون نیز همگام با افزایش کورتیزول، افزایش یافته باشد و بنابراین اثرات آن را خنثی کرده باشد.

به نظر می رسد که اجرای همزمان تمرین استقامتی و تمرین قدرتی (تمرین موازی) در پژوهش حاضر، احتمالاً از افزایش خیلی زیاد سطح کورتیزول، آن چنان که در گروه قدرتی مشاهده شد، جلوگیری کرده است. از سویی دیگر، به نظر می رسد شدت تمرین بیشتر از نوع تمرین در بروز پاسخ های ایمنی نقش دارد. همچنین با آنکه مباحث پیامدهای روانشناختی این نوع تمرینات مدنظر پژوهش حاضر نبوده است، اما نتایج پرسشنامه آزمون کیفیت زندگی (گزارش نشده است) نیز نشان می دهد که نمرات کیفیت زندگی در گروه تمرین موازی پس از ده هفته تمرین به طور معنی داری بهبود یافته است که با توجه به تعامل اثبات شده بین عوامل روانی و تغییرات فیزیولوژیکی بدن، نتایج بدست آمده توجیه می شود.

در مجموع و با در نظر گرفتن یافته های پژوهش حاضر چنین نتیجه گیری می شود که ترکیب تمرین قدرتی و استقامتی که به عنوان شیوه جدید تمرینی در سال های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه سلامت قرار گرفته است، علاوه بر این که از کارایی بسیار بالایی در بهبود و توسعه توان هوازی بیشینه و قدرت و ترکیب بدنی برخوردار است، تهدیدی برای دستگاه ایمنی محسوب نمی شود. پژوهش حاضر، اثر بدون خطر ترکیب تمرین قدرتی و استقامتی بر دستگاه ایمنی را به اثبات رسانده است و استفاده از آن را به افراد سالمی که به دنبال دستیابی به آمادگی جسمانی هستند توصیه می کند. شاید یافته های پژوهش حاضر برای ورزشکارانی که در رشته های قدرتی و چندگانه فعالیت می کنند، بتواند مفاهیم سودمندی را در پی داشته باشد تا این ورزشکاران به تمرین موازی توجه ویژه ای نمایند و استفاده از آن را در برنامه های تمرینی خود بگنجانند.

منابع

- Bell G, Syrotuik D, Martin T, Burnham R, Quinney H. (2000). **“Effect of concurrent strength and endurance training on skeletal muscle properties and hormone concentrations in humans”**. European Journal of Applied Physiology. 81(5):418-27.
- Btown MM KRDMARa. (2005). **“The effects of combined endurance and strength training in serum IL-6 of heart failure Patients”**. Medicine and science in sports and Exercise. 12(336-9).
- Cupps TR, Fauci AS. (1982). **“Corticosteroid-mediated immune regulation in man”**. Immunological reviews. 65(1):133-55.
- De Lemos ET, Rui Pinto, Jorge Oliveira, Patrícia Garrido, José Sereno, Filipa Mascarenhas-Melo, João Páscoa-Pinheiro, Frederico Teixeira, and Flávio Reis. (2011). **Differential Effects of Acute (Extenuating) and Chronic (Training) Exercise on Inflammation and Oxidative Stress Status in an Animal Model of Type 2 Diabetes Mellitus**. 1-8.
- Febbraio MA, Steensberg A, Starkie RL, McConell GK, Kingwell B.A. (2003). **“Skeletal muscle interleukin-6 and tumor necrosis factor- α release in healthy subjects and patients with type 2 diabetes at rest and during exercise”**. Metabolism. 52(7):939-44.
- Gleeson M, Bishop N.C. (2005). **“The T cell and NK cell immune response to exercise”**. Annals of Transplantation. 10(4):44.
- Gordon, P., Liu, D., et al. (2012). **“Resistance exercise training influences skeletal muscle immune activation”**. J App. Physiology. 112. 443-453.
- Häkkinen A, Pakarinen A, Hannonen P, Kautiainen H, Nyman K, Kraemer W, et al. (2005). **“Effects of prolonged combined strength and endurance training on physical fitness, body composition and serum hormones in women with rheumatoid arthritis and in healthy controls”**. Clinical and experimental rheumatology. 23(4):505-12.
- Keller C, Steensberg A, et al. (2001). **“Transcriptional activation of the IL-6 gene in human contracting skeletal muscle: influence of muscle glycogen content”**. The FASEB Journal. 15(14):2748-50.
- Kern PA, Ranganathan S, Li C, Wood L, Ranganathan G. (2001). **“Adipose tissue tumor necrosis factor and interleukin-6 expression in human obesity and insulin resistance”**. American Journal of Physiology-Endocrinology And Metabolism. 280(5):E745-E51.
- Kohm A.P., Sanders V.M. (2001). **“Norepinephrine and β 2-adrenergic receptor stimulation regulate CD4+ T and B lymphocyte function in vitro and in vivo”**. Pharmacological reviews. 53(4):487-525.
- Kraemer WJ, Keijo Hakenen. (2002). Strength training for sport. IOC pub. P:121
- Madden KS (2003). **“Catecholamines, sympathetic innervation, and immunity”**. Brain, behavior, and immunity. 17(1):5-10.
- Nieman DC, Davis J, Brown VA, Henson DA, Dumke CL, Utter AC, et al. (2004). **“Influence of carbohydrate ingestion on immune changes after 2 h of intensive resistance training”**. Journal of Applied Physiology. 96(4):1292-8.
- Nieman, D., Henson, D., et al. (2011). **“Upper respiratory tract infection is**

reduced in physically fit and active adults". British Journal of Sport Medicine. 45(12):987-992.

- Nova EM, A.; López-Varela, S.; Marcos, A. (2001). **"Are elite gymnasts really malnourished? Evaluation of diet, anthropometry and immune competence"**. Nutrition Research. 21(1/2):15-29.
- Pedersen BK, Hoffman-Goetz L. (2000). **"Exercise and the immune system: regulation, integration, and adaptation"**. Physiological reviews. 80(3):1055-81.
- Peijie C, Hongwu L, Fengpeng X, Jie R, Jie Z. (2003). **"Heavy load exercise induced dysfunction of immunity and neuroendocrine responses in rats"**. Life sciences. 72(20):2255-62.
- Powers SK, Howley E.T. (2004). **Exercise physiology: theory and applications to fitness and performance**. 5th ed. ed. Boston, Mass.; London: McGraw-Hill. P 212
- Riccardi C, Bruscoli S, Migliorati G. (2002). **"Molecular mechanisms of immunomodulatory activity of glucocorticoids"**. Pharmacological research. 45(5):361-8.
- Robson-Ansley P, Barwood M, Canavan J, Hack S, Eglin C, Davey S, et al. (2009). **The effect of repeated endurance exercise on IL-6 and sIL-6R and their relationship with sensations of fatigue at rest**. Cytokine. 45(2):111-6.
- Scheett TP, Nemet D, Stoppani J, Maresh CM, Newcomb R, Cooper D.M. (2002). **"The effect of endurance-type exercise training on growth mediators and inflammatory cytokines in pre-pubertal and early pubertal males"**. Pediatric research. 52(4):491-7.
- Shephard RJ, Verde TJ, Thomas SG, Shek P. (1991). **"Physical activity and the immune system"**. Canadian journal of sport sciences. 16: 163-185.
- Singh A, Failla ML, Deuster P.A. (1994). **"Exercise-induced changes in immune function: effects of zinc supplementation"**. Journal of Applied Physiology. 76(6):2298-303.
- Steensberg A, Keller C, Starkie RL, Osada T, Febbraio MA, Pedersen B.K. (2002). **IL-6 and TNF- α expression in, and release from, contracting human skeletal muscle**. American Journal of Physiology-Endocrinology and Metabolism. 283(6):E1272-E8.
- Stewart LK, Flynn MG, Campbell WW, Craig BA, Robinson JP, McFarlin BK, Timmerman KL, Coen PM, Felker J, Talbert E. (2005). **"Influence of exercise training and age on CD14+ cell surface expression of toll-like receptor 2 and 4"**. Brain Behav Immunol. 19:389-397.
- Suzuki K, Yamada M, et al. (2000). **"Circulating cytokines and hormones with immunosuppressive but neutrophil-priming potentials rise after endurance exercise in humans"**. European journal of applied physiology. 81(4):281-7.
- Yamashita N, Hoshida S, Otsu K, Asahi M, Kuzuya T, Hori M. (1999). **"Exercise provides direct biphasic cardioprotection via manganese superoxide dismutase activation"**. The Journal of experimental medicine. 189(11):1699-706.

فرم ارسال مقاله برای فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از تمامی محققان، پژوهشگران، استادان و فعالان دو حوزه ورزش و جوانان دعوت می شود که مقاله های علمی - پژوهشی خود را به همراه فرم تکمیل شده زیر، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:

مشخصات مقاله

عنوان مقاله: نوع مقاله:

مشخصات نویسنده مسئول

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل:

خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکرکدشهر):

نشانی کامل پستی:

مشخصات سایر نویسندگان

نام و نام خانوادگی: نام و نام خانوادگی:

میزان تحصیلات: میزان تحصیلات:

شغل: شغل:

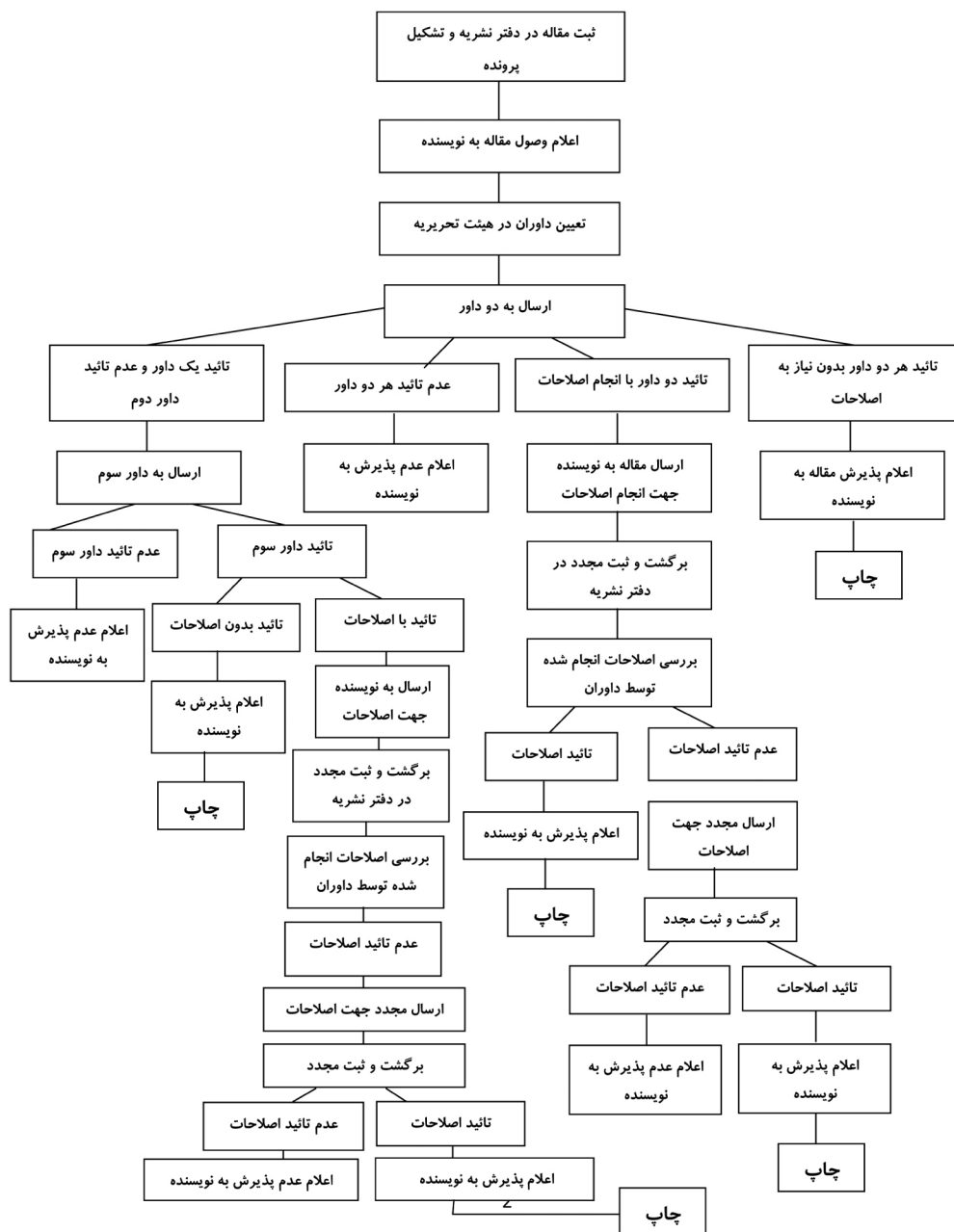
خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی: خلاصه فعالیت ها و سوابق علمی و پژوهشی:

تلفن تماس همراه: تلفن تماس همراه:

پست الکترونیک: پست الکترونیک:

تاریخ ارسال مقاله: امضای نویسنده مسئول:

فرآیند چاپ مقاله در فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان



راهنمای اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

از متقاضیان حقیقی و حقوقی دریافت مجله درخواست می شود که فرم اشتراک زیر را پس از تکمیل، به نشانی دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ارسال نمایند:
تهران- بزرگراه آفریقا، خیابان سایه، پلاک ۴، ساختمان شماره ۲ وزارت ورزش و جوانان
مرکز مطالعات و پژوهش های راهبردی
دفتر فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

۲۳۹

فرم اشتراک فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان

مشخصات متقاضی حقیقی

نام و نام خانوادگی: جنسیت: زن " " مرد "

میزان تحصیلات: رشته تحصیلی:

شغل: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

تلفن همراه: تلفن تماس ثابت (با ذکر کدشهر):

نشانی:

کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

امضای متقاضی:

مشخصات متقاضی حقوقی:

نام موسسه / اداره / سازمان / کتابخانه:

واحد درخواست کننده: کد پستی ده رقمی / صندوق پستی:

تلفن ثابت (با ذکر کد شهر): نمابر (با ذکر کد شهر):

امضای مسئول و مهر مؤسسه:

The Effect of Endurance, Strength and Concurrent Training on Plasma Level of IL-6 and Cortisol in Untrained Men

Ali Gorzi

Ph.D., Associate Professor in Sport Physiology, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Omid Mehrabi

Master degree in physical Education and Sport Sciences, Mazandaran, Iran

Hamid Agha Alinejad

Ph.D., Associate Professor in Sport Physiology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Ahmad Rahmani

Ph.D., Assistant Professor in Motor Behavior, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Agha Ali Ghasemnian

Ph.D., Assistant Professor in Sport Physiology, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Received: 6 Jan. 2015

Accepted: 8 Aug. 2015

19

This study is to investigate the effects of 10 weeks of endurance (E), strength (S) and concurrent (combined E and S) training on plasma level of IL-6 and cortisol in untrained men. In this semi-experimental study, 38 healthy volunteer males (age 24.89 ± 1.21 yrs, height 175.87 ± 6.52 cm, weight 71.98 ± 9.33 kg) were randomly assigned to endurance (N=10), strength (N=9), concurrent (N=10), and control group (N=9). Treatment was conducted three times per week. After 10 weeks, the maximal bench press and squat strength of strength and concurrent groups were improved significantly ($P \leq 0.05$). Similar increment was observed in VO₂max in endurance and concurrent groups ($P \leq 0.05$). Endurance training didn't have any significant effect on IL-6 ($p=0.107$), and cortisol ($p=0.38$) levels. Strengths training also didn't affect on IL-6 ($p=0.63$), but resulted in a significant increment in plasma level of cortisol ($p=0.001$). There wasn't any significant effect of concurrent training on IL-6 ($p=0.162$) and cortisol levels ($p=0.38$). However, only the difference (D) of changes in IL-6 in the concurrent group was significantly lower than control groups ($p=0.016$, 0.710 ± 1.475 vs 0.855 ± 1.31). In conclusion, our results showed that adding the strength training to endurance training, not only, does not compromise the immune function in untrained men, but also can efficiently improve its function.

Key words: IL-6, Cortisol, Endurance Training, Strength Training and Concurrent Training

The Comparison of Personality Feature, Physical Image and Amount of Anxiety among Athletes of Team and Individual Sports

Hassan Norouzi

Master degree in Clinical Psychology, University of Semnan, Semnan, Iran

Shahnaz Mohammadi

Ph.D., Assistant Professor in Clinical Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 24 Jan. 2016

Accepted: 4 May 2016

The study is to compare the personality feature, physical image and amount of anxiety among team and individual athletes. Statistical Society was the present athletes in western of Tehran in 1393 - because of limitation in exact number of them, it is unknown. According to accidental cluster sampling, 140 athletes (70 individual athletes and 70 team athletes) were assessed through the questionnaire. Two groups completed short form of neo personality questionnaire, short form of marsh physical self-description questionnaire and anxiety inventory. In order to analysis data multivariate Analysis of Variance (MANOVA) and one way Analysis of Variance (ANOVA) were used. The results indicated that just in the mean of agreement factor and in the mean of physical activity factor, there is significant difference between two groups of team and individual athletes, in a way that the mean of score of group athletes are higher than individual athletes. In addition, the result indicated that anxiety has no significant difference between two groups. It can be concluded that in against to individual athletes, there are more amount of confidence, cooperation and sympathy in team athletes, and all of the team members try more to be prepared for proving their ability and being fixed member of the team. Also it can be concluded that the anxiety in a sport context is inseparable element of all kind of sports. Accordingly, the more necessity for athletes and coaches familiarity on psychological aspects, and awareness about how these aspects impact, positively will effect on athletes' operation.

Key words: Personality Feature, Physical Image, Anxiety, Team Sports and Individual Sports

Establishing Sports Law Federation; Its Necessity and the Role in Prevention of Sport Misdeeds

Hamid Bagher Nia

Master degree in Law and Criminology, Faculty of Sciences, Electronic Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mahdi Saghian

Ph.D., Assistant Professor in Law and Criminology, Faculty of Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 10 Apr. 2016

Accepted: 2 Aug. 2016

17

Existence of sport misdeeds during the history of sport is a problem that has always affected different aspects of life of athletes and other persons involved in this field, and have always been considered as violation of society's norms by some groups from sport community. In this regard with establishing of sport law course as a university discipline, efforts have been done that with training of experts and specialists in sport law some solution and policies be introduced to decrease sport misdeeds. Nevertheless and in spite of endeavors of specialists and experts, regrettably we are everyday confronting with outbreak of different misdeeds in sport, like Doping, Violence corruption and ... in sports communities which their undesirable results will affect athletic morale and human dignity. So prevention of misdeeds in sport and recognizing their main roots have been among the important aims which experts and authorities have had in their minds since long time ago.

Therefore in this research it has been tried that by bringing into being of a clean and ethnical sport, by getting use of appropriate and effective means like management training with data collection by method library, sport laws and misdeeds to be investigated and ways of preventing these misdeeds introduced so that, by clarifying "necessity of establishing of sport law federation" in addition to its role in decreasing sport misdeeds and violations, possibilities of protection of the right of ministry of sport and youth and different sport federations, in national and international level, and legal support of sport communities in legal and punitive authorities, be provided.

Key words: Sport Law, Sport Misdeeds and Sport Law Federation

Sociological Explanation of the Factors Affecting on Sport Participation of Veterans

(Case Study:Tehran province Athlete veterans in 2016)

Bahram Ghadimi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Rahimi

Ph.D., Assistant Professor, Department of Sociology, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Azadeh Asadi

Master degree in Sport Sociology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received:25 Sep. 2016

Accepted:3 Nov. 2016

In the resent research, we intend using a sociological view that includes both theoretical and field sections, explaining the factors affecting Participation of veterans in sports activities. To explain the independent variable, which is a socio- economic status, we use Pierre Bourdieu -contemporary theorist- theory, but in the case of the dependent variable that is sports participation, we use the theories of sports sociology theorists such as Rowland and Freedson, Scanlan and Simon. The field section is a survey and the data measured, described and analyzed using the questionnaire technique. The research sample consisted of 372 athlete veterans in Tehran province. The sampling method is a multi-stage cluster sampling. After completing the questionnaires, the data were analyzed using SPSS software and statistical tests. Processes and statistical tests represent the fact that there is a significant difference between the dimensions of the socio-economic status of athlete veterans (income, occupation and education), age, marital status, sports fields, percentage of veterans and veterans' participation in sport activities.

Key words: Sports Participation, Socio-Economic Status, Sports Fields and Percentage of Veterans

Modeling Effective Factors on Women's Managerial Development in Sport, Iran

Maryam Monazami

Ph.D. Student in Sport Management, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Rajabi

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Majid Jalali Farahani

Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 8 Jan. 2017

Accepted: 12 Feb. 2017

The study is to model effective factors on women's managerial development in sport, Iran. The research population consisted of 506 commissioners, including 253 managers and 253 experts of sport management of the Islamic Republic of Iran. In this study, all members of the community were selected as sample. From 506 persons in the target population, 407 persons (183 managers and 223 experts) completed the considered questionnaires for the research. Therefore, they were selected as sample. The research method was descriptive, survey type that its data was collected using questionnaires and field studies. Data collection tools for the present research included Demetrius Questionnaire (2006) on examining the attitude to employ women in sport and the researcher-made questionnaire to determine factors affecting advancement of women in managerial positions in sport, the Islamic Republic of Iran. The content validity and construct validity were used to validate both questionnaires; while their reliability was measured using the Cronbach's Alpha. The research findings showed that organizational, cultural, professional, family and personality factors affect managerial development of women in sport and the model of factors affecting managerial development of women in sport has a proper goodness of fit. Other results of the research showed a desirable attitude of sport management experts of the country toward employing women in sport fields of Iran.

Keywords: Women's Employment, Women's Management, Managerial Development and Sports of Iran

Designing the IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee Strategic Plan for the 2020 Olympic

Mahdi Naderi Nasab

Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

Received: 15 Jan. 2017

Accepted: 25 May 2017

The study is to design the IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee. In this article, Vision, Goals, key areas of performance, strengths and weaknesses, threats and opportunities and strategic position in the IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee and athletics medal at the 2020 Olympics will be expressed using the mean, standard deviation and Friedman test at $p \leq 0.05$. In this research, Russian sport strategic plan, China and New Zealand sport strategic plans were analyzed to compare to IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee plan. The data collected from document and 174 samples. Matrix external factors of IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee showed that total scores of matrix are 1.39. Which indicate that the IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee have no good position in opportunities and the control of threats. Matrix internal factors of IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee showed that total scores of matrix are 2.32. Which indicate that the IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee have no good position to use strengths and the eliminate of weaknesses. Also The results of internal and external matrix indicate the Youth and Sports Ministry and the National Olympic Committee strategic position is WT. In other words, we can say weaknesses dominate strengths and Ministry of Sports and Youth and the National Olympic Committee are unable to use opportunities and eliminate threats. The result suggests defensive strategy for the Ministry of Youth and Sports and the National Olympic Committee to prevent the abnormal position. Strategies in this research were designed for Iran Olympic team to achieve 10th rank in the 2020 Olympic.

Key words: Strategic Planning, SWOT, National Olympic Committee, Youth and Sports Ministry

A Study on the Relationship between Social Support and Social Health (Case Study: Kharazmi University Students)

Omid Mazloomi Moghaddam

Ph.D. Student in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Seyyed Alireza Afshani

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Social Sciences Department, Yazd University, Yazd, Iran

Received: 10 Feb. 2017

Accepted: 6 Jun. 2017

13

One of the important issues on the field of sociology is the significant role of social determinants (in this case, support) in human health (particularly its social dimension). This has attracted the attention of many social researchers in recent decades. This study has paid attention to this topic, too.

This research is a cross-sectional survey study. Statistical population of this research, are 361 students of Kharazmi University. Spearman correlation test shows that there is a direct and meaningful relationship between Social health variable and social support. The correlation between different dimensions of social support and social health is equal to 0.298. In addition, the obtained coefficient of determination (r^2) indicates that 8.9% of the changes of social health is related to Independent variables (that is, the dimensions of social support). Based on the results of the Path analysis, the degree of family support in explanation the changes of social health (0/169) is more than Important others support (0/143) and friend support. Similarly, the results of structural equations model and their fitting indicators showed that with increasing social support, social health increases too.

Keywords: Social Health, Social Support, Family, Important Others, Friends and Structural Equation Model

A Study on the Relationship between Using Facebook Social Network and the Sense of Cultural and Social Security (Case Study: Youth of Tabriz City)

Samad Rasoulzadeh Aghdam

Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Hamed Akbarpour

Master degree in General Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Received: 15 Apr. 2017

Accepted: 28 May 2017

Security is one of the most fundamental human needs and is considered as the primary and necessary condition for progress and development of civilized societies. Various researches have indicated that new information and communication technologies such as virtual social networks are factors affecting the sense of cultural and social security. Accordingly, the main research question is what are the effects of using the Facebook social network on the youth's sense of cultural and social security? The present study was conducted using a researcher-made questionnaire with a sample size consisting of 384 participants selected from among the youth of Tabriz city who were Facebook users in 2016. They were selected via the convenience and voluntary sampling method. The research findings indicate that there is a significant indirect correlation between the duration of membership in Facebook, the rate of using Facebook, the type of use of Facebook, and the actual perception of the content of Facebook with the users' sense of social and cultural security in such a way that the increase in the duration membership, the rate of use, type of use, the considering the content of Facebook actual reduces their degree of sense of cultural and social security. Independent variables included in the research regression model can explain 12% of variations in the users' sense of social security and 16% of variations in their sense of cultural of security.

Keywords: Social Security, Cultural Security, Virtual Social Networks and Facebook

Barriers and Structural Constraints Commitment to Citizenship Ethics among 18-29 year old youth

Samira Vakilha

Ph.D. Student in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyyed Yaghoub Mousavi

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Farah Torkaman

Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 9 May 2017

Accepted: 3 Jun. 2017

11

This article is from a research. At this research the obstacles and limitations of commitment to ethic citizenship is studied by considering the major structural obstacles (mind-objective) in dimensions of (practical- attitude and values) among 18-29 year old youth in Tehran. Whether the structural constraints (subjective objective) in the dimensions (practical, attitude, value) of the commitment to citizenship ethics affect the young people of Tehran, or not, is the main question of the present research. In the theoretical framework of this research, Parsons' theories have been used to explain the independent variable (structural barriers and constraints) and Durkheim, Giddens, and Habermas' theory to explain the dependent variable (commitment to citizenship ethics).

This research has been carried out in a survey method. Data collection was done using questionnaire tool (researcher made). Sample size was obtained by random sampling. So, after dividing Tehran into different regions, cluster and random sampling was performed with respondents interviewing and information needed. The statistical population of the study is Tehranian citizens aged 18 to 29 years. Assumptions were analyzed using Pearson's empirical tests, regression and path analysis. The results of the research indicated that structural constraints in social, cultural, personality and biological dimensions are related to the commitment to citizenship ethics and the cultural system has the most restrictive effect on the dependent variable of commitment to citizenship ethics. In general, in the present research, the main problem, the structural barriers and constraints in the commitment to citizenship ethics, can be explained in terms of the theories of Parsons. Also, based on the theory of Habermas, Giddens, Durkheim and Popper, the effect of structural constraints on commitment to citizenship ethics is possible.

Keywords: Citizenship Ethics, Social System, Cultural System, Personality System and Biological System

The Relationship between Globalization and Social Identity (Case Study: Abdanan City Youth)

Jaber Molaii

Lecturer, Social Sciences Department, Payam-e-Noor University, Iran

Yar Mohammad Ghasemi

Ph.D., Associate Professor, Social Sciences Department, Ilam University, Ilam, Iran

Mehri Morad Khani

Master degree in Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

10

Received: 23 May 2017

Accepted: 19 Jun. 2017

The globalization is a phenomenon that has affected global society with different intensity and weakness in the last few decades. The effect of this process can be metaphasis in the production process and reproduction of social identity of youth. Therefore, the current study is to study the effect of globalization on Abdanan youth social identity. In order to explanation of the problem, Giddenss theory was used. The present research is a cross-sectional survey study method. The statistical population of the study included the youth ranging age of 15 to 29 years living in Abdanan city. Clustering multi-stage method was used for selecting the study sample. The sample consisted nearly of 400 subjects. The data were collected by using questionnaire and were analyzed by the softwares of smart-pls and SPSS. The findings of the research showed that the social identity of boys and girls is different and statistically, there is a meaningful relationship between youth social identity and the ratio of reflectivity, disembodiment, using modern communication and information technology, the kind of body management, and the amount of changing sincerity. Moreover, the structure model findings revealed that there is a meaningful relationship between globalization dimensions and youth social identity on the basis of this research findings, it can concluded that modernization waves and following that globalization have affected the social- cultural dimensions of Abdanan city people.

Keywords: Globalization Dimensions, Social Identity and Abdanan City

Digital Family, Religious Identity and Family Values: A Survey in Isfahan

Ali Qanbari Barzian

Ph.D., Assistant Professor, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Ali Seyfzade

Ph.D. student in Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Asqar Mohammadi

Ph.D., Assistant Professor, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Received: 20 Feb. 2017

Accepted: 8 Apr. 2017

This study is to investigate the effect of media on religious and family values in Isfahan. In this paper, we review the relevant theoretical approaches to this important issue is whether the Iranian family with your digital and media literacy institutional values associated with it. According to previous researches and discussion in recent years about the impact of the virtual space including satellite and internet Iranian family values exist, these two variables were selected as variables that influence family values. Methods of survey and the population of citizens that the number of multi-stage cluster sampling method 800 of them were selected to complete questionnaires. And finally the results obtained using structural equation modeling (SEM) showed an inverse relationship between consumption of media (internet and satellite) and family values. It was also found that media consumption is inversely with the degree of religiosity of people. The results showed that there is a direct relationship between religiosity and adherence to family values. Hearts interpretations rented, single-player tables, reflecting the effects of media on their family values. The recommendations in line with the appropriate policy in this regard are provided.

Key words: Digital Family, Religious Identity, Media Literacy, Family Values and Isfahan

Sociological Field of the Formation and Development of Global Citizenship among young people

Azar Rashtiani

Ph.D. Student in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyfollah Seyfollahi

Ph.D., Associate Professor in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Gholam Abbas Tavassoli

Ph.D., Full Professor in Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohammad Reza Javadi Yegane

Ph.D., Associate Professor in Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 24 May 2017

Accepted: 20 Jun. 2017

This paper is to investigate the sociological aspects of the formation and development of global citizenship in young people. The statistical population is all of young students in Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran that 280 students were selected as statistical sample.

In theoretical foundations have been used related theories to this field and at the end of the research theoretical model has been designed. This research has been done using field studies and survey method. The data gathering tool was a researcher made questionnaire and distributed to respondents after validation and reliability estimation. The result shows that there are significant relationship between the experience of globalization, tourism, civil participation, social skills and educational environment, and the formation and expansion of global citizenship as dependent variables.

But there are no significant relationship between national media and formation and development of global citizenship. Using the lisrel Structural Equation Model, among all these factors, it was found that social skills, civic participation and globalization experience are three factors that had the greatest impact. It was found that all these three factors: social skills, civil participation and experience are of greatest impact in globalization. But, in the meantime, civil partnership has most influential in formation and expanding the global citizenship of young people.

Key words: National Mass Media, Globalization Experience, Civil Participation, Social Skills and Educational Environment

The Comparison of Personality Feature, Physical Image and Amount of Anxiety among Athletes of Team and Individual Sports

Hassan Norouzi / Master degree in Clinical Psychology, University of Semnan, Semnan, Iran

Shahnaz Mohammadi / Ph.D., Assistant Professor in Clinical Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

.....18

The Effect of Endurance, Strength and Concurrent Training on Plasma Level of IL-6 and Cortisol in Untrained Men

Ali Gorzi / Ph.D., Associate Professor in Sport Physiology, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Omid Mehrabi / Master degree in physical Education and Sport Sciences, Mazandaran, Iran

Hamid Agha Alinejad / Ph.D., Associate Professor in Sport Physiology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Ahmad Rahmani / Ph.D., Assistant Professor in Motor Behavior, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

Agha Ali Ghasemnian / Ph.D., Assistant Professor in Sport Physiology, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

.....19

Educational Sciences, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Hamed Akbarpour / Master degree in General Psychology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

..... 12

A Study on the Relationship between Social Support and Social Health (Case Study: Kharazmi University Students)

Omid Mazloomi Moghaddam / Ph.D. Student in Sociology, Yazd University, Yazd, Iran

Seyyed Alireza Afshani / Ph.D., Associate Professor in Sociology, Social Sciences Department, Yazd University, Yazd, Iran

..... 13

Designing the IRAN Youth and Sports Ministry and National Olympic Committee Strategic Plan for the 2020 Olympic

Mahdi Naderi Nasab / Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Faculty of Sciences, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran

..... 14

Modeling Effective Factors on Women's Managerial Development in Sport, Iran

Maryam Monazami / Ph.D. Student in Sport Management, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Seyyed Nasrollah Sadjadi / Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Hossein Rajabi / Ph.D., Assistant Professor in Sport Management, Kish International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran

Majid Jalali Farahani / Ph.D., Associate Professor in Sport Management, University of Tehran, Tehran, Iran

..... 15

Sociological Explanation of the Factors Affecting on Sport Participation of Veterans (Case Study: Tehran province Athlete veterans in 2016)

Bahram Ghadimi / Ph.D., Assistant Professor, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Rahimi / Ph.D., Assistant Professor, Department of Sociology, Khalkhal Branch, Islamic Azad University, Khalkhal, Iran

Azadeh Asadi / Master degree in Sport Sociology, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

..... 16

Establishing Sports Law Federation; Its Necessity and the Role in Prevention of Sport Misdeeds

Hamid Bagher Nia / Master degree in Law and Criminology, Faculty of Sciences, Electronic Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mahdi Saghian / Ph.D., Assistant Professor in Law and Criminology, Faculty of Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

..... 17

CONTENTS

Sociological Field of the Formation and Development of Global Citizenship among young people

Azar Rashtiani / Ph.D. Student in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyfollah Seyfollahi / Ph.D., Associate Professor in Sociology, Sciences and Researches Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Gholam Abbas Tavassoli / Ph.D., Full Professor in Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

Mohammad Reza Javadi Yegane / Ph.D., Associate Professor in Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

8

Digital Family, Religious Identity and Family Values: A Survey in Isfahan

Ali Qanbari Barzian / Ph.D., Assistant Professor, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Ali Seyfzade / Ph.D. student in Sociology, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

Asqar Mohammadi / Ph.D., Assistant Professor, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

9

The Relationship between Globalization and Social Identity (Case Study: Abdanan City Youth)

Jaber Molaii / Lecturer, Social Sciences Department, Payam-e-Noor University, Iran

Yar Mohammad Ghasemi / Ph.D., Associate Professor, Social Sciences Department, Ilam University, Ilam, Iran

Mehri Morad Khani / Master degree in Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran

10

Barriers and Structural Constraints Commitment to Citizenship Ethics among 18-29 year old youth

Samira Vakilha / Ph.D. Student in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Seyyed Yaghoub Mousavi / Ph.D., Associate Professor in Sociology, Alzahra University, Tehran, Iran

Farah Torkaman / Ph.D., Assistant Professor in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

11

A Study on the Relationship between Using Facebook Social Network and the Sense of Cultural and Social Security (Case Study: Youth of Tabriz City)

Samad Rasoulzadeh Aghdam / Ph.D., Assistant Professor, Faculty of Psychology and

Editorial Board:

Kiumarth Ashtarian

Associate Professor of Political Science Department, Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran

Mohammad Javadi pour

Assistant Professor of Educational Management and Planning Department, Faculty of Psychology and Education, University of Tehran

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran

Mahdi Taleb pour

Associate Professor of Movement Behavior Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Ferdowsi

Mohammad Hossain Abdollahi

Associate Professor of Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Kharazmi

Farzad Ghafouri

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Mohammad Kashti dar

Associate Professor of Physical Education and Sport Sciences Department, Faculty of Literature and Human Sciences, University of Birjand

Mahmood Golzari

Associate Professor of Clinical Psychology Department, Faculty of Psychology and Education, University of Allameh

Amir Maleki

Associate Professor of Social Sciences Department, Payam-e- Noor University

Habib Honari

Associate Professor of Sport Management Department, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Allameh

Quarterly of
**STRATEGIC STUDIES ON
YOUTH AND SPORTS**

No.35 . Spring 2017

Concessionaire:

Ministry Of Sports and Youth

Director:

Mohammad Reza Fazli

Editor-in-Chief:

Seyyed Nasrollah Sadjadi

Office Manager:

Zahra Kamalian

Typist:

Pardis vahebzadeh

Publication:

Tehran University of Art Press

**Ministry Of Sports And Youth
Strategic Studies And Research Center**

Add: No.4. Sayeh St. Afriqa Blvd. Tehran, Iran

Tel: +98(21)22662369

Fax: +98(21)22662260

<http://faslname.msy.gov.ir>

*In The Name Of Allah
The Beneficent and the
Merciful*